

از بودجه سرمایه جاویدان
بنامگانه روانشاد فریدون
اشتری (خسروی) نوبت دوم
توسط سازمان انتشارات
فروهر به چاپ رسیده است.

اوستا. یسنا. گاهان. فارسی	فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
گاتها: سرودهای زرتشت ترجمه متن اوستایی گاتها با تفسیر و واژه نامه / عباس شوشتری مهرین -	چاپ دوم.
[تهران]: فروهر، ۱۳۷۸.	۱- اوستا. یسنا. گاهان. فارسی. ۲. شعر اوستایی - ترجمه شده به فارسی. الف، مهرین، عباس، ۱۳۵۹ -
پانزده [۳۰۶] ص: عکس.	ب. عنوان. ج. عنوان: سرودهای زرتشت: ترجمه متن اوستایی گاتها با تفسیر و واژه نامه.
ISBN 964-6320-08-2	PIR۴۷۳
	۲۹۵/۸۲
	م۷۸-۱۲۵۷۹
	الف ۱۳۷۸
	کتابخانه ملی ایران



موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر

گاتها (سرودهای) زرتشت

موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

خیابان انقلاب - فلسطین جنوبی - شماره ۶

کدپستی ۱۳۱۵۷ - تلفن ۶۴۶۲۷۰۴

برگردان به فارسی: پروفیسور عباس شوشتری (مهرین)

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: شرکت چاپ خواجه

چاپ دوم: ۱۳۷۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

شابک ۹۶۴-۶۳۲۰-۰۸-۲ - I.S.B.N: 964 - 6320 - 08- 2

گاتھا

سرودھامی زرتشت

ترجمہ متن اوستایی گاتھا با تفسیر و واژه نامه

پروفیسور عباس شوستر
مہرین



سروری) بانو همایون رشید



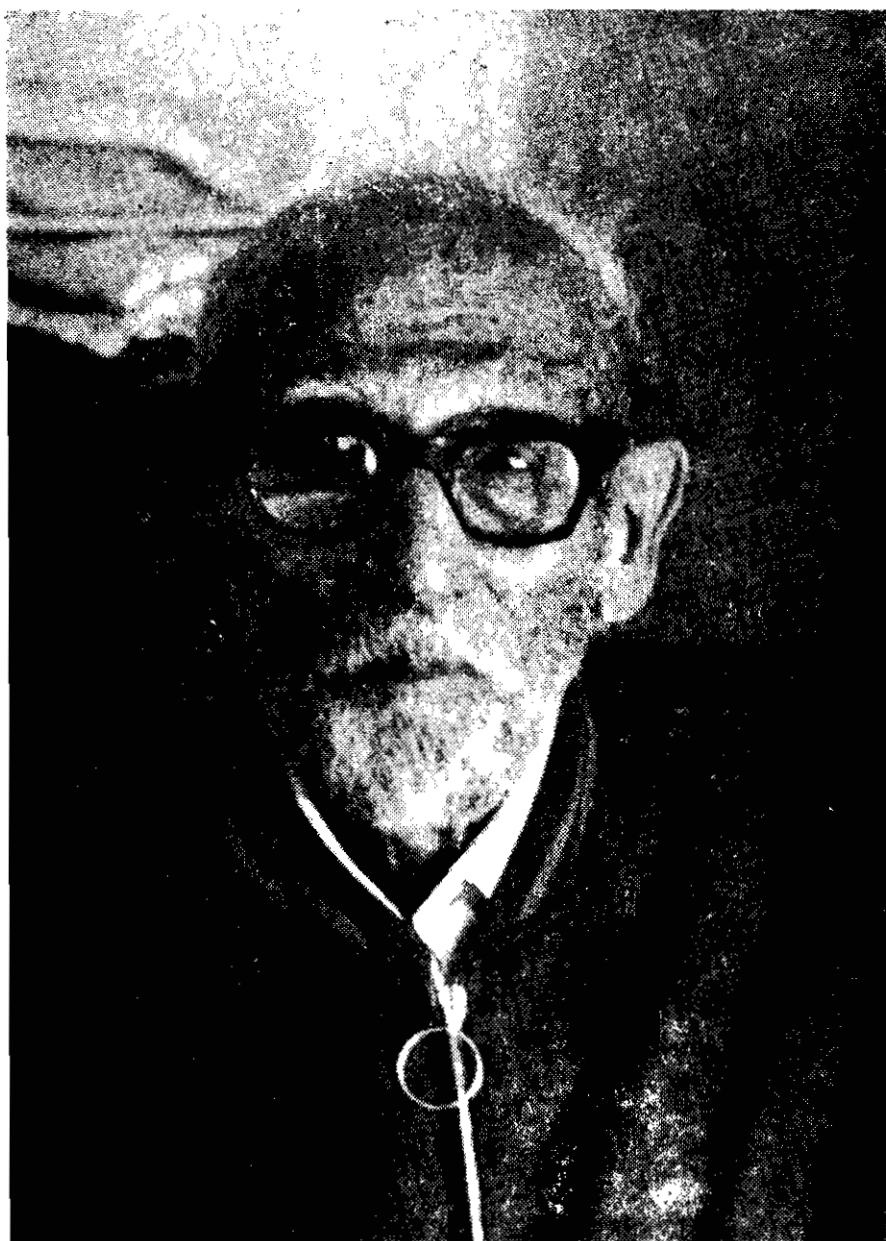
رستم برزوی سروری

اهورا مزدا را سپاس وستایش که آرزوی دیرینم برآورده شد و برگردان پارسی گاتها از دانشمند بلندپایه پروفیسور عباس شوشتری (مهرین) به زیور چاپ آراسته گشت . دیرزمانی در این اندیشه بودم که بشود این گوهر تابناک نیز در کنار دیگر برگردان‌های پارسی گاتها جای گیرد و نورافشانی کند. این سخن را با آقای رستم برزوی سروری در میان نهادم و ایشان با گشاده‌روئی هزینه چاپ آنرا پذیرفتند. رستم برزوی که این کار نیک و جاودانی را بادهش خود از آرزو به کار برآوردند، به سال ۱۲۷۴ در یزد بدنیا آمده در دبیرستان کیخسروی یزد نزد شادروان ماسترخدابخش و دیگر آموزگاران آموزش دیده و از آن پس در یزد و کرمان به پیشه بازرگانی پرداختند و به سال ۱۳۰۰ با دختردائی خود همایون رشید پیمان همسری بستند. رستم سروری با آنکه از توانگران نیستند خوی بی‌نیازی دارند و در نیکوکاری و داد و دهش و دستگیری مستمندان پیش‌گام بوده به اندازه توانائی چیزی فروگذار نکرده‌اند. تندرستی و دیر زیوی ایشان و همسر گرامی‌شان را از خداوند خواستارم

زبان سپاس‌من و همکیشان و دوستان اران فرهنگ ایران از پایمردی و مهربانی و گذشت استاد بزرگوار پرفیسور عباس شوشتری (مهرین) دوست چهل‌ساله که همیشه از خوان دانش‌گسترده ایشان بهره‌ها برده‌ایم کوتاه است از درگاه خدای بزرگ آرمان دارم تندرست و شاد کام باشند.

تهران شهریور ۱۳۵۴

دکتر فریدون ورجاوند



پروفیسور عباس شوشتری «مہرین»

زندگی نامه استاد

محمد عباس شوشتری «مهرین» روزجمعه هشتم ذی‌الحجه سال ۱۲۹۸ قمری در حیدرآباد (دکن) از پدر و مادری ایرانی متولد شد. پدرش محمدعلی و شاعر بود که تخلص «حزین» را برای خود برگزیده بود. محمدعلی حزین مردی فاضل و دانشمند و شاعری خوش ذوق بود. مجموعه‌یی از اشعار وی تحت عنوان «ناله حزین» در هندوستان به چاپ رسیده است.

به سال ۱۳۱۱، یعنی در سیزده سالگی، آقای شوشتری به اتفاق پدر به شهر «پونه» که نزدیک بمبئی بود رفت و در يك دبستان به تحصیل پرداخت. اما حادثه‌یی پیش آمد و دو سال در تحصیل وقفه حاصل شد. لیکن پس از این دو سال، در شهر بنگلور، به مدرسه «سن پاتریک» رفته و به ادامه درس مشغول شد.

تند ذهن بود. بسیار زود در می‌یافت. امین و مورد اعتماد بود. به همین جهت یکی از بازرگانان ایرانی به نام آقای محمد علی شیرازی از وی درخواست کرد تا به «مدراس» رفته و در تجارتخانه ایشان به کار پردازد.

در تجارتخانه مذکور مدت چندماه به کار پرداخت و بیش از حد مورد توجه از لحاظ امانت و درستی و صداقت قرار گرفت. اما حادثه‌یی روی داد. دست روزگار

رقم زده بود که مدتی به سیروسبیاحت به پردازد و تجربه و دانش بینهوزد.
عمویش در ژاپن تجارت می کرد و آقای علیرضا شوشتری نام داشت. طی نامه‌یی
به برادر زاده خود اطلاع داد که هرگاه مایل باشد، وسایل سفری را به ژاپن فراهم
کند تا در تجارتخانه وی به کار مشغول گردد.

این دعوت و فراخوانی مورد قبول آقای شوشتری واقع شد و درحقیقت از آن
استقبال نیز کرد، چون هم فال بود و هم تماشا. هم کاری برایش فراهم بود و هم به
سیر و سفر می پرداخت.

به سال ۱۹۰۳ میلادی، از راه دریا عازم ژاپن شد. سالهای ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴
را در ژاپن بود. کار می کرد و سیاحت و از کار دانش اندوزی غفلت نمی ورزید. هر
چند سفر دریایی طولانی و درازمدت بود و به وی سخت گذشت، اما در عوض، مدت
اقامت دوساله در ژاپن، دوران بسیارخوشی بود. استاد از این دوران با خوشی و
شادمانی یاد می کند. مردم ژاپن را بسیار فعال و پرکار و میهن پرست و دلیر و رزم آور
و دانش پرور توصیف می نماید. مدت دوسال چنان از محبت و پذیرائی و صفات نیک
مردم این سرزمین برخوردار شد که اینک پس از هفتاد سال، به روشنی آن دوران خوش
را به یاد می آورد.

در ژاپن، با مرحوم میرزا علی اصغر خان اتابک (امین السلطان) و مرحوم
مخبر السلطنه آشنا شد. مرحوم اتابک ایشان را تشویق کرد تا به امریکا رفته و به
تحصیل ادامه دهد و پس از آن به ایران برگردد تا مصدرکاری سزاوار شود. در آن
هنگام میان روسیه و ژاپن جنگ در گرفته بود و درباره این جنگ، روزنامه‌ها گزارش‌ها
و مقالاتی مصور به چاپ می رساندند. آقای شوشتری از موقعیت بهره گرفت و
اندیشید چه بهتر که به عنوان یک خبرنگار جنگی شروع به کار کند. به همین جهت سلسله
مقالاتی به فارسی نوشت و به تدریج به کلکته فرستاد تا در روزنامه «جبل المتین» به
چاپ رسد. در واقع وی نخستین خبرنگار جنگی ایرانی بود که گزارش‌های جنگ را
برای چاپ به کلکته ارسال می داشت.

چنانکه اشاره شد، روزگار رقم زده بود که آقای شوشتری مدتی هم چنان در سیر و سفر باشد. عده‌یی از دوستانش در ژاپن مصمم بودند که به امریکا عزیمت کنند. ایشان نیز بر این عزم شدند که راهی امریکا گردند و به تحصیل پردازند. اما مشکل بزرگ آن بود که پولی در بساط نبود و خرج و هزینه سفر نداشتند. مناعت طبع و بزرگ منشی به ایشان اجازه نمی‌داد که از عمو و یا کسی دیگر چیزی دریافت کنند. از همین روی مدت شش ماه کار کرده و صرفه‌جویی و پس‌انداز نمود تا سرانجام هزینه سفر را فراهم کرد.

ینگه دنیا را در پیش داشت با دلی پر شور و پر امید و آرزو. به کشتی نشست و سفر دریایی مجدداً آغاز شد، اما این بار آن سختی‌ها و ناراحتی‌ها وجود نداشت. عاقبت در بندر «پورت‌لند» پیاده شد. اندوخته‌یی بسیار ناچیز برایش باقیمانده بود. مجبور بود با کمال قناعت و صرفه‌جویی زندگی کند تا شاید موفق شود کاری بیابد. در این ایام که فوق‌العاده از لحاظ معیشت نگران بود و کار نیز نمی‌یافت یکی از دوستان وی خبر کرد که در یک دانشکده کشاورزی که در یکی از شهرهای کوچک «اورینگون» واقع است دانشجویی می‌پذیرند، دانشجویی که در ضمن تحصیل کار هم می‌تواند انجام دهد.

آقای شوشتری که رو به امید یافته بود، بدون اتلاف وقت عازم آن شهر شد. رئیس دانشکده مزبور، مردی بود به نام «دکتروینی کمب». هنگامی که موفق شد دانشکده را بیابد، در حالی که نگران بود و حالت بیم و امید داشت، زنگ دانشکده را به صدا درآورد. پس از مدتی در باز شد و مردی در حالی که جارویی دسته بلند به دست داشت با فروتنی و مهربانی پرسید: «چه خدمتی می‌توانم برای شما انجام دهم؟» این مرد در حقیقت رئیس دانشکده بود. آقای شوشتری در پاسخ، با نهایت صراحت و روشنی گفت: «من از ایران آمده‌ام و می‌خواهم تحصیل کنم، اما نه پولی دارم و نه کسی هست که هزینه تحصیل مرا به‌پردازد. به همین جهت می‌خواهم در این جا هم تحصیل کنم و هم کار تا مخارجم تأمین شود.»

دکتر ویتی کمب از صراحت کلام و سادگی بی‌پیرایه آقای شوشتری که نشانی از اعتماد به نفس و بزرگی منشی داشت خوشش آمده و وی را به عنوان دانش‌جو می‌پذیرد که در ایام فراغت به کار و اموردانشکده سرگرم باشد. پس در این دانشکده آقای شوشتری برای گرفتن درجه «B.A» به تحصیل می‌پردازد. برای تحصیل دروس: شیمی، گیاه‌شناسی، باکترولوژی، رسم، زبان آلمانی و تاریخ را انتخاب می‌کند. از ساعت پنج صبح تا ده‌شب، بی‌وقفه و با پشتکار به فعالیت می‌پرداخت. کوشش می‌کرد که هم به کار برسد و هم از تحصیل غافل نماند. در ضمن درس، متوجه شد که در شیمی استعداد چندانی نداشته و در عوض به باکترولوژی بسیار علاقه مند است. به همین جهت نیروی خود را بر آموختن این علم هرچه بیشتر متمرکز ساخت.

در باکترولوژی به کسب نمرات قابل توجهی نایل آمد. همین امر موجب شد که خود را برای تحصیل در دانش پزشکی آماده نماید. این مسئله را با استاد خود آقای «پروفسور پرنو» در میان نهاد. اما این استاد که از ذوق شاگرد خود آگاهی داشت، وی را منصرف ساخت و اندرز داد بهتر این است که دنبال رشته‌ی بروی که قلباً بدان علاقه واقعی داری.

این راهنمایی و اندرز بسیار در آقای شوشتری مؤثر واقع شد. با خود خلوت کرد تا دریابد به چه رشته و چه دانشی دلبستگی دارد. آنگاه دریافت که علاقه‌نهایی‌اش به ادبیات و تاریخ و فرهنگ ایران است؛ و از همین هنگام بود که بسا پشت‌کار و علاقه همت‌گماشت و عمر خود را وقف تحصیل در تاریخ و فرهنگ و ادب ایران کرد. اینک از آن ایام درست هفتاد سال می‌گذرد و استاد همچنان با همت و علاقه کار خود را دنبال می‌کند.

باری، چند سال در آن دانشکده به تحصیل سرگرم بود و کار می‌کرد اما در نهادش شور و بی‌قراری وجود داشت. هنوز به آنچه که می‌خواست دست نیافته بود. در همین دوران عازم نیویورک شد و با مردی به نام «رگسن» آشنایی یافت.

رگسن دل‌بستگی عمیقی به فلسفه و آیین هندوی به ویژه ودانتیزم و آیین بودایی داشت، طبع انزو او کناره‌گزینی از اجتماع و فراهم کردن خلوتی برای دوربودن از گیرودار و هیاهوی زندگی، وی را وادار کرده بود که قطعه زمین وسیعی به مساحت ۵۰۰ جریب خریده و چون «روبنسن کروزو» زندگی کند.

رگسن و همسرش تنها بودند و فرزندى نداشتند. چون نجابت و علوطبع و پاکیزه‌خویی آقای شوشتري در وی مؤثری واقع شده بود، از وی دعوت کرد که در صورت تمایل می‌تواند به آنها پیوسته و در آن زمین زندگی کند.

استاد پیشنهادش را پذیرفت. اما تنهایی و خلوت و تهی بودن زندگی در چنان زمین وسیعی، موجب شد که بیش از يك ماه دوام نیاورده به همین جهت از دوستش خداحافظی کرد و قصد سانفرانسیسکو را کرد.

بایستی برای تأمین معاش کاری پیدا می‌کرد. پس در کارخانه‌یی برایش کاری پیدا شد و مشغول شد. چند ماهی در این شهر بزرگ زندگی بی دغدغه و آرامی راسپری ساخت. اما وقوع يك زلزله شدید روزی وی را که خواب بود هراسان بیدار کرد. این زلزله که فقط پنج دقیقه دوام داشت، يك سوم سانفرانسیسکو را ویران ساخت.

پس از این شهر نیز دل بریده و به شیکاگورفت. در شیکاگو نیز آرامشی پیدا نکرد و دل‌بستگی برایش فراهم نشد. از این روی دوباره به نیویورک برگشت. در نیویورک با عده‌یی از کسانی که بعدها جزو مشاهیر و رجال امریکا شدند آشنایی پیدا کرد. در همین دوران بود که با پروفیسور ویلیام جکسون و دستور دالا آشنایی یافت. جکسون که اطلاعات و معلومات وی را درباره ایران سنجیده بود، پیشنهاد کرد که رساله‌یی درباره ایران بنویسد. گویا در این زمان بود که شرار پنهان در وجودش يك باره زبانه کشید و در پرتو آن مصمم شد تا راهی را ادامه دهد. دریافت که این بی-قراری و عدم دل‌بستگی به کار درینگه دنیا چیست. وی به مشرق زمین تعلق داشت و بایستی رخت بدانسوی می‌کشید.

اما با این حال، سیاحت و جهانگردی پایان نیافته بود. بار سفر بست و به

لندن رهسپار شد. این سفر وی را خسته و کسل کرد. اندوهمند و گمگشته بود. دیری در لندن نپایید؛ به پاریس رفت. سال ۱۹۰۶ بود. چند ماهی در فرانسه برای بازرگانان هندی کارکرد و معاش خود را تأمین نمود. اما آشفته بود و بی‌قرار. با یکی از دوستانش به نام «همبانو» به سویس و از آنجا به رم رفت و مدتی در این شهر و ناپل به سر برد. اوقات استاد در ایتالیا اغلب به گردش و مشاهده آثار تاریخی مصروف می‌شد. در رم نسبت به آثار «ماتسینی» میهن پرست مشهور ایتالیایی کشش فوق العاده‌یی پیدا کرده و به مطالعه آنها پرداخت.

دیگر خسته شده بود. دلش هوای مشرق زمین و دیدار عزیزان داشت. به کشتی نشست و راهی بغداد شد. مدتی در کاظمین میهمان خویشان بود. سپس به سال ۱۹۰۸ راهی ایران شد و در کرمانشاه اقامت گزید. خویشان و اقوام تشویقش کردند تا همسری بگزینند. به همین جهت با دختر عمویش «مریم» ازدواج کرد و به عراق برگشت و در کاظمین در مدرسه اخوت به سمت معلم مشغول کار شد.

پس از ده سال که استاد در عراق و ایران به سربرد، به سال ۱۹۱۹ به هندوستان مراجعت کرد. در این هنگام دانشگاه میسور به استاد نیازمند بود و آقای شوشتری به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی استخدام شده و شروع به کار کرد. مدت بیست و پنج سال سرگرم تدریس بود. در اثر علاقه شدیدی که به فرهنگ ایران باستان داشت در ایام تعطیلات تابستانی دانشگاه به بمبئی مسافرت می‌کرد و در محضر استادانی بزرگ و مسلم چون: بهرام گور انکلسریا، دکتر ابرج تاراپوروالا، آقای پونیگر، رستم دابر، جمشید - جی، مدی شمس‌العلما، جمشید بلسارا و پروفیسور وادیابه تکمیل معلومات خود در زبان و فرهنگ اوستایی می‌پرداخت. از این میان با پروفیسور وادیابه دوستی محکم و استواری داشت و برای این دانشمند به نام ارزش ویژه‌یی قایل بود.

بارهنمایی و همفکری چنین استادانی بود که ترجمه‌یی بسیار منقح و خوب از گاتها، سرودهای زرتشت به فارسی فراهم آورد. ترجمه و تحقیقی که بسیار عالمانه

است، به ویژه که کسانی چون دکتر ناراپوروالا و دکتر انکلسر یا کاملاً در کار آن نظارت داشته‌اند.

هم‌چنین در همین ایام بود که ترجمه فرهنگ اوستایی بارتولومه را نیز با راهنمایی و همکاری استادان مذکور به فارسی برگرداند. دو گنجینه‌ی که جایشان در زبان فارسی بسیار خالی است؛ و در همین دوران بود که یادداشت‌هایی فراوان در باره تاریخ و فرهنگ ایران باستان تهیه می‌کردند و جلد اول مجموعه ایران‌نامه که راجع به تاریخ ایران باستان است در همین دوران به چاپ رسید.

در سال ۱۹۴۰- استاد از دانشگاه میسور، درخواست استعفا کرد. خواست‌شان آن بود که بازنشسته‌شونده‌خستگی از سویی و گرفتاریهای خانوادگی از دیگر سو، انگیزه این کناره‌گیری بود. دانشگاه موافقت کرد. استاد به ایران آمد و مدت چهار سال یعنی تا ۱۹۴۴ در ایران ماند.

در سال ۱۹۴۵- دانشگاه پنجاب در لاهور از ایشان درخواست کرد که به سمت استاد در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پنجاب بکار پردازد. این کار تا سال ۱۹۵۰ به طول انجامید. اما ضعف فوق‌العاده در بینایی و آب مروارید، کهولت سن که وجود ایشان را ناتوان ساخته بود، موجب شد که از کار کناره‌گیرند.

از سال ۱۹۵۰- استاد دیگر تدریس نکرده و تاکنون به کار تحقیق و تألیف پرداخته. دامنه معلومات ایشان بسیار وسیع و عمیق است. اما دویار و دو معشوق جدا نشدنی دارند که اوستا و قرآن است. اغلب عمر استاد صرف تحقیق و ترجمه و واژه‌شناسی و لغت‌نویسی و تفسیر این دو کتاب دینی شد. بهترین گفت‌وگو و بحث برای استاد هنگامی است که از این دو اثر بزرگ سخن به میان باشد، و قسمت اعظم این هر دو کتاب را از حفظ هستند و کتابهایی که در این دو زمینه نوشته‌اند حاکی از شور و شوقی شگرف می‌باشد.

پروفسور شوشتری در زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، اردو بسیار مسلط و ورزیده هستند. آن‌چنان در اردو چیره می‌باشند که آرزو می‌کنند کاش به این زبان

کتابهایی نوشته بودند و می‌گویند هرگاه عشق و علاقه به زبان پارسی و پارسی‌نویسی نبود، ترجیح می‌دادم به اردو چیز بنویسم.

فرانسه و آلمانی را در حدی که احتیاجاتشان در امور ترجمه و تحقیق برطرف شود می‌دانند. از زبانهای باستان، زبان اوستایی و سنسکریت و پهلوی و فرس باستان را نیک میدانند. اغلب کتیبه‌های هخامنشی و اوستا را از حفظ هستند، ترجمه گاتاها از متن اوستایی و ترجمه کتاب «بهگوت گیتا Bhagvat Gita» از متن سنسکریت نشان تبحر ایشان در این زبانهاست.

کتاب «تاریخ ادبیات عصر هخامنشی» و نیز کتاب «تاریخ ادبیات عصر ساسانی» که همراه با مختصر گرامر این دوزبان و ترجمه‌هایی مستقیم از متون پهلوی و فرس باستان است نیز نشان کارآیی و تجربتشان در دوزبان است. هم‌چنین مقالات و دو کتابی که به انگلیسی نوشته‌اند، نشان‌گر آن است که در این زبان چون فارسی، چه ساده و روان می‌نویسند. زبان ژاپنی را نیز در هنگام اقامت در ژاپن فرا گرفته بودند که اکنون چندان به یاد ندارند.

برنامه منظم زندگی روزمره، در خور و خواب و کار و مطالعه و تفریح را آنقدر دقیق به مورد اجرا می‌گذارند که گاه به سرحد وسواس می‌رسد. هر کار و عملی، زمان معین و دقیقی دارد، که به هیچ وجه ترك نمی‌شود. در این مورد، آدمی امانوئل کانت را به یاد می‌آورد. بالفرض هرگاه استاد عصرها از خانه برای قدم زدن خارج شود، اطرافیان می‌فهمند که درست رأس ساعت چهار است و سایر امور نیز از همین دست می‌باشد.

در بسیاری اوقات، با علاقه، اوستا و قرآن را با آواز مخصوص و قرائت ویژه تلاوت می‌کنند و لذت می‌برند. در برنامه غذایی، کم خوراکی را پیشه ساخته و بسیار کم خوراک می‌باشند. از دارو و پزشک‌گریزان بوده و تاکنون به ندرت اتفاق افتاده که درگیر دارو و درمان واقع شوند.

از هر فرصتی برای تحقیق و تألیف بهره‌بری می‌کنند و تاکنون آثار فراوانی

از استاد به چاپ رسیده و به همان نسبتی که چاپ شده، تقریباً آماده چاپ می‌باشد. در این جا فهرستی از آثار چاپ شده و چاپ نشده استاد آورده می‌شود که عبارتند از:

۱- خود را بشناس. به سال ۱۹۱۲ در کرمانشاه چاپ شده است.

۲- نور آسیا «زندگی بودا» ترجمه از انگلیسی که در ایران نامه، جلد دوم مجدداً به چاپ رسیده است.

۳- ایران نامه ، عصر ماد و هخامنشی. در سال ۱۹۲۵ در هند به تعداد ۲۵۰ نسخه چاپ شده و هزینه آنرا مهاراجه میسور پرداخت.

۴- داستان گرشنا ، ترجمه بهگوت گیتا که به وسیله آقای وحید دستگردی به چاپ رسید.

۵، ۶- ایران نامه «کارنامه اشکانیان» در دو جلد که توسط وزارت فرهنگ در زمان آقای اسماعیل مرآت طبق دستور نخست وزیر وقت جناب آقای علی منصور به چاپ رسید.

۷- چه دیدم و شنیدم - زندگی نامه استاد به قلم خودشان که هنوز به چاپ نرسیده.

۸- قصه پیروز و پروین.

۹- ایران نامه - جلد سوم «تاریخ ساسانیان»

۱۰- جامعه ایران در عصر ساسانیان.

۱۱- کشور داری در عصر ساسانیان.

۱۲- همسایگان ایران در عصر ساسانیان

۱۳- کیشهای ایران در عصر ساسانیان.

۱۴- تاریخ ادبیات ایران در عصر ساسانی.

۱۵- تاریخ ادبیات در عصر اوستایی.

۱۶- تاریخ ادبیات در عصر هخامنشی.

۱۷- تاریخ ادبیات ایران در عصر خلافت عرب.

- ۱۸- تاریخ ادبیات ایران در عصر سامانیان و غزنویان.
- ۱۹- تاریخ ادبیات ایران در عصر سلجوقی «زیر چاپ»
- ۲۰- تاریخ ادبیات ایران در عصر چنگیزیان.
- ۲۱- تاریخ ادبیات ایران در عصر تیمور تا نادر.
- ۲۲- تاریخ ادبیات ایران از عصر کریم خان زند تا احمدشاه.
- ۲۳- تاریخ ادبیات ایران در دوره معاصر.
- ۲۴- نغمه ایزدی - ترجمه بهگوت گیتا- همان داستان کریشناست که از متن سانسکریت مجدداً ترجمه شده.
- ۲۵- تصوف چه بود و چه باید بشود.
- ۲۶- قهرمانان ایران باستان.
- ۲۷- فرهنگ اوستا.
- ۲۸- ترجمه ریک ودا، دو کتاب مذکور با کمال تأسف مفقود شده است.
- ۲۹- ترجمه کاتنها.
- ۳۰- انتخاب از مثنوی مولانا بلخی با توضیحات و یادداشت.
- ۳۱- فرهنگ لغات قرآن.
- ۳۲- خاتم النبیین- جلد اول
- ۳۳- خاتم النبیین - جلد دوم
- ۳۴- زبان و ادبیات ایران خارج از ایران.
- ۳۵- مجموعه مقالات- به انگلیسی و فارسی در مجله «ایران لیگ» و نشریه دانشگاه پنجاب و نشریه سفارت هند در تهران.

36- Out lines of islamic culture

کتاب فوق دوبار تاکنون به چاپ رسیده است.

History of persian Literature

استاد برای کتاب ارزنده «قهرمانان ایران باستان» که از شاه نامه الهام گرفته شده بود، به سال ۱۳۴۴- از طرف یونسکو به اخذ بهترین جایزه نایل آمد. به سال

چهارده

۱۹۶۱- از طرف دانشگاه میسور. دکترای افتخاری به استاد اهدا شد و سمت پروفیسوری در ادبیات یافت. به سال ۱۳۵۰ در اردیبهشت ماه از طرف وزارت آموزش و پرورش، يك قطعه نشان سپاس درجه يك طی تشریفاتی به استاد اهداء شد:

بلند طبعی و مناعت و صفات و سجایای استاد، برای همه آنهایی که از دور و نزدیک ایشان را می‌شناسد، قابل تقدیر است. استاد مهترین تقریباً همه آثار خود را با هزینه شخصی چاپ و منتشر کرده‌اند و برای اکثر آثار دیگری که به وسیله مؤسسات چاپ و انتشار چاپ شده حق التالیفی دریافت نکرده‌اند. اما متأسفانه ضعف فوق-العاده در بینایی و جسم سبب شده که آثار ایشان چنانکه بایستی خوب و بی‌غلط به چاپ نرسد. استاد می‌گوید با کمال تأسف در ایران تألیف و نوشتن، بسیار سهل‌تر است تا به چاپ رساندن.

تنها کتابی که برای استاد درآمدی داشته. کتابی است به انگلیسی به نام «خلاصه تعالیم اسلام»، که به دستور مهاراجه میسور به چاپ رسید و مبلغی در حدود هشت هزار روپیه به ایشان پرداخت شد. استاد با کمال بزرگواری و بلند طبعی، با آنکه خود از این وجه بی‌نیاز نبودند، آن را تماماً در اختیار دانشگاه میسور قرار دادند تا برای کمک به محصلان بی‌بضاعت مصرف شود.

موبدان

رهبردینی که تدریجاً بمفهوم دانشمند در آمد. موبدانیکه روحانی بودند و به امور آتشکده خدمت میکردند وظایفی داشتند، از جمله:

- ۱- نگهداشت آتش مقدس که نبایستی هرگز خاموش بشود
- ۲- تهیه هوم و نیاز نان و زمزمه و نیایش
- ۳- پاک کردن پلیدیها - بنا به دستوریکه دروندیداد داده شده به اقتضای وقت و محیط گاهی

- ۴- اجرای حدود شرعی
- ۵- اجرای رسومی که در ولادت و کستی بندان بجا آورده میشوند
- ۶- رسم ازدواج
- ۷- خواندن سرود حین نماز
- ۸- تجهیز و بردن میت به دخمه و رسوم دخمه
- ۹- شرکت در رسوم سوگ و سوز
- ۱۰- ستاره شناسی و پزشکی نیز میدانستند

ترجمه و تفسیر اوستا

احتمال دارد از عصر هخامنشی و اشکانی بسبب قدامت زبان اوستائیکه در آن عصر در دست بود موبدان به ترجمه و تفسیر بزبان وقت نیازمند شدند . تفاسیر گوناگون نوشته شدند بلکه نوعی از علوم کلام نیز وجود یافت و در نتیجه اختلاف در ترجمه و تفسیر، مذاهب تازه ظهور کردند . قدیمترین آنها باید عقیده زروانی باشد که بنا بر نوشته برخی از مورخین مؤسس آن دانشمندی بنام ارشاک بود که در

اواخر عصرهخامنشیان میزیست (برای تفصیل رجوع شود به تألیف نگارنده بنام ایران‌نامه، عصر اشکانیان) کلمه ابن‌الوقت یادگار عصر زروانی است. باستان‌ترین نوشته پهلوی که اکنون در دست داریم از عصر شاهپور دوم و نوشیروان است. نوشته‌های پیش از آن پراکنده در دیگر نوشته‌های اواخر عصر ساسانی و اوایل اسلام پیدا میشوند. ترجمه سرودهای به ویژه گاتا به پهلوی اکنون برای دانستن آموزش زرتشتی کمک‌بزرگی است.

انتشار و تبلیغ کیش زرتشتی

بزبان پهلوی کلمه فرورانه (EraVarana) بمفهوم تبلیغ است. وظیفه هر زرتشتی، تبلیغ دین و انتشار دادن به آموزش زرتشت است. درینسای ۴۶ در بند ۳ میفرماید:

ای مزدا! چه وقت خواهد بود که برای نگهداری از آفرینش، اشاپدید شود
چه وقت آموزش نجات دهنده خواهد درخشید
و به یآوری دانش خواهد رسید
ای اهورا! برای آموزش کیش تنها ترا برگزیده‌ام

در این قطعه که اشاره به تبلیغ دین است، از خود زرتشت آغاز گشت. از شاهان ساسانی اردشیر بابکان و شاهپور اول و دوم تبلیغ کیش را وظیفه میدانستند. دستور آذربد وزیر شاهپور در کار تبلیغ معین پادشاه بود و مردم را به وعده و وعید به دین یهی دعوت میکرد و اگر بنده‌ی غیر زرتشتی کیش زرتشتی را می‌پذیرفت، از بندگی آزاد میشد، بگفته‌الیسوس (ELisaus) یزدگرد دوم و شاه بانوی او به نیروی شاهی ارمنیهای مسیحی را میخواستند زرتشتی بکنند آنانرا به دادن رتبه و مقام، بخشیدن مالیات و بخشش القاب تشویق میکردند الیسوس کشیش مسیحی بود و ممکن است در آنچه نوشته مبالغه کرده باشد

از مبلغین زرتشتی مهرنرسی وزیر بزرگ یزدگرد دوم بود فرمانی بنام پادشاه خطاب به رعایای ارمنی صادر کرد و آنها را به کیش زرتشتی دعوت نمود و هم چنین در گرجستانی و البانی (قفقاز) و دیگر ممالک کیش زرتشتی تبلیغ میشد که جواب تبلیغات کشیشهای مسیحی بود و مردم مسیحی را به دین زرتشت دعوت مینمود.

بنابر نوشته آقای بدرالدین حی چینی، شاه بانوی لن تای خو (Lin - tai kou) زرتشتی شد و به پیروی او بسیاری از بزرگان چین زرتشتی شدند و آتشکده‌ها بنا کردند تا اینکه در سال چهارم و ته (Wu teu) که مطابق با سنه ۶۲۱ میلادی میشود، یعنی هفت سال پیش از برافتادن و کشته شدن خسرو پرویز در کشور چین به اندازه‌ای کثرت زرتشتی‌ها بود که دولت چین اداره‌ای تشکیل داد که امور آتشکده‌ها را بررسی کند. بنابر تاریخ چین در آنوقت در پایتخت آن کشور که شهر (سی آن) نامیده میشد، چندین آتشکده بنا شدند یکی از آنها در جانب مغرب و جنوب «پوچن فانگ» (Puchin fang) و دومی در سمت غرب شمال در محله لی جوان فانگ (Lichuan fang) و سومی در محله بوئن فانگ (Bunin fang) و چهارمی در محله جن کوفانگ Gan Kuo fang و یکی در استان هونان (hunan) و نیز در شهر لیانگ چاو (Liang chau) بنابر کثرت آتشکده‌ها باید چندین موبدان زرتشتی به آنجا رفته باشند و بعید نیست به این مناسبت یزدگرد سوم واپسین شاه ساسانی با همراهان بجای هند به چین رفته باشد. اگر از شاهان ساسانی یکی آزاد-منش و بی‌تعصب بود، موبدان متعصب، با او مخالفت میکردند و گاهی نوبت به خلع و زندانی شدن او میرسید - هر مزد چهارم پسر انوشیروان دو خصلت بسیار ستوده داشت و مورد و سبب تباهسی او شدند. یکی یاری و حمایت از بینوایان و زبردستان که نمی‌گذاشت بزرگان بر آنهاستم کنند و دیگر آزادمندی او که بایروان هم کیش یکسان رفتار میکرد و این برعکس سیاست پدرش بود، زیرا انوشیروان ظاهراً سخت حامی موبدان بود. هرگاه موبدان بر هر فرد ایراد گرفته گفت تخت من بر چهارپا استوار است و می‌باید با همه رعایا یکسان رفتار کنم و البته این اندیشه او

بسیار درست بود ولی به نظر موبدان نادرست و ناپسندیده درآمد. با وجود تعصب موبدان و کوشش برخی از بزرگان به دعوت کیش زرتشتی روی هم رفته، موبدان در آن کار مسامحه میکردند و سست بودند. کیش زرتشتی در مغرب پیشرفت کرد ولی در مشرق تا مغولستان پیش رفت.

سوشی.ینت یا نجات دهندگان

دوره‌های انتشار کیش زرتشتی در چهار دور تقسیم میشود به این ترتیب:—

۱- دوره زرین و این نخستین دوره عصر شاه ویشتاسپ است که ایرانیها تازه آموزش مزدیسنی را پذیرفته و در کیش زرتشتی نشاط بی اندازه داشتند، و میکوشیدند که رهبران ایرانی، در ایران و کشورهای همسایه آموزش اشائی را معرفی کنند آنچه فردوسی توصیف از تبلیغ اسفندیار کرده از این دوره هست

۲- دوره سیمین - پس از زرتشت کم کم فساد پدید میشود و در عصر ساسانی

ایران زرتشتی هست ولی نشاط و صداقت عصر ویشتاسپی را ندارد

۳- دوره پولادین - روبه انحطاط میروند

۴- دوره آهنین - فرهنگ آریائی در انقراض دوره‌های ساسانی به نهایت

پستی رسید که هنوز ادامه دارد و زرتشتیها منتظر هستند که مانند پیش گوئی یهود به ظهور مسیح و مسیحیان به ظهور پدرو مسلمانان به ظهور مهدی و هندوان به ظهور اوتار دهم دنیاها از نوبه راستی و نظم درستی تبدیل گردد و برای اینکار سه تن از فرزندان زرتشت را در نظر دارند البته اینها فرزندان معنوی او هستند به این ترتیب:

۱- هوشوار - بزبان اوستایی اخشیت ارتا (Ukshyart ereta) و اودرسن

سی سال از اورمزد الهام خواهد یافت و به نشان پدید شدن او خورشید تا ده روز بزرگ جا ساکن میماند و از این تغییر بزرگ مردم نگران میشوند و منتظر میگردند

که حادثه بزرگ در پیش است، تا اینکه هوشوار فرمانروای جهان میشود و جهان پر از فراوانی و پرهیزگاری میگردد۔ از سه بهره دوبره مردم پاکدامن میشوند و به جانوران تندبار کمتر آزار می‌رسانند .

دوم فرزند بنام هوشدار ماه ، به زبان اوستایی اخشیت نمنگهه (Ukh - shyat Namangh) او نیز در سی سال از اورمزد الهام می‌یابد و به نشان ظهور او خورشید بیست روز ساکن میماند و در زمان او مردم ستوده‌تر میشوند و زندیبار شیر بیشتر میدهند. خوراک مردم کمتر و تندرستی بهتر میشود

سوم فرزند بنام سوشیوس و او در سن سی سال ظهور میکند و به نشان ظهور او خورشید یکماه برجای میماند . تن سوشیوس چون خورشید روشن و چشم او بینائی شش چشم (شش جفت) را دارد. در زمان او دنیا پر از شادی و آسایش است او را چندین تن یاری خواهند کرد از جمله :

۱- اگرای رتا یا اغریث برادر نیک افراسیاب (فرن رسین)

۲- برسدگاو

۳- ار و تدنرا Ur vatad Nara

۴- نرسی، توس، گیو، پشوتن باچترا مهر و یکصد تن دیگر.

در برخی از نوشته‌های پهلوی نام ابای رز ibai raz و اشاورزه نیز می‌یابیم که با هوارتن در خدمت کیخسرو به یاری سوشیوس می‌رسند برخی نوشته‌اند که یاران او پانزده تن زن و پانزده تن مرد خواهند بود. در آنوقت از دهک از بنددما و ندرها شده جهان را فاسد خواهد کرد و به فرمان اورمزد سرش و نریوسنگ گرشاسب را از خواب طولانی بیدار خواهند کرد و او از دهک را خواهد کشت. سوشیوس و هفت تن از یاوران بنام روشن چشم - خورچشم، فروت گدمن (Fraut cadman) و وروت

گدمن و کامک و وخششن vaKhshishnn و کامک سوو برهفت کشورشاهی خواهند کرد و گرچه از هم دور خواهند بود ولی به نیروی روانی از هم آگاه خواهند شد سوشیوس در خوانیرس (ایران) میماند و چنانکه در جای دیگر این نامه اشاره شد ستاره دنباله دار بر زمین افتاده ، زمین را با آنچه در آن هست، نابود خواهد کرد این افسانه البته ربطی به سرودهای گاتا ندارد و من در آورده‌ی عصر ساسانی است ولی در گاتا نام سوشینت مکرر ذکر شده از جمله در سرود ۴۸ بند ۱۲ سطر اول میفرماید :

یقیناً چنین خواهد بود نجات‌دهنده زمین‌ها و نیز در بند ۹ میفرماید:
نجات دهنده باید بداند چگونه برکت او جریان خواهد یافت و نیز در سرود ۳۴ بند ۱۳ سطر سوم
آموزش نجات دهندگان
سوشینت نخستین خود زرتشت است و عصر زرین ۵م عصری است که او آموزش خود را اعلام کرد.

گونای سه‌گانه یا کیفیات یا نفس ذهنی

بزبان سنسکرت گونا به فارسی باستان ماین یو بمفهوم احساس یا نفس به عقیده حکمای هند گونا سه نوع میشوند باین ترتیب
۱- گونای «ست» راست و درست و نظم و پاکی
۲- گونای «رجس» فعال و چون به یکی از دو نفس دیگر پیوست آنرا تقویت میکند

۳- گونای تمس (Tamas) تیرگی ، تن پروری ، بی‌نظمی و جهل
مقابل گونای هند قرآن مجید سه نفس دارد یکی نفس مطمئنه دوم نفس لوامه و سوم نفس اماره و در ایران به دو محدود شده‌اند یکی نفس سپنتا یا سپنیا و دیگری انگرا یا اهریمن . اینهاگر چه بهم می‌آمیزند و از آمیزش اینها جهان تن تشکیل

شده ولی به فرموده گاتا سرود ۴۵ بند دوم در عین آمیزش استقلال خود را از دست نمیدهند و به اندازه کاهش یا افزایش اینها دارنده بصورت مخصوص در می آید اینها منحصر به بشر نیستند بلکه در حیوان و نباتات نیز تأثیر دارند . حیوان درنده به تربیت اهلی میشود و موقتاً درندگی را فراموش میکند یا در او تعدیل پیدا میشود ولی باطن او اصل را از دست نداده ، اگر یکی در اخلاق صدی پنجاه ست و بیست رجس و سی تمس باشد مرد نیک و فعال ولی نیکی او محدود است گونا گذشته بر سیرت صورت را نیز تغییر میدهند و اختلاف در صورت و سیرت و رفتار و کردار از آمیزش آنهاست و هر که چنین آمیزش را پذیرفت در عقیده جبری میشود مگر اینکه بگوید به تربیت و اراده قوی گونا ضعیف بلکه موقتاً نابود می گردند .

ساخت بشر

بنا بر آموزش اوستا ساخت بشر را اگر از ترکیب به مجرد بگیریم چنین می شود .

- ۱ - تنو یا تن - پیوستن عناصر مختلف که ممکن است هر آن از هم گسیخته و متلاشی و پراکنده شوند
- ۲ - گیتا یا گیتی - اعضای حیاتی
- ۳ - اروا - اعصاب
- ۴ - کرپا یا کالبد - تن لطیف
- ۵ - اشتانه نیرو یا نگهدارنده ی زندگی
- ۶ - ته وشی Teuishi نیروی اندیشه
- ۷ - روان عنصری که مظهر آن جنبش است و تن را روشن و متحرک میسازد
- ۸ - بود Baodh شعوریاور روان
- ۹ - دای نه daena وجدان یاور شعور یا عقل
- ۱۰ - فروشی یا فروهر - حقیقت که بسیط و مجرد است

گذشته بر این هر فردی همزاد دارد و پس از مرگ همزاد او که جنبه ذهنی دارد پایدار میماندگر چه آن نیز بوقت معین نابود می گردد .

بنا بر اوستا روان پیش از جهان تن آفریده شده ولی قرآن تن را بر روان مقدم داشته میفرماید : چون تن بشر صورت یافت خداوند در آن روح را دمید .

درگاتا یسنای ۳۴ بند ۱۵ اشاره شده میفرماید :

ای مزدا بنا بر این به من بهترین اندیشه و سخن و کسار بیاموز و اینها یقیناً به وسیله و هومن و اشا(اشتیاق) مرا به ستایش از تو نشان خواهند داد و به نیروی تو ای اهورا در زیست آینده (تو) مرا چنانکه میخواهی راست نما .

آغاز سرودهای گاتا

پیش از خواندن سرودگاتائی این دعا که به نثر موزون گفته شده میخوانند:
 اندیشه وسخن وکار زرتشت پاك وپر از سعادت است
 (امیدواریم) این گاتاها را امشاسپندان به پذیرند
 ونماز میبریم بشما ای گاتاهاى پاك.
 توضیح : این دعا را دانشمندیکه سرود های گاتا را مرتب نموده از خود
 افزوده است واحتمال دارد از عصر ساسانیان باشد.

سرود ۲۹ بند نخستین

(۲۹ بند نخستین)

(۱) سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس
 سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس
 سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس
 سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس
 سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس
 سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس سپنته سمنو دندس

ترجمه : بشما روان گاو (زمین) مینالدم برای چه مرا آفریدید که مرا ساخت

برمن از همه سوخشم و تباهی و ستم و آزار و کینه (ناخته زندگی را دشوار کرده اند) و جز شما کسی دیگر برای من کیست که مرا نگهداری کنید پس (برای من) پاسدار خوب برگزینید.

توضیح: اوستاشناسان اروپا و دانشمندان زرتشتی (پارسی هند) بجای اینکه سرودهای گاتا را از سرود ۲۸ آغاز کنند از سرود ۲۹ شروع کرده اند زیرا که در این سرود (که به سبک نمایش گفته شده) اعلام پیغمبری حضرت زرتشت است و مطالب ۲۸ و ۳۰ آن چنانکه آقای دکتر ایرج تارا پور والا نوشته اند نزدیکتر و پیوسته تر بهم دیگر میباشند و به این ترتیب سلسله افکار در سرود ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ بهتر پیوسته می شود.

(۲) یوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.

ترجمه: ایدون سازنده گاو (گیتی) از اشا پرسید که را تو بر گاو رتو (یعنی پیشوا) بر میگزینی او که او را خداوند دادور و نگهدار و با دهمش و پوینده (جفاکش) که او را خداوند روشن باشد و بتواند بد کیشان و خشم کنندگان را از او بازدارد

توضیح: کلمه گاو در زبان سنسکریت معانی زیر را دارد:

- نام حیوان معروف و آنچه به آن تعلق دارد چون شیر و گوشت و چرم و غیره۔
- ستارگان۔ تازیانه برق۔ شعاع الماس۔ سخن۔ واژه۔ مادر۔ آب چشم۔ موی بدن۔

خورشید- شماره ۹ خواننده - ماه - خانه و غیره و غیره نامهای زیاد از آن ترکیب شده اند در فارسی گاو میش - گوسپند - گورنگ - گودرز - گاو و غیره و در زبان سنسکرت - گوپال - گووند و غیره. از گیوش اروا یاروان گاو در این یسنا مقصود روان جهان تن است . در جهان پدید خواه جمادات یا نباتات یا حیوان باکرات آسمانی و ستارگان چیزی نیست که در تحت شعاع روان گاو یعنی روان جهان نباشد.

(۳) ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।

ترجمه : به او (یعنی اهورا) اشا پاسخ داد که نیست یاوری که آزار را (از گاوزمین) باز دارد. از آنان (که اکنون وجود دارند) یکی هم دانسته نشده که نیکان به همراهی او مقابل بدکیشان صف آرا شوند. از میرندگان (یعنی آدمیزاد) یکی که بسیار تواناست باید ببایم که بر دعوت او ما بشتاب (پاسخ دهیم و برویم).

توضیح: بنابر نوشته شادروان دکتر تارا پور والا پاسخ دهنده به پرسش اهورامزدا اشاست که میگوید کسی که بتواند ستم را از مادرگیتی دور کند باید مرد بسیار توانا باشد که دعوت او را همه پاسخ دهند.

(۴) $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$

ترجمه : مزدا (همه) نماز (التجا) را بهتر می سنجد که به راستی از زمان بسیار باستانی به او گفته شده چه از دیوان و چه از میرندگان (آدمیزاد) و نیز (همه نماز - درخواست) که به او گفته خواهد شد در زمان آینده تنها اهورا یگانه دادوراست ، پس باید هم چنان که او می خواهد بخوایم و بشود .

(۵) $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$ $\frac{1}{3} \frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{2}$

ترجمه : اکنون با دست بلند کرده ما (هر دو) مهربانی اهورمزدا را خواستاریم - روان من و نیز روان گیتی بارور که اهورمزدا (درخواست) ما را بدهد و نگذارد که به جانداران نیک آزار برسد و نه هم به شبان که میان ناراستان هستند .

(۶) سَع ۴ . وَاَسْطَرَبِجَ سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . وَاَسْطَرَبِجَ سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . وَاَسْطَرَبِجَ سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . وَاَسْطَرَبِجَ سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . وَاَسْطَرَبِجَ سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . وَاَسْطَرَبِجَ سَبْرًا جًا .

ترجمه : پس اهورمزدا فرمود حقایق را از دانش باطنی دانسته (آیا نیست)
 (حتی) يك اهو (خداوندجان) و نه يك رتو (خداوند روان) از اشا دانسته شده !
 (که قابل بر آوردن آرزوی شما بشود) برای این چه برای شبانی و چه یاوری آفریننده تورا
 تعیین کرده .

توضیح : اهور مزدا به اشا میفرماید: تو را که شبان و یاور آفریده شدگان
 تعیین کرده ام آیا يك اهو یا رتو برای گاو (گیتی) در نظر نداری

(۷) سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا .
 سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا . سَبْرًا جًا .

ترجمه : این سخن مقدس نیاز اهورا هم اراده با اشا فرموده شد و مزدا
 (پیمان کرد) که از شیرینی مادر گیتی (همه نیکان را بهره مند خواهد نمود)
 (پس به وهومن متوجه شده فرمود) آیا تو کسی را در نظر داری که به
 میرندگان (آدمیزاد) یاری نماید .

(۸) یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.
 یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.
 یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.
 یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.
 یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.

ترجمه : یکی در اینجاست که اورا می شناسم (آشناست بمن)
 و او تنها کسی است که فرمان مارا (به توجه) شنیده.

(واو) اسپیتاما زرتشتر است

درباره مزدا و اشا او تنها آماده هست (مایل است)

که بواسطه سرود ستایش (فرمان ایزی را) اعلام بکند

بنابراین به او باید شیرینی سخن بخشیده شود (داده شود)

توضیح: این پاسخ که زرتشت تنها کسی است بر زمین که میتواند فرمان ایزدی

را به هم نوعش برساند از هومن (عقل کل) هست والبته عقل باید چنین رأی بدهد

(۹) یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.
 یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.
 یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.
 یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.
 یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع. یسوع.

ترجمه : اما آنگاه روان گاو (گیتی) ناله کرد (وگفت) پس من باید این یاور

کمزور را به پذیرم (یعنی) سخنان مردی بدون همت در صورتیکه من پیشوای نیرومند

می خواستم. هر گاه یکی چنین پدید خواهد شد که هست که به من یاور زیر دست خواهد آورد.

توضیح: مادر گیتی ناله میکند و میگوید که من برای انتشار افکارم مرد زبردست، سردار توانا را لازم دارم و اینک از دربار اهورمزدی برای یاری من مردی پارسا و سخنگو تعیین شده و این یاری برای ترویج مقصودم بسیار ضعیف است آیا وقتی خواهد رسید که مردی نیرومند یعنی پادشاهی یاورمن گردد.

(۱۰) سسوم کسکس . سسوم کسکس . سسوم کسکس .
 سسوم کسکس . سسوم کسکس . سسوم کسکس .
 سسوم کسکس . سسوم کسکس . سسوم کسکس .
 سسوم کسکس . سسوم کسکس . سسوم کسکس .
 سسوم کسکس . سسوم کسکس . سسوم کسکس .

ترجمه : مادر گیتی گفت ای اهورا ! به اینها نیروی زندگی به بخش-وای اشا ! توانائی وای وهومن ! به او دانش عطا کن تا او ما را بسوی رامش و شادی رهنما گردد. ای مزدا! ما همه او را بصورت بهترین آفرینش تو می پذیریم.

توضیح: مادر گیتی برگزیده ایزدی را می پذیرد و عرض میکند که اهورمزد به او نیروی حیات و اشا توانائی و وهومن دانش به بخشند و میگوید این بهترین تحصیل شده از دربار اهورمزد است و امید دارد که او به نوع بشر رامش و شادی بیاورد و بهترین رهنما گردد و اینکه بجای او را- اینها را گفته شاید مقصودش زرتشت و آنها هستند که به او پیروی خواهند کرد.

(۱۱) وروسه سید بن طاووس
 سید بن طاووس (سید بن طاووس) سید بن طاووس
 سید بن طاووس (سید بن طاووس) سید بن طاووس
 سید بن طاووس (سید بن طاووس) سید بن طاووس
 سید بن طاووس (سید بن طاووس) سید بن طاووس
 سید بن طاووس (سید بن طاووس) سید بن طاووس

ترجمه : کی اشاو وهومن وخشتر بشتاب سوی من خواهند رسید. شما ای
 مزدابرای این آموزش (نو) به مگای بزرگ شناسائی (خود، به بخشید) وای اهورا
 اکنون که بما یاری رسید ما برای بندگی به مانند شما صمیمانه آماده هستیم .
 توضیح: این بند بزبان گاوگیتی گفته شده که از اهورمزدا التجا میکند که
 اشا و وهومن وخشتر (اهورمزدی) شتابانه به یاری او بیایند و آموزش نو از زرتشت
 که از تیره مگای بزرگ است مورد شناسائی و پذیرفتگی اهورمزد گردد و در آخر
 عرض میکند اکنون که یاری بما رسید ما برای بندگی و خدمت مشتاقانه آماده هستیم.

خلاصه سرود ۲۹

گویندگان نوشته مقدس دینی بنا بر اقتضای محیط و صورت جامعه که در آن
 زندگی میکردند الفاظی از روی استعاره استعمال کرده اند که به محیط مناسب و
 موزون بوده از جمله در قرآن مکرر از بازرگانی و خرید و فروش و سود و زیان
 اشاره شده مثلاً میفرماید:

تختم خریدند گمراهی را به هدایت دل. گوینده بشت یا بسنای اوستا چونکه

در اجتماع کشاورزان بود بایستی بگوید کاشتند گمراهی را بجای تخم بدایت و هم چنین در قرآن اشاره از حیوان بسیار سودمند شده میفرماید:

آیا نمی‌نگرند به شتر چگونه آفریده شده. ولی در اوستا و ویدا بجای شتر حیوان سودمند گاو بود. از اینرو مکررانه گاو توصیف کرده‌اند و ستوده‌اند و زمین را به گاو تشبیه نموده‌اند و هم چنین نظم و امنیت دهنده جامعه را شبان و نگهبان گفته‌اند و ایران شناسان اروپا چنین الفاظ را بمعنی لغوی گرفته و در آن تأمل زیاد نکرده به این نتیجه رسیدند که نهضت زرتشتی نهضت کشاورزی بود و او میخواست که قومی پیشه کشاورزی را اختیار کنند و شبان بشوند در صورتیکه طرز زندگی به نهضت دینی نمیشود بلکه به موقع جغرافیائی و علل دیگر است. در سرود ۲۹ که به سبک نمایش سروده شده ولی نمایش نیست زیرا که به قصد نمایش گفته نشده و در حسن بیان بی نظیر است تصور کنید که در دربار اهورمزدی گاو زمین حضور می‌یابد و ناله میکند که زور و ستم مردم فاسد، آبادی را به ویرانی مبدل نموده و تقاضا میکند که اهورمزدا یکی را برگزیند که جامعه فاسد را اصلاح نماید. در دربار صفات ایزدی که امشاسپندان باشند حضور دارند، اهورمزد اولاً به اشا که یار زیست و نظم میباشد رومیکنند و می‌پرسد که در نظر او کدام کس برای چنین وظیفه موزون است؟ اشا پاسخ میدهد که کسی را در نظر ندارد ولی هر که باشد باید توانا باشد و چنین کسی را اهورمزدا بهتر میداند. پس اهورمزد به وهومن که مایه دانش و عقل کل میباشد متوجه شده از او می‌پرسد که در نظر او که میباشد که التماس گاو زمین را عملی سازد و او اشاره به زرتشت مینماید و زرتشت عرض میکند اگر اشا و وهومن و خشر ایزدی مرا یاری کنند این وظیفه را به انجام میرسانم. آنگاه گاو زمین باز ناله میکند و میگوید که زرتشت شخص پارسا و سرود گوست و برای اینکار مرد دلیر و مقتدر موزون تر است. ولی چون دانست که اشا و وهومن و خشر زرتشت را یاری خواهند کرد تسلی می‌یابد و خوشنود می‌شود و میگوید در اینصورت او را که اهورمزدا برگزیده ما (یعنی گاو زمین و میرندگان یا مردم جامعه) می‌پذیرند و

زرتشت عرض میکند که هر گاه اشا (نیروی زندگی) و وهومن (جوهر دانش) بشتاب
به من برسند و یاری کنند من این آموزش نورا که اهورمزد به فردی از تیره مگای
بزرگ عطا فرموده انتشار خواهم داد و برای بندگی و بجا آوردن این وظیفه آماده
هستم .

سرود ۲۸

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

(سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو ۲۸)

(۱) سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو سپنتامینو

ترجمه : اورا اکنون میستایم و نماز می برم

با دستها برداشته برای سعادت کامل

به روان پاك ای مزدا درنخستین

بواسطه اعمالیکه الهام شده از اشا هستند (من دعا میکنم) برای همه (دانش) و (دعا میکنم) برای خرد وهومنی تا (به این طریق) بتوانم نیز روان مادرگیتی را (ازخود) خوشنودسازم

توضیح: این سرود در بحری بنام گایتیری یادر بحر انشتوپ (ویدائی) گفته شده و درسه فرد وهر فرددر شانزده سیلاب است وافکار این سرود با آنچه در سرود ۲۹ گفته شده موزون میباشد یعنی شت زرتشت پس از آنکه از دربار اهورمزدی به رساندن پیام ایزدی مامور میشود وبرای آنوظیفه آماده میگرددنخستین کار او مناجات به درگاه اهورمزدی وستایش صفات اویعنی امشاسپندان است که دراین سرودمی یابیم شت زرتشت از آنان در وظیفه خودیاری میخواهد. این سرود را میتوان بگوئیم که ستایش نامه اهورمزد و امشاسپندان است

(۲) ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴
 ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴
 ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴
 ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴
 ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴
 ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴ ۳۴۴

ترجمه : من به راستی ای مزدا اهورا : بشما

بواسطه وهومن نزدیک خواهم شد

که به من در هر دو جهان بخشیده شود

سعادت چه تنی (دراین زندگی) وچه روانی (درزیست آینده)

بواسطه اشا و تا که تو رهنمائی کنی گرویدگان (آموزش ترا) به جهان

روشنائی .

توضیح: بنا بر نوشته آفای دکتر تاراپوروالا مقصود گوینده در قطعه بالا این است که به پاکی دل حضور اهورمزدا را دریابد و چون یافت سعادت تنی و معنوی از پیروی به آئین اشا نیز خواهد یافت و به برترین مقام روانی که بهشت برین است عروج خواهد نمود

(۳) یسنا-یسنا . یسنا . یسنا . یسنا .
 یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا .
 یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا .
 یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا .
 یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا .
 یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا . یسنا .

ترجمه : من به تو ای اشا (سرود) می سرایم
 به و هومن چنانکه پیش از این (کسی نسرانیده)
 و به مزدا اهورا که به (مهربانی) شما و خشترم که (نمیرنده) جاویداست و نیز
 ارمایتی را در خود بیافزایم . بیائید اینجا (اکنون) و بماسعادت کامل بخشید .

توضیح: به سرودن یسنا و ستودن اهورمزدا و اشا و هومن امیدوار است که
 در او خشترم یعنی نیروی ایزدی و پاکی ارمایتی پدید شوند و استعداد پذیرفتن و
 عمل کردن به مشیت ایزدی بیابد .

(۴) ۴۳۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰
 ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰
 ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰
 ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰
 ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰

ترجمه : به راستی در بهشت برین روانم یا روانیکه به و هومن پیوسته
 رهنمائی خواهم کرد و از آنجائیکه از سعادت منی که (از بجا آوردن) کارهای نیک (بنام)
 اهورمزده می یابیم آگاه شده تا زمانیکه اراده و توانائی دارم به (مردم) خواهم
 آموخت که برای (کاراشائی) بکوشند.
 توضیح: آرزومند است که فکر او در بهشت برین (حالات سکون و طبیعی)
 به و هومن یعنی دانش ایزدی نزدیک شده و از آن سعادت یافته و ضمیر او روشن
 گشته و مشیت اهورمزدی و آئین اش را نیک درک کرده آنچه پسندیده اهورمزداست
 بجا آورد و در تربیت افراد جامعه بکوشد.

(۵) ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰
 ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰
 ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰
 ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰
 ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰

ترجمه ؛ ای اشاکی تو را خواهم دید (یافت)
 و نیز به دانش پی برده و هومن (را یابم)
 و نیز (چه زمان خواهم یافت) راه اهورمزدا توانا

وسروش را (یا بوسیله سروش)
 وبا داشتن این منتره یعنی سخن مقدس به برترین (راه)
 ما بتوانیم به زبان (سخن) مردم نادان و گمراه را (به راه راست) برگردانیم
 توضیح: تمنامیکند که اشا ووهومن را دربار گاه اهورمزدی به بیند، بدکیشان
 را رهنمائی کند و رهنمائی را به منتره وهروا یعنی سخن پاک و زبان خوش عملی
 سازد.

(۶) واظنوم. جنسویه. سداپسوزنسد.
 وسدویه. سدیوسد-وسع. وساعقسنردم.
 سداپسوزنسد. سداپسوزنسد. سداپسوزنسد.
 سداپسوزنسد. سداپسوزنسد. سداپسوزنسد.
 سداپسوزنسد. سداپسوزنسد. سداپسوزنسد.
 سداپسوزنسد. سداپسوزنسد. سداپسوزنسد.

ترجمه : با ووهومن بسوی ما بیا و بخشش جاوید را بما بده
 ای مزدا ! براستی بنا بر سخنان راست تو به زرتشت شادی زیست باطن را
 عطا فرما و نیز به (همه) ما ای اهورا ! تا (بتوانیم) بر نفرت دشمنان چیره گردیم
 توضیح: بخشش جاوید اشا (یا زندگی طولانی) و توانائی روان که به
 دانستن سخنان راست (پاک) میسر میشود از اهورمزد برای خود و پیروانش خواستار
 است و میگوید با این بخشش بر نفرت گروه مخالف چیره خواهد گشت.

(۷) و س د و ی . س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .

ترجمه : ای اشا ! سعادت‌تی که وهومن به پاداش میدهد عطا فرما
 وای ارمایتی ! آرزوی (خواهش) و شتاسپ و نیز مردم (پیروان) مرا بر آور.
 ای مزدا ! به خداوندی خود بده (هوش) بما تا ما بندگان گرویده فرمان
 ترا اجرا کنیم (به ورزیم)
 توضیح: از اشا بخشش زندگی جاوید و از وهومن دانش و راستی و از
 ارمایتی آرزوی شاه گشتاسپ و گرویدن مردم به کیش مزدیسنی و از اهورمزد
 نیروی شنیدن و پی بردن به سخنان الهام ایزدی خواستار است

(۸) و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .
 و س د و ی س د . س د و ی س د . س د و ی س د .

ترجمه : ای برترین از تو بهترین بخشش (مقام) که یگانه هست یا برترین
 اشا (از تو میخواهم) و از اهورا به آرزو التجا میکنم برای جوانمرد (قهرمان)
 فرشا و شتره و نیز برای مردم من و برای همه آنانکه خواهی بخشید سعادت و هومنی
 در همه زمان (جاوید)

توضیح : بهترین بخشش وهومن (که دانش راست باشد) برای قهرمان فرشا و شتره و نیز برای پیروان خود و مردمیکه در علم ایزدی از سعادت بخشش وهومنی در همه زمان برخوردار خواهند شد از اهورمزد و اشا خواستار است .

(۹) ساسدوسید . واسع . اچایع . سسوسا .
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .
 سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا . سسوسا .

ترجمه : هر گزای اهورامزدا شمارا به این نیایش ها برانگیخته نخواهیم کرد و نه اشا و نه وهومن را (که بهترین است) اما که مشتاقانه میکوشیم که سرود ستایش را بشما تقدیم کنیم زیرا شما سزاوارترین هستید که ستوده شوید در نماز با خشتراي نیرومند .

توضیح : هر گزای اهورمزدا سوء استفاده از بخششهای شما نخواهیم کرد و شما و اشا و وهومن را برانگیخته نخواهیم نمود بلکه آرزومندانه میکوشیم که سرود ستایش ما را بشما تقدیم کنیم، شما و خشتراي نیرومند را که سزاوارترین هستید به ستایش .

(۱۰) نبع و سغ سچون . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .

ترجمه: ای اهورمزدا! چون میدانی (برخی) به سبب اشائی (نیک) بودن و به سبب دل پر مهر دانشمند و راست هستند پس آرزوی آنانرا به کامیابی در کارشان بر آور- زیر امیدانم از تو نماز نیازمندانه برای اینکه انجام نیک بشود بی پاسخ نمی ماند.

توضیح: آرزو می کند که اهورمزدا آنرا که دل پر مهر و ارادت دارند نیک و دانشمند هستند و برای آرزوهای نیک و هدف راست میکوشند کامیاب کندو

(۱۱) سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .
 سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع . سبوع سبوع سبوع .

ترجمه: پس بوسیله این (ستایشها) جاوید خواهم داشت اشا و هومن را با خود نگه دارم و ای اهورمزدا آیا بمن بوسیله مساینیو (نفس) و نیز از دهن خودخواهی آموخت تا من به دنیا اعلام کنم که از کجا (و چگونه) آغاز آفرینش شد و موجودات به وجود آمدند.

خلاصه سرود ۲۸

در سرود گذشته شت زرتشت به پیامبری برگزیده میشود. در این سرود لازم بود که برای عنایت سپاس گذارد و بنا بر این میتوان گفت که سرود بیست و هشتم اولاً ستایش و بعد به اختصار برنامه ایست که به آن می خواهد مشیت ایزدی را اجرا بکند. در بنداول پس از تشکر و ستایش از اهورمزد و امشاسپندان در وظیفه ای که به آن تعیین شده و پذیرفته از آنان یاری می خواهد و در بند دوم میگوید که تنها به اندیشه نیک و پاکی دل و به پیروی از آئین اشا که آیین راستی و درستی است آدمیزاد به برترین مقام معنوی رسیده به حضور اهورمزد نزدیک میشود - و در بند سوم امیدوار است که به ارادت و ستایش از اهورمزد و سه صفات برجسته ایزدی یعنی وهومن یا عقل کل و اشا یا نفس کل و آرمائی یعنی گرویدگی و عفت جوینده حقیقت برای عمل موافق مشیت ایزدی سعادت مند میگردد - و در بند چهارم میفرماید با اندیشه نیک میتواند در بهشت برین که برترین مقام معنوی و روانی است به وهومن و اشا نزدیک شده و از آنان الهام یافته با ضمیر روشن در میان افراد جامعه آنچه پسندیده اهورمزد است بجا آورد و در تربیت آنان بکوشد و در بند پنجم تمنا میکند که به وهومن و اشا در بارگاه ایزدی نزدیک شده آنها را ببیند، یعنی نسبت به آنان معرفت بیابد و گمراهان و بدکیشان را رهنمائی کند و رهنمائی او باید به سخنان پاک و خوش عملی گردند - و در بند ششم از اهورمزد نخواستار است که زندگی دراز و توانائی روان برای خود و پیروان نیک بیابد تا بیشتر فرصت و وقت داشته بتواند فساد را از جامعه دور سازد و بر معنویات و اعمال مفسدان پیروز گردد - و در بند هفتم از اهورمزد التماس میکند که شاه گشتاسب را در کار انتشار کیش بهی یاری کند و آرزو دارد که بالهام های ایزدی پی ببرد - و در بند هشتم بهترین بخشش اهورمزد که دانش صحیح باشد برای قهرمان کیش مزدیسنی

یعنی فرشاوشتره و دیگر پیروان نیک از اهورمزد و اشا خواستار است. و در بند نهم به اهورمزدا عرض میکنند که هرگز بد هیچ اندیشه و هیچ عمل نکند که سبب برانگیخته شدن او و اشا و وهومن و خشر گردد و همیشه ارادت خود را به سرود ستایش تقدیم بارگاه اهورمزدائی خواهد کرد و در دو بند آخر که دهم و یازدهم باشند عرایض خود را که در حقیقت سپاس نامه اوست به دو تمنا به پایان میرساند: یکی اینکه اهورمزد آنان را که دل پر مهر و ارادت دارند و نیک و دانا هستند در آرزوی آنان که راستی و درستی است موفق کند و دوم هرگز اشاره‌های اشا و وهومن را از یاد نبرد و آنچه به او از اهورمزد الهام میشود به دنیا اعلام کند و به مردم نشان دهد که آنها از کجا آمده‌اند و آفرینش چگونه آغاز شده و چگونه موجودات وجود یافته‌اند .

این است مختصر سپاس نامه و برنامه زرتشتی که گرچه بزبان زرتشت است ولی در حقیقت برای همه پیروان او بلکه نوع بشر است.

سرود ۳۰

(۳۰)

(۱) نفع رسد. فایده نرسد. دروغ نرسد.
 ورسد. غایت رسد. نرسد. نرسد.
 نرسد. نرسد. نرسد. نرسد.
 نرسد. نرسد. نرسد. نرسد.
 نرسد. نرسد. نرسد. نرسد.
 نرسد. نرسد. نرسد. نرسد.

ترجمه: اکنون به آنانکه خواهشمندمی باشند خواهم گفت از دو طریق که آفریده شده هستند از- مزد و این همه (آموزش) برای دانایان است و خواهم (برخواند) سرودها به اهورا و ستایشها به وهومن (و هم چنین توضیح خواهم داد) آموزش نیک اشا را تا شما کامل گردید و به جهان روشن در آئید .

توضیح: در این سرود از طریق مزدیسنی و دیویسنی یا کیفیتیکه در جهان تن علت تنوع میشوند اشاره شده و مختصری از آموزش خود میفرماید که :

۱ - ستایش به اهورا ۲ - نیایش به وهومن ۳ - آموزش اشائی شما را به روشنائی رهنما شده کامل خواهد کرد .

(۲) دانا گانه . به گشته ها . و به گشته ها .
 به گشته ها . و به گشته ها .
 به گشته ها . و به گشته ها .
 به گشته ها . و به گشته ها .
 به گشته ها . و به گشته ها .
 به گشته ها . و به گشته ها .

ترجمه : بشنوید به گوشه اتان به بهترین (حقیقت) و بسنجید با ذهن روشن
 پیش از آنکه میان دو راه (یکی را اختیار کنید) مرد به مرد یا مرد وزن هر يك
 (آزادانه) برای خود پیش از اینکه دوره بزرگ آغاز گردد بیدار شوید هر يك (از
 شما جدا گانه) و این پیام را انتشار دهید .

توضیح : بند اول و دوم این سرود در سرود ۴۵ تکرار شده و چنانکه
 در جای دیگر این نامه اشاره شد ممکن است که ازدو راه یکی راه مزدیسنی یا
 سپنتا مینوئی و دیگر راه دیویسنی یا اهریمنی باشد .

(۳) به گشته ها . و به گشته ها .
 به گشته ها . و به گشته ها .
 به گشته ها . و به گشته ها .
 به گشته ها . و به گشته ها .
 به گشته ها . و به گشته ها .

ترجمه : اکنون بدانید که از ازل این دو مینو بودند که (هر دو) خود را
 با هم (توأم) به فعالیت آشکار کردند، چه در اندیشه و چه در سخن و چه در کار این
 دو (آشکار میشوند) بصورت خوب یا بد و از این دو آنانکه دانا هستند راست
 (خوب) را برمیگزینند ولی آنانکه نادان باشند (بد را) اختیار میکنند .

توضیح : تسلسل فکر دو بند گذشته است.

(۴) $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$ $\frac{1}{6} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{24}$ $\frac{1}{24} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{120}$ $\frac{1}{120} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{720}$
 $\frac{1}{720} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{5040}$ $\frac{1}{5040} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{40320}$ $\frac{1}{40320} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{362880}$
 $\frac{1}{362880} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{3628800}$ $\frac{1}{3628800} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{39916800}$ $\frac{1}{39916800} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{479001600}$
 $\frac{1}{479001600} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{6227020800}$ $\frac{1}{6227020800} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{87178291200}$ $\frac{1}{87178291200} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{1307674368000}$

ترجمه : و اکنون هرگاه این دو ماینیو بهم آمدند و پدید شدند از نخستین زیست و مرگ را آفریدند (علت شدند) و به این ترتیب مقصود آفرینش به انجام خواهد رسید بدترین (در بهره) ناراستان ولی بهترین حالت ذهنی برای پیروان راستی خواهد شد (یا وهومن- دانش، برای پیروان راستی خواهد شد)
 توضیح : زیست و نازیست یا مرگ، هم به مفهوم تنی است و هم بمعنی زیست و مرگ اخلاقی- هم چنانکه دو ماینیو علت خوبی یا بدی و نظم یا بی نظمی میشوند، دوروش مختلف نیز یکی وسیله اصلاح و خوبی جامعه و دیگر علت خرابی و فساد میگردد و احتمال کلی دارد که گوینده حقیقت نخستین را برای دومی مثال آورده است.

(۵) $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$ $\frac{1}{6} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{24}$ $\frac{1}{24} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{120}$ $\frac{1}{120} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{720}$
 $\frac{1}{720} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{5040}$ $\frac{1}{5040} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{40320}$ $\frac{1}{40320} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{362880}$ $\frac{1}{362880} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{3628800}$
 $\frac{1}{3628800} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{39916800}$ $\frac{1}{39916800} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{479001600}$ $\frac{1}{479001600} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{6227020800}$ $\frac{1}{6227020800} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{87178291200}$ $\frac{1}{87178291200} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{1307674368000}$

ترجمه : از این دو ماینیو بر میگزیند او که ناراست است و بدترین (کار) میکند، اما (او که) پاکترین نفس است راستی را- او که خود را به جامعه روشنائی نا

تباه شدنی می پوشاند و او که اهورا را (از خود) خوشنود میسازد به کردن کارهای راست (و درست) او مزدا را باید برگزیند.

توضیح : تسلسل فکر بندهای گذشته میباشد.

(۶) $\text{ندردس} \text{ } \{ \text{چیدم} \} \text{ } \{ \text{انید} \} \text{ } \{ \text{ویسید درسدردس} \}$
 $\text{ویدن} \text{ } \{ \text{سدردس} \} \text{ } \{ \text{نوردرسد} \} \text{ } \{ \text{سویسیدسد} \}$
 $\text{ن} \text{ } \{ \text{سدسد} \} \text{ } \{ \text{سچوید} \} \text{ } \{ \text{نسد} \} \text{ } \{ \text{سدسد} \}$
 $\text{نردردسد} \text{ } \{ \text{چیدم} \} \text{ } \{ \text{انید} \} \text{ } \{ \text{سدردسد} \} \text{ } \{ \text{سدسد} \}$
 $\text{سد} \text{ } \{ \text{سدسدسدسد} \} \text{ } \{ \text{نورسچویدسد} \} \text{ } \{ \text{سدسدسد} \}$
 $\text{سدسد} \text{ } \{ \text{سدسدسدسد} \} \text{ } \{ \text{سدسدسد} \} \text{ } \{ \text{سدسدسدسدسد} \}$

ترجمه : از این دو ناراستان راستی را بر نمیگزینند زیرا که فریبنده در زمانیکه به شك و تردید متوقف شده بودند نزدیک شد، از اینرو آنان اندیشه بد را برگزیدند و با او (فریبنده) او به خشم تاختند و به این ترتیب زندگی و مردم را آلوده (و پلید کردند)

توضیح : همه بندهای گذشته در نگوهش دیوینی ها گفته شده اند.

(۷) $\text{سدسدسدسدسد} \text{ } \{ \text{سدسدسدسد} \} \text{ } \{ \text{سدسدسدسد} \}$
 $\text{سدسدسدسدسد} \text{ } \{ \text{سدسدسدسد} \} \text{ } \{ \text{سدسدسدسدسد} \}$
 $\text{سدسد} \text{ } \{ \text{سدسدسدسد} \} \text{ } \{ \text{سدسدسدسدسد} \}$
 $\text{سدسدسدسدسد} \text{ } \{ \text{سدسدسدسدسد} \} \text{ } \{ \text{سدسدسدسدسد} \}$
 $\text{سدسدسدسدسد} \text{ } \{ \text{سدسدسدسدسد} \} \text{ } \{ \text{سدسدسدسدسد} \}$

ترجمه : و به چنین کس خواهد آمد خشر (نیرو) ایزدی و نیز هومن با اشا- و پیش رفت تن جاوید را ارمایتی مهربان خواهد داد . برای آنها خواهد بود (هم چنان که برای) تو هست، زیرا او در آزمایش سخت (گویا) آهن (گداخته)

کامیاب شده.

توضیح : بند هفت سلسله بند پنج و هشت از تسلسل فکر بند شش میباشد آهن گداخته بعداً به معنی لغوی آن گرفته شده ولی در گاتاها باید مفهوم آزمایش سخت باشد و آهن برای آن بمفهوم استعاره میباشد.

(۸) سوسوس سوسوس سوسوس
 وسوسوس وسوسوس وسوسوس
 سوسوس سوسوس سوسوس
 سوسوس سوسوس سوسوس
 سوسوس سوسوس سوسوس
 سوسوس سوسوس سوسوس

ترجمه : ولی زمانیکه کین (سزای) گناهانشان بر آنها فرو خواهد آمد - پس ای مزدا نیروی (آئین) تو آشکار از وهومن پدید خواهد شد و آنگاه ای اهورا آموزش داده خواهد شد تا که بدست اشا آنان ناراستان را تسلیم بکنند (بدهند)

توضیح : این بند سلسله فکر بند شش میباشد که دیویسنی یا ناراستان از اهریمن فریب خورده و در شك و تردید مانده بدی را برگزیدند و به سوی خشم و نفرت رفتند و دنیائی را به اعمال ناشایسته پلید ساختند و هر گاه به سزای گناهانشان رسیدند خشم یعنی نیروی ایزدی از وهومن یعنی دانش ایزدی پدید شد و آموزش درست داده ناراستان را بدست اشای یعنی درستی و راستی تسلیم کرد.

(۱) به تو بشویم. ما از تو بشویم. (هم چنانکه) می شوند مردمیکه این
 جهان را نو میکنند. ای مزدا وای اهورا (خداوند آفریده شدگان و خداوند جان)
 و زندگی به کنیم بوسیله اشا به مهر و عشق (باتو) به این ترتیب (امید) بشویم یکسو
 در دل. هرگاه که نیروی تمیز ما در شك بشود و تردید
 تو ضیح: از مزدا (خداوند آفرینش) و اهورا (خداوند جان) سه آرزو
 می کند:

- ۱ - از تو بشوم و جامعه را از سر نو اصلاح کنم.
- ۲ - بوسیله اشا یعنی راستی و درستی به تو عشق ورزیم و با مشیت تو
 هم رنگ و همساز گردیم.
- ۳ - هرگاه نیروی تمیز ما به شك و تردید گردد، بکوشیم تا در ذهن یکسوئی
 پیدا شود.

(۱۰) سوسد یب سوسد و اچدی
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد

ترجمه: هرگاه بر پیروزی ناراستان تباهی فرو آید آنگاه آنان (یعنی نیکان) آرزوی باطن را خواهند یافت و راست به مکان برکت وهومن و مزدا و اشا (خواهند رسید) در حالیکه پیوسته برای نام نیک کوشان باشند.
 توضیح: در این بند میفرماید پیروزی و افتخار ناراستان زمانی خواهد رسید که مبدل به شکست بشود و در آنوقت آنان « بعضی مفسرین ضمیر را راجع به ناراستان ترجمه کرده اند یعنی ناراستان و برخی گفته اند که ضمیر راجع به نیکان یعنی پیروان حضرت زرتشت است که در آنوقت آنان بآرزوی باطن که شکست دیویسناهاست رسیده به مکان سعادت و شادی راکه از مزدا و وهومن و اشامیباشد در صورتیکه پیوسته برای آوازه و نام نیک کوشان هستند خواهند یافت.

(۱۱) سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد

ترجمه: اگر شما این آئین (مزدیسنی) را دانستید (آئینی است) که مزدا فرموده است (و آئین) سعادت است (به سعادت میرسید) ولی آئینی که درد دارد

و سزائی است برای همه (روزهای) عمر (و آن) از ناراستان است.
پیش رفت رویه بلندی (روانی) از نیکان است و آنگاه بوسیله آئین
(مردیسنی) روشنائی (روانی) بشما نزدیک خواهد شد.
توضیح: میفرماید - خطاب به مردم - که دو آئین بشما تقدیم میشوند
یکی از دیویسنی که برای همه عمر درد ورنج آورنده است و دیگر آئینی که مزدا
فرمود و آن شما را به بلندی و کمال روانی رهنماست و در انجام روشنائی و
خورسندی روانی را خواهید یافت.

خلاصه سرود سی

در این سرود از دنیرو یا کیفیتی که در جهان تن علت تنوع فکر و قیافه و
شکل و عمل میشوند اشاره شده و بعداً مفسرین آنرا بصورت دیگر در آورده اند
بویژه مانی و مانند او. در اصل از زمان بسیار باستان در میان همه ملل از جمله آریای
هند و ایران افسانه‌ها و حکایتها ازداد و بیداد و از خوبی و بدی و روشنائی و تاریکی
گفته میشدند. قهرمانان نیز در دو طبقه یکی مروج عدل و دیگر عامل ستم معرفی
میگشتند مانند رام و راون در هند و فریدون و ضحاک در ایران. حضرت زرتشت در
سرود سی این فکر را با اختلافی که در آموزش او و رهبران دیویسنی بود تطبیق
فرموده و در سرود ۴۵ صریحاً گفته که اندیشه و سخنان و عمل و آموزش و وجدان
و غیره من و شما یکسان نیستند آنچه شما می آموزید مادی است و آنچه من میگویم
معنوی و روانی میباشد. در عبادت شما هزاران گاو و گوسفند کشته میشوند و بانای آن
رسم یا عبادت مبلغ هنگفت به صورت انعام به سرود گویان بخشش میکند و چند ماه
به ساز و آواز و حیوان کشی مشغول میشوید و من این رسم عبادت را بیهوده می شمارم
و پیروان خود را از ظاهر به باطن متوجه می سازم. پروردگار من اهور مزدا صفات یا
مظاهر او امشاسپندان هستند که در هر یک از آنان حقیقتی معرفی شده که بشر باید به آن

متوجه گردد و متوسل شود و در خود بیافزاید. در بند نخستین این سرود اشاره شده به آنانکه جوینده حقیقت هستند که این دو نیرو در طبیعت و اخلاق و قیافه و شکل هر بشری نمایان هستند و آنانرا از هم ممتاز میسازند. من مزدا را می ستایم و سخن از وهومن و اشا میگویم تا شما آنانرا دانسته به جهان روشن در آید و این پیام مرا بسنجید و بعد پذیرفته در میان مردم انتشار دهید. در ما بد و خوب چه در اندیشه و چه در کار وجود دارند، آنانکه دانا هستند خوب را برمیگزینند و او که نادان است بد را اختیار میکند. یکی زنده سوی مرگ اخلاقی می رود و دیگر از مرگ اخلاقی در آمده روان زنده می یابد و در تاریکی تن و ذهن خود را به جامه روشنائی روشن میکند و مزدا را برمیگزیند. ناراستان یعنی دیویسنها راستی را نمی جویند و در شك و تردید به پاره موهومات چسبیده اند. در بند هفتم اشاره به آزمایشی است که بعداً آنرا آزمایش آهن گداخته گفته اند و مقصود گویا از آزمایش بسیار سخت است که آنرا به آهن تاخته یا گداخته تشبیه کرده اند و در بند هشتم پیشگوئی میکنند که در انجام راستی بر ناراستی پیروز خواهند شد و ناراستی شکست خواهد خورد و طنزاً میفرماید که شکست آنها به يك مفهوم پیروزی آنهاست و در بند یازدهم خطاب به پیروان خود میفرماید این آئین که اهورمزدی است و بشما بیان میکنم شما را به سعادت رهنماست و به پیروی به آن روشنائی روانی خواهید یافت و به کمال روانی خواهید رسید.

سرود سی و یکم

(هفتاد و یکم - سرود نهم - ۳۱)

(۱) همدان - پایتخت - (دانشگاه) - (پایتخت) -
 - (دانشگاه) - (پایتخت) - (دانشگاه) - (پایتخت) -
 - (دانشگاه) - (پایتخت) - (دانشگاه) - (پایتخت) -
 - (دانشگاه) - (پایتخت) - (دانشگاه) - (پایتخت) -
 - (دانشگاه) - (پایتخت) - (دانشگاه) - (پایتخت) -
 - (دانشگاه) - (پایتخت) - (دانشگاه) - (پایتخت) -

ترجمه: این آئین شمارادر خاطر داشته - مایم (اهورمزدی را) اعلام میکنیم
 و گوش به سخن آنانکه (بیروی از) آموزش ما راستان میکنند و جهان اشائی را
 تباه میسازند نمیدهیم .
 بویژه (شنیدن ودانستن این آئین) بهتر است به آنانکه دلشان را به مزدا داده اند.
 توضیح: زرتشت میفرماید آئینیکه بمن الهام شده و در ذهنم هست آشکار
 میکنم و گوش به سخنان آنانکه دیویسنی میباشند و جهان اشائی را تباه میسازند
 نمیدهم. آنهائیکه دلشان را به مزدا سپرده اند و صمیمی میباشند این آئین را از همه
 آئینها بهتر خواهند یافت.

(۲) و سوزید سوزید { جازع } (اوسوز) و
 سوزید سوزید سوزید و سوزید و سوزید
 سوزید و سوزید و سوزید و سوزید
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید

ترجمه : از آنجائیکه بسبب این (گفته‌های گمراه کننده) برای برگزیدن راهی بهتر واضح در نظر نیست- بنابراین بسوی شما همه (به وظیفه) آموزگار آمده‌ام که اهورا تعیین کرده و او را که میان این دو گروه مزدا فرستاده تا که ما (همه) بتوانیم همرنگ با اشا زندگی بکنیم.
 توضیح: در این بند صریحاً زرتشت پیغامبری خود را اعلام میفرماید و نیز اشاره میکند که میان دو گروه دادور- شده و جانب اشا را ترجیح داده است.

(۳) و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید
 و سوزید و سوزید و سوزید و سوزید

ترجمه : آنچه بوسیله آتش روانی میدهی و سعادتیکه بوسیله اشا به هر دو گروه وعده نموده‌ای و آئینی که برای دانشمند کامل هست ای مزدا برای آگاهی ما اعلام کن از سخنانی که بزبان خودت باشند تا که من همه زندگانی را به آن رهنمائی (تبلیغ) کنم
 توضیح: ای مزدا آن خورسندی روانی (باطنی) که بوسیله آتش مجرد و

پاك و اشا میدهی و از آن پیمان که مارا به الهام آگاه فرمودی که بتوانیم آئین ایزدی
مزدائی را درست بدانیم و میان اندیشه دیگران و خود امتیاز دهیم به سخن و زبان
خود آشکار کن تا من (زرتشت) مردم را به آن دین رهنمائی کنم. از این بند معلوم
میشود که تبلیغ در کیش زرتشتی امر لازمی بود که اکنون نیست.

(۱۴) ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰

یهیا - وردا - ون اما - دروچم

ترجمه : هرگاه به درخواست (نماز) ما متوجه هستند اشا و نیز مزدا اهورا
با ارمایتی پاك، پس بوسیله وهومن خواهم خواست خشنرومند را برای خودمان
که به بالیدگی (توانائی) او در ما برناراستان چیره گردیم.
توضیح: در این بند نام اشا و ارمایتی و وهومن و خشنر با نام اهورمزدا ذکر
شده و شباهت دارد به دعای داریوش که در کتیبه‌هایش میگوید اهورمزدا و دیگر
ایزدان شاهی مرا به پایند.

۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰
۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰

ترجمه : آنرا به من برگزینم که بوسیله چه (بما) فرموده‌ای و (آن
چیست) بهتر برای من که پیروی کنم. آنرا به من آشکار کن بوسیله وهومن تا بدانم

و خود را (در آنچه) از خوبی روی میدهد بر ترا حساس بکنم و همت بیابم - و همه اینها (از چیزهای خوب) ای مزدا اهورا خواه بمن برسند یا نرسند.
 توضیح: میفرماید ای مزدا اهورا آیینی که از اشا به من برگو تا برگزینم راهیکه به آن مردم را رهنما شوم و از وهمن بدانم تا در خود برتری یعنی اعتماد احساس کنم - در هر چه برای من (و پیروانم) نیک است خواه آنها (از من) بشوند یا نشوند - یعنی خواه بتوانم به انجام رسانم یا نتوانم .

(۶) 𐬀𐬎𐬎𐬌𐬵𐬀𐬭𐬀𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀
 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀 𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀𐬵𐬀

ترجمه : بهترین (سعادت) برای آن دانشمندان خواهد بود که (سخنان) راست مرا انتشار دهد سخنان (پاك ماترا) که (رهنماست) به اشا و خرداد یا (کمال روحانی) و امرداد (زندگی جاوید) و هم چنین خواهد بود خشنتر یا نیروی مزدائی که بوسیله وهمن در باطن او افزون گردد.
 توضیح: اشاره به انتشار و تبلیغ کیش زرتشتی است. اشا وهشت و خرداد و امرداد برای دانشمندی هستند که ماترا با سخنان پاك ایزدی را میان مردم انتشار میدهد تا نیروی مزدائی بوسیله وهمن در آنها افزون گردد .

(۷) و سببش است که در آن روز
 از آن روز که در آن روز است
 و در آن روز که در آن روز است
 و در آن روز که در آن روز است
 و در آن روز که در آن روز است
 و در آن روز که در آن روز است
 و در آن روز که در آن روز است

ترجمه : او که از آن (سخن پاك) که درازل اندیشید که روشنائی از روشنائی
 آسمانی روان خواهد شد، خود او در خرد او و آفریننده آئین ابدی است که بواسطه
 آن او بهترین نفس (وهومن) را دارد وای مزدا! (درخواست میکنم) که از آن روشنائی
 بوسیله نفس (پاك خودت) باطن ما را روشن کن (آن روشنائی) که ای اهورا! تا
 کنون همان است که بود.

توضیح: در این بند نکات زیر اشاره شده اند:

- ۱- روشنائی یعنی دانش بشر همان باید باشد که ایزدی و آسمانی است
- ۲- و هم چنین آئین
- ۳- باید باطن پاك و روشن باشد تا ظاهر نیز پاك و روشن گردد بنابراین
 از خداوند درخواست میکنند که به آئین ایزدی رهنما شود و باطن را از نوری
 روشن سازد که از خود او هست و جاوید بدون کاهش و تغییر و تبدیل پاینده است.

(۸) مَهْمَا تَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ فَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ

ترجمه : تا که بیانشدیشم (و بشناسم) ترا هم چنان که ازلی (وقدیم) هستی
 ای مزدا ! هم چنان جوانترین هستی در ذهنم و پدر (معنوی) و هومن (هستی) و
 تا که در چشم من کاملاً (تنها) ترا برگیرم که آفریننده حقیقی اشا هستی و برترین
 دادور بر (همه) کارهای موجودات میباشی.
 توضیح: خطاب به اهورامزدا عرض میکنند:
 تو آغاز و انجام و قدیم و جدید هستی و تو پدر معنوی و هومن و آفریننده
 اشا و برترین دادور بر اعمال ما موجودات هستی بنابراین تنها ترا کاملاً در چشم
 (ذهنم) بر میگیرم .

(۹) تَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ
 وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ وَتَكُونُ لَكَ سِدْرَةٌ

ترجمه : از تو هست ارمایتی و نیز از تو هست دانش آفرینش گاو (گیتی)
 و نفس ای مزدا اهورا.
 زیرا به او (گیتی) تو داده ای راه (آزادی) در بر گزیدن یا اینکه شبان را

ترك كند يا اورا كه هيچ گاه شبان نبود (اختيار نمايد).
 توضيح: از برگزیدن راه مقصود گویا کیش باستانی (یا دیویسنی) یا کیش تو
 (مزدیسنی است) یکی زندگی بدویت و دیگری شهریت، یکی مادی و دیگر معنوی
 بود. کلمه گاوبه معانی گوناگون استعمال میشود و از سازنده گاو آفریننده زیست
 دنیوی است. نام ارمایتی به مناسبت نام گیتی ذکر شده.

(۱۰) ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰.
 ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰.
 ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰.
 ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰.
 ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰.

ترجمه : پس از این دواو (گیتی) شبانی را برگزیند برای خود که خداوند
 دارنده راستی و افزاینده (دانش) و هومنی باشد و هرگز ای مزدا! شبان خود ساخته
 گرچه ظاهراً (خود را) پرهیزگار مینماید نمیتواند آورنده پیغام تو گردد.
 توضیح: او یعنی گیتی و مردم آن میان رهبران دو گروه یکی به عقیده قدیم
 و دیگر پیرو زرتشت برگزیند که شبانی یعنی رهنمائی کند و میفرماید بدیهی است
 که از روحانیون با او که رهبری به دین دیویسنی میکنند گرچه ظاهراً پرهیزگار بنماید
 از اصولی پیروی مینماید که صحیح نیست و او نمیتواند که پیام ایزدی را حامل گردد
 از این بند معلوم میشود که مقابل شت زرتشت حریف سرسختی بوده و ظاهراً او نیز
 پرهیزگار مینمود و ادعائی داشت و هم چنین اتفاق برای دیگر مؤسسين بزرگ
 مانند بودا و محمد نیز شده.

(۱۱) $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$ $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$ $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^3} = -\frac{3}{x^4}$ $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^4} = -\frac{4}{x^5}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^5} = -\frac{5}{x^6}$ $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^6} = -\frac{6}{x^7}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^7} = -\frac{7}{x^8}$ $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^8} = -\frac{8}{x^9}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^9} = -\frac{9}{x^{10}}$ $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^{10}} = -\frac{10}{x^{11}}$

ترجمه : از آنجائیکه از ازل ای مزدا توتنها و روانها را آفریدی و نیز نیروی
 ذهنی) از اندیشه خودت عطا کردی و از آنجائیکه جان را میان گوشت (تن) نهادی
 از آنجائیکه نیروی عمل و سخنان آموزنده (نوداده ای) بنا بر این میتواند یکی هر کیشی
 که پسندیده برگزیند .

توضیح: در این بند به آزادی عقیده و اراده اشاره شده. مقصود خداوند تن
 و روان را آفریده و خود نیز بخشیده و جان را در قفس تن نهاده و کارها را بر طبق
 سخنان آموزنده قرارداد . بنا بر این یکی میتواند هر کیشی که پسندید و اراده او
 بر آن قرار گرفت برگزیند.

(۱۲) $\frac{d}{dx} x^n = nx^{n-1}$ $\frac{d}{dx} x^2 = 2x$ $\frac{d}{dx} x^3 = 3x^2$
 $\frac{d}{dx} x^4 = 4x^3$ $\frac{d}{dx} x^5 = 5x^4$ $\frac{d}{dx} x^6 = 6x^5$
 $\frac{d}{dx} x^7 = 7x^6$ $\frac{d}{dx} x^8 = 8x^7$ $\frac{d}{dx} x^9 = 9x^8$
 $\frac{d}{dx} x^{10} = 10x^9$ $\frac{d}{dx} x^{11} = 11x^{10}$
 $\frac{d}{dx} x^{12} = 12x^{11}$ $\frac{d}{dx} x^{13} = 13x^{12}$
 $\frac{d}{dx} x^{14} = 14x^{13}$ $\frac{d}{dx} x^{15} = 15x^{14}$

ترجمه : بنا بر این (هریک) آوازش را بلند میکند خواه دروغ گو خواه
 راست گو، خواه دانا خواه نادان (با وجود آن) به دل و به اندیشه هر یک (از آنان) به
 روان ارمایتی که در پهلو وجود دارد و در آنچه شك دارد (از او) میپرسد.

توضیح: فیض و بخشش طبیعت به همه میرسد و نیک و بد و دانا و نادان هر دو هر گاه به ارمایتی توجه دهند اورا پهلوی خود خواهند یافت و هرشکمی که دارند و از او بپرسند و هر بار دو پاسخ خواهند شنید - مقصود جوینده یا بنده است یا اینکه: دو گروه مخالف به آواز رسا فکرشان را به مردم میگویند، راست و دروغ - دانا و نادان، روان ارمایتی با وجدان نزدیک است که شکوک خود را از او بپرسند و حقیقت را بدانند .

(۱۳) پرسید: (آنددسد) سدرسد و پرسید: پرسید.
 پرسید: پرسید. پرسید: پرسید. پرسید: پرسید.
 پرسید: پرسید. پرسید: پرسید. پرسید: پرسید.
 پرسید: پرسید. پرسید: پرسید. پرسید: پرسید.
 پرسید: پرسید. پرسید: پرسید. پرسید: پرسید.
 پرسید: پرسید. پرسید: پرسید. پرسید: پرسید.

ترجمه: هر گاه در پرسش (شکوک) آشکار یا نهان ای مزدا او میپرسد (بحث میکند) یا برای گناه کوچک کفاره بزرگ را تحمل میکند، اینها را با چشم درخشنده تومی پائی و به دقت همه را با اشا مراقبت میکنی (می بینی).
 توضیح: نام ارمایتی بمفهوم وجدان باید گرفت. گفته اند در توبه همیشه باز است بنابراین هر گاه که یکی آماده شد که نقص خود را دور کند شکوک او چه آشکار چه نهان هر گاه به وجدان رجوع کرد پاسخ میشود و از رحمت ایزد متعال همواره بر اراده و اندیشه او ناظر است و با اشا (راستی و درستی) اورا یاری میکند.

(۱۴) ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰

ترجمه : این حقایق را از تومی پرسم ای اهورا: در گذشته چگونه شده است
 و پس از این در آینده چگونه خواهد شد و ای مزدا چه آرزوهای خاموش (باطنی)
 سنجیده میشوند در نامه زندگی درباره نیکان و چه درباره ناراستان و چگونه اینها
 خواهند شد (و به کیش خواهند درآمد) زمانیکه کارها به انجام برسند (و دردهای
 زندگی به پایان برسند

توضیح: گرچه پرسش از اهوراست ولی همه شخصی میتواند به وجدان خود
 رجوع کرده چنین پرسش نماید که انجام کارهایی که در این زندگی عملی شده اند
 چه نیک و چه بد خواهد بود، آیا بهره برداشتیم یا بی بهره از جهان در گذشتیم.

(۱۵) ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰
 ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰ ۱۴۰۰

ترجمه : ای اهورا ! من این میپرسم چه سزا هست (برای او) که نیروی
 ناراست و کننده ناراستی را حفظ میکنند (و فزونی میدهد) و او در زندگی هیچ

سود نمی بیند مگر در جدا کردن شبان (رهنما) و دوست از رمه بشر (جامعه).
توضیح: در ترجمه بندبلا رمه بمفهوم جامعه و نادروغ بمعنی دوست ترجمه
شده و ازدروغ و بدکار گویا اشاره به دوتن از مخالفین سرسخت زرتشت باشد یکی
از آنها بنام بندوا (Bendva) و دیگر گروه (Greamha) و هر دو آزر رؤسای
کیش دیویسنی بودند.

(۱۶) نغ آیدسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد .

نغ . ندرسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد .

ندرسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد .

ندرسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد .

ندرسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد . ندرسد .

ترجمه : من این میپرسم - اگر (مردی) که دانشمند است و شاهی تراچه در
نمان (خانه) و چه در شهر و چه در استان در کشور صمیمانه انتشار میدهد و برای فزونی
اشایعی راستی میکوشد ای مزد اهورا، و او در (خدمت بتو) جذب (و مستغرق) شده
چنین (شخصی) چگونه خواهد شد و چگونه عمل خواهد کرد ؟

توضیح : مقصود او که صمیمانه اهور مزدائی هست و در انتشار نیکی اشائی
میکوشد چه در خانه و چه در شهر و چه در استان و چه در کشور چنین کس چگونه
میشود در رفتار و کار؟ البته پاسخ را برای شنونده و خواننده میگذارد، یعنی چنین
کس باید اولاً خود او نیک و صمیمی باشد تا نیکی را بتواند ترویج دهد و مردم
را رهنما شود .

(۱۷) وسمه ساءه. سوسه ساءه. ساءه.
 واهه ساءه. ساءه. ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.

ترجمه : کدام يك از (دو راه) نيكان خواه بدان بهتر دانسته خواهند بر
 گزید، بايد او كه آگاه هست به دانايان توضيح دهد (و آشكار كند) و او كه آگاه (و
 داناست البته) مردم نادان را گمراه نخواهد كرد.
 ای مزدا اهورا ! برای ما پدیدکننده وهومن شو .

توضیح : دو راه یعنی دو مسلك يكی باستانی ديويستی و ديگر
 زرتشتی و مزدیستی. ميفرمايد به مردم گفته شده و آشكار گشته و آنها یکی از دو
 راه را بايد برگزينند و بانان دانشمندان بايد هر دو راه را توضيح دهند و خوب و
 بد هر دو را بگویند و راهنمایی بکنند. پس خطاب به اهورمزدميگويد كه بر مردم
 وهومن را كه عقل كل و تمیز دهنده میان خوب و بد است آشكار كن تا حقيقت بر
 مردم روشن گردد.

(۱۸) ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.
 ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه ساءه.

ترجمه : پس هيچ يك از شما به سخنان و آموزش مرد ناراست گوش ندهيد

زیرا که او خانه و شهر و استان و کشور را بازار بلکه مرگ می افکند و باید با افزایش رزم (اخلاقی و روانی) با او مبارزه نمائید .

توضیح : عبارت این بند به بند گذشته ارتباط دارد میفرماید مزدیسنی نباید بسخنان و آموزش آموزگاران دیویسنی گوش دهد زیرا که آموزش آنها در انجام جامعه را چه در خانواده و چه درده و چه در شهر و چه در استان به هرج و مرج و آشفتگی بلکه تباهی خواهد آورد و باید با آنها مبارزه اخلاقی کند این فکر دو گوهر که ضدهم هستند در سنای ۴۵ و دیگر یسناها تکرار شده .

مزدیسنی باید راهی برگزیند که در جامعه نظم و راستی و درستی اشائی و دانش و هومنی پدید گردد.

(۱۹) دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان
دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان
دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان
دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان
دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان
دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان
دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان
دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان
دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان
دین دین است و با او چه سود و با او چه زیان

ترجمه : ای اهورا او که گوش میدهد به (سخن راست) و اشا (راستی را) درك میکند پزشك روان و خداوند دانش میشود. درباره سخنان از آموزش درست او(خواهد شد) بوسیله آتش تابناك تو ای مزدا! خداوند (دارای) زبان روان (یعنی فصیح) .

مقام (نصیب) هر دو گروه را (در انجام) شما تعیین میکنید(کلمه شما تعیین میکند اشاره به اهور مزدا و امشاسپندان است)

توضیح : تعیین انجام کشمکش میان دو گروه مخالف میفرماید وابسته به مشیت ایزدی است و او تعیین خواهد کرد چنانچه بالا اشاره شد در کلمه «ونه وی

دانا» چونکه مفهوم آن در جمع است، گویا باهورمزدامشاسپندان نیز اشاره شده‌اند.

(۲۰) ۴۴۰۰. ۴۴۰۱. ۴۴۰۲. ۴۴۰۳. ۴۴۰۴. ۴۴۰۵. ۴۴۰۶. ۴۴۰۷. ۴۴۰۸.
 ۴۴۰۹. ۴۴۱۰. ۴۴۱۱. ۴۴۱۲. ۴۴۱۳. ۴۴۱۴. ۴۴۱۵. ۴۴۱۶. ۴۴۱۷.
 ۴۴۱۸. ۴۴۱۹. ۴۴۲۰. ۴۴۲۱. ۴۴۲۲. ۴۴۲۳. ۴۴۲۴. ۴۴۲۵.
 ۴۴۲۶. ۴۴۲۷. ۴۴۲۸. ۴۴۲۹. ۴۴۳۰. ۴۴۳۱. ۴۴۳۲. ۴۴۳۳.
 ۴۴۳۴. ۴۴۳۵. ۴۴۳۶. ۴۴۳۷. ۴۴۳۸. ۴۴۳۹. ۴۴۴۰. ۴۴۴۱.

ترجمه : او که از (آموزگار) نیک پیروی میکند پس از این (زندگی) مقام او روشنائی خواهد بود و اما (او که پیرو بد و بدی است) زمان دراز در تاریکی و دور از روشنائی به سخنان پر درد (زاری) و به چنان زیست مبتلا خواهد شد و اعمال او بر طبق وجدان (دین) او رهنما خواهد گشت.

توضیح : گویا از روی این بند میان زرتشتیها بعداً عقیده‌ای صورت گرفت که پس از مرگ اگر متوفی در این زندگی نیک بوده اعمال او بصورت دوشیزه زیبا از او پذیرائی خواهند کرد و اگر بد بوده زن زشت صورت را خواهد دید مقصود منظره‌ایکه روان پس از جدا شدن از تن می‌بیند مطابق اعمال او خواهد بود. در کیش زرتشتی پس از مرگ سزای گناهان جاوید نخواهد بود ولی باندازه بدی در عمل زمان رنج‌روانی بیش یا کم میشود و در انجام نجات است چنین زمان دراز را در قرآن احقاب فرموده.

(۲۱) $\text{وَسِعَ وَبَسَّ} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$
 $\text{نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$
 $\text{نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$
 $\text{نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$
 $\text{نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$

ترجمه : مزدا اهورا خواهد داد خرداد (یعنی کمال) و امرداد (زندگی جاوید) و از خداوندی خود اشا و به نیروی الهامی خستر و به دادن روزی و هومن به او که در اندیشه و عمل مؤمن است.
 توضیح : کسی که در اندیشه و عمل به اهورمزدا ارادت مند و مؤمن باشد از همه امشاسپندان بخشش خواهد یافت. از خرداد تندرستی از امرداد نمیرندگی یا درازی عمر از اشا خداوندی بر خود و نظم و از خستر نیرو و الهام ایزدی و از هومن دانش که در نتیجه روزی نیز می یابد .

(۲۲) $\text{نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$
 $\text{نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$
 $\text{نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$
 $\text{نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$
 $\text{نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا} \text{ نَسْرًا}$

ترجمه : (این آموزش) واضح است به دانشمند و نیز به او که در ذهن به

یاری و هومن درك کرده است و چنین دانشمند (به یاری) خشتر ایزدی (نیروی نیک) و نیز اشا بزرگی میدهد بسخن و به عمل (این آموزش را) واو ای مزدا اهورا به تو یاور (خادم) بسیار با کفایت میشود .

توضیح : میفرماید به دانشمندی که ذهن او به یاری و هومن (عقل کل) روشن است این آموزش زرتشتی واضح است و چنین دانشمند هر گاه از آموزش پی برد میکوشد که در سخن و عمل مرام خشتر و اشا را عملی سازد یعنی مرد با اراده و درست کار گردد و البته چنین کس در جامعه در انتشار نیکی بهره بزرگ می یابد.

خلاصه سرود سی و یک

در سرود ۲۹ اعلام پیامبری شت زرتشت شده و در سرود ۲۸ از آن مأموریت شت زرتشت بدرگاه ایزدی سپاس گزار است و در سرود سی سخن از دو حالت یا نیرو هست که در جهان تن علت تنوع در اندیشه‌ها و قیافه و اعمال میشوند و در این سرود مختصر معرفی از کیش زرتشتی و تشویق به تبلیغ و انتشار آن است. در بند نخستین میفرماید که من آنچه آشکار میکنم از آن است که بمن الهام میشود و با دیویسناها که جهان اشا را که جهان راستی و درستی است تباه میسازند مبارزه میکنم. و در بند پنجم از اهورمزدا خواستار است که آئین اشا باو الهام شود و وهومن را نیک بدانند تا به خود اعتماد پیدا کند و پس از آن آنچه برای افراد جامعه نیکو هست بر آنان برگزید و در این اندیشه که شنیدند یا نشنیدند در بند هفتم دو نکته مهم بیان شده‌اند: یکی اینکه اندیشه و عمل بشر باید بر اساس دانش باشد (و دانش نیز بر دو نوع است یکی اینکه نیازمندیهای تن را دور میکند یا فراهم مینماید و دیگر دانشی که روان را از آلودگیها پاک و منزه میسازد و پیروان مزدیسنی باید دانش معنوی و روانی بیابند)،

دوم - تا باطن پاک و روشن نباشد ظاهر پاک و روشن نمیشود.

در بند هشتم خطاب به اهورمزدا عرض میکنند که تو آغاز و انجام و پدر و موی وهومن و آفریننده اشا هستی و تو برترین دادور هستی و تنها ترا باید در نظر

گرفت و در بند دهم میفرماید اگر یکی خود را پرهیزگار بنماید ولسی اندیشه او درست نباشد او نمیتواند بر فکر باطل عمل صحیح را بجا آورد و نمیتواند حامل پیام ایزدی گردد و در بند دوازده میگوید که فیض ایزدی به همه کس میرسد چه خوب و چه بد اگر امتیازی باشد در این است که یکی از آن فیض استفاده میکند و دیگری نمیکند و همین حقیقت در نامه مقدس بهگوت گیتا نیز گفته شده میفرماید :

برای من همه موجودات یکسان هستند نه دوست کسی هستم و نه دشمن ولی او که به صمیمیت و ارادتمندی می آید او در من است و در او هستم.

پس سخن در این نیست که چه از پروردگار میرسد بلکه در این است که از آنچه میرسد چگونه می پذیریم. ارمانی که صفت بندگی و عفت است همواره در جنب ماست و به پرسش ما پاسخ میدهد در توبه و بازگشت بسوی پروردگار همواره باز و هرگاه ما آماده شویم که از نقصی در آمده بی نقص گردیم مانعی در پیش نیست و اگر باشد صمیمیت و عشق ما او را دور میکند و اشا همواره یار ماست. در بند چهاردهم اشاره میکند که پیش از بجا آوردن عمل بیاندیشیم و از وجدان خود بپرسیم که انجام آن نیک است یا بد و زمان در گذشتن از آن عمل بهره مند میشویم یا زیان می بینیم - و در بند پانزدهم از دو تن دشمنان و مخالفان سر سخت اشاره شده یکی از آنان بنام بندوه و دیگر گروهی و هر دو از رؤسای فرقه دیویسنی بودند و ادعائی داشتند - و در بند شانزدهم خطاب به اهورمزد عرض میکنند که انتشار دهنده فزونی اشائی یعنی راستی در عمل باید چگونه باشد و البته پاسخ آن این است که اولاً خود او نیک گردد، تا دیگران را به نیکی رهنما شود و در بند هفدهم به عموم خطاب کرده میفرماید دو طریق زندگی به شما معرفی شده اند یکی مزدیسنی و دیگری دیویسنی، اکنون برای شماست که یکی از آنان را برگزینید و خطاب به اهورا مزدا عرض میکنند که و هومن را بر مردم آشکار کند تا حقیقت بر مردم روشن گردد و در بند هجدهم پیروان خود را اندرز می نماید که بسخنان گمراه کننده آموزگاران دیویسنی گوش ندهند و با آنان مبارزه اخلاقی کنند و راهی برگزینند که در جامعه نظم و نیکی

افزون گردد و در بند نوزده میفرماید که قضاوت این دو کشمکش یعنی گروه دیویسنی و مزدیسنی در انجام وابسته به فرمان ایزدبست و اوتعیین خواهد کرد و در بند هشتم میفرماید او که به آموزگار نیک پیروی میکند نیک میگردد و پس از پایان این زندگی به جهان روشنائی راه می‌یابد و او که پیرو بد است انجام در تاریکی است. گویا این اشاره را بعداً مفسرین مجسم کرده گفته‌اند که پس از مرگ عمل یا به صورت دوشیزه زیبا یا بصورت ناخوش و زشت پدید می‌گردد. در بند ۲۱ میفرماید کسی که در اندیشه و عمل به اهورمزدمؤمن باشد از همه امشاسپندان بخشش می‌یابد از جمله : ۱ - از خرداد تندرستی ۲ - از مرداد زیست جاوید ۳ - از اشا خداوندی بر خود یا تسلط بر نفس ۴ - از خشر پیروزی در اراده ۵ - از وهومن دانش. و در بند ۲۲ میفرماید ذهن او که به یاری وهومن روشن است آموزش را واضح خواهد یافت و خواهد کوشید که اراده خشر (که مشیت ایزدی است) و اشا را عملی سازد و مرد با اراده و راست و درست گردد .

سرود سی و دوم

(۳۲)

(۱) سرود سحر است. سرود سحر است. سرود سحر است.
 سرود سحر است. سرود سحر است. سرود سحر است.
 سرود سحر است. سرود سحر است. سرود سحر است.
 سرود سحر است. سرود سحر است. سرود سحر است.
 سرود سحر است. سرود سحر است. سرود سحر است.
 سرود سحر است. سرود سحر است. سرود سحر است.
 سرود سحر است. سرود سحر است. سرود سحر است.
 سرود سحر است. سرود سحر است. سرود سحر است.
 سرود سحر است. سرود سحر است. سرود سحر است.

ترجمه : به او (اهور مزدا) خویتوش نمازمیبرد و همچنین ورزنم با ایریمنه (بلکه) او رادیویسنی نیز به همان نیت (می ستاید). برای اینکه برترین سعادت را بیابند پس ما همه باید پیامبر تو بشویم تا هر که با تو دشمن است او را پس برانیم.
 توضیح : مزدیسنی بنا بر ایمان و علاقه ای که به کیش داشتند به سه بهره تقسیم میشدند به این ترتیب:

- ۱ - خویتوش - مؤمن در عقیده و پاک در عمل.
 - ۲ - ورزنم - ورزنده یا همکار که ایمان و صمیمیت خویتوش را نداشتند ولی همکاری می نمودند.
 - ۳ - ایریمنه یا دوست اینها همکاری هم نمیکردند ولی آموزش زرتشتی را به نظر دوستی میدیدند.
- و این تقسیم بندی غیر از تقسیم چهارگانه اصناف جامعه میباشد که احتمال

دارد بعداً صورت گرفته باشد، هم چنین در هند پیروان بودا به دو گروه منقسم شده بودند گروهی بنام گرته یا خانه دار که به امور معیشت میپرداختند و دیگر علم دین بودائی را آموخته به عبادت و ریاضت و رهنمائی به دیگران میگذراندند.

در ایران مقابل سه گروه دینی زرتشتی گروهی بنام دیویسنی بود که با آموزش زرتشت مخالفت میکردند ولی همه اینها اهور مزدا را خدای بزرگ میدانستند، در بند بالا میفرماید چه سه گروه موافق با زرتشت و چه يك دسته مخالف چونکه همه اهورا مزدا را می ستایند و از او سعادت و توفیق میجویند باید اتحاد بکنند و بدان و مفسدان را از جامعه براندازند و تصور بکنند که همه پیامبر و مأمور هستند از جانب اهور مزدا که مشیت اهور مزدی را که نیکی و نظم و درستی اخلاق است در جامعه انتشار دهند و بدی را دور کنند.

برخی از ایران شناسان سه بهره بالا را چنین نوشته اند:

- ۱ - خویتوش - نر = جنگجو - سرباز ۲ - اریمنه - هخامن
- روحانی ۳ - و ستر یا خشوبنت یا ورزنه یا ورزینه = کشاورز.

(۲) سوسرورجی. سوسوس. سوسورجی.
 دسدا سسجی واطرجم. سس سسورس.
 سس سس سس. سس سس. سس سس.
 سس سس. سس سس سس. سس سس سس.
 سس سس سس. سس سس سس سس.
 سس سس سس. سس سس سس سس.

ترجمه : بآنان بوسیله و هومن و خشر بما (چنین) الهام کرد و پاسخ داد با اشای با فر رفیق پیوسته اوسپنتا ارمایتی پاکرا برای شما بر گزیدم، امید که ارمایتی از ما باشد .

توضیح : عبارت این بند در افکار تسلسل بند گذشته است آنجا که میگوید

پیامبر بشویم - در پاسخ اهورمزد بوسیله وهومن و خشترالهام میکنند که آرمایتی (ارادت) و اشا (نیکی و تندرستی) را برای شما برگزیدم و زرتشت در سپاسگزاری عرض میکند امیدوارم که آرمایتی از ما باشد.

در این دو بند صفات ایزدی بصورت مظاهر ذکر شده اند حین پرستش و ستایش ناچار هستیم آنرا که مورد پرستش قرار داده ایم به چشم بصیرت یا به چشم تن درك کنیم. در آموزش اسلام و زرتشت گر چه بت پرستی منسوخ است ولی حقیقتی که کاملا مجرد و فوق ادراك ماست ناچار هستیم به تصور و تجسم او رادرك کنیم و به خود نزدیک نمائیم و برای آن صفاتی قرار میدهیم یا مظاهری در نظر می آوریم که در ذهن مجسم گردد و برخی که استعداد روانی آنان ضعیف است ناچار میشوند که او را بصورت بت در آورند .

(۳) سپاس و ستودن و سپاس و ستودن و سپاس و ستودن
 و سپاس و ستودن و سپاس و ستودن و سپاس و ستودن
 و سپاس و ستودن و سپاس و ستودن و سپاس و ستودن
 و سپاس و ستودن و سپاس و ستودن و سپاس و ستودن
 و سپاس و ستودن و سپاس و ستودن و سپاس و ستودن

ترجمه : اما شما ای دیو (یسنها) همه از نژاد روان ناپاک هستید و نیز او که شمارا بسیار گرامی دارد از ناراستی و از خود غرضی اعمال شما (صورت میگیرند) و به دو روئی شما در هفت (کشور) بوم معرفی شده اید.
 توضیح : در این مخاطب دیویسنها بویژه رئیس شان مردی بنام گرهمه یا گرهم بود که با حضرت زرتشت سخت مخالفت و رقابت میکرد .

(۴) و سوسه . و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .
 و سوسه . و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .
 و سوسه سوسه سوسه . و سوسه سوسه .
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .

ترجمه : بدین سان شما (اعمالتان را) فاسد کردید تا آنجا که مردم بدترین
 کار (کار) عزیز دیو (یسنها) نامیده شدند. اینان که خود را از وهومن و نیز از اهورامزدا
 جدا و از (آئین) اشاگمراه گشتند .
 توضیح : در نکوهش دیویسنها میفرماید که مردم بدترین عمل در نظر آنان
 گرامی و دوست هستند و اینها مردم را از وهومن و از اهور مزدا جدا و از راه
 اشاگمراه و روگردان کرده اند.

(۵) و سوسه . و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .
 و سوسه سوسه سوسه . و سوسه سوسه سوسه .
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .
 و سوسه سوسه . و سوسه سوسه .

ترجمه : بدین سان مردم را فریب دادید به يكزندگی خوش و جاوید هم
 چنانکه ای دیویسنها از اهریمن در اندیشه شما فریب خوردید (و راه ناراست را
 در پیش گرفتید) و اهریمن به سخنان ناراست به این روش زندگی شما را گمراه
 نمود، هرگاه او بشما پیمان کرد که ناراستان برتری خواهند یافت .

توضیح : از این بند معلوم میشود که کشمکش میان زرتشتی و دیویسنی بسیار سخت بود و رهبر دیویسنها به پیروانش وعده میداد که در انجام برتری از آنها خواهد شد (چنانکه در رزم گشتاسب و ارجاشپ و شاهنامه ذکر شده است) رهبر دیویسنها پیروانش را امیدوار میکرد که شاهی و برتری خواهند یافت و به يك زندگي خوش و جاوید همت آنان را می افزود.

(۶) $\text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو}$
 $\text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو}$
 $\text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو}$
 $\text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو}$
 $\text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو}$
 $\text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو} \text{سپنتامنو}$

ترجمه : سخت ترین گنه کار گر چه به اندازه ای با چنین (روش زندگي که رهبر او نشان داده) کامیاب گردد ولی ای اهورا از همه (کارهای ما) آگاه هستی (و ارزش حقیقی آنها را) در برترین نفس (که نفس ایزدی است) میدانی زیرا ای مزدا ! در شاهی تو و (خداوندی) اشا فرمان تو روان خواهد شد.

توضیح : ممکن است که سخت ترین گنه کار در کارهایش موقتاً کامیاب گردد ولی اهورامزدا که بر همه کارهای ما ناظر است و بیاد دارد و چیزی از علم او پوشیده نیست و نمیشود در انجام حقیقت را نمایان خواهد کرد و فرمان ایزدی و خداوندی اشائی یعنی درستی و راستی جهان را فرا خواهد گرفت .

(۷) سوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع

ترجمه : میان این گنه کاران هیچ يك پيشرفتی که به کوشش در این زندگی
آموخته (و آزموده شد) نمیدانند بنا بر این گویند که آزمایش آهن گداخته باید بشود.
ای اهورا ! انجام چنین آزمایش را بهتر میدانی.

توضیح : مقصود خوبی را به اینکه در زندگی آسایش و رامش و سکون
پیدا میکند باید فراگرفت و به خوبی هر عمل در ایام زندگی به تجربه پی میبریم در
اینصورت برای ثبوت خوبی و حقانیت آموزشی معجزه خواستن و آهن گداخته را
ثبوت خوبی دانستن بیهوده است و در آخر میفرماید ای اهورا چنین آزمایش را
(که در نتیجه شك و نادانی) تقاضا میکنند تو خود بهتر میدانی.

(۸) سوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع
یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع یسوع

ترجمه : میان اینها گنه کاران وی ون وت (و بور او) یمه نیز گفته شده که
میخواست در نظر مایرندگان به چیزهای جهان تن را روشن و خوشنما ساخته خوشنود

کنند - ولی ای مزدا (کوشش من برای بلندی روان است و بنا بر این امیدوارم) در روز واپسین از آنان ممتاز شمرده شوم.

توضیح : مقصود از گنه کار در این بند شخص دنیوی است. زرتشت میفرماید که پیش از او قهرمانانی چون وی ون وت و پوراو جمشید در گذشته اند که به آبادی جهان کوشیدند ولی هدف آنها دنیوی و مادی بود و من برای پاکسی روان و خوبی اخلاقی و نظم جامعه میکوشم بنا بر این روز واپسین از آنان ممتاز و جدا نموده خواهم شد.

(Yima) یما بزبان سنسکریت یما (yama) پور وی ون وت که بزبان سنسکریت وی وس وت تلفظ میشود از قهرمانان بسیار باستانی آریای هند و ایران بودند بلکه یما ایزدی است که به جامه بشر در آورده اند توصیف او دروستا شده می فرماید که اهورا مزدا از او خواست که پیغام روانی ایزدی به بشر برساند و او خود را در آن وظیفه کم زور یافته التماس نمود که او را به عمران و آبادی جهان مأمور کند و خواهش او پذیرفته شد و برای وظیفه اخلاقی و پیغامبری ایزدی زرتشت مأمور گشت از این رو در این بند میفرماید که هم یما و هم من به اصلاح جامعه از جانب اهورمزدا مأمور شده ایم ولی یما جنبه مادی و من جنبه معنوی را دارم و بنا بر این روز واپسین حساب من از او جدا و ممتاز شمرده خواهد .

در رگ ویدا یما یکی از القاب آتش است وی ون وت را به مفهوم آسمان و یما را بمعنی خورشید گرفته اند و البته روشنائی خورشید گیاهها و جانداران را بالیده و شاداب و همه اشیاء زمین را خوش نما میسازد و گویا به همین علت در شاهنامه عصر جمشید (یما) زمان ترقی و آبادی است .

ناراست رهنمائی می کند و باین ترتیب غذای روانی (آنانرا) پلید (مسموم) میسازد و این افزار رزم که گمراه کردن است سوی نیکان پرتاب میکند.

توضیح : در این بند اشاره به اختلافی است که میان دیویسناها و مزدیسناها صورت گرفت. تفصیل آن معلوم نیست گویا دیویسناها عبادت مخصوص هنگام شب بجای آوردند که مزدیسناها هنگام روز میگردند و این اختلاف را دیویسناها وسیله تبلیغ ساخته بر مزدیسناها انتقاد میگردند و می گویند که برخی از آنان را گمراه سازند و به کیش خود برگردانند و ضمناً اشاره شده که شب سمبول تاریکی و نادانی و روز روشنائی و راستی است اینکه بسیاری از دانشمندان مغرب زمین اختلاف کیش زرتشت را با عقیده آریای هند دانسته اند درست به نظر نمیرسد بلکه اختلاف میان دو گروه ایرانی بود. و عقیده گروه مخالف زرتشت که دیویسنی نامیده میشوند با عقیده آریای هند ممکن است که هم مانند و نزدیک باشد.

(۱۱) دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس
 و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار
 دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس
 و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار و سرجار
 دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس دسویس نپس

ترجمه : مردمی مانند اینها روش زندگی (ما) را فاسد میکنند زیرا که آنان شکوه و بزرگی را در زنان و مردان ناراستان تصور میکنند و نیکان را از بهترین (راستی و درستی) باز میدارند و ما را از رسیدن به هدف مانع میشوند ای مرزا! اینها پیوسته ذهن (ما را) پریشان میسازند.

توضیح : این بند در اندیشه تسلسل بند گذشته میباشد و شکایت از فساد اخلاق و مخالفت از دیویسناهاست که زنان و مردان طبقه بالا را محض نفوذ و

دارائی آنان بزرگ میسازند و نمیگذارند که نیکان به هدفی که اصلاح جامعه باشد برسند و اندیشه آنان را مشوش میسازند و به این ترتیب وهومن یعنی دانش را از آنان دور میکنند

(۱۲) سوسد (سوزن سوزد) بداند سوزد
فاند سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد
سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد
سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد
سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد
سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد سوزد

ترجمه : از اینگونه آموزش مردم از بهترین (روش) عمل روگردان میشوند و البته برای آنان مزدا مکافات فرموده است اینها زندگی مردم گیتی را بسخنان دلکش و بلند فاسد میکنند تا اینکه مردم به جای (روش) اشا به (یکی مانند) گرهه و کرپه و پیروان آنان که در پی بدی هستند برتری دهند.

توضیح : تفسیر و ترجمه این بند را هر مفسری به نوعی بیان کرده است و از سلسله افکار دربندهای گذشته آنچه میتوانیم توضیح بدهیم این است که میفرماید دیویسنیها بسخنان دلکش و گیرنده میکوشند که مزدیسنیهارا از راه راست اشائی برگردانیده به عقیده خود متوجه سازند و رؤسای این گروه کرپه و گرهه میباشند این فکر در سرود ۴۵ در بند نخستین تکرار شده آنجا که میفرماید:

مبادا بار دیگر آموزگاران بد (گرهه و کرپه) جان شما را تباه سازند.

اینها که بدکیش هستند (بدگیرنده یا برگزیننده) ناراست و به زبان پریشان یا از حقیقت روگردان (برتری دهنده؟)

(۱۳) هر نیروئی که گرهمه امیدوار است که بیابد آن در احاطه اهریمن خواهد بود (و این نیرو) تباه کننده زندگی (روانی) او خواهد شد و آنگاه ای مزدا! هر يك از (پیروانش) به التجا و فریاد خواهند خواست این پیام را که از سراینده سرود و برای تو گفته میشود و اینکه تهدید آنانرا بر خلاف اشا (راستی) باز میدارد.
 توضیح : گرهمه امیدوار است که نیرو بیابد و مردم را به خود متوجه سازد ولی نیروئی که او خواهد یافت اهریمنی خواهد بود و او را به مرگ روانی و اخلاقی خواهد برد، ای مزدادر انجام آنانکه به او مایل هستند روزی میرسد که از تو به التجا فریاد خواهند کرد و خواهند خواست پیامی که توسط سراینده سرود برای تو گفته میشود به آنان برسد و تهدیدی که دیویسنیها بر خلاف روش اشائی (راستی) میکنند مزدیسنیها را از آن بیاید و حفظ کند.

(۱۴) ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد .
 ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد .
 ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد .
 ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد .
 ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد . ســرورسـد .

ترجمه : برای اینکه او (زرتشت) را به دام بیندازند گهرمه و کوی از زمان باستان کوشیده‌اند و ذهن را متوجه کرده‌اند (و به همین اراده) و برای یاری‌وزندگی تنی به آنان نزدیک شده‌اند برای اینکه زندگی آنها محکوم به مرگ شده است و امیدوارند که یاری تباه نشدنی بسوی آنها بشتابد .

توضیح : از مخالفین زرتشت یکی گهرمه نام داشت که میان دیویسنیها با نفوذ بود- و دوم کوی که معنی آن دانا و خردمند است برخی از تیره کوی مانند گشتاسپ از مؤمنین و پیروان زرتشت شدند و برخی سخت مخالف بودند بنا بر این مزدیسنیها آنانرا لقب نایبنا دادند و سوم کرپه که لقب کر یافتند و اتفاقاً هم چنین القاب در قرآن نسبت به مخالفین اسلام داده شده و چهارم اوسگک یا اوسخ (Usig) از ریشه Vas اراده کردن ، این نام در رگ ویدا نیز ذکر شده بنا بر دستور زادسپرم (Zadsparam) اینها چند برادر بودند که به زرتشت سخت مخالفت میورزیدند و گهرمه ادعای هم رتبه بودن می نمود و ممکن است که دیویسنیها تابع کیش باستانی آریائی نبودند بلکه به آموزش گهرمه گرویده و متقابل مزدیسنی که کیش راست شمرده میشد کیش آنانرا مزدیسنیها دروغ یا ناراست نامیدند.

(۱۵) ناسدود. سد. وایفاسدسد.
 ویدان کاسسدسد. ویداسسدسد.
 سدسدود. سد. ویداسسد. ویداسسد.
 کاسسد. کاسسد. کاسسد. کاسسد. کاسسد.
 کاسسد. کاسسد. کاسسد. کاسسد. کاسسد.
 کاسسد. کاسسد. کاسسد. کاسسد. کاسسد.

ترجمه : چنین یقیناً کاملاً به ناکامیابی آورده شدند چه این گروه کرپه و چه کوی توسط (همان مردم که) به آنان مقرر داشتند که بر همه زندگی کاملاً خداوندی نکنند .

و اینها (خرداد و امرداد را یافته) با آن جفت به نمان و هومن (دانش) برده خواهند شد .

توضیح : پیشگوئی - کرپه که به سخن راست گوش نمی دهند و کوی که به دیدن حقیقت نایبنا هستند در انجام نقشه آنان برای تباهی و بازداشتن مزدیسنیها از خداوندی برزیست نقشه ای بر آب خواهند شد و مزدیسنیها به یاری جفت خسر داد و امرداد یعنی تندرستی و زیست جاوید به مکان و هومن که عقل کل و جوهر دانش است خواهند رسید.

بنا بر آموزش زرتشت دوزخ و بهشت در ذهن و نفس خودمان هستند و بنا بر اعمال پدید میگردند اگر اعمال درست و اشائی هستند بصورت بهشت و اگر نادرست و اهریمنی میباشند به شکل زشت ورنج آور در می آیند به اعمال اشائی دوزخ تنی را بهشت و به کارهای ناشایسته اهریمنی بهشت گیتی را دوزخ میسازیم.

(۱۶) مژدهٔ فرخندهٔ سپهر
 و مژدهٔ سپهر
 و مژدهٔ سپهر
 و مژدهٔ سپهر
 و مژدهٔ سپهر
 و مژدهٔ سپهر
 و مژدهٔ سپهر
 و مژدهٔ سپهر
 و مژدهٔ سپهر
 و مژدهٔ سپهر

ترجمه: یقیناً هم رنگ بابیست (وهومن) است او که از آموزش راست آموزگار
 دانا را پیروی میکند.

ای مزدا اهورا! تو توانا هستی بر آنانکه نقشه‌ها برای آزار من میکشند و
 بتوانم باز دارم پیروان ناراستی را از ستم بر دوستان (ارادتمندان) تو.
 توضیح: او که به آموزشی راست پیروی میکند گوئی در جائی هم مانند
 به بهشت است.

مزدا اهورا تسواناست که نقشه‌های دشمنان را که برای آزار من می‌کشند
 باطل کند.

بتوانم پیروان ناراستی را از ستم بر ارادت‌مند تو بازدارم.

خلاصه سرود سی و دوم

در این سرود مخالفت دیویسنی به آموزش زرتشتی بیان شده. سرود آغاز
 میشود به اینکه چه زرتشتی و چه دیویسنی هر دو اهورامزدا را می‌ستایند و او را
 بزرگ میکنند و البته اراده ایزدی بر این است که در جامعه فساد نباشد پس چه اندازه
 بجاست که زرتشتی و دیویسنی بهم ساخته اراده اهورامزدا را در جامعه انتشار
 دهند و مفسدان را پس رانند و نگذارند که علت فساد و ناراحتی مردم شوند و پس

از آن دربندهای دیگر شکایت از گرهمه و دیگر مخالفین است و اینها :-

اول کرپه ، دوم کوی ، سوم اوسگک بودند. در بند آخر خطاب به اهورمزد عرض میکنند که زرتشت را یاری دهد که ستم و آزار دیویسنیها را از افراد جامعه دور کند و مزدیسنیها را امیدوار می‌سازد که در انجام از پیروی به آموزش راست و آموزگاران نیک به بهشت برین که مقام دانش و هومنی است رسیده سعادت مند خواهند گشت .

کوی بمفهوم دانا و سرودگونام گروه یا تیره ایست که افراد آن با زرتشت مخالفت میکردند تا اینکه گشتاسپ که از تیره کوی بود با خانواده‌اش به آموزش زرتشت گروید و پس از آن آریای ایران دوباره شدند بهره‌ای مخالف بنام دیویسنی و بهره‌ای پیرو زرتشت بنام مزدیسنی. مخالفین کوی را مزدیسنی‌ها کور لقب دادند. دوم کرپه نیز تیره یا گروهی بودند که از مزدیسنی‌ها لقب کر یافتند یعنی سخنان زرتشت را می‌شنیدند ولی اطاعت نمی‌کردند که سهل است مخالفت مینمودند. سوم اوسگک که در رگ‌ویدا نیز این نام ذکر شده .

چهارم شخصی بنام گرهمه که رئیس دیویسنی و خود را هم رتبه زرتشت می‌دانست. از آموزش او اطلاعی در دست نیست در سرودهای گاتا گرچه از او شکایت شده ولی اختلاف او چگونه بوده اشاره نشده زرتشت اهمیت زیاد به امشاسپندان بویژه اشاو و هومن می‌داد و ممکن است که در آموزش گرهمه اینها مهم نبودند یا به شکل دیگر معرفی می‌شدند. بیشتر از ایران شناسان گفته‌اند که عقیده و رسم عبادت دیویسنیها به آریای هند هم مانند بود بنابراین اختلاف دینی را میان هند و ایرانی دانسته‌اند ، ولی اختلاف میان دو گروه ایرانی بود و عقیده گروهی با عقیده آریای هند نزدیک بوده و اگر عقیده میان ایرانی و هندی بود، درگاتا از آن اشاره می‌شد و هم چنانکه مقابل زرتشت یکی مانند گرهمه سر بلند کرد و رقابت و حسادت نمود و ادعائی داشت مقابل بودا و موسی و حضرت محمد نیز اشخاصی بودند که رقابت می‌کردند و ادعائی می‌نمودند مانند عمر ابن هشام معروف به ابوجهل و ولید بن مغیره و در آخر مسیلمه.

سرود سی و سه

(ویرایش جدید - سرود شماره ۳۳)

(۱) ویرایش جدید - ویرایش جدید - ویرایش جدید -
ویرایش جدید - ویرایش جدید - ویرایش جدید -
ویرایش جدید - ویرایش جدید - ویرایش جدید -
ویرایش جدید - ویرایش جدید - ویرایش جدید -
ویرایش جدید - ویرایش جدید - ویرایش جدید -
ویرایش جدید - ویرایش جدید - ویرایش جدید -

ترجمه : بنابراین (اصول) در (گیتی) خواهد ورزید و اینها آئین اساسی
زندگی هستند (از زمان باستان) و او که ر تو (یعنی رهبر روانی است) به کمال داد
و راستی عمل خواهد کرد چه به پیروان ناراست (دیویسنی) و چه به پیروان راستی
(مزدیسنی) و هم چنان به هر که خوبی و بدی او آمیخته است (با هر که نواقص
او آمیخته به استعداد و شایستگی است) .

توضیح : در این بند اندرز بسیار سودمند و عادلانه گفته شده میفرماید که
دادور در قضاوت باید کاملاً بیطرف باشد و چه مزدیسنی و چه مخالف او که دیویسنی
است چون محاکمه بکند به راستی و درستی و بیطرفی بکند در همه کارهای آنان
چه شایسته و چه ناشایسته .

(۲) سمع و سمر . سماع . و (عقود سمدوم) .
 واند سمدوم سمدوم . واند سمدوم . واند سمدوم سمدوم .
 سمدوم سمدوم سمدوم . واند سمدوم سمدوم سمدوم .
 واند سمدوم سمدوم . واند سمدوم سمدوم سمدوم .
 سمدوم . واند سمدوم . (سوم سمدوم) .
 سمدوم سمدوم سمدوم . سمدوم سمدوم سمدوم .

ترجمه : و هر که بدی میکند (یعنی مبارزه مینماید و خنثی میسازد) کارهای دیویسنیهار خواه به سخن یا به اندیشه یا به دست (یعنی عمل) یا دوست همکار خود را (راه خوبی می آموزد او مشیت اهورمزدا را از روی ارادت عملی میکند (بجای می آورد) .

توضیح: در این بند مفهوم جمله آخر دعای اهنوور گویا بیان شده یعنی میفرماید که:-

اولا- او که راه حقیقت و راستی را یافته باید بکوشد خواه به اندیشه یا سخن یا عمل دیگران را راهنما گردد .

دوم- دوست و همکار خود را از آنچه از خوبی دانسته بیاموزد و به این ترتیب او از ارادتی که به اهورمزدا دارد و مشیت اهورمزدی را میان افراد جامعه عملی میسازد.

نزدیک و از ایریمنه تهمت^۱ (ودشنام)^۲ و از عموم مردم گیتی^۳ بدشبنانی (یعنی بدرفتاری).
توضیح: آرزوی حضرت زرتشت چنین بود که از اهور مزدمیخواهند اینک:.

- ۱- از مزدیسنیها عموماً بی ایمانی و بداندیشی دور شوند.
- ۲- از خویتوش که اعلا ترین طبقه زرتشتی بودند خود پسندی و به خود بالیدن...

۳- از ورزنه مخالفت به خویشان نزدیک

۴- از ایریمنه بدگوئی! از (مردم)

۵- از عموم مردم زمین بدرفتاری و بی اعتنائی به همدیگر.

و البته در صورتیکه این دعا مستجاب بشود زندگی تنها برای همه زندگی روانی و بهشتی میشود.

(۵) ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ . ۳۳۳-۳۳۳-۳۳۳ .

ترجمه : بنابراین بزرگترین همه سروش خودت برای کامیابی خواهد
خواست (دعا خواهد کرد) و به رسیدن به زندگی دراز و به رسیدن تابه مکان
وهومن (بیاری) اشا از راه راست آنجائیکه خود اهور مزدامیمانند .

توضیح: در این بند فکربند گذشته تکمیل شده یعنی اگر طبقه های جامعه
فاسد نباشند و اصلاح بیابند بزرگترین همه فرشتگان سروش اهور مزدی برای آنان
به زندگی دراز و وصول به مکان دانش ایزدی که وهومن باشد بیاری اشا که

درستی و راستی است دعا خواهد کرد و آنان از آلودگیها پاک شده به مکان سعادت که جای خود اهورمزداست خواهند رسید .

داریوش بزرگ در سنگ نوشت او از اهورمزد میخواهد که خشکسالی نشود و دشمن خارجه بر ایران نتازد و مردم همواره راست و درست باشند. شت زرتشت نیز از اهورمزد خواستار است که در طبقه های زرتشتی که آنان را خویشتوش و ورزنه و اریمنه نامیده است خودپسندی و مخالفت با خویشتان بسیار نزدیک و اتهام بر مردم پدید نشود و شبان یعنی فرمانده داد دهنده و خوش اندیشه باشد و با مردم خوش- رفتاری کند تا سروش از اهورمزد بخواهد که به حضور آفریدگار برسند یا اینکه زرتشت دعا میکند و از سروش زیست دراز میخواهد تا بتواند در این زندگی کارهای نیک بجا آورد و امیدوار است اولاً به مقام و هومن و اشا و در انجام به مکان اهور- مزدا که مقام خوش بختی و سعادت است برسد.

(۶) $\text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو}$
 $\text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو}$
 $\text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو}$
 $\text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو}$
 $\text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو} \cdot \text{سپنتامنتو}$

ترجمه : بنابراین به حیث سرودگو (زاوتر) استوار در پیروی به اشا با همه توجه از بهترین روان بوسیله و هومن من التجا (دعا) خواهم کرد که بتوانم وظیفه پاسبانی (رهبری) را چنانچه اندیشیده شده است به انجام برسانم.
 پس تمنا میکنم (خواهشمندم) از توای اهورمزدا ! که دیدار خود بمن بنمائی و به تو هم پیوست شده (مکالمه کنم) .

(۸) $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$

ترجمه : به توجه ای مزدا ! در همه کارم که از وهومن ملهم شده پیروی میکنم، داوری کن نیز پرستش چون تویی ای مزدا ونیز سخنانی که درستایش تواز اشا ملهم میشوم شما امرداد بمن زیست جاوید دهید وای خرداد سعادت کامل شدن. توضیح: مقصود از اهورمزدا التجا میکند به وقت در کارهاییکه از وهومن ملهم شده بجا می آورد سرود وستایشی که از اشا الهام یافته میسراید داور می کند و از امرداد زیست جاوید و از خرداد سعادت کامل شدن را آرزو میکند.

(۹) $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$
 $\text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀} \cdot \text{𐬎𐬀𐬌𐬎𐬀}$


ترجمه : یقیناً از تو هستند ای مزدا این دونیرو (صفات) فزاینده اشا (راستی) بیابم بوسیله نور ایزدی دانش وهومنی و این دو امرداد و خرداد از بلندیهای جهان تجرد خوش بختی بیاورند اینها که روان شان به يك صورت کار میکند .

توضیح: در این بند آنچه در بند دوم سرود ۴۵ درباره سپنتا ماینیو وانگرا فرموده عکس آن میفرماید یعنی سپنتا هیچ گاه در عمل و روح مانند انگرا نیست و این دو همواره برضد هم کار میکنند ولی امرداد و خردداد در کاریکسان هستند، و روان یعنی حقیقت آنان در عمل به یک نتیجه میرسد که آن سعادت جاوید است و عبارت این بند البته تسلسل عبارت بند گذشته است.

(۱۰) وا به در سع . دد جا . در سع به سع در جا .
 و سع . سع . سع در سع . و سع در سع . در سع به سع .
 و سع در سع . سع . سع در سع . سع در سع به سع .
 سع در سع به سع . سع در سع . سع در سع به سع .
 سع در سع . سع در سع . سع در سع به سع .
 سع در سع به سع . سع در سع . سع در سع به سع .

ترجمه : ای مزدا ! همه نیکان از تو هستند چه (از آنها) که در زمان پیشین بوده اند و چه آنانکه وجود دارند و چه آنانکه بوجود خواهند آمد از اینها همه به عنایت خود اجازه بده که بهره مند (شریک) شویم و بوسیله وهومن و خستر و اشا تن ما را به روشنایی و خورسندی ایزدی بلند کن.

توضیح : این بند در مناجات است از اهورمزد میخواهد که ما را از نیکانی بکند و توسط وهومن و خستر و اشا شخص ما را به روشنایی و خورسندی ایزدی بلند نماید . هر جا که اشاست آنجا اشتا یعنی روشنایی و خورسندی حقیقی نیز وجود دارد (رجوع شود به دعای اشموهو و هشتم استی اشناستی) .

(۱۱)  و سق . دد و دد دد دد . دد دد دد .
 دد و سق دد دد . دد دد دد دد دد دد .
 دد دد دد . دد دد دد - دد دد دد دد .
 دد دد دد دد . دد دد دد . دد دد دد دد دد .
 دد دد دد . دد دد . دد دد دد دد دد . دد دد .
 دد دد . دد دد دد دد دد . دد دد دد . [سر دد]

ترجمه : ای اهورمزدا تو بر همه تواناترین هستی وای ارمایتی و نیز اشاکه
 بهزندگی گیتی سعادت و برکت میدهید و ای وهومن و خستر به فریاد من برسید و
 بر من بخشایش کنید هنگامیکه پاداش را از هر یک به هر یک می بخشید .
 توضیح: این نیز در مناجات هست و خطاب نه تنها به اهورمزدا بلکه به امشاسپندان
 نیز نموده و از آنان التجا میکند که بر او بخشایش کنند هنگامیکه پاداش اعمال را
 به مردم خواهند داد .

(۱۲) دد . دد . دد . (د) دد دد دد . دد دد دد .
 دد دد دد دد . دد دد دد دد . دد دد دد .
 دد دد دد دد . دد دد دد . دد دد دد .
 دد دد دد . دد دد . دد دد دد .
 دد دد دد . دد دد دد . دد دد دد دد .

ترجمه : برآی در من ای اهورا و بوسیله ارمایتی مرا توانائی (روانی
 به بخش) و بوسیله سپتاماینیو ای مزدا پاداش نیاز نماز و بوسیله اشانیروی کامل
 روانی و بوسیله وهومن مهر به همه زندگان (مهریکه همه را فراگیرد) .

توضیح: این بند و دو بند دیگر یعنی بند سیزده و چهارده در آغاز آتش نیایش خوانده میشوند و به صورت مناجات پر معنی ترین دعا محسوب میگردند میتوان گفت که در این بندها جنبه عرفانی آموزش زرتشتی است .

(۱۳) اَسَدَه اَسَدَه . وَ اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه .
 وَ اَسَدَه اَسَدَه . اَسَدَه اَسَدَه . اَسَدَه اَسَدَه .
 اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه . اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه .
 اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه . اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه .
 اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه . اَسَدَه اَسَدَه اَسَدَه .

ترجمه : ای اهورای همه بین ! مرا سعادت مند کن به آشکار شدن بخششهای گرانبهای تو (یعنی) از خست که در آن سعادت و هومنی باشد و ای ارمایتی پاك ، واضح توسط اشاما را به درك باطن ما (وجدان) موفق ساز .
 توضیح: از اهورمزد همه بین خواستار است که بخششهای گرانبهای او یعنی نیکوئی و پاکی و راستی و دانش عطا فرماید و در عملی ساختن آنها نیروی خستتر به بخشد که در آن دانش و هومن باشد و ارمایتی توسط اشا ادراك آگاهی به باطن عطا کند تا اشاره های وجدان را بسنجیم و باطن خود را دریابیم .
 ارمایتی بمفهوم ارادت و گرویدگی و پذیرندگی و تسلیم گفته شده .

(۱۴) بیخ . (سده بیخ) . (سده بیخ) .
 سده بیخ . سده بیخ . سده بیخ .
 سده بیخ . سده بیخ .
 سده بیخ . سده بیخ . سده بیخ .
 سده بیخ . سده بیخ . سده بیخ .
 سده بیخ . سده بیخ . سده بیخ .

ترجمه: بنابراین زرتشت همه زیست تن و روان و برجسته ترین عمل خود را به حضور مزدا و وهمنه بصورت نیاز پیش کش می کند و بهترین کار و سخن را به اشاو صمیمی ترین ارادت بندگی را به خشتر اهدا مینماید .

توضیح: در این بند زرتشت زندگی ظاهر و باطن و همه اعمال نیک و اندیشه و سخن خود را به حضور اهور مزدا و سه صفات برجسته او یعنی وهمن و اشاو خشتر تقدیم میکند و غیر مستقیم به همه پیروانش اشاره مینماید که زندگی آنان چه تنها و چه ذهنی باید هدیه و نیاز باشند که به حضور اهور مزدا تقدیم میکنند و البته هدیه ای که آفریده شده به آفریدگار خود پیش کش می کند باید در بهترین صورت باشد .

خلاصه سرود سی و سه

از افکار این سرود که اخلاقی و عرفانی میباشد عارف کامل یا ادیب فاضل می تواند يك مثنوی مفصل بگوید ولی متأسفانه در ایران کسی پیدا نشد و این گنج گران بها هم چنانکه در این سرود زندانی بود تا کنون زندانی مانده .
 در بند نخستین سخن از داوری است میفرماید دادور باید بیطرف باشد چه

به دشمن و چه نسبت به دوست آنچه محاکمه میکنند و حکم میکنند نظر او بر داد باشد کارهای شایسته و ناشایسته هر دو تن شاکتی را نیک بسنجد و هر چه ترازوی داد حکم میکنند بگوید و در بند دوم هر که از خوش بختی راه راست را یافته باید دیگران را راهنما گردد به اندیشه و به کار و به سخن برای دیگران نمونه شود و اراده اهورمزدی که راستی و نظم و درستی است در افراد جامعه بیفزاید در بند سوم پند میدهد که از یکسو باید با فساد مبارزه کرد و از سوی دیگر به آنان که نیک هستند همراهی نماید و در پرورش جانداران بکوشد و در بند چهارم از اهورمزد میخواهد که از پیروان او صفات ناپسندیده خود پسندی و مخالفت به خویشان و بدگویی از افراد جامعه و بدرفتاری و بی اعتنائی به عموم مردم دور شوند و در بند پنجم زندگی دراز را آرزو می نماید نه برای هوسرانی و جاه طلبی و سودمادی بلکه وقت بیا بدتاکارهای نیک را بیشتر بجا آورد و از دانشی که از اهورمزد بوسیله و هومن یافته کاملاً استفاده نماید تا به خوش بختی معنوی و روانی بهره مند گردد و در بند ششم آرزوی دیدار ایزدی و پیوستگی یعنی معرفت به آفریدگار را آرزو دارد و در بند هفتم آرزو دارد نه تنها اهورمزد بلکه به اشای یعنی نفس کل و حیات ایزدی و هومن یعنی عقل کل معرفت یابد و در بند هشتم زیست جاوید معنوی را طالب است و در بند نهم با زیست جاوید سعادت و تندرستی را نیز توأم میکند و در بند دهم نیکان چه آنانکه در گذشته اند و چه آنانکه وجود خواهند یافت همه یکسان هستند و از اعمال و افکار همه آنها باید استفاده کرد و آرزو میکند که پروردگار بوسیله نیروی ایزدی یعنی خشنود و اشای ما را روشنائی و خورسندی روانی عطا فرماید و در بند یازدهم گذشته بر اهورمزد به امشاسپندان خطاب نموده از آنان التجا میکنند که هنگام سنجش اعمال در روز واپسین بر او بخشایش کنند و در بند دوازدهم میخواهد که بوسیله ارمایتی حس گرویدگی و اطاعت به اهورمزد و بوسیله سپنتا ماینو با روان پاک پاداش نیاز و نماز و بوسیله اشانیروی روانی و توسط و هومن همه روی و مهر عمومی یعنی مهری که همه زندگان را فرا

گیرد و در بند سیزده نام خشتر را نیز می‌افزاید و از اهورمزدا التجا میکند که بخشش‌گران بهای نیکوئی و پاکی و راستی و دانش به ما عطا کنند تا باطن ما مانند ظاهر از آلودگیها پاک و آراسته گردد و در بند چهارده همه فعالیت و اعمال خود را چه ذهنی و فکری و عملی و چه آنچه از زبان صادر میشود به حضور اهورمزدا تقدیم میکند و فکر و ذکر و عمل خود را همه نیاز اهورمزدا میسازد.

و این است بسیار مختصر از سرود سی و سه گاتا که میتوان آنرا بصورت نامه‌ای مفصل کرد و از روی آن برنامه زندگی را تعیین نمود، خداوند چنین توفیق

دهد .

سرودسی و چهار

(و سرتسدلس نرسدرسد . ۳۱۴)

(۱) و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .
 و سرتسدلس نرسدرسد . و سرتسدلس نرسدرسد .

ترجمه : ای مزدا ! توسط اعمال و سخنان و سرود ستایش که امرداد و اشا را سوی آدمیزاد می آورم و نیز خشتر را و ای اهورا توسط خرداد از آنان و از تو به تقدیم نیاز امید که با کمال صمیمیت بمانیم .
 توضیح: زرتشت به اهورمزد عرض میکند که به عمل و سخن نیک و ستایش خواهد کوشید که امرداد یا زیست جاوید و اشا و نیز خشتر را سوی آدمیزاد بیاورد و امیدوار است که او و پیروان او همواره به تقدیم نیاز به صمیمیت در امشاسپندان و اهورا بمانند .

(۲) سَمْعُ مَرْسَدٍ لِي سَمَّيْتُ رَءِيسَ مَدِينَتِي
عَسَدًا زَرَدِي مَرْسَدًا قَائِدًا زَرَدِي قَائِدَ مَدِينَتِي وَسَمَّيْتُ
مَدِينَتِي سَمْعُ مَرْسَدٍ مَرْسَدًا مَرْسَدًا مَرْسَدًا مَرْسَدًا
وَسَمَّيْتُ مَدِينَتِي مَرْسَدًا مَرْسَدًا مَرْسَدًا مَرْسَدًا
رَبِّ مَدِينَتِي مَرْسَدًا مَرْسَدًا مَرْسَدًا مَرْسَدًا
قَائِدَ مَدِينَتِي مَرْسَدًا مَرْسَدًا مَرْسَدًا مَرْسَدًا

ترجمه: و نیز تنها در تو و در همه آئین وهومن و اعمال مردان نیک که
روان آنها با اشا همساز و هم رنگ است رهنماست ما را که در نماز به خواندن
سرود ستایش به شما ای مرزا نزدیک شویم .

توضیح: در این بند به سه نکات مهم اشاره شده که وسیله به نزدیک شدن
به پروردگار می شوند .

اول - تأمل و تفکر در اهورمزدا .

دوم - تأمل و مطالعه در آئین وهومن که بر اساس و دانش است .

سوم - تقلید از کارهای مردان نیک که اعمال شان با راستی و درستی همساز
بوده و هست و با داشتن این سه خصوصیت می فرماید سرودهای ستایش را با آهنگ
دلکش می خوانیم تا وسیله آرام روان و اصلاح اخلاق شوند .

(۳) بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی.
 بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی.
 بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی.
 بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی.
 بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی.
 بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی. بیخ کنی.

ترجمه: و آنچه لازم پرداخت هست ای اهورا به تو و به اشا با کمال فروتنی و نماز خواهیم پرداخت. همه زندگان (مردم گیتی) در زمین تو که بوسیله و هومن (وظایف خود را) به انجام میرسانند زیرا ای مزدا به جوینده حقیقت در بهشت برین میان شما همه جاوید سعادت (و خوشبختی) میرسد.

توضیح: در این بند اولاً وظیفه هر فرد بشر را میفرماید که باید:

۱- حق نیاز و نماز را به اهورمزد و صفت بارز او اشا به پردازد یعنی بدرستی و راستی زندگی کند...

۲- زندگانی او باید بر اساس و هومن یعنی دانش باشد و در نتیجه او در بهشت برین اهورمزد و صفات شش گانه او سعادت و خوشبختی ابدی خواهد یافت.

(۴) سَمِعَ سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً
سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً
سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً
سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً
سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً
سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً سَمِئاً

ترجمه : و برای آتش تو ای اهورا که توسط اشا بلند مقام است ما آرزو داریم آنچه باید شایسته آرزوست که دارنده نیرو باشد و همواره به گرویدگان تو یاری آشکار دهد و اما برای ناگرویدگان ای مزدا ! او به اشاره دست به نامهری می بیند .

توضیح : آتش مظهر مادی اشاست و در جهان تن به چندین صورت تجلی میکند و آتشی هم هست که مظهر معنوی میباشد و اینجا اشاره به آتش معنوی یا روانی است که آرزو دارد همواره بلند مقام باشد و به گرویدگان اهورا یاری دهد ولی به ناگرویدگان نامهربان باشد. توصیف آتش مقدس در سرود ۴۶ بندشش و در دیگر سرودهای گاتا شده است .

(۵) و سق . فاق . ن سق سق (اق) . وس . ن سق سق سق .
 سق سق سق سق سق . سق سق سق . سق سق سق . سق سق سق سق .
 سق سق سق . فاق سق سق . سق سق سق سق .
 سق سق سق سق سق سق . سق سق سق . سق سق سق سق سق .
 سق سق سق سق . فاق سق سق سق سق . سق سق سق سق سق .
 سق سق سق سق سق سق سق . سق سق سق سق سق سق سق .

ترجمه : چه اندازه بزرگ است نیروی شما و چه اندازه عمیق است آرزوی
 من برای خدمت شما ای مزدا تا که با شما یگانه شوم و هم چنین با اشا و با وهومن
 و از ارادت مندان شما نگهداری کنم و بگویم که برتر و جدا هستید چه از دیواها
 و چه از مردم بدکار .

توضیح: کلمه Drigu در دعای مقدس اهنوور نیز گفته شده میفرماید : -
 Yim Drigubyo Dadet Vafarem
 او که شبان (نگهداران) درگو (یعنی ارادات مندان) میشود .

(۶) سق سق سق . سق سق . سق سق سق .
 سق سق سق . سق سق سق . فاق سق سق . سق سق سق سق .
 سق سق سق . سق سق . سق سق سق سق سق . سق سق سق .
 سق سق سق سق . سق سق سق سق . فاق سق سق سق . سق سق سق سق .
 سق سق سق سق . سق سق . سق سق سق سق سق سق .
 سق سق سق سق سق سق سق سق . سق سق سق سق سق سق سق سق .

ترجمه : از آنجائیکه شما ای مزدا و اشا و وهومن راست (حقیقت) هستید
 بمن راهنمایی کنید در همه تحولات این زیست تنی چنانکه این پرستنده و ستاینده

شما از بند زنجیری روان آزادگردم .

توضیح: کلمه Ayeni Paiti که بمعنی آزاد گردم ترجمه شده بمفهوم بازگشت بسوی پروردگار و آزادی از تحولات زیست تنی است .

(۷) و دایه وایه . ساجد . ساجد وایه . ساجد وایه .
 ساجد . ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه .
 ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه .
 ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه .
 ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه . ساجد وایه .

ترجمه : ای مرزا ! کجا هستند گرویدگانیکه هومن را دانسته به این آموزش
 که میراث حقیقی ما هست در نبودن بخت و پریشانی هوش را آزاد ساخته اند از
 آنان جز شما توسط اشا دیگری را نمی شناسم بنابراین ما را پناه دهید .
 توضیح: در این بند شکایت از پریشانی گرویدگان نیک زدینسی میکند و
 به اهورمزد پناهنده میشود .

از چنین نادان ارمایتی نیز با اشا دوری میجوید چنانکه بدان بی فرهنگ از ما دور میشوند .

توضیح: ارمایتی پاک که نزد پارسای دانشمند گرامی است نزد شخص بدکار نیست زیرا که او از وهومن آگاه نباشد ودانشی ندارد که اندازه پاک و خوبی را بکند و از چنین نادان البته ارمایتی یعنی صفت گرویدگی و اطاعت و نیز اشا که راستی و درستی و نظم است دور میشوند و همچنین است برخی از افراد جامعه که بسبب بدی و بی فرهنگی از ما یعنی زرتشت و نیکان زرتشتی دوری میجویند (اشاره به بعضی از دیویسنیهاست).

(۱۰) ندردند . و ندرند . ندرند . ندرند . ندرند .

و ندرند . ندرند . ندرند . ندرند . ندرند .

ندرند . ندرند . ندرند . ندرند . ندرند .

ندرند . ندرند . ندرند . ندرند . ندرند .

ندرند . ندرند . ندرند . ندرند . ندرند .

ندرند . ندرند . ندرند . ندرند . ندرند .

ترجمه : پارسای دانا به چنین (مخالفین) عمل وهومن (که مهر است) می آموزد که برگرفته شود و نیز (می آموزد) که سینتا ارمایتی جاوید موجود و ریشه اشاست و آنان (مخالفین) همه در زیر نیروی تو ای مزدا این حقیقت را دانسته خواهند آمد .

توضیح : میفرماید به آنانکه اکنون مخالفت می ورزند پارسای دانا (شاید اشاره به خود زرتشت باشد) عمل وهومن را که دانش و مهارست می آموزد و میگوید که آنان برگیرند و بدانند که سینتا ارمایتی با اطاعت و گرویدگی جاوید موجود و ریشه یا اصل راستی و درستی است و همه آنانکه اکنون مخالفت می ورزند در انجام این حقیقت را دانسته بسوی اهور مزدا بازگشت خواهند کرد.

در پاداش خواهیم داشت و ما را به راه اشا توسط وهومن به راهیکه از خودشناسی است راهنمایی کن .

توضیح: فکر این بند واضح است از اهورمزدا خواستار است که درباره ستایش و پرستش الهام فرماید که به چه نوع نیز الهام کند آنچه در پاداش سعادت می یابیم و به راه راست اشائی توسط وهومن که دانش و مهر ایزدی است رهنما گردد.


(۱۳) ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰
 ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰
 ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰
 ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰
 ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰
 ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰ ۰۴۴۰۰

ترجمه : آن راهیکه ای اهورا ! بمن نشان داده ای (راهی) از وهومن و دین نجات دهندگان است و کارنیک است (الهام شده) و طرح شده از اشا و برای روشن بینان به پاداشیکه هدف آن به پیوستگی مزدا میباشد رهنماست .
توضیح: عبارت و فکر این بند واضح و محتاج به توضیح نیست.

(۱۴) $\frac{1}{2} \sin 2\theta + \frac{1}{2} \cos 2\theta$
 $\frac{1}{2} (\sin 2\theta + \cos 2\theta)$
 $\frac{1}{2} \sqrt{2} \sin \left(2\theta + \frac{\pi}{4} \right)$
 $\frac{\sqrt{2}}{2} \sin \left(2\theta + \frac{\pi}{4} \right)$
 $\frac{\sqrt{2}}{2} \sin \left(2\theta + \frac{\pi}{4} \right)$

ترجمه : آن پاداش گران بها ای مزدا ! یقیناً به تن و جان آنان داده خواهد شد که کارشان (الهام شده) از وهومن است و آنها هستند که مادر گیتی بارور را خدمت میکنند و نیز اراده (اندیشه) شما را و توسط همکاری با اراده شما اش را افزون میکنند .

توضیح: به آنانکه کارشان از روی دانش و الهام شده از وهومن است به تن و جان شان پاداش گران بها داده خواهد شد و چنین نیکان به مادر گیتی که بر دهنده هست و نیز به اراده ایزدی بندگی و خدمت میکنند و توسط همکاری و هم‌رنگی به مشیت ایزدی مقصود اش را که راستی و درستی است در جهان افزون می‌نمایند .

(۱۵)  سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.
 سرود سی و چهار. سرود سی و چهار. سرود سی و چهار.

ترجمه: بنابراین ای مزدا! بهترین شنیدن و گفتن و کردن را بیاموز تا اینها
 توسط وهومن و اشا و ارمان ستایش مرا پدید سازند و بوسیله خشر تو مرا زیست
 نو به بخشش و جان تازه مرا چنانچه اراده تو هست راست و پاک نما.
 توضیح: سه اصل معروف کیش زرتشتی یعنی هومت (اندیشه نیک) هوخت
 (سخن نیک) و هورشت (کار نیک) در سرود ۴۵ ورنه و اخدا و شیواتنه گفته شده
 و در این بندسروش و شیواتنه و وجه میباشد ولی مترجمین این فرد را چنین ترجمه
 کرده اند: - سخنان و کارها بیاموز و هر دو از آنها توسط وهومن و اشا پدیدکننده
 آرزوی نمازهای من خواهند بود.

خلاصه سرود سی و چهار

در آغاز این سرود - شت زرتشت میفرماید که به عمل نیک و سخن نیک و سرود
 ستایش به اهورمزده رهنما خواهد شد - پیروانش را به زیست جاوید و راستی و
 نیروی اراده و در بند دوم میفرماید: وسیله نزدیک شدن به پروردگار درسه بخشش
 ایزدی است.

یکی توجه به پروردگار دوم پی بردن به دانشی که وهومنی است، سوم پیروی از کارهای نیکان.

ودر بند سوم میفرماید نماز و ارادت باید به اهورمزدا باشد و اشاکه صفت بارز او هست و زندگی بر اساس دانش و در بند چهارم ستایش از آتش معنوی است که مظهر زیست و دانش است و در بند پنجم به درگاه ایزدی مناجات می کند و آرزو می نماید به پیوستن به اشا و وهومن و یاری به آنانکه نیازمند یاری هستند و آزادی از آنچه مانع پاکی روان است. در بند هشتم شکایت از پریشان گردیدگان است و در بند نهم می فرماید که آموزش زرتشتی بر اساس پیروی به اشاست و هر که از آن رو بر تافت از دانش وهومن محروم است و ارمایتی (اطاعت و بندگی به نیکی) نزد او گرامی نباشد و از تقرب به حضور اهورمزدا محروم است. در بند دهم اشاره می کند که دیویسنی از دانش وهومنی و تسلیم ارمایتی بهره ندارد و از آموزش زرتشتی رو گردان، ولی سر انجام همه آریائی چه دیویسنی و چه مزدیسنی بسوی اهورمزدا راه خواهند یافت و در بند دوازدهم به درگاه ایزدی مناجات می کند و از اهورمزدا خواستار است باو الهام فرماید که چگونه او را ستایش کند و سعادت معنوی یابد و او را براه راست اشا بوسیله وهومن رهنما گردد که انجام پیوستگی بدرگاه ایزدی باشد و البته این نعمت گران بها به آنان داده خواهد شد که در اعمالشان از وهومن الهام مییابند و مادرگیتی (یعنی ارمایتی) را خدمت می کنند و راستی و درستی اشائی را در جهان تن انتشار میدهند و در بند آخر بدرگاه اهورمزدا عرض می کند که به هومت و هومت و هورشت رهنما شود.

(۲) $\frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{4} \frac{1}{5} \frac{1}{6} \frac{1}{7} \frac{1}{8} \frac{1}{9} \frac{1}{10} \frac{1}{11} \frac{1}{12} \frac{1}{13} \frac{1}{14} \frac{1}{15} \frac{1}{16} \frac{1}{17} \frac{1}{18} \frac{1}{19} \frac{1}{20} \frac{1}{21} \frac{1}{22} \frac{1}{23} \frac{1}{24} \frac{1}{25} \frac{1}{26} \frac{1}{27} \frac{1}{28} \frac{1}{29} \frac{1}{30} \frac{1}{31} \frac{1}{32} \frac{1}{33} \frac{1}{34} \frac{1}{35} \frac{1}{36} \frac{1}{37} \frac{1}{38} \frac{1}{39} \frac{1}{40} \frac{1}{41} \frac{1}{42} \frac{1}{43} \frac{1}{44} \frac{1}{45} \frac{1}{46} \frac{1}{47} \frac{1}{48} \frac{1}{49} \frac{1}{50} \frac{1}{51} \frac{1}{52} \frac{1}{53} \frac{1}{54} \frac{1}{55} \frac{1}{56} \frac{1}{57} \frac{1}{58} \frac{1}{59} \frac{1}{60} \frac{1}{61} \frac{1}{62} \frac{1}{63} \frac{1}{64} \frac{1}{65} \frac{1}{66} \frac{1}{67} \frac{1}{68} \frac{1}{69} \frac{1}{70} \frac{1}{71} \frac{1}{72} \frac{1}{73} \frac{1}{74} \frac{1}{75} \frac{1}{76} \frac{1}{77} \frac{1}{78} \frac{1}{79} \frac{1}{80} \frac{1}{81} \frac{1}{82} \frac{1}{83} \frac{1}{84} \frac{1}{85} \frac{1}{86} \frac{1}{87} \frac{1}{88} \frac{1}{89} \frac{1}{90} \frac{1}{91} \frac{1}{92} \frac{1}{93} \frac{1}{94} \frac{1}{95} \frac{1}{96} \frac{1}{97} \frac{1}{98} \frac{1}{99} \frac{1}{100}$

ترجمه : هم چنین برای او باشد همه بهترین سعادت و چنانکه آدمیزاد روشنائی را مییابد بوسیله سپنتا ماینوی دانای تو ای مزدا! و چون دانش و هومنی را بوسیله اشا خواهی داد جاوید بالیده خواهد شد در سراسر زندگی دراز.

توضیح : آدمیزاد آنچه میخواهد و برای آن میکوشد هم چنان روشنائی و سعادت مییابد و البته بوسیله سپنتا ماینوی (یعنی اعمال پاک) خواهد یافت و هرگاه از دانش و هومنی و نظم اشائی بهره مند گشته در همه روزهای زندگی دراز نیکی در او افزون خواهد شد.

(۳) $\frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{4} \frac{1}{5} \frac{1}{6} \frac{1}{7} \frac{1}{8} \frac{1}{9} \frac{1}{10} \frac{1}{11} \frac{1}{12} \frac{1}{13} \frac{1}{14} \frac{1}{15} \frac{1}{16} \frac{1}{17} \frac{1}{18} \frac{1}{19} \frac{1}{20} \frac{1}{21} \frac{1}{22} \frac{1}{23} \frac{1}{24} \frac{1}{25} \frac{1}{26} \frac{1}{27} \frac{1}{28} \frac{1}{29} \frac{1}{30} \frac{1}{31} \frac{1}{32} \frac{1}{33} \frac{1}{34} \frac{1}{35} \frac{1}{36} \frac{1}{37} \frac{1}{38} \frac{1}{39} \frac{1}{40} \frac{1}{41} \frac{1}{42} \frac{1}{43} \frac{1}{44} \frac{1}{45} \frac{1}{46} \frac{1}{47} \frac{1}{48} \frac{1}{49} \frac{1}{50} \frac{1}{51} \frac{1}{52} \frac{1}{53} \frac{1}{54} \frac{1}{55} \frac{1}{56} \frac{1}{57} \frac{1}{58} \frac{1}{59} \frac{1}{60} \frac{1}{61} \frac{1}{62} \frac{1}{63} \frac{1}{64} \frac{1}{65} \frac{1}{66} \frac{1}{67} \frac{1}{68} \frac{1}{69} \frac{1}{70} \frac{1}{71} \frac{1}{72} \frac{1}{73} \frac{1}{74} \frac{1}{75} \frac{1}{76} \frac{1}{77} \frac{1}{78} \frac{1}{79} \frac{1}{80} \frac{1}{81} \frac{1}{82} \frac{1}{83} \frac{1}{84} \frac{1}{85} \frac{1}{86} \frac{1}{87} \frac{1}{88} \frac{1}{89} \frac{1}{90} \frac{1}{91} \frac{1}{92} \frac{1}{93} \frac{1}{94} \frac{1}{95} \frac{1}{96} \frac{1}{97} \frac{1}{98} \frac{1}{99} \frac{1}{100}$

ترجمه : یقینا به برترین خوبی میرسد مردی که نشان داده بماراه راست سوی سعادت - چه در این جهان تن و چه در جهان روان به جهانهای راستی آنجا که

اهورا هست ای مزدا ! ارادتمند تو که دانا و پارساست با تو یگانه هست.
توضیح : این قطعه عرفانی است بمفهوم پیوستگی و هم آهنگی کامل باراده
ایزدی که باید مرام و هدف همه بشر باشد بشر باید بوسیله وهومن (دانش کل) و
اشا (نفس کل) در همه اعمال با مشیت ایزدی هم رنگ و هم آهنگ گردد تا عمل او
به معنی عمل ایزدی باشد .

(۴) سغ . کک سغ . ۶۴ پچو سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ .
سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ .
سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ .
سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ . سغ سغ سغ سغ .

ترجمه : چنین ترا میشناسم ای پاك و نیرومند مزدا ! از دست تو آرمانهای
ما بر آورده شوند و تو سعادت می دهی چه به پیروان نا راستی (دیویسنی) و چه به
نیکان (راست - مزدیسنی) و به وسیله روشنائی آتش تو که از اشان نیرومند است توانائی
وهومنی به من میرسد .
توضیح : تورا چنین می اندیشم که از تو آرمانهای ما بر آورده میشوند و تو
هستی که به بدان و نیکان پاداش کار آنانرا میدهی و از آتش پاك تو که از اشا توانائی
میابد بما نیروی وهومنی میرسد.
وهومن یعنی دانش ایزدی است که ذهن بشر ملهم میشود و روشن میگردد
و روشنائی آتش مظهر زیست است که اشا نامیده میشود.

(۵) نون یسوع کلمه ایست که در روز اول
 در روز یسوع کلمه ایست که در روز اول
 در روز یسوع کلمه ایست که در روز اول
 در روز یسوع کلمه ایست که در روز اول
 در روز یسوع کلمه ایست که در روز اول

ترجمه : ای مزدا اهورا ! ترا ایزد پاك درك كردم و چون زندگى آغاز شد
 ترا ازلى يافتم درهمه كارو همه سخن بدى را (سزای) بدى و نيکى را (پاداش)
 نيك ميدهى و به دانش تو چنين خواهند بود تا روز واپسين (رستاخيز) .
 توضيح : در اين قطعه دو نکته مهم بيان شده اند :
 ۱ - اينکه اهورمزدا را بايد پاك (خير محض) و ازلى (ابدى) دانسته
 پديد شدن حيات را از او بدانيم .
 ۲ - مشيت ايزدى تا پايان زندگى تنى براين است که بدى را سزای بداست و
 نيك جزای نيکى خواهد يافت .

(۶) نون یسوع کلمه ایست که در روز اول
 در روز یسوع کلمه ایست که در روز اول
 در روز یسوع کلمه ایست که در روز اول
 در روز یسوع کلمه ایست که در روز اول
 در روز یسوع کلمه ایست که در روز اول

ترجمه : به کدام هدف تو با سپنتا ماینومی آئی، آنجا که ای مزدا - خشترا و

(۸) من زرتشت پاسخ داد: من زرتشت هستم و از ازل (سوگند
 یاد کرده‌ام) که نیکی را دوست بدارم و تا آنجا که بتوانم با مردمیکه از ناراستی
 پیروی میکنند مخالف باشم ولی به نیکان خورسندی اندرونی آنان گردم تا همه وقت
 از نیروی بی نهایت تو بهره مند شوم، من خود را به خدمت تو وقف کرده‌ام و تنها برای
 تو سرود ستایش میسرایم .

ترجمه: پس به آن زرتشت پاسخ داد: من زرتشت هستم و از ازل (سوگند
 یاد کرده‌ام) که نیکی را دوست بدارم و تا آنجا که بتوانم با مردمیکه از ناراستی
 پیروی میکنند مخالف باشم ولی به نیکان خورسندی اندرونی آنان گردم تا همه وقت
 از نیروی بی نهایت تو بهره مند شوم، من خود را به خدمت تو وقف کرده‌ام و تنها برای
 تو سرود ستایش میسرایم .

توضیح: در پاسخ چه هستی و از که هستی میفرماید که من دشمن ناراستان و
 بهی خواه و یاور نیکان هستم و زندگی را در بر انداختن بدان و نگه‌داری از نیکان
 وقف کرده‌ام و به این ترتیب و نیت امیدوارم که همواره از نیروی بی نهایت ایزدی
 برخوردار گردم و تنها برای اهورمزد سرود ستایش گویم .

(۹) ندرت پیکره‌ها. بیع. کنگد. سسوس. هه پیکره ندرت. ندرت ندرت.
 ندرت ندرت. هس. طاط ندرت. ندرت ندرت ندرت. هس ندرت ندرت ندرت.
 ندرت ندرت. ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت.
 ندرت ندرت. کنگد ندرت ندرت. ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت.
 ندرت ندرت ندرت. هس. ندرت ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت.

ترجمه : یقیناً تورا ایزد میشناسم ای مزداهورا چون بوسیله وهومن نیکی به من درآمد از او پرسیدم به که میخواهی که من نماز برم (و نیایش کنم) از آنگاه به آتش پاک تو من نماز میبرم و از همه برتر من تا میتوانم اشا (راستی و درستی) را گرامی خواهم داشت

توضیح: در این قطعه سطر نخستین و دوم از قطعه هفتم تکرار شده‌اند و در این قطعه پرسش یا از وهومن به زرتشت است یا از زرتشت به وهومن است، بهر صورت در نتیجه آن میفرماید من آتش پاک ایزدی را نماز میبرم و اشا یعنی ناموس و آئین ایزدی را گرامی خواهم داشت .

(۱۰) ندرت ندرت. هس. ندرت ندرت. ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت.
 ندرت ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت.
 ندرت ندرت ندرت. ندرت ندرت. ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت.
 ندرت ندرت ندرت. کنگد ندرت. ندرت ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت.
 ندرت ندرت. کنگد ندرت. ندرت ندرت ندرت. ندرت ندرت ندرت.

ترجمه : بنابراین رهنمائی کن ما را به اشا که همواره اورا میخوانیم (و میجوئیم)

(۱۲) نوردن سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید
 سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید
 سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید
 سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید
 سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید

ترجمه: چون فرمودی که برای دانش از اشا پیروی کنم فرمودی که چه نشنوم و نکنم و چگونه رفتار کنم تا سروش همراه روشنائی بابرکت ایزدی در من درآید و پاداش یا کیفر به دو گروه بدهد.
 توضیح: از دو گروه مقصود گروه مزدیسنی و دیویسنی است.

(۱۳) نوردن سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید
 سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید
 سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید
 سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید
 سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید سید پارسه عجز و اسطونید

ترجمه: ای مزدا اهورا تو را به پاکی میشناسم - چون و هو من مرا فرا گرفت (آمد)
 (من گفتم) از ارمان من (این ارمان) به بخش زیست دراز (زیستی) که هر کس جرأت
 ندارد آرزو کند یعنی زیست برگزیده وجودیکه در آن خشر تو گفته شده.
 توضیح: در این قطعه نیز دو سطر اول و دوم قطعه هفت تکرار شده اند.
 در سرودهای ویدا و گاتها زندگانی طولانی از اهورا مزدا خواسته شده و
 مقصود این است که بیشتر توفیق خدمت ایزدی را بیابد زیستی که در آن نیروی
 ایزدی باشد.

(۱۴) نوردسغ. افسد. لارسد. ولسو ولسو. ددسد. وسدو ولسو.
 ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو.
 نوردسغ. ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو.
 ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو.
 ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو.

ترجمه: آنچه جوانمرد و خداوند به دوستش میدهد ای مزدا برکت دانش تو هست که از خستر و تو بوسیله اش فراهم میگردد و همت می بخشد به صف بندی و دفاع دلیرانه به پشتیبانی از آموزش تو به یاری آنانکه به ما ترا یعنی فرمان تو توجه میدهند.

توضیح: جوانمرد اوست که سعادت دانش ایزدی که از خستر بوسیله اش به مردم میرساند تا در دفاع از آموزش صف صف بندند و دلیرانه دفاع کنند با همراهی آنانکه به ما ترا یعنی فرمان ایزدی تسلیم شده اند.

(۱۵) نوردسغ. ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو.
 ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو.
 ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو.
 ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو.
 ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو. ولسو ولسو.

ترجمه: ای مزدا اهورا! تورا به پاکی میشناسم چون وهومن مرا فرا گرفت (در آمد).

من آموزد که برای بالیدگی (روانی) بهترین (وسیله) مراقبه و سکوت

خلاصه سرود ۴۳

این سرود به مناجات آغاز میشود و در دو قطعه آخر به اصول زرتشتی اشاره شده یعنی:

۱- بگانه پروردگار اهورمزداست.

۲- اشایعنی نظم و راستی است که وسیله نندرستی و سکون ذهن میشود.

۳- وهومن عقل یا وجدان است که ذهن ما را روشن میسازد و روان را از آلودگی پاک میگذارد.

۴- ارماینتی تسلیم و رضا است که وسیله سکون و آرام باطن است.

۵- خشتر، تقویت اراده هست، بشر هر چند آرزو مند باشد که نیک گردد تا- اراده قوی داشته باشد مر او را در نمی یابد. در قطعه اول میفرماید: اگر میخواستید از خداوند روشنی بیابید بهم نوع خود روشنی بدهید. حضرت مسیح بعد آفرموده خداوند بخاطرها ما را به بخش اگر مانیز از خطای هم نوع خود در گذریم دیگر در این قطعه میفرماید پیش رفت در امور تنی و پاکی روانی درنگه داشتن آئین اشایعنی راستی و نظم و درستی است از ارماینتی مقصود تسلیم و رضا است که ما را توفیق یافتن سعادت می بخشد و آتش ایزدی پاکی باطن است و میفرماید هر جوینده یا بنده است اگر ما برای رسیدن به- حقیقت و برای دانش به رمز زندگی تنی صمیمانه بکوشیم و اعمال راست را وسیله سازیم روزی خواهد رسید که به هدف برسیم اعمال ما باید بامشیت ایزدی و اشاره های طبیعت هم ساز و هم آهنگ باشند و این افکار در سه قطعه به عبارت شاعرانه بیان شده اند. در قطعه چهارم می فرماید دهند آرزوهای نیک ما اهورمزداست و بوسیله آتش یعنی ذهن روشن و پاک و اشا روح نظم

و راستی و از هومن عقل با وجدان می‌بایم. در قطعه پنجم اشاره میکند که اهورمزد خیر محض است آغاز و انجام ندارد و دهنده سزا و جزاست و هر که سوی او رهسپار است نیروئی نیست که مانع گردد در آن مقام که روان بشر به حضور ایزدی پذیرفته میشود مکان روشنائی و توانایی و دانش است و ارمایتی ما را رهنماست. قطعه هفتم کاملاً عرفانی است میفرماید چون وجدان پاک باشد گوئی آئینه‌ایست که هومن یعنی عقل کل و روان تجلی نموده پرسشهای ما را می‌شنود و پاسخ میدهد در رفتار نسبت به خویشان و نزدیکان و افراد جامعه همواره به وجدان باید رجوع کنیم و فرمان از او بگیریم. در قطعه نهم زرتشت عرض میکند بشری هستم بنام زرتشت و از ازل زمانیکه هنوز تن مستعار دنیوی را نداشتم پیمان نهادم که نیکی را دوست دارم و با آنچه بد است مبارزه کنم و در آن کار از نیروی ایزدی یعنی خشر یاری جویم، گوهر راستی و نظم در باطن من تجلی کند و به اشاره‌های او اعمال خود را بسنجم پس به سخن در آیم و در پایان عملی سازم من آتش پاک ایزدی را که در هر روان وجود دارد نماز میبرم و آئین ایزدی را گواهی دارم. در قطعه دهم از اهورمزدا خواستار است که او را بسوی راه راستی و درستی رهنما گردد و اعمال او را به تسلیم و رضا هم آهنگ سازد و ما را در کوشش و کوشش اعمال تنی بیازماید و ما نیز بکوشیم که در آزمایش کامیاب گردیم و در آخر میفرماید راست بانا راست هم‌رنگ نمیشود و در نتیجه بدی و زشتی بانیکی همیشه در جنگ و ستیز است. در قطعه دوازدهم همین افکار ادامه دارد میفرماید باید اشاره‌های اشارات عملی کرد گرچه درک کردن اشاره‌های او آسان نیست و باید دانست چه اشاره هست که باید عملی بشود و چه اشاره هست که باید عملی ترک گردد و در این کار سرش ما را رهبر میشود در صورتیکه رهبانهای مسیحی و مرتاضین هند از زندگی تنی فرار میکنند و آنرا مصیبتی و دردی تصور مینمایند زرتشت در قطعه سیزدهم زندگی دراز را طالب است و میخواهد که نیروی ایزدی یعنی اراده توانا اهورمزد به او بخشد تا در زندگی طولانی مظهر مشیت ایزدی شود. در قطعه چهاردهم میفرماید برترین سعادت یافتن دانش است که بوسیله اعمال نیک

از خشتر یعنی نیروی ایزدی به مامیرسد. باید با کلمه مقدس (ماترا) دلیرانه با آنچه بد است مبارزه کنیم. خطاب به اهورمزدا عرض میکنند که تنها تو را به پاکی میشناسم و عقل با وجدان و سکوت و سنجش روان مرا توانا میکند. رهبر دین نباید که از ناراست که با راستی دشمن است بترسد، و در قطعه شانزدهم به اهورمزدا عرض میکنند که اکنون ترا پروردگار خود برگزیده ام اشای پاک ما را زنده (جاوید) میسازد و توانائی می بخشد و ارمائی (تسلیم و رضا) و خشتر (اراده ثابت) چون روشنائی خورشید بروجدان مامی تابند و اعمال ما را برکت میدهند.

در این سرود یک دنیا افکار عرفانی گنجانیده شده اند که در این خلاصه تفصیل آن دشوار است.

(۲) $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$
 $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$
 $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$
 $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$
 $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$

ترجمه : آن پرسم از تو راست بهمن بفرما، ای اهورا چگونه برای برترین انجام زندگی پاك يکی بکوشد، او که یقیناً يك روان پرتمناى ديگر را رهنماست که کامياب گردد زیرا او یقیناً بواسطه اشا گل همه (بشریت) پاك است و نگهبان به نفس و روان شفا دهنده و دوست است ای مزدا.
 توضیح : مفسرين در ترجمه این اختلاف کرده اند زیرا به عبارتی بیان شده که به معانی مختلف میتوان ترجمه کرد.

(۳) $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$
 $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$
 $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$
 $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$
 $\text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند} \cdot \text{نکند}$

ترجمه : کدام کس آفریننده و نخستین پدر معنوی اشا است و کدام کس راه (فلک) خور و ستارگان را ساخت و که به نوبه هلال (و بدر را هلال) میسازد اینها و نیز ديگر چیزها ازهای طبیعت را ای مزدا! میخواهم بدانم از تو.
 توضیح : از این پرسشها خواننده (باشنونده) را بسوی مظاهر طبیعت

(۷) مومس. ککس. ن(ا)دس. ا(ن)د. چ(ر). واکس. سس(ا)س.
 و(ا)کس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس.
 و(ا)کس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس.
 مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس.
 مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس.

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا
 که گرامی ارمایتی را باختر آفرید- و که با دم زندگی پسر را به پدر فرمانبر
 میکند- به این پرسشها ای مزدا میکوشم که بوسیله سپنتا ماینو تو را که دادار همه
 هستی بشناسم .
 توضیح : میفرماید به تأمل در مظاهر طبیعت و در احساسات خودمان بوسیله
 پاکی ذهن و نیکی تو را که آفریدگار همه هستی بشناسم .

(۸) مومس. ککس. ن(ا)دس. ا(ن)د. چ(ر). واکس. سس(ا)س.
 مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس.
 مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس.
 مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس.
 مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس. مومس.

ترجمه : آن از تو میپرسم راست به من بفرما ای اهورا
 برای خورسندی روانم اراده خود پدید کن و آموزشی که توسط وهومن و
 اشا میجویم که هدف زندگی را بدانم- کدام بلندیهای روانی هستند که روان من برای
 یافتن آنها پیش برود .

(۱۰) مسمی . ککس . رءءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء .
 ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء .
 ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء .
 ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء .

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!

آن چه دینی است که از همه دینها برای همه موجودات بهترین است و آنکه به الهام ارمایتی اعمال ما را رهنما خواهد شد به حقیقت (راست) این است تمنای عظم ای مزدا (نشان دهی آنرا) که بسوی تو باز میگردد.

توضیح : دین راست و عمل راست آن است که به سوی راستی و حقیقت که مزدا باشد باز گردد .

(۱۱) مسمی . ککس . رءءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء .
 ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء .
 ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء .
 ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء .
 ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء . ءءء .

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!

چگونه ای مزدا به آنانکه دین تو به دلشان الهام شده ارمایتی درمی آید و برای این وظیفه از آغاز آشکارا از تو من شناخته شده ام ولی دیگران هستند که به نظرم از روح مخالفت بمن (ملهم شده اند).

(۱۵) مسمعی . ککسسد . رءءءدسد . ءءءدسد . ءءءدسد . مسمءءءدسد .
 مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد .
 مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد .
 مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد .
 مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد .

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !

از آنجا یگه بوسیله اشا تو توانا هستی که اینها(ناراستان)را از من دورسازی
 چون سپاه نیک و بد بهم میرسند و هر دو تورا به یاری میخواهند بنا بر این آئینها که از
 تو هستند ای مزدا کجا و به کدام یک از این دو گروه پیروزی خواهی داد .
 توضیح : عبارت این قطعه مناجات است، زرتشت از اهور مزدا میخواهد
 که مزدیستان را بردیویستان پیروزی عطا فرماید .

(۱۶) مسمعی . ککسسد . رءءءدسد . ءءءدسد . ءءءدسد . مسمءءءدسد .
 مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد .
 مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد .
 مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد .
 مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد . مسمءءءدسد .

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !

که پیروز خواهد شد در نگهداشتن آئین تو ای استاد دانا و شفا دهنده روان

(۱۹) نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .

ترجمه : بنابراین ای میدیه ای ماه شخص خود را اسپتاما به او تسلیم خواهد کرد که وجداناً احساس کند هر که بسوی زندگی (راست) میکوشد آئین مسزدا را به زندگان بهتر به عمل خود (تا به سخن) می آموزد .
 توضیح: اینکه رهبر باید به عمل آموزشی خود را به ثبوت برساند و آنچه از خوبی به دیگران میگوید خود او نیز عمل کند. میدیه ای ماه (ماه بدر) فرزندان راستی و عموزاده زرتشت نخستین شخصی بود که به کیش بهی گروید نام پسر او اشاستو بود .

(۲۰) نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .
 نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا . نونوچا .

ترجمه : (شما) هم اراده باشید به ما همه به دادن خوش بختی (و به دادن) اشا (راستی و درستی) و آموزش و هومنی که از آن ارمایتی (تسلیم و اطاعت) می بالد (ما) پرستش کنندگان بانیا از زمینیم که چنین سعادت از مزدا (بیابیم) .
 توضیح: خطاب به امشاسپندان هست که هم اراده شده به پیروان زرتشت

(۷) و سزوی و چار و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای

ترجمه : ای مزدا ! تو که سازنده گیتی و آب و گیاه هستی هر رواتات و امرتات را بمن وسیله سپنتا ماینیو عطا کن و نیز بوسیله وهومن جاوید نیروی روانی و زندگی نو چنانچه در آموزش تو آشکار شد .
 توضیح : هر رواتات و امرتات یعنی تندرستی و زیست جاوید را آرزو میکند که اهورمزد بوسیله سپنتا ماینیو به او عطا کند و بوسیله وهومن یعنی دانش ایزدی جاوید توانائی روانی و از کیش مزدیسنی که زندگی نو نامیده چنانچه به الهام ایزدی بهشت زرتشت رسیده آگاه سازد .

(۸) سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای
 سزای و سزای و سزای و سزای و سزای و سزای

ترجمه : اکنون از جانب تو ای مزدا ! بر میگویم (آنچه) یکی به دانشمند باید بگوید که ناراست را بخت بد تهدید میکند و به او که با اشاست و راست است خورسندی (روشنائی) می آورد و تنها او از واژه (ماترای) پاک شاد خواهد بود که

به پروردشسانی که کارهایش بر راستی باشند به فروتنی دانش نیک را یافته .
تنها (اوست) که خواهد توانست به دانشمندان آموزنده راستی شده خویش
را آشکار کند و سعادت بیاورد .

توضیح: در این قطعه گویا سطر اول پرسش و سطرهای بعد پاسخ آن هستند
پرسش این است که چگونه میتوان در جامعه زندگی اشائی پدید کرد و نگه داشت در
پاسخ میفرماید تنها اوست که به نماز و فروتنی دانش یافته میتواند خود را آشکار
کند و آموزنده راستی و درستی به دانشمندان گردد و برای جامعه سعادت و خوش بختی
بیاورد. بگفته مولانای بلخی تا آموزنده نیک نباشد نمیتواند نیکی بیاموزد پس به هر
دستی نمیشود دست اطاعت داد و او را به رهبری پذیرفت .

(۶) سطر اول: وایسردیچا. وایسردیچا. وایسردیچا.
سطر دوم: سوسدوسدوسد. سوسدوسد. سوسدوسد.
سطر سوم: سوسدوسد. سوسدوسد. سوسدوسد.
سطر چهارم: سوسدوسد. سوسدوسد. سوسدوسد.
سطر پنجم: سوسدوسد. سوسدوسد. سوسدوسد.
سطر ششم: سوسدوسد. سوسدوسد. سوسدوسد.
سطر هفتم: سوسدوسد. سوسدوسد. سوسدوسد.

ترجمه : او که خود را بهتر از به میکند و او که هدف و نیت (تنی) را ایفا
مینماید او از اهورمزدا توانائی (خواهد یافت) ولی او نمی پروراند زیست (گیتی تنی)
را آخر در پایان زندگی بدتر از بد خواهد شد .

توضیح: وظیفه بشر در این است که زندگی و صورت جامعه را از به بهتر
سازد و به این ترتیب هدف زندگی تنی را ایفا نماید تا اهورمزدا او را خشنود یعنی
نیرو عطا فرماید و او را بر نفس خود خداوند سازد ولی او که بد را بدتر میکند و
وظیفه زندگی تنی را بجا نمی آورد و مادر گیتی را به آبادی و شادابی یاری نمی نماید
و در آن حال که از جان میگذرد به پاداش کار بد خواهد رسید .

اهورا شما از ازل آموزنده هستی .

توضیح: برای آبادی گیتی بشر باید به فرمان اهورمزدا (که بوسیله طبیعت پیوسته) آشکار میشود همراهی کند. اشا یعنی راستی و نظم گوئی زبان اهور است که سخنان یا آموزش دین را بوسیله وهومن یعنی دانش ایزدی برمیگوید و از ازل آموزنده اصل اهورمزداست .

(۴) ودئاسد . سدائید . سدائید (سدهد) .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ودئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

ترجمه : کجاست محبت صمیمی به پرستنده تو کجا مهربانی روان است و کجا اشا را خواهند یافت و کجا ارمایتی پاک را و (بهترین منش) وهومن را وای مزدا ! (خشتر) اراده توانای تو را .

توضیح: به مهر و مودت و پاکی و نظم و بهترین منش و اراده توانا کارها نیک و منظم میگردند. پیمبر این صفات را از اهورمزدا برای جامعه آرزو میکند .

(۵) واددئاسد . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

سدائید . سدائید . سدائید . سدائید .

ترجمه : همه اینها را پرسیده (میخواهم بدانم) چگونه زندگی اشائی را

است که بشر به مدارج عالی می‌رسد و پیمبر می‌فرماید من نیز با عزم ثابت به خدمت نوع خود خواهم کوشید .

(۲) سده طاف سوسه رتدا (دیه)
سدرداسد سوسسدر وسوسر
سدردسدسد سداسسدسوس
وچاوسسد چاد دنسدچا دن سدسدا
سدسوسو وچاوسچ ساسوسر
چاسوسسد وسوس سدسدوسچا

ترجمه : این اعمال ای مزدا اولاً بشما (تقدیم می‌شوند) (و بعد) به‌اشا و ای ارمایتی به شما- به‌من نیروی اراده بنمائید و بوسیله و هومن توفیق پرستش به‌بخشید .

توضیح : در این قطعه تسلسل فکر قطعه گذشته است. التماس میکنند که در بجا آوردن کار نیک که به‌اشا و اهورمزدا تقدیم میشوند ارمایتی اراده را نیرو دهد و هومن سعادت پرستش به‌بخشد.

(۳) سد طاف سد سوسسد سدسدسوس
وسچاد چاف وسردسدسدا سدسدسد سدسدسوسوس
سدردچا سدسوس سدردسوس
سدسدسد چاسوسچا دنسدچا دن سدسدا
وسوسوسوسوس سد چا رسدا (دردچا)
سدسوس سدسوسسد سدسد

ترجمه : برای (آبادی) گیتی (باید) بهم آئید آنانکه در آن کار با شما همراه هستند، اشا زبان اهوراست که سخنان و هومن را (برمیگوید) و به‌اینها ای

سرود ۵۱ بنام وهوخشتر

منحصر به يك سرود است در ۲۲ قطعه و هر قطعه در ۶ پادا که مجموعاً ۱۳۲ پادا میشوند و هر پادا در هفت سیلاب گفته شده.

(۵۱)

۱۳۲ پادا

(۱) ۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

۱۳۲ پادا

ترجمه : نیروی ایزدی گران بهاست. و بخششی است آسمانی فرو آورده شده ای مزدا- او که در کارها ذوق کامل دارد و باطن او اشاست بوسیله عمل (به بلند ترین مقام میرسد) (و برای) چنین زندگی اکنون و همیشه خواهام کوشید. (یا خواهام ورزید) .

توضیح: خشتر یعنی نیروی ایزدی به هر که رسید او نعمت گران بها یافت و باطن او توانا شد. اگر خوش بخت باشد به نوع خود خدمت میکند و تنها از عمل

دست را به نیاز و نماز بلند کرده امیدوارم که بوسیله اشا و دانش شگفت و هومن
بشما نزدیک شوم و به سرود ستایش بسوی شما بازگشته هرگاه کاملاً به مرام خود
رسیدم آرزو مندم که دارای دانش عالی گردم آنچه در گذشته گفته‌ام و در آینده خواهم
گفت امید که به الهام و هومن باشد در بر آمدن روز و تجلی اشعه لطیف خور هم
عظمت و فر شما را ستایش میکنند و در پایان عرض میکنند که همواره اهور مزدا
را خواهد ستود و تا زمانیکه اشا و خشر ایزدی اراده مرا نیرو میدهند در تبلیغ
دین بهی که از الهام ایزدی یافتم خواهم کوشید و کامیابی وابسته به مشیت ایزدی
است .

خلاصه سرود ۵

در برخی از سرودهای گاتا پیمبر آرزوی خود را بیان میکنند و در بعضی پرسشی میکنند و خود پاسخ میدهد یا پاسخ را به شنونده آنواگذار مینماید. از جمله در آغاز این سرود از اهورا مزدا میپرسد که کدام کس یاور او و پیروان او خواهد شد و در پاسخ میگوید که اشایعنی راستی و نظم و وهومن یا بهترین بینش بشرطیکه آنها به نیت خالص خوانده شوند و در قطعه دوم میپرسد چگونه جای امن و جامعه ایرانی محیط راستی و درستی خواهد شد و پاسخ را به خواننده واگذار می-کند و جایی میخواهد که بر آن خور بتابد و افراد جامعه آسوده زندگی کنند و به امن خاطر به وظایف زندگی برسند. جهان تن که در دیگر ادیان جای دردورنج است برای زرتشت آورنده شادی است و پیمبر امیدوار است که ارمایتی باشا و خشترو وهومن بسوی او خواهند آمد و از یاری ایزد بانسوی خوش بختی پیش خواهند رفت. میفرماید ای مزدا! تنها ترا میستایم و میپرستم و آرزو مندم که جوینده تو به راه راست گام بردارد و به آنچه بر من ارادت مند تو پدید شده گوش دهد ای مزدا! تو از جهان بلند برای ما شادی می آوری و یاری تو آشکار و اشاره های تو ما را بسوی روشنائی رهنماست. نظر پیمبر ایران همواره بر الهام ایزدی است و تمنا میکند که آنچه او میگوید به الهام ایزدی باشد. میگوید ای مزدا! تو را به دلکش ترین عبارت ستایش میکنم تا باشا و وهومن ما را راهنمایی کنی و یاور ما گردی و هر دو

لطیف خورشید (آئین) اشای مزدا اهورا همه به (فر) وستایش شما هستند.
توضیح: تقریباً همین فکر در قرآن نیز اشاره شده که موجودات چه از جانداران و بیجان، از نباتات و حیوانات و جمادات هم پروردگارا میستایند بنابراین بشر نیز نباید از یاد او غافل گردد.

(۱۱) سَعِ وَايَ . نَدَمَسَطَا سَد . سَطَا سَد . هَسَا سَد . سَدَسَدَسَدَسَد .
وَسَدَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَد . نَدَسَدَسَدَسَد .
وَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَد .
نَدَسَدَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَدَسَد . سَدَسَدَسَدَسَدَسَد .

ترجمه: ای مزدا! خودم را ستایش کننده شما میدانم و آشکار می‌کنم و
(چنین خواهد بود) تا زمانی که از اشای نیرو دارم و دارای اراده هستم آئین ایسن
زندگی نو که از وهومن پدیدگشته تکمیل آن بنا بر اراده اهوراست.
توضیح: پیمبر اعلام می‌کند که همواره اهور مزدا را خواهد ستود و تا زمانی که
بوسیله اشای یعنی راستی و درستی دارای اراده و نیرو هست در انتشار دین نو که از
الهام ایزدی یافته خواهد کوشید و تکمیل آن وابسته به مشیت ایزدی است.

در قطعه دهم و یازدهم اشاره به آینده‌ی افراد بشر است که در انجام هر کس بنا بر اعمالش نتیجه خواهد یافت، چنانچه میفرمایدای مزدا: در مکان تو وهومن و روان نیکان ومورد نیاز ونماز آنان ارمایتی باروی خندان فرو می آیند که نیکان را یاری کنند ولی آنانکه روشنائی روانی شان ضعیف است (و همه چیز را سطحی دیده) حقیقت را نیافته اند به مکان رهبران دروغ و نفس های دروغ وبداندیشه وبدسخن و ناراست باز خواهند گشت .

ممکن است که اشاره های قطعه نهم و دهم بعداً به صورت گذشتن روانهای نیک و بد از پل چنود وبر خوردن به چهره زیبا وزشت درآمده باشد.
 ودر آخر سرود خطاب به اهورمزدا عرض میکنند چه یاری از تو و چه یاری از وهومن خواهد رسید تا سرود ستایش ترا گویم و ترا خوشنود سازم ومشیت تورا خواستار گردم.

خلاصه سرود چهل و نه

آغاز میشود از شکایت از يك تن بنام بندو (Bendvo) که پیشوای دیویسنیان و از مخالفان سرسخت زرتشت بود و آرزو میکند که ناکامی او را به بیند که کیش مزدیسنی بر اساس سود و خوبی افراد جامعه و دیویسنی بر پایه تباهی و آزار است بایوستگی به و هومن برای مبارزه با بدان خود را آماده نشان میدهد و میفرماید آنها ناشبانان هستند که به زبان خود ادعای شبانی و رهبری میکنند در صورتیکه باطن آنها از ناراستی پیروی می نمایند و به اهریمنان میگراید. ذوق و جوشش روانی برای او هست که وجدان دارد و به دانش ایزدی می پیوندد و به تسلیم و رضا ارادتمند است و دانش را از اشا می یابد و با همه آنها بر نیروی ایزدی متکی است. در قطعه ششم آرزوی می کند که مشیت مزدا و اراده اش را بداند و دانسته آموزش خود را آشکار سازد و گرویده مزدا گردد و خطاب به مزدا عرض میکند که هومن و اشا گواه باشند که هر سه طبقه مزدیسنیان یعنی خویتوش و ایریما و ورزنه به آئین ایزدی زندگی میکنند.

در قطعه هشتم برای فروش ترا دعا میکند که او را اهورمزدا بر ازنده ترین شادی یعنی پیوستگی به اشا عطا فرماید و نیز دیگر پیروانش را به نیروی ایزدی نیرومند کند. قطعه نهم اشاره به جاماسپ داناست میفرماید در این نهضت دینی که يك گونه رستاخیز و زندگی نو هست باید همه به اشا پیوندند تا باطن شان بهترین پاداش روانی یابد و یاوران به آموزش من گوش دهند.

(بشر) آفریده شده- که هرگز گوینده راستی اندیشه پیوستگی به پیروان ناراست نکند تا وجدان آنها بهترین پاداش یعنی پیوستگی به اشا بیابد.

ای جاماسپ دانا! دربر آمدن (رستاخیز) باید هر یک به اشا پیوندد.

توضیح: در قطعه‌های گاتا کلمه سوشینت را بمفهوم یاوران زرتشت باید گرفت اینها آفریده شده‌اند که یاوران کیش مزدیسنی شوند و نباید به هیچ صورت با ناراستان نزدیک گردند و از واژه رستاخیز مقصود عصر جدید زرتشتی است که فساد را دور میکند و مردم را به اشائی یعنی راستی و نظم رهنما می‌شود.

(۱۰) سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو

ترجمه : واین (احساس) را به علاقه درمکان تو (به دلم خواهم داشت) ای مزدا (که دوست دارم) وهومن را و روان نیکان را و نماز آنها را (که) به ارمایتی هست و ذوق اندرونی که به یاری (نوع بشر) پر از نیروی ایزدی با خنده روئی میرسد .

توضیح: پیمبر میفرماید در مکان ایزدی خواهم نوازش کرد دوستی به وهومن و روان نیکان و نماز آنها و به ارمایتی که به یاری (نوع بشر) با نیروی ایزدی و با کمال بشاشت « بر زمین فرو می‌آید » .

میفرماید که بهترین آموزش به مرد دانا آن است که از اهورمزدا بوسیله اشا برسد
پارسایان و دانشمندان که رموز روانی بیاموختند آنرا از وهومن یافتند. از اندیشه
خوب عمل و سخن خوب و از اندیشه بد عمل و سخن بد پدید میشوند و اندیشه
نیک آن است که ای مزدا در علم تو هست و انجام آن معلوم است ای ارمایتی!
فرمانده باید در افکار و اعمال نیک باشد و بشر باید سراسر زندگی خود را وقف
نیکی و پاکی کند و از مادرگیتی نگهداری نماید که اوبه بالد و به روشنائی برسد
مادرگیتی پناهگاه ماست و از او زندگی ما نو به نو میشود آرزو میکنم که بخشش
گران بهای دانش ایزدی یعنی پیروزی روانی بمسا برسد مزدا از ازل گیتی را به
جامه سبز (شادابی و خرمی) پوشانده. خشم را از خود دور دارید و با ستم مبارزه
کنید و به وهومن سخت وابسته گردید و برای فزونی راستی رهبر پاک چون پلی
هست که از روی آن پیروانش را میگذرانند و به مکان اهورمزدی میرسند.

ای مزدا! چه بزرگ است اشتیاق من به نیروی پر مهر تو و بیش از آن به
سعادتت که به پیروان من میبخشی و چه اندازه پیروان من دیندار شما را شاد آمد
خواهند گفت. بیا و وهومن رادر کار اویاری کن ای مزدا در چه زمان به یقین خواهم
دانست که شما بر همه شاهی میکنید چه بر پیروان و چه بر مخالفان من و کی اراده
وهومنی بر من درست آشکار خواهد شد و چگونه سعادتت که از سوشینت میرسد
عمل خواهد گشت و چه زمان یاوران من برای انتشار آموزش من خواهند آمد و
دسیسه کرپن و شاهان بد که توجه مردم را به دروغ جلب میکنند به پایان خواهد
رسید و در جامعه ارمایتی و اشا باختر ایزدی پدید خواهند شد و دانش وهومنی
خواهد رسید و سوشینت‌ها وظیفه خود را عملی خواهند نمود و در آخر میفرماید
سوشینتها و آنانکه به رهنمائی و وهومن وظیفه را بجا می‌آورند و اعمال‌شان به
الهام اشا و فرمان تو ای مزدا عملی میگردند یقیناً به زبون کردن نفرت برگزیده
شده‌اند.

باید بمفهوم آنان نیستند که ... گرفت مقصود به دینان ناراستان را به رامش نمی-گیرند .

(۱۲) س.ع. س.ج.د. س.ز.ن.ج. د.س.ط.و.س.ر.د.س.ج.و.ج. و.س.ع.ر.د.و.ج.و.ج.
 و.س.ر.د. س.ط.و.ج.و.ج. س.ط.و.ج.و.ج. س.ط.و.ج.و.ج. و.س.ر.د.س.ج.و.ج.و.ج.
 و.س.ر.د.س.ط.و.ج.و.ج.و.ج. س.ط.و.ج.و.ج.و.ج. س.ط.و.ج.و.ج.و.ج. و.س.ر.د.س.ج.و.ج.و.ج.
 س.ط.و.ج.و.ج. و.س.ر.د.س.ج.و.ج.و.ج. و.س.ر.د.س.ج.و.ج.و.ج. و.س.ر.د.س.ج.و.ج.و.ج.

ترجمه : چنین خواهند بود سوشینتهای کشورها که به وظیفه شان خواهند رسید و (به راهنمایی) وهومن چونکه ای مزدا اعمال اشائی(بجا می آورند) بر طبق آموزش تو یقیناً نامزد شده اند برای چیرگی بر خشم (و ستم) .
 توضیح: در این قطعه سوشینت یاوران و خدمتگزاران صمیمی دین بهی هستند که آنچه میکنند بر طبق آموزش الهامی و اشائی است و از وظیفه کوتاهی نمیکند و اینها برگزیده شده اند که بر خشم و ستم چیره گردند.

خلاصه سرود چهل و هشت

این سرود در دوازده قطعه و هر قطعه در چهار مصرع گفته شده. در آغاز میفرماید که روز پاداش پیرواشایی بر ناراستی پیروز میگردد و می باید که آنچه از پیشوایان و پیروان دیویسنی گفته شد وهم و فریب بود و از این سعادت که از اهورمزدا یافت نسبت به مزدا ارادت او افزون میشود و زمان پیروزی را آرزو میکند و

(۱۰) و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد •

ترجمه : ای مزدا کی قهرمانان (یاوران) من به انتشار دین خواهند آمد و
 کی کثافت و حماقت را از میان خواهند برد (تباه خواهند ساخت) اینان که توسط
 آنها کربن (مردم را) به خود به دروغ جلب میکنند و نیز شاهان بد کشورها به خرد
 (نیت بد) میفریبند.

توضیح: در قطعه شماره ۹ مفهوم سوشینت را باید به مفهوم یاور و قهرمان
 گرفت. کربن گروهی از سرودگویان دیویسنی که با زرتشت سخت مخالف بودند.

(۱۱) و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد
 و سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد سوسد

ترجمه : چه زمان ای مزدا ارمایتی و اشا باختر خواهند آمد در جای خوش
 و چراگاه (برامن) و آنان کیستند که پیروان خونخوار ناراستی را به رامش بگیرند
 و به که دانش و هومن خواهد رسید.

توضیح: ترجمه سطر سوم آنان کیستند که ناراستان را به رامش بگیرند را

(۲) $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$ $\frac{1}{3} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{12}$ $\frac{1}{4} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{20}$ $\frac{1}{5} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{30}$ $\frac{1}{6} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{42}$ $\frac{1}{7} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{56}$ $\frac{1}{8} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{72}$ $\frac{1}{9} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{90}$ $\frac{1}{10} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{110}$ $\frac{1}{11} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{132}$ $\frac{1}{12} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{156}$ $\frac{1}{13} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{182}$ $\frac{1}{14} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{210}$ $\frac{1}{15} \times \frac{1}{16} = \frac{1}{240}$ $\frac{1}{16} \times \frac{1}{17} = \frac{1}{272}$ $\frac{1}{17} \times \frac{1}{18} = \frac{1}{306}$ $\frac{1}{18} \times \frac{1}{19} = \frac{1}{342}$ $\frac{1}{19} \times \frac{1}{20} = \frac{1}{380}$ $\frac{1}{20} \times \frac{1}{21} = \frac{1}{420}$ $\frac{1}{21} \times \frac{1}{22} = \frac{1}{462}$ $\frac{1}{22} \times \frac{1}{23} = \frac{1}{506}$ $\frac{1}{23} \times \frac{1}{24} = \frac{1}{552}$ $\frac{1}{24} \times \frac{1}{25} = \frac{1}{600}$ $\frac{1}{25} \times \frac{1}{26} = \frac{1}{650}$ $\frac{1}{26} \times \frac{1}{27} = \frac{1}{702}$ $\frac{1}{27} \times \frac{1}{28} = \frac{1}{756}$ $\frac{1}{28} \times \frac{1}{29} = \frac{1}{812}$ $\frac{1}{29} \times \frac{1}{30} = \frac{1}{870}$ $\frac{1}{30} \times \frac{1}{31} = \frac{1}{930}$ $\frac{1}{31} \times \frac{1}{32} = \frac{1}{992}$ $\frac{1}{32} \times \frac{1}{33} = \frac{1}{1056}$ $\frac{1}{33} \times \frac{1}{34} = \frac{1}{1122}$ $\frac{1}{34} \times \frac{1}{35} = \frac{1}{1190}$ $\frac{1}{35} \times \frac{1}{36} = \frac{1}{1260}$ $\frac{1}{36} \times \frac{1}{37} = \frac{1}{1332}$ $\frac{1}{37} \times \frac{1}{38} = \frac{1}{1406}$ $\frac{1}{38} \times \frac{1}{39} = \frac{1}{1482}$ $\frac{1}{39} \times \frac{1}{40} = \frac{1}{1560}$ $\frac{1}{40} \times \frac{1}{41} = \frac{1}{1640}$ $\frac{1}{41} \times \frac{1}{42} = \frac{1}{1722}$ $\frac{1}{42} \times \frac{1}{43} = \frac{1}{1806}$ $\frac{1}{43} \times \frac{1}{44} = \frac{1}{1892}$ $\frac{1}{44} \times \frac{1}{45} = \frac{1}{1980}$ $\frac{1}{45} \times \frac{1}{46} = \frac{1}{2070}$ $\frac{1}{46} \times \frac{1}{47} = \frac{1}{2162}$ $\frac{1}{47} \times \frac{1}{48} = \frac{1}{2256}$ $\frac{1}{48} \times \frac{1}{49} = \frac{1}{2352}$ $\frac{1}{49} \times \frac{1}{50} = \frac{1}{2450}$ $\frac{1}{50} \times \frac{1}{51} = \frac{1}{2550}$ $\frac{1}{51} \times \frac{1}{52} = \frac{1}{2652}$ $\frac{1}{52} \times \frac{1}{53} = \frac{1}{2756}$ $\frac{1}{53} \times \frac{1}{54} = \frac{1}{2862}$ $\frac{1}{54} \times \frac{1}{55} = \frac{1}{2970}$ $\frac{1}{55} \times \frac{1}{56} = \frac{1}{3080}$ $\frac{1}{56} \times \frac{1}{57} = \frac{1}{3192}$ $\frac{1}{57} \times \frac{1}{58} = \frac{1}{3306}$ $\frac{1}{58} \times \frac{1}{59} = \frac{1}{3422}$ $\frac{1}{59} \times \frac{1}{60} = \frac{1}{3540}$ $\frac{1}{60} \times \frac{1}{61} = \frac{1}{3660}$ $\frac{1}{61} \times \frac{1}{62} = \frac{1}{3782}$ $\frac{1}{62} \times \frac{1}{63} = \frac{1}{3906}$ $\frac{1}{63} \times \frac{1}{64} = \frac{1}{4032}$ $\frac{1}{64} \times \frac{1}{65} = \frac{1}{4160}$ $\frac{1}{65} \times \frac{1}{66} = \frac{1}{4290}$ $\frac{1}{66} \times \frac{1}{67} = \frac{1}{4422}$ $\frac{1}{67} \times \frac{1}{68} = \frac{1}{4556}$ $\frac{1}{68} \times \frac{1}{69} = \frac{1}{4692}$ $\frac{1}{69} \times \frac{1}{70} = \frac{1}{4830}$ $\frac{1}{70} \times \frac{1}{71} = \frac{1}{4970}$ $\frac{1}{71} \times \frac{1}{72} = \frac{1}{5112}$ $\frac{1}{72} \times \frac{1}{73} = \frac{1}{5256}$ $\frac{1}{73} \times \frac{1}{74} = \frac{1}{5402}$ $\frac{1}{74} \times \frac{1}{75} = \frac{1}{5550}$ $\frac{1}{75} \times \frac{1}{76} = \frac{1}{5700}$ $\frac{1}{76} \times \frac{1}{77} = \frac{1}{5852}$ $\frac{1}{77} \times \frac{1}{78} = \frac{1}{6006}$ $\frac{1}{78} \times \frac{1}{79} = \frac{1}{6162}$ $\frac{1}{79} \times \frac{1}{80} = \frac{1}{6320}$ $\frac{1}{80} \times \frac{1}{81} = \frac{1}{6480}$ $\frac{1}{81} \times \frac{1}{82} = \frac{1}{6642}$ $\frac{1}{82} \times \frac{1}{83} = \frac{1}{6806}$ $\frac{1}{83} \times \frac{1}{84} = \frac{1}{6972}$ $\frac{1}{84} \times \frac{1}{85} = \frac{1}{7140}$ $\frac{1}{85} \times \frac{1}{86} = \frac{1}{7310}$ $\frac{1}{86} \times \frac{1}{87} = \frac{1}{7482}$ $\frac{1}{87} \times \frac{1}{88} = \frac{1}{7656}$ $\frac{1}{88} \times \frac{1}{89} = \frac{1}{7832}$ $\frac{1}{89} \times \frac{1}{90} = \frac{1}{8010}$ $\frac{1}{90} \times \frac{1}{91} = \frac{1}{8190}$ $\frac{1}{91} \times \frac{1}{92} = \frac{1}{8372}$ $\frac{1}{92} \times \frac{1}{93} = \frac{1}{8556}$ $\frac{1}{93} \times \frac{1}{94} = \frac{1}{8742}$ $\frac{1}{94} \times \frac{1}{95} = \frac{1}{8930}$ $\frac{1}{95} \times \frac{1}{96} = \frac{1}{9120}$ $\frac{1}{96} \times \frac{1}{97} = \frac{1}{9312}$ $\frac{1}{97} \times \frac{1}{98} = \frac{1}{9506}$ $\frac{1}{98} \times \frac{1}{99} = \frac{1}{9702}$ $\frac{1}{99} \times \frac{1}{100} = \frac{1}{9900}$

ترجمه: بفرما بمن ای اهورا! زیرا (تنها) تو میدانی آنچه (شدنی هست) پیش از آنکه کشمکش در ذهن من پدید گردد آیا مزدیسنان بر ناراستان پیروز خواهند شد. یقیناً آن مقصد بزرگ این زندگی را نشان خواهد داد. توضیح: زمان پیروزی به دینان را آرزو میکنند.

(۳) $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$ $\frac{1}{3} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{12}$ $\frac{1}{4} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{20}$ $\frac{1}{5} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{30}$ $\frac{1}{6} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{42}$ $\frac{1}{7} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{56}$ $\frac{1}{8} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{72}$ $\frac{1}{9} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{90}$ $\frac{1}{10} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{110}$ $\frac{1}{11} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{132}$ $\frac{1}{12} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{156}$ $\frac{1}{13} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{182}$ $\frac{1}{14} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{210}$ $\frac{1}{15} \times \frac{1}{16} = \frac{1}{240}$ $\frac{1}{16} \times \frac{1}{17} = \frac{1}{272}$ $\frac{1}{17} \times \frac{1}{18} = \frac{1}{306}$ $\frac{1}{18} \times \frac{1}{19} = \frac{1}{342}$ $\frac{1}{19} \times \frac{1}{20} = \frac{1}{380}$ $\frac{1}{20} \times \frac{1}{21} = \frac{1}{420}$ $\frac{1}{21} \times \frac{1}{22} = \frac{1}{462}$ $\frac{1}{22} \times \frac{1}{23} = \frac{1}{506}$ $\frac{1}{23} \times \frac{1}{24} = \frac{1}{552}$ $\frac{1}{24} \times \frac{1}{25} = \frac{1}{600}$ $\frac{1}{25} \times \frac{1}{26} = \frac{1}{650}$ $\frac{1}{26} \times \frac{1}{27} = \frac{1}{702}$ $\frac{1}{27} \times \frac{1}{28} = \frac{1}{756}$ $\frac{1}{28} \times \frac{1}{29} = \frac{1}{812}$ $\frac{1}{29} \times \frac{1}{30} = \frac{1}{870}$ $\frac{1}{30} \times \frac{1}{31} = \frac{1}{930}$ $\frac{1}{31} \times \frac{1}{32} = \frac{1}{992}$ $\frac{1}{32} \times \frac{1}{33} = \frac{1}{1056}$ $\frac{1}{33} \times \frac{1}{34} = \frac{1}{1122}$ $\frac{1}{34} \times \frac{1}{35} = \frac{1}{1190}$ $\frac{1}{35} \times \frac{1}{36} = \frac{1}{1260}$ $\frac{1}{36} \times \frac{1}{37} = \frac{1}{1332}$ $\frac{1}{37} \times \frac{1}{38} = \frac{1}{1406}$ $\frac{1}{38} \times \frac{1}{39} = \frac{1}{1482}$ $\frac{1}{39} \times \frac{1}{40} = \frac{1}{1560}$ $\frac{1}{40} \times \frac{1}{41} = \frac{1}{1640}$ $\frac{1}{41} \times \frac{1}{42} = \frac{1}{1722}$ $\frac{1}{42} \times \frac{1}{43} = \frac{1}{1806}$ $\frac{1}{43} \times \frac{1}{44} = \frac{1}{1892}$ $\frac{1}{44} \times \frac{1}{45} = \frac{1}{1980}$ $\frac{1}{45} \times \frac{1}{46} = \frac{1}{2070}$ $\frac{1}{46} \times \frac{1}{47} = \frac{1}{2162}$ $\frac{1}{47} \times \frac{1}{48} = \frac{1}{2256}$ $\frac{1}{48} \times \frac{1}{49} = \frac{1}{2352}$ $\frac{1}{49} \times \frac{1}{50} = \frac{1}{2450}$ $\frac{1}{50} \times \frac{1}{51} = \frac{1}{2550}$ $\frac{1}{51} \times \frac{1}{52} = \frac{1}{2652}$ $\frac{1}{52} \times \frac{1}{53} = \frac{1}{2756}$ $\frac{1}{53} \times \frac{1}{54} = \frac{1}{2862}$ $\frac{1}{54} \times \frac{1}{55} = \frac{1}{2970}$ $\frac{1}{55} \times \frac{1}{56} = \frac{1}{3080}$ $\frac{1}{56} \times \frac{1}{57} = \frac{1}{3192}$ $\frac{1}{57} \times \frac{1}{58} = \frac{1}{3306}$ $\frac{1}{58} \times \frac{1}{59} = \frac{1}{3422}$ $\frac{1}{59} \times \frac{1}{60} = \frac{1}{3540}$ $\frac{1}{60} \times \frac{1}{61} = \frac{1}{3660}$ $\frac{1}{61} \times \frac{1}{62} = \frac{1}{3782}$ $\frac{1}{62} \times \frac{1}{63} = \frac{1}{3906}$ $\frac{1}{63} \times \frac{1}{64} = \frac{1}{4032}$ $\frac{1}{64} \times \frac{1}{65} = \frac{1}{4160}$ $\frac{1}{65} \times \frac{1}{66} = \frac{1}{4290}$ $\frac{1}{66} \times \frac{1}{67} = \frac{1}{4422}$ $\frac{1}{67} \times \frac{1}{68} = \frac{1}{4556}$ $\frac{1}{68} \times \frac{1}{69} = \frac{1}{4692}$ $\frac{1}{69} \times \frac{1}{70} = \frac{1}{4830}$ $\frac{1}{70} \times \frac{1}{71} = \frac{1}{4970}$ $\frac{1}{71} \times \frac{1}{72} = \frac{1}{5112}$ $\frac{1}{72} \times \frac{1}{73} = \frac{1}{5256}$ $\frac{1}{73} \times \frac{1}{74} = \frac{1}{5402}$ $\frac{1}{74} \times \frac{1}{75} = \frac{1}{5550}$ $\frac{1}{75} \times \frac{1}{76} = \frac{1}{5700}$ $\frac{1}{76} \times \frac{1}{77} = \frac{1}{5852}$ $\frac{1}{77} \times \frac{1}{78} = \frac{1}{6006}$ $\frac{1}{78} \times \frac{1}{79} = \frac{1}{6162}$ $\frac{1}{79} \times \frac{1}{80} = \frac{1}{6320}$ $\frac{1}{80} \times \frac{1}{81} = \frac{1}{6480}$ $\frac{1}{81} \times \frac{1}{82} = \frac{1}{6642}$ $\frac{1}{82} \times \frac{1}{83} = \frac{1}{6806}$ $\frac{1}{83} \times \frac{1}{84} = \frac{1}{6972}$ $\frac{1}{84} \times \frac{1}{85} = \frac{1}{7140}$ $\frac{1}{85} \times \frac{1}{86} = \frac{1}{7310}$ $\frac{1}{86} \times \frac{1}{87} = \frac{1}{7482}$ $\frac{1}{87} \times \frac{1}{88} = \frac{1}{7656}$ $\frac{1}{88} \times \frac{1}{89} = \frac{1}{7832}$ $\frac{1}{89} \times \frac{1}{90} = \frac{1}{8010}$ $\frac{1}{90} \times \frac{1}{91} = \frac{1}{8190}$ $\frac{1}{91} \times \frac{1}{92} = \frac{1}{8372}$ $\frac{1}{92} \times \frac{1}{93} = \frac{1}{8556}$ $\frac{1}{93} \times \frac{1}{94} = \frac{1}{8742}$ $\frac{1}{94} \times \frac{1}{95} = \frac{1}{8930}$ $\frac{1}{95} \times \frac{1}{96} = \frac{1}{9120}$ $\frac{1}{96} \times \frac{1}{97} = \frac{1}{9312}$ $\frac{1}{97} \times \frac{1}{98} = \frac{1}{9506}$ $\frac{1}{98} \times \frac{1}{99} = \frac{1}{9702}$ $\frac{1}{99} \times \frac{1}{100} = \frac{1}{9900}$

ترجمه: وبه دانشمندان بهترین آموزش آن است که اهورای دانا توسط اشایاموزد، پاک و دانا همه آنانکه آموزگاران آموزش باطنی (روانی) هستند ای مزدا! توسط دانش وهومن گرویده تو میباشند. توضیح: در این قطعه فرموده اولاً بهترین دانش و آموزش آن است که ایزدی باشد و براستی و درستی گفته شود دوم اینکه آموزش روانی آن است که از اهورا توسط وهومن (دانش ایزدی) الهام گردد.

خلاصه سرود چهل و هفت

در این سرود در ستایش سپینا ماین یو یعنی استعدادیکه در موجودات بویژه بشر برای پاکی و درستی وجود دارد و آنها را به نظم و خوبی رهنماست گفته شده و ضمناً از دیگر صفات ایزدی یعنی اشا و وهومن و خستر نیز اشاره کرده. این سرود نسبت به دیگر سرودها مختصر است و پس از خواندن هر قطعه باید در مفهوم سپینا ماین یو تأمل کرد و سنجید که چگونه از این بخشهای ایزدی میتوان استفاده نمود و گویی مخصوصاً از ضد این بخشش یعنی اهریمن اشاره فرموده تا در ذهن خواننده یکسوئی باشد.

(۴) نـمـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ .
 سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ .
 سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ .
 سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ .

ترجمه : از این سینه‌تاما این یو دیویسنیها خود را در آزار (احساس کرده جدا شده‌اند) ولی ای مزدا از (مینوی) باک تو نیکان چنین (جدا نمی‌شوند) تنها مرد کم مایه به نیکان می‌گراید ولی او که خداوند پر مایه هست سوی بدان (مایل می‌شود) .

توضیح: در همه نهضت‌های اخلاقی و دینی نخستین پیروان صمیمی مردم بی‌بضاعت بودند و توانگران برای حفظ مقام و ثروت بسوی بدان یعنی مخالفان تمایل داشتند بد از نیکی هراسان است .

(۵) سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ .
 سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ .
 سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ .
 سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ . سـنـزـنـسـفـ .

ترجمه : ای مزدا اهورا ! هرچه بهترین است به نیکان پیمان کرده‌ای که دیویسنی دور از مهر تو- او که کارش (به اشاره) اهریمن سرزده می‌شود نیز بهره‌مند می‌گردد .

توضیح: مزدیسنی و دیویسنی هر دو از بخشش ایزدی از نعمت‌های گیتی بهره‌مند

سرود چهل و هفت

این سرود (یسنا) در بحر ترشتوپ (trishtup) گفته شد . بنا بر نخستین واژه این قطعه را سپتاماین یو نامیده اند .

(ویرتدوآس . ویرتدوآس . ویرتدوآس)

(۱) ددوآس ویرتدوآس . ویرتدوآس ویرتدوآس . ویرتدوآس ویرتدوآس .
 ویرتدوآس . ویرتدوآس . ویرتدوآس ویرتدوآس . ویرتدوآس ویرتدوآس .
 ویرتدوآس . ویرتدوآس . ویرتدوآس ویرتدوآس .
 ویرتدوآس . ویرتدوآس . ویرتدوآس ویرتدوآس .

ترجمه : از روح پاك (رهنمائی شده) هر که (بوسیله اشا) یعنی راستی و درستی (به بهترین اندیشه و بهترین عمل و بهترین سخن ملهم شود) مزدا اهورا بوسیله خشر و ارمایتی او را تندرستی و زندگی جاوید خواهد داد .

توضیح: هر که به راستی و صمیمیت بهترین اندیشه و کار و سخن اختیار کرد از اهورمزد خرداد و امرداد یعنی تندرستی و زندگی جاوید خواهد یافت . سپتاماین یو روح پاك حقیقی غیر از اهورمزد است بزبان سنسکرت بمفهوم راستی و پاکی باید گرفته شود .

می کند به او آیینی بیاموزد که وجدانی و اشائی باشد و این قطعه نزد زرتشتیها بسیار مقدس شمرده می شود و هنگام بستن کستی روزانه می خوانند. در قطعه هشتم می فرماید که کینه و آزار از دشمنان به خود آنان باز خواهد گشت و چاه کن چاه در پیش خواهد داشت تنها اهورا شایسته ستایش و پاکترین خداوند راستی و داور بسراعمال ما هست و او می داند آنچه برای ما بهترین است و من مردم را به پرستش او دعوت می کنم تا از روی پل چنود به همراهی سروش و مهر و رشنو بگذریم و تیره های کرپن و کهوا که مخالفان ما هستند از روی آن سرنگون گردند و آن زمان وجدان آنها را سرزنش بکند. در قطعه دوازدهم پیشگوئی می کند که از تیره تورانی بنام فریان (دوست) مردی پدید خواهد شد توانا و ارادت مند به ارمایتی (تسلیم و رضا) و مردم را بسوی دانش و مودت (و هومنی) دعوت خواهد کرد و یاور او اهورمزدا خواهد بود و خطاب به پیروان خود می فرماید که با او همراهی کنند تا پیام نیک را به انجام رسانند و هر که او را یاری کرد زندگی جاوید یافته و به بهشت ایزدی خواهد رسید و خطاب به پیوستگان و خویشان خود می فرماید که میان دانا و نادان و راست و دروغ امتیاز دهند و آئین اهورائی را به پذیرند و به فروشاشترا می فرماید بسا گرویدگان کیش مزدیسنی همراه گردد و آنانرا به روشنائی رهنمائی کند آنجائیکه ارمایتی به اشاپیوست می شود و اراده و دانش اهورمزدی فرمانروا هستند و فرایزدی پدید است و سپس به جاماسپ می فرماید من عمل را می آموزم پس سروش رادر باطن خود جا داده عمل کنید و تنها اهورمزدا را به پرستید و او که در عمل کاملا مخلص است به او پیمان می کنم که از و هومن برگزیده ترین خوش بختی را خواهد یافت و در پایان این سرود می فرماید اکنون اعلام می کنم عمل (پایه) اشائی و بر پایه راستی و درستی باشد تا در پاداش عامل سزاوار زیست جاوید گردد.

خلاصه سرود ۴۶

این سرود زمانی گفته شده که مخالفان کیش مزدیسنی زبردست و نیرومند و مزدیسان ناتوان بودند. از این است که در آغاز می‌فرماید به کدام زمین گام بردارم و به کجا رو آورم مخالفان مرا از خوبتوش و آریمنه دور کرده‌اند و از ورز نه‌نیز خورسند نیستم کاش که اهورمزد مانند محبوبی به عاشق او که من هستم سعادت بخشد و بوسیله اشادانش و هومنی مرا بیاموزد. اساس آموزش من بر یکتائی اهورمزد است از او که گمراه هست و همواره موانع و شکستگی در پیام من فراهم می‌سازد امید یاری ندارم باید با او مبارزه کرد زیرا تنها رهبریکه با بدان مبارزه می‌کند شایسته رهبری است و او که پیشواست باید نه تنها پیروان خود را هدایت کند بلکه افراد مخالفان نیز چون به او رو آوردند آنانرا به مهر و مودت به‌پذیرد و حقیقت را به آنان آشکار کند و بگذارد که آنها بسنجند و بدانند و راه راست را برگزینند و اگر به آنان یاری نکرد و از خود دور نمود ناراستان گمان خواهند کرد که او یکی از خودشان است و به این ترتیب ممکن است به دام فریب آنان گرفتار گردد و در قطعه هفتم مکرر از اهورمзда آرزوی یاری می‌کند و از مخالفان شکایت دارد و عرض

سرود جهل‌وشش / ۱۶۷

زرتشت چنانکه اراده اوست در پاداش به‌زندگی (جاوید) سزاوار خواهد بود و
نیز همه آرزوهای دل از مادر بسارورگیتی (اینها حقایقی میباشند) که ای‌مزدا
دانان‌ترین برمن آشکار کرد .

توضیح: در پایان سرود می‌فرماید که کیش تازه آورده زرتشت را چنانکه
او خواست به‌راستی و درستی و به‌ورزد عمل بکند زندگی جاوید خواهد یافت و در
این‌زندگی آرزوهای خود را خواهد یافت و این حقیقی است که اهورمزدا برمن
آشکار کرد .

(۱۴) سبب است که در این راه
 و در این راه و در این راه
 و در این راه و در این راه
 و در این راه و در این راه
 و در این راه و در این راه
 و در این راه و در این راه

ترجمه: پرسش ای زرتشت! کیست دوست تو و پیرو نیکوئی (که گروه) بزرگ مگارا بر آوازه کند، (پاسخ) او کوی و ستاسپ پذیرنده (کیش نو) دانسته شده. آنرا که اهورا مزدا در جای خود جا داده ای به آنان پیام و هومن خواهم گفت. توضیح: در این قطعه تسلسل سخن قطعه سیزدهم است و از شاه گشتاسپ قدردانی میکند و میفرماید به آنانکه (به کیش بهی گرویده اند) و به بهشت ایزدی مکان خواهند یافت پیام و هومنی یعنی پیام عشق و محبت خواهم رساند.

(۱۵) و در این راه و در این راه
 و در این راه و در این راه
 و در این راه و در این راه
 و در این راه و در این راه
 و در این راه و در این راه

ترجمه: ای پیوستگان می چت اسپا! وای پیوستگان اسپیتاما به شما میگویم (آنچه بهترین است که بشنوید) و میان دانا و نادان امتیاز دهید و بوسیله آن برای خود اش را بیابید و نیز آئین که ازلی اهورائی است. توضیح: در این قطعه شت زرتشت گروهی از خویشان خود را خطاب

(۸) و ساسد هچر ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد
 هچر ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد

ترجمه : به راستی میگویم او که میخواهد به (مردم) گیتی آزار رساند آتش دشمنی او به من نخواهد رسید (بلکه) به نفرت پیچیده به خود او باز خواهد گشت (و این شعله نفرت) که خود او را از زندگی (خوش) و کامل باز میدارد. ای مزدا! به هیچ وجه او را از زندگی بد باز نخواهد داشت

توضیح : گفته اند چاه کن را چاه درپیش است کسیکه نیت او بر آزار مردم است به خود آزار میرساند و سرانجام مردم بیگناه از آزار و ستم نجات می یابند.

(۹) و ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد
 ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد ساسد

ترجمه : که هست بزرگ و رادترین که بیاموزد ترا چگونه بشناسم (و ستایش کنم) که تو (معبود) داور پاک بر اعمال ما خداوند راستی از تو هست اشا و از آنچه سازنده گیتی به اشا الهام کرد. برای آنچه از تو هست خواهم کوشید که بوسیله و هو من بدانم. توضیح : او را مزدا و سازنده گیتی (گیوش تشن) در مفهوم جدا نیستند

سزای اعمال خود را می بیند به خاطر می آورد و برعکس مفهوم این قطعه ، نخستین قطعه یسنای چهل و سه هست که روان شخص پاک و نیک هرگاه اعمال نیک خود را مشاهده میکند به نظر می آورد.

(۲) $\text{سزای اعمال خود را می بیند به خاطر می آورد و برعکس مفهوم این قطعه ، نخستین قطعه یسنای چهل و سه هست که روان شخص پاک و نیک هرگاه اعمال نیک خود را مشاهده میکند به نظر می آورد.}$

ترجمه: ای مزدا! میدانم (علتی که) چرا من بیچاره هستم (بسبب) کم نوائی و (بسبب) کم بودن پیروان (من هست) پس در این باره به تو فریاد میکنم نیک توجه فرما ای اهورا! آرزومند سعادت می هستم که از دوستی به دوستی میرسد بوسیله اشامرا نیروی و هومن بیاموز.

توضیح: میفرماید بیچارگی و نبودن پیش رفت من از بینوائی و از کم بودن پیروان است پس ای اهورا در اینصورت مرا بوسیله اشا (راستی و درستی) عزم و هومن بیاموز یعنی در کار تبلیغ استقامت و عزم ثابت به بخش

(۳) $\{ \text{سزای اعمال خود را می بیند به خاطر می آورد و برعکس مفهوم این قطعه ، نخستین قطعه یسنای چهل و سه هست که روان شخص پاک و نیک هرگاه اعمال نیک خود را مشاهده میکند به نظر می آورد.} \}$

ترجمه: کی ای مزدا آن روزها روشن گردند و کی برای نگه داشت

سرود ۴۶

(۱۴۶) (سرود ۴۶) (سرود ۴۶)
 (۱) وچو... وچو... وچو... وچو...
 وچو... وچو... وچو... وچو...
 وچو... وچو... وچو... وچو...
 وچو... وچو... وچو... وچو...
 وچو... وچو... وچو... وچو...

ترجمه: به کدام زمین گام بردارم - به که رو آورم - آنها مرا از خویتوش و آریمنه دور کرده‌اند و از آنچه از ورزن به من میرسد نیز خورسند نیستم و نهم (از) فرماندهان کشوری که پیروان ناراستان هستند پس چگونه ای مزدا اهورا تورا خوشنود سازم.

توضیح: این قطعه زمانی گفته شده که سه طبقه از پیروان زرتشت توانائی یاری به او نداشتند و فرماندهان کشور دیویسنی بودند میفرماید پس کجا بروم و به که رو بیاورم که مرا یاری کند تا ای اهورا مزدا ترا خوشنود سازم.
 چنین مینماید که هنوز شاه گشتاسپ به کیش مزدیسنی نه‌گرویده بود و یاران ایشان ضعیف بودند بنابراین روایت زرتشتی این قطعه را روان شخص گنه‌کار زمانیکه

و هومن (دانش کل) و اشا (نفس کل) ممکن میشود و چون عمل با مشیت ایزدی هم رنگه و هم آهننگ گشت آن عمل بشر نیست ، بلکه ایزدی است. در بند پنجم اشاره میکند که اهورمزدا خیر محض است آغار و انجام ندارد و دهنده سزا و جزاست و هر که سوی او رهسپار است به او میرسد و هیچ نیروئی وجود ندارد که از آن مانع گردد. در آن مقام که روان بشر به حضور اهور مزدامیرسد ، مکان روشنائی و توانائی و فکرودانش است. بند هفتم کاملاً عرفانی است میفرماید اگر وجدان پاک باشد گوئی آئینه ایست که عقل کل (وهومن) در آن تجلی نموده پرسشهای ما را پاسخ میدهد در رفتار نسبت به خویشان و نزدیکان و افراد جامعه به وجدان باید رجوع کرد و فرمان از او گرفت. در بند نهم میگوید بشری هستم بنام زرتشت و از ازل زمانیکه تن مستعار نداشتم با خداوند.

من می آموزم الهام ایزدی است و وای بر او که به آن ایمان نیاورد. آموزش من از روی سنجش و دانائی است و در آن هیچ گونه سرکشی و عصیان نیست بلکه به الهام ارمایتی یعنی تسلیم و رضا است. اهورمزدا بر اندیشه و اعمال ما محیط است و ما نمیتوانیم او را بفریبیم، بنابراین بدانید گفته من به نیت اصلاح و خوبی است و از ما ترا یعنی کلمه حق است که عامل آن از اهورمزدا تن درست و زندگی معنوی جاوید خواهد یافت اهورمزدا را توسط اعمال نیک ستایش میکنم و ایمان خود را نسبت به او توسط و هو من ثابت مینمایم او مرا بسوی خود راهنما خواهد شد.

رادان و نیکان چه آنانکه در گذشته و چه آنانکه هستند و چه آنانکه در آینده خواهند بود آنکه راه نجات را جوینده شد در انجام روانش از آلودگیها پاک گشت به سرود ستایش اهورمزدا را بسوی خود متوجه میسازم و در آن حال گوئی به چشم بصیرت او ارامی بینم و بوسیله اندیشه نیک و سخن راست و اعمال شایسته به او نزدیک میشوم و امیدوارم در انجام نیازم را در بهشت جاوید به او تقدیم کنم. درد و شادی از اوست و ما باید به نیروی او تسلیم شویم و بندگی کنیم و توسط دانشیکه او بما بخشیده آبادی و نظم را در میان هم نوع بیافزاییم و به تسلیم و رضا او تعالی را بخواهیم تا ما را سرافراز کند و عظمت او را بیابیم او بما وعده فرموده که نیکان را نیروی ایزدی و درستی تن و زندگی جاوید عطا فرماید و نیز سعادت پرتو ایزدی و زیست بردانش و هومنی.

این سرود که به مناجات آغاز میشود در دو قطعه آخر به اساس کیش زرتشتی

اشاره شده یعنی:

۱ - یگانه بودن پروردگار اهورمزدا ۲- از عمل اشائی تندرستی و سکون ذهن می یابیم ۳- و دانش و هومنی، ذهن ما را روشن میسازد و روان را از آلودگی پاک نگه میدارد ۴- ارمایتی تسلیم و رضا است ۵- خسترا نیروی اراده است و بشر هر چند که زورمند باشد که نیک فرجام گردد تا اراده اش قوی نیست آرزو را نخواهد یافت. در بند سوم میفرماید هدف ما باید پیوستگی و هم آهنگی کامل به مشیت ایزدی باشد که تحصیل آن بوسیله

خلاصه سرود چهل و پنج

قطعه اول و دوم این سرود متمم فکری هستند که در قطعه دوازدهم و سیزدهم سرود چهل و چهار فرمود. اینکه دو حزب مخالف در ثبوت درست و راست بودن خود دلابلی می‌آورند و خود را برحق و حریف را بر باطل نشان میدهند و برای او که خارج از دو حزب است بسیار دشوار است که حقیقت را درک بکند مگر اینکه کاملاً بیطرف بشود و به نظر تحقیق و تجسس در گفته هر دو مطالعه کند و این فکر در قطعه اول و دوم این سرود واضح و قطعی گفته شده. میفرماید اکنون فرما گویم به شما چه آنانکه در حضور من هستید و چه آنانکه نیستند و حقیقت را آشکار میکنم در آن تأمل نمائید و امیدوارم در ایمان چنان ثابت گردید که آموزگاران مخالف نتوانند بار دیگر شمارا گمراه سازند. چنانکه بدی خوب نمیشود و خوب بدی نمیگردد و امتیاز میان این دو به اندک سنجش مسیر است هم چنان آموزش من و مخالفان من چه در نفس و چه در نوع آموزش و چه در امتیاز دادن میان بد و خوب و چه در اندیشه و چه در سخن و چه در عمل و چه در وجدان و چه در روان یکسان نیست. ما مانند سپنتا ماینیو و اهریمن کاملاً از هم جدا هستیم و عکس یکدیگر میباشیم یکی تاریکی و جهل است و دیگری روشنائی و دانش، آنچه

توضیح: عبارت قطعه واضح است میفرماید آنچه میگوییم الهامی است که از اهورمزدا بمن شده و هر که به آن ایمان نیاورد و عملی نکرد در پایان عمر بسراو وای خواهد بود .

(۴) سوم او ارمایتی نیکوکار است .
اول بوسيله اشا من اهورمزدا را که بمن این آموزش الهام کرد دانستم .
دوم او پلتر علت همه ورزنده وهومن است .
سوم ودخت او ارمایتی نیکوکار است .
چهارم اهورا برهمه محیط است و هیچ کس هرگز نتواند اورا بفریبد .

ترجمه : و برترین هدف این زندگی (تنی) را توضیح میدهم .
 اول - بوسیله اشا من اهورمزدا را که بمن این آموزش الهام کرد دانستم .
 دوم - او پلتر (علت) همه ورزنده وهومن است .
 سوم - ودخت او ارمایتی نیکوکار است .
 چهارم - اهورا برهمه محیط است و هیچ کس هرگز نتواند اورا بفریبد .
 توضیح: آموزش زرتشتی بر پایه استوار کردن نیروی زیست یعنی پیروی از اشا و استعمال کامل عقل یعنی وهومن است . خصوصیت عقل فعالیت است از اینرو وهمن را وهمن ورزنده فرموده و سوم احساس بندگی و نیکوئی و تسلیم (یعنی پیروی از ارمایتی است) از صفات ایزدی اشا وهومن و خستر به صیغه تذکیر و امرات و خرداد و ارمایتی به صیغه تأنیث گفته شده اند . بنابراین از روی استعاره یکی را پسر و دیگری را دختر فرموده اهورمزدا برهمه اینها محیط است .

سرود ۴۵

(تسمتداتب . نوسددمر . ۱۴۵)

(۱) نبع . لاسنوسنوسررس . لک . لکوسرلوج . لک . نالکلس .
 نوسنوسررس . نوسنوسررس . نوسنوسررس . لک . نوسنوسررس .
 لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک .
 لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک .
 لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک . لک .

ترجمه : فرامیگویم، اکنون به سخنانم گوش دهید بشنوید .
 چه آنانکه نزدیک هستند و چه آنانکه دور میباشند اگر خواستند اکنون یقیناً
 همه (نکات شنیدنی) آشکار می شوند شما بسنجید، مبادا بار دیگر آموزنده بدجان شمارا
 تپاه سازد و گمراه کند او که برگزیننده راه کج است پیرو دروغ و درسخن پریشان است.
 توضیح : عبارت این دو قطعه و قطعه بعد به اشخاصیکه درست در آن نسنجیدند
 و مقصود را درک نکردند بمفهوم ثنویت گرفته شده .

سرود چهل و چهار / ۱۴۳

اوسنگ و کوا Kava بودند شکایت میکند .

این سرود در شماره گر چه چهل و چهار است ولی ممکن است که نخستین سرود

فرموده‌ی خود زرتشت باشد .

اشاره‌ها هستند که در آنها تأمل بکنند. در قطعه دهم بهترین دین برای بشر کدام است و در پاسخ میفرماید آنکه به الهام از ارمایتی اطاعت و تسلیم به فرمان‌بزدی صورت گیرد و برای بازگشت به سوی اهورمزدا رهنما باشد. در قطعه یازدهم میفرماید طبیعت هر فردی را استعداد مخصوص بخشیده و هم‌چنین رهبر و مصلح‌دین استعداد معین دارد که از ارمایتی (تسلیم و رضا) به اورسیده و او وظیفه خود را نیک دانسته و البته مقابل او یک‌گمراه‌کننده نیز پدید می‌شود که قصد او اصلاح نیست بلکه خرابکاری و خنثی‌نمودن اصلاحات رهبر واقعی است و در قطعه دوازدهم سلسله قطعه یازدهم ادامه دارد که چون دو تن ادعای رهبری میکنند امتیاز دادن میان آنان که کدام بر صواب و کدام بر خطاست تنها به عقل سلیم ممکن است. باید کوشید تا راست و ناراست ممتاز شود برخی ساده‌دل هستند که بدی را نمی‌خواهند ولی به سخنان گمراه‌کنندگان گوش می‌دهند و از راه راست منحرف می‌شوند، پس دانا اوست که از چنین بندگان دوری کند گفته‌ایست (صحبت طالح ترا طالح کند) در قطعه چهاردهم می‌رسد چگونه ممکن است که ناراستان را هدایت کرد و دشمنی آنها را دور نمود و در پاسخ میفرماید سخنان مقدس ماترا چندان باید تکرار بشوند که در دل سخت آنها رخنه کنند و جا گیرند و از ورزیدن کینه و حسادت باز آیند. در قطعه پانزدهم و شانزدهم به درگاه اهورمزدی مناجات می‌کنند که دین راست را نیرو دهد و مخالفین آنرا زبون سازد و سر و شو و هومن را به یاری می‌خواهد و در قطعه هفدهم آرزو می‌کند که بوسیله اعمال نیک به دو نعمت برسد یکی سکون باطنی و دیگر پیوست به پروردگار. و در آخر می‌فرماید پاداش سرودگویی از جامعه یک شتر و یک اسب و ده مادیان است ولی او یعنی زرتشت بجای پاداش مادی از جامعه پاداش روانی از اهورمزد می‌خواهد و آن نعمت پیوستگی به خرداد و امرداد یعنی تندرستی و زیست جاوید معنوی است و خطاب به پیروان خود می‌فرماید او که به شما خدمت می‌کند حق خدمت یعنی مزد به او بدهید (گویا اشاره به این است که من شما را خدمت کردم و راه راست نشان دادم و در پاداش می‌خواهم که رهنمائی مرا عملی سازید) و بعد از فرقه مخالف که از تیره کرپن و

آفرید تا بشر از آن استفاده کند و غیر خود را بشناسد و کیست که زمین را دور خورشید میچرخاند و روز را شب و بیداری را خواب میکند تا بشر اوقات کار و آرام را بداند و بروقت معین وظیفه خود را بجا آورد و در قطعه ششم از اهورمزد میپرسد آیا آموزشی که من به جامعه بشر پیش نهاد میکنم درست و راست است و آیا چنین نیست که از اطاعت و نظم و راستی و درستی دانش و نیروی اراده کاملتر میگردد و کیست که این جهان تاریک را بارور و شادی دهنده نمود. بنا بر آموزش زرتشتی جهان تن جای مصیبت و آلام و درد نیست بلکه نعمت ایزدی است که بشر باید کاملاً از آن استفاده کند. در این عالم بشر غیر خود رامی بیندوبه او آشنا میشود و هستی او کاملتر میگردد همین فکر در سنگ نوشت داریوش نیز می یابیم که خداوند را می ستاید و می گوید اهورمزدا در این زمین برای ما شادی آفرید و این فکر پیغمبر ایرانی برعکس افکار و بدبینی بودا و رهبانان مسیحی و مرتاضین هند است در قطعه هفتم سلسله پرسش ادامه دارد و میفرماید کیست که به ما ارمایتی یعنی احساس رضا و تسلیم و خشنود نیروی اراده بخشید و کیست که پدر را بر پسر مهربان و پسر را فرمانبردار پدر نموده و می گوید مقصود از این پرسشها این است که بوسیله سپنتا ماینو یعنی روان روشن و پاک تو را که آفریدگار ما هستی نیک بی شناسیم. به این ترتیب در آموزش زرتشتی بشر باید بکوشد که به آفریدگار خود نزدیک گردد و نزدیک شدن به او آگاهی از آفرینش اوست. در قطعه هفتم سلسله پرسش ادامه دارد و البته پاسخ باید از وجدان شنونده برسد. سکون و آرام باطن را میجوید و آرزو دارد که با مشیت ایزدی هم آهنگ گردد و هدف زندگی را توسط دانش (وهومن) و نیروی زیست (اشا) بداند تا به برترین مقام روانی برسد و در قطعه نهم میخواهد وجدانش از آلودگیها پاک باشد تا برترین دانش و نیرومندترین اراده در آن تجلی کند و با دانش وهومن و هستی اشا و اراده (خشنود) ایزدی در بهشت برین مقام نغمه و سرور جاوید بماند. در این بند اشاره میکند که رستگاری تنها در عمل وجدان است، البته همه پرسشها و آرزوها که در این سرود گفته شده به خواننده

خلاصہ سرود ۴۴

در ہفدہ سرود گانا ہر سرودی يك فكر اساسی دارد کہ باید خوانندہ بہ آن متوجہ شود و بسنجد۔ از جملہ در سرود ۴۴ تشویق بہ دانستن رموز طبیعت و چگونگی مظاهر آسمانی است۔ در قطعہ نخستین این سرود از اہورامزدا یاری می جوید کہ بہ اورہنمائی بکند چگونہ نزدیک شود و چگونہ از اشا (راستی و نظم) و از وومن (دانش ایزدی) بہرہ مند گردد۔ و در قطعہ دوم میخواند انجام زیست تنی را بداند کہ چگونہ برای کامل شدن آن بکوشد و کامیاب گردد و در پاسخ وجدانش میگوید کہ اشایمنی راستی و درستی گل و گوہر بشریت است و نگہبان و یار حقیقی روان اوست و در قطعہ سوم بہ مظاهر آسمانی متوجہ میسازد کہ باید بہ وقت مطالعہ شوند و بشر بہ چگونگی آنها آگاہ گردد و آنها را بشناسد تا بہ حقیقت ذات خویش نیز آشنا شود و میفرماید اشا چیست؟ خورشید و سیارگان را کہ در افلاک بہ گردش آورده و کہ ماہ را ہلال و بدر میسازد و ہم چنین از اہورامزدا خواستار است کہ بشر را از رموز طبیعت آگاہ کند کہ کیست کہ زمین را در فضای آسمانی محفوظ نگہداشته و کیست کہ آنها را بہ گیاہ نزدیک مینماید تا سبز و خرم بمانند و ابراہا را سریع السیر نموده کہ ہر جائیکہ لازم است برسند و بہ بارند و زمین آنجا را سیراب کنند و کیست کہ دانش را

نمیدهد به چنین کس اکنون چه سزائی میرسد! و میدانم که انجام او چه خواهد شد.
توضیح : معلوم نیست به چه اشاره شده ، غالباً به مفهوم عموم است که
سزاوار پاداش را باید پاداش بدهند و اگر ندادند ستم کرده اند .

(۲۰) مردی است که سزای او را ندانم و سزای او را ندانم .
سزای او را ندانم و سزای او را ندانم .
سزای او را ندانم و سزای او را ندانم .
سزای او را ندانم و سزای او را ندانم .
سزای او را ندانم و سزای او را ندانم .

ترجمه : ای مزدا ! چگونه دیوان نیرومند شده اند و نیز می پرسیم اینان که
صف کشیده اند تنها به سود خودشان است، بنابراین (تیره) کرپن و اوسگ در گیتی نفرت
پدید کرده اند و تیره کوا آنرا به بند و ناله سپرده اند. چرا اینان هدف اشار نمی خواهند
که فزونی امنیت است .

توضیح : تیره های کرپن و اوسگ و کوا از مخالفین سرسخت و سرودگوی
دیوینتی بودند . میفرماید اینها از خود غرضی در گیتی هرج و مرج و آشوب پدید
کرده اند، چرا دوست نمیدارند به امنیت و آسایش که آئین اشاست مردم زندگی کنند.

(۱۸) مـسـمـm

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !
 چگونه آن مزد را از اشا بیابم، ده مادیان و یک اسب و یک شتر که به من پیمان
 نهاده اند بدهند بلکه دوست دارم که بوسیله تو ای مزدا بخشش خرداد و امرداد را
 بسوی هم نوع بیاورم .
 توضیح : گویا در آن عصر مرسوم بود که سرودگو را پاداش میدادند و
 آن ده مادیان و یک اسب و یک شتر بود. زرتشت بجای پاداش مادی بخشش معنوی
 را طالب است و آن تندرستی و زیست معنوی جاویدان است. شادروان دکتر ایرج
 تاراپور و الا ترجمه این قطعه را بمفهوم عرفانی کرده مقصود از ده مادیان پنج حس
 ظاهر و پنج حسن باطن و اسب ذهن یا نفس و شتر نور است که ذهن را روشن میسازد.

(۱۹) مـسـمـm

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !
 (او که خدمت کرده) و سزاوار گرفتن مزد هست و نزد دهنده میرود و او مزد را

آنچه از آن وجود دارد آشکارا بمن بر گو، بگذار سروش و وهومن سوی او که تو دوست میداری بیایند .

توضیح : ورترا جام کشته دیو ورترا بمفهوم پیروز بردشمن و قهرمان میفرماید ای استاد دانا کدام قهرمان است که به آموزش تو از ما نگهداری کنداو را که دوست داری آرزو دارم که سروش و وهومن سوی او بیایند .

(۱۷) سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم .
سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم .
سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم .
سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم .

سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم .
سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم . سوسنم .

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا ا

ای مزدا به رهنمائی از شما چگونه به مقام وجد و خرسندی برسم و چگونه با شما کاملاً پیوسته گردم تا سختم پرائر بشود در آینده برای رهنمائی بسوی خرداد و امرداد بوسیله اشا و واژه مقدس ماترا .

توضیح : دو آرزو دارد یکی سکون کامل باطنی که وجد و خرسندی روانی است و دوم اصل کامل و بوسیله اشا و خواندن واژه مقدس ماترا صحت روانی و زیست جاویدان را آرزو میکند .

خلاصه سرود پنجاه و یکم

این سرود در بیست و دو قطعه در شش سطر و هر سطر در هفت سیلاب گفته شده. آغاز می‌شود از اینکه نیروی ایزدی گران بهاست که از اهورمزدا بر جهان پرتوافکن شده و در همه موجودات کم و بیش نمایان است و باطن موجودات را روشن و توانا میکند و هر که از آن استفاده کند خوش بخت است. پیمبر ایران می‌فرماید که من با این نعمت ایزدی تصمیم گرفته‌ام که به هم نوع خدمت کنم و امیدوارم در این عزم ارمایتی مرا یاری کند و وهومن سعادت پرستش به بخشد و برای آبادی گیتی از اشاکه زبان اهوراست به من همراهی شود و برای آموزش دین از وهومن الهام یابم - آموزنده حقیقی اهوراست. به مهر و مودت و پاکی و نظم کارها نیک و منظم می‌شوند و این صفات خجسته را از پروردگار برای افراد جامعه آرزو می‌کنم. در قطعه پنجم از خود می‌پرسد که چگونه در جامعه راستی و درستی پدید خواهد شد و پاسخ می‌دهد از او که پیام ایزدی را به فروتنی و دانائی آشکار میکند تا رهبر نیک نباشد نمی‌تواند افراد جامعه را به نیکی رهنما گردد او باید جامعه را از به، بهتر سازد و اگر برعکس خود بد باشد بد را بدتر خواهد کرد و سرانجام

به سزای بدی خود خواهد رسید. از اهورمزدا خواستار است که بوسیله منش پاک او را عمر طولانی و تندرستی عطا فرماید تا مهلت بیابد و بتواند وظیفه اصلاح جامعه را به تکمیل رساند و در گیتی اشائی آبادی و شادابی و شادی فراهم سازد در قطعه هشتم می فرماید ناراست به شکیبائی در آزمایشهای سخت که به فلز گذاخته شباهت دارند کوشنده به هدف و مرام خود می رسد. مخالفان می کوشند که جامعه را فاسد کنند و من خواهم کوشید که اشاسوی جامعه بیاید و مهر و خوش بختی بیاورد. مزدیسنی باید اشائی باشد و به ارمایتی یعنی تسلیم و رضانزدیک گردد و به هومن و نیکان ارادتمند باشد و خود را فردی از افراد برادری مگابشمارد.

در قطعه دوازدهم می فرماید دیویسنیهای کوی شادی را در هوس و لذات مادی می دانند در صورتیکه شادی طبیعی و معنوی از ذوق روانی میسر می شود و این حقیقت را آنان زمانی خواهند دانست که از روی پل چنود باید بگذرند و در آن زمان وجدانشان سرزنش کند (وزشت از زیبا ممتاز گردد) کوی و کرهن به آئین اشائی احترام نمی گذارند و بجای اینکه مادر گیتی را شبانی کنند پرستنده آنها به آموزش ناراست میفریبند.

من به یاران مگا وعده می کنم بهشت گرو نمان که مگان نغمه و سرور است و هومن و اشا برای نیکان طرح کرده اند و شاه گشتاسپ از نیروی برادری مگا و از ستودن هومن بوسیله اشا خواهد یافت.

به پیشگاه اهورمزدی خواستار است که پیروانش را به راه روشن رهنا گردد در قطعه دیگر به فداکاری فروشاشتر اشاره شده و در قطعه هجدهم توصیف جاماسپ دانا نموده دعا میکند که او به آرزوی نیکش برسد و در قطعه نوزدهم از مدیوماه اشاره شده که به زندگی راست گام زن است و نیکوئی را نه تنها به سخن بلکه به عمل می آموزد و در آخر خطاب به امشاسپندان و اهورمزد عرض میکند که به پیروانش

سرود پنجاهویک / ۴۱۷

خوش بختی و راستی اشائی و دانش وهومنی به بخشند و می افزاید که ارادتمند
ارمایتی باید پاک باشد و به اندیشه و سخن و عمل راستی را (در جامعه) بیافزاید
آنانکه در نماز اهورمزد بوسیله اشا ستایش میکنند چنین نیکان را چه آنانکه هستند
و چه آنانکه در گذشته اند گرامی هستند و با ارادت به آنان پیوست خواهیم شد .

مزدا اهورا جاوید به بخشد نیکان کیش را .

توضیح: پس از تمهید مختصر در سه قطعه گذشته می فرماید که در کیش زرتشتی وظیفه صاحب خانه و نگهدارنده جامعه و بزرگان تعیین شده و این کیش برای کسانی است که از راستی و درستی پیروی می کنند و رخشنده میراث و هومنی یعنی امتیاز صحیح میان بد و خوب می دهند و در پایان دعا می کند که اهورمزدا جاوید آنان را به بخشد و موفق سازد .

(۵) ددسدم { پ } . و اس { در } { س } { در } { ج } .
 و س { در } { در } { ج } . و اس { ط } { پ } .
 س { در } { در } { در } { س } { در } { س } . و اس { و } { و } { و } { ج } .
 و س { و } { و } { و } { ج } . و س { و } { و } { و } { ج } .
 س { در } { در } { در } { س } { در } { س } . س { و } { و } { و } { ج } .
 و اس { و } { و } { و } { ج } . و اس { و } { و } { و } { ج } .
 س { در } { در } { در } { ج } . و اس { و } { و } { و } { ج } .
 و اس { و } { و } { و } { ج } . و اس { و } { و } { و } { ج } .
 و اس { و } { و } { و } { ج } . و اس { و } { و } { و } { ج } .

ترجمه : این سخن میگویم به دوشیزه گانیکه عروس می شوند و به شما (نوجوانان) که داماد میگردید و خواستارم به ذهنتان بسنجید ، و به نفس خود درك کنید که همواره عشق تان را به هومن عملی سازید و هر يك از شما بکوشید که در راستی برتری جوید و برای آن به هر يك از شما پاداش نیکو هست .

توضیح: خطاب به کنیا یعنی دوشیزگان جوان که عروس خواهند شد و جوانانیکه داماد خواهند گشت که عشق و هومن (یعنی کارها را از روی عقل و تفکر خواهند کرد) به ورزند و در نیکی از هم سبقت جوئید .

(۶) دُاسد . ی . نَسَد دُورسد . اَسَد اِج .
 نَسَد اَسَد . ی اَسَد اِج .
 و اِج . نَسَد اَسَد . اَسَد اِج . ۴۴۳۳ .
 دُورسد دُورسد . اَسَد اِج .
 و اِج . نَسَد دُورسد . نَسَد دُورسد . نَسَد اِج . نَسَد اِج .
 اَسَد اِج . اَسَد اِج . و نَسَد اِج .
 اِج . نَسَد اِج .
 و اِج . نَسَد اِج . نَسَد اِج .
 نَسَد اِج . نَسَد اِج .
 نَسَد اِج . ۴۴۳۳ و دُورسد .

ترجمه : ای جوانان و ای دوشیزگان : در این زمین این حقیقت دارد که در کشش های حیاتی ناراستی سود می بینید و به علاقه (به چیزهاییکه) دور از شخص شما می باشند به روشنائی ضعیف حامل بار رنج می شوید می پوشاند (تیره می سازد) روشنائی باطن به این نفرت کنندگان از راستی . به این ترتیب آیا شما تباخ خواهید کرد زندگی روانی خود .

توضیح: خطاب به جوانان و دوشیزگان می فرماید کشش های سطحی دنیوی که در آن خورسندی تصور می کنید روشنائی باطن را تیره می کند و زیست روانی شما را تباخ می سازد .

(۷) $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$ $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^3} = -\frac{3}{x^4}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^4} = -\frac{4}{x^5}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^5} = -\frac{5}{x^6}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^6} = -\frac{6}{x^7}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^7} = -\frac{7}{x^8}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^8} = -\frac{8}{x^9}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^9} = -\frac{9}{x^{10}}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^{10}} = -\frac{10}{x^{11}}$

ترجمه : بصورت دیگر پاداش شما از اخوت مگای (زرتشتی) هست، تا زمانیکه (شما) جفت (زن و شوهر) با هم نهایت علاقه و جوشش دارید، خواه آن علاقه مادی باشد خواه روانی (اعلی یا ادنی) آیا این اخوت را رها میکنید؟ پس (اعلام میکنم) که آخرین سخن پر درد شما وای خواهد بود .
 توضیح: در قطعه گذشته فرمود که شادیهائیکه ناراستان نشان میدهند موقتی و سطحی است و آنچه آموزش زرتشتی نشان میدهد حقیقی و معنوی هستند و در این قطعه می فرماید که پاداش محبت معنوی و روانی باجنسی و مادی هر دو از اخوت مگائی زرتشتی به شما خواهد رسید ولی اگر آنرا ترک کردید انجام شما سخن (وای) و افسوس خواهد بود .

(۸) ساسدند. سد. وركه (سای) ساسدند. ساسدند.
 وسای ساسدند. ساسدند.
 ساسدند ساسدند. ساسدند ساسدند.
 ساسدند ساسدند. ساسدند.
 ساسدند ساسدند ساسدند. ساسدند. ساسدند ساسدند.
 ساسدند ساسدند. ساسدند. ساسدند ساسدند.
 ساسدند ساسدند. ساسدند. ساسدند ساسدند.
 ساسدند ساسدند. ساسدند. ساسدند ساسدند.
 ساسدند ساسدند. ساسدند. ساسدند ساسدند.
 ساسدند ساسدند. ساسدند. ساسدند ساسدند.

ترجمه : پس یقیناً بدکاران فریب خورده (در تحیر) بمانند و به مسخره شدن
 یکدیگر راسرزنش کنند. دوشیزگان و جوانان ما از پیشوایان نیک (یاری) خواهند
 یافت (خداوند) به این راستیها امن بدهد و رنج از مردم شاد ناپدید گردد و او خداوند
 مرگ و بزرگترین زود بسوی ما باز گردد .
 توضیح: در این قطعه اشاره به پیشوائی هست که رحلت کرده یا ناپدید شده
 و گوینده امیدوار است که باز گردد و رنج مردم از بازگشت او دور شود و مفسدین
 گمان میکنند که اشاره به زرتشت است و البته گمان است ثبوتی نیست .

(۹) و دله سار افسدن و افسد و سار افسدن
 سار افسدن و سار افسدن و سار افسدن
 سار افسدن و سار افسدن و سار افسدن
 سار افسدن و سار افسدن و سار افسدن
 سار افسدن و سار افسدن و سار افسدن
 سار افسدن و سار افسدن و سار افسدن
 سار افسدن و سار افسدن و سار افسدن
 سار افسدن و سار افسدن و سار افسدن
 سار افسدن و سار افسدن و سار افسدن

ترجمه : پیروان ناراست را نفرت رهنمائی میکند که ارجمنندگان را محکوم نمایند. آنان بنده خواهشهای نفسانی هستند و تحقیر کننده راستی و در کشمکش خودی (ولی) ،

او که خداوند نیکی است با آنان مبارزه خواهد کرد و با همه نیروی زیست و با کمال آزادی .

ای مزدا ! به خستر (نیروی ایزدی) تو چنین نیک کاران فروتن را برترین پاداش میدهی .

توضیح: کسی که بد است (از نیکان نفرت دارد) و نفرت او را رهنماست که ارجمنندگان را محکوم نماید .

او بنده خواهشهای نفسانی است و تحقیر کننده راستی و خود را آزار میدهد

سرود پنجاه و سه / ۲۲۷

ولی او که خداوند نیکی است با چنین بدکاران مبارزه میکند (با همه نیروی زیست و با کمال آزادی) و اهورمزدا نیز چنین نیکان فروتن را به پیروزی ایزدی خود بهترین پاداش خواهد داد. در قطعه هشت بویژه سطر آخر مفسرین تصور کرده‌اند که پس از رحلت زرتشت گفته شد .

خلاصه سرود پنجاه و سه

از نکات مهم این سرود :

اولا - اشاره به اینکه وظیفه تبلیغ دین مزدیسنی به انجام رسید .
دوم - اندرز به پسران جوان و دوشیزگان که در جوش جوانی و غلبه احساس
تنی راستی و درستی را از دست ندهند و مادی محض نگردند بلکه ظاهرشان تنی
و مادی و باطنشان روانی و معنوی باشد .

سوم - در قطعه هشتم می فرماید (امید که) او خداوند بر مرگ به زودی بسوی
ما برگردد و میان ما باشد و مفسرین گمان میکنند که مقصود از رحلت زرتشت
است و امید اینکه دوباره او به تن یا روان به سوی جامعه بازگردد یعنی روح او در
جامعه زرتشتی جاوید بماند .

دو این شکی نیست که عبارت سرودهای گاتا از اصل فرق کرده و چنانکه
گوینده گفته بمانرسیده چه الفاظ و چه سیلاب کم و بیش شده اند. برعکس سرودهای
رگ و یدا که سالم تر مانده اند زیرا هندوان سخت مقید بودند و احتیاط میکردند
که دست به ترکیب الفاظ یا عبارت نزنند و از خود لفظی کم یا بیش نکنند و از

اصل دورنگردند و متاسفانه در صورتیکه از زمان باستان برای زبان سنسکرت دستور زبان و علم عروض وجود داشت در ایران نبود و اگر بود از آن آگاه نیستم و اوستا شناسان ناچار شدند که برای زبان اوستا از زبان سنسکریت دستور و علم عروض را بوجود بیاورند و بدیهی است که با وجود نزدیکی و از یک اصل بودن لازم نیست که نثر و شعر ایران کاملاً مانند نثر و شعر هند باشد. در ترجمه و تفسیر اوستا میان مترجمین و مفسرین چه اروپائی و چه شرقی اختلاف است و هر کس به سلیقه و تمایل خود بنوعی تفسیر و ترجمه کرده است بنابراین میدان تحقیق و تفحص هنوز پابرجاست و ممکن است دانشمندانیکه در آینده پدید خواهند شد این کار را بیشتر عملی بکنند و بحقیقت نزدیکتر گردند .

سرود پنجاه و چهارم

ترجمه : ابریمای بسیار گرامی در این (جشن) شادی بیابید بسوی جوانان و دوشیزگان (مردان و زنان) زرتشتی که وهومن را خوش کند. او که وجدان دارد پاداش گران بها می یابد. از اشا خواستارم (دعا میکنم) برای خوش بختی (اینکه) آرزوی (همه) هست در علم اهورمزدا (وجود دارد) انجام میدهد .

توضیح: این قطعه تکمیل افکاری است که در سرود پنجاه و سوم بیان شده اند ابریما نام ایزد تندرستی و نیز نام سوم طبقه زرتشتی و بمفهوم دوست است و ضمن دعاهائیکه در مراسم کتخدائی خوانده میشود به انواع معانی ترجمه و تفسیر شده است.

سرودهای گاتا در اینجا به پایان میرسند .

واژه نامه

Vāstā	نظم - باور - حامی
Khshmat	شما
anyō	جز - دیگر
Atha	بنا بر این
Moi	بمن
Sastā	آشکار کنید - برگزینید
Vohū	خوب
Vāstryā	شپان - نجات دهنده
Vas	از ریشهٔ وس

سرود ۲۹ بند ۲

Ada	ایدون - پس
Tasha	آفریننده - سازنده
geush	گاو (گیتی)
Peresat	پرسود
Ashem	ازاشا
Kathā	که - از چه نوع - چگونه
Tōi	تو
gavoi	برای گاو (گیتی)
Ratush	رتو - خداوند - پیشوا

سرود ۲۹ بند ۱

khshmaidya	به شما
geush urva	روان گاو (گیتی ، زمین)
	میگرید - میتالد - شکایت می کند
gerezda	
kahmai	برای چه
ma	مرا
ThwaruzdŪm	آفریدید - ساختید
Ke ma	که مرا
Tashat	درست کرد - ساخت
a ma	از همه سو مرا
aeshmo	خشم
	نیز غارت - ربایش - تباهی
hazas cha	
remo	نور تعدی - ستم - کینه
a hishāya	فشار کامل
deresh cha	آزار
Tevish cha	زور - توانائی
nōit moi	نه برای من

Shavaité	صف آرا گردد - بشود
ā dreng	برخلاف - مقابل بدکیشان
Ereshvanhō	نیکان
	جانداران - میزندگان - آدمیزاد
Hātām	
hvō	او
Aojishto	برترین - تواناترین
Yahmai Zavēng	که دعوت او
jlmā	پاسخ دهیم
Keredushā	به شتاب

Hyat	تا که - او که
Him	اورا
Dātā	دهد
	بتوانید - توانائی - خداوند
Khshayantō	
	ترجمه الفاظ - با - و گذشته بران
Hadā	چراننده ، یآوری ، حمایت ، نگهداری
Vāstrā	
Gaodāyō	دهش گاوبانی
Thwakhshō	جوشش - پویندگی
Kem	که را
Hōi	برای او - به او
Ushta	خواهش - روشن - خرسندی
Ahurem	خداوند
ye	او که
Dregvōdebish	بدکیشان - ناراستان
Aeshemem	خشم
Vādāyōit	پس راند - بازدارد

سرود ۲۹ بند ۴

Mazda	مزدا
Sakhvare	نماز - درخواست - سخن
Māirishtō	بهتر - می‌سنجد
Ya-zi	که براستی
Vāverezoi	ورزیده شد - گفته شد
Pairi	در زمان گذشته - باستان
Chith it	در زمان گذشته، باستان
Daevaish - cha	چه از دیوان
Mashyaish-cha	چه از آدمیزاد
ya - cha	نیز آنچه
	ورزیده میشود - گفته میشود
Vareshaite	
Aipi-chit it	در زمان بسیار آینده
Hvō	او (تنها) یگانه
Uichirō	دادور - برگزیننده
Ahurō	اهورا
Athā ne	پس، به ما
Anhat	باید (بشود)
Yathā	چنانکه - آنچه
Hvō	او (تنها)
Vasat	میخواهد - فرمان میدهد

سرود ۲۹ بند ۳

Ahmai	به او
Ashā	اشا
Nōit	نه
	بازدارنده یگانگی - رها کننده - یاور
Sarejā	
Advaeshō	دوست - بی آزار
Cavoi	به گیتی
Paiti-mrvat	پاسخ داد
	از آنانی که (اینجا هستند)
Avaēshām	
Nōit	نه
Viduyē	دانسته شده
Yā	او که

واژه‌نامه - سرود ۲۹/۲۳۳

Noit aeava	نه یگ
Ahu	اهو (خداوندجان)
Uisto	دانسته شده (خداوند روان) و نه یگرتو
Naeda ratush	
Ashāt - chit hachā	ازاشا
At zi	برای این
Thwa	تورا
	نیز شان - نگهدارنده
Fshuyantae-cha	
Vastryai - cha	یاورا
Thworeshta	آفریننده
Tatasha	ساخت - تعیین کرد

سرود ۲۹ بند ۷

tem	آن
Azutōish	نیاز
Ahurō	اهورا
	افسونی - سخن مقدس - ماترا
Mathrem	
Tashat-Asha	ساخت-فرمود به انا
Hazaoshō	دوست - هم اراده
Mazda	مزدا
Gavoī	مادرگیتی
	نوز شیرین - شیرینی
Khshvidem - cha	
Hvo	او
Urushaueibyō	یاوران (او)
Spento	نیکان
Sasnayā	آئین - آموزش
Kas tè	که را از تو
Vohu mananha	ای وهومن
Yei dāyāt	که یقیناً بیاورد- بدهد

سرود ۲۹ بند ۵

At Va	بنا برین - کنون
Ushtanaish	با بلند کرده
Ahvā	دلها (مادو)
Zastaish	ودستها
	خواستاریم - التماس میکنیم
Frinemnā	
AhuraHyā	ازاهورا
Me urva	روان من
Geush-cha	} ونیز گاو (بارور)
Azyā	
Hyat	{ چنوب
Mazdam	به مزدا
Dvaidi	خطاب - روانداشتن
ferasābyō	(به پذیرفتن) - التماس
Nōiterezejyoi	هرگز به جانداران نیک
Frajyaitish	آزار
	نه به شان - نگهدارنده
Noit Fshuyenté	
{Dregvasu	{ ناراستان میان }
{Pari	

سرود ۲۹ بند ۶

at e	یس
Vaochat	گفت
Ahura mazda	اهورا مزدا
Vidva	میدانند - آزموده - دانا
Vafush	گفته‌ها - حقایق
Uyanaya	علم باطن - بینائی - بصیرت

Geush Urvā روان گاو
Raosta ناله کرد ، گریه کرد
ye یس
تحمل ، برداشت ، کمزور ، ناتوان

Anaeshem
Radem یاری ، رادی
Vāchem سخنان
Neresh مردی
بدون همت ، بدون شهامت ، ناتوان

Asurahya
Yem ā در صورتیکه
Vasemi میخواستم
Ishā پیشوا ، خداوند
Khshathrem نیرومند
Kada کی ، چه وقت
yava گاه که ، هر گاه
Huō او ، یکی چنین
Anhat پدید شود ، باشد
Ye hoi او که به من
Dadat بیاورد ، دهد
یاری دست دار ، زبردست

Zastavat avō

سرود ۲۹ بند ۱۰

Yazem شما
Aeibyو ده اینها
Ahurā ای اهورا
Aog1 نیروی زیست
Dātā به بخش ، بده
Ashā ای انا
نیز خشن ، توانائی

Khshathrem-cha
Avat آنکه

eāvā یاری
Maretaeibyō میرندگان - آدمیزاد

سرود ۲۹ بند ۸

Aem یکی (چنانکه میخواهد)
Mōi بمن
Ida اینجا
Visto آشناست - دانسته شده
Ye او
Ne بهما
Aevo تنها
Sāsnā آموزش - فرمان
gushata گوش داده - شنیده
Zarathushtrō (واو) زرتشت
Spitamō اسپتاما (هست)
Hvo او تنها
Ne یقینا
Mazda از مزدا
Vashti مایل است ، خواهشمند است
Ashai-Cha و نیز از انا
Carekerethrā بواسطه سرود ستایش
بشنوند ، اعلام بکند ، آشکار کند

Sravayenhē
Hyat Hōi بنابراین به او
Hudemem شورینی دلکشی
dyai داده شود
Vakhedhrahya از سخن

سرود ۲۹ بند ۹

At cha اما آنکاه - پس آنکاه

واژه‌نامه - سرود ۲۹ / ۲۲۵

Yūshmāvatām
بمانند شما - به شما

سرود ۲۸ بند ۱

Ahya (کتون) اورا
Yasa میستایم
Nemanha نماز میبرم
Ustāna Zastō دستها بلند کرده
سعادت ، خورسندی ، شادی
Refedhrahyā
Mainyush مایشو ، روان ، نیرو
Mazda ای مزدا
Paurvim نخستین - باستانیترین
SPentahya سپنتا - پاک
Asha اشا
Vispeng همه
Shyaothanā کار
Vanheush وهو
Khratum خود
Mananhō (وهومن) منه
Ya Khshnevisha تاخوشنودسازم
Ceush-cha نیزگاو زمین
Urvanem روان

سرود ۲۸ بند ۲

ye من (براستی)
Vā به شما
Mazda Ahurā ای اهورامزدا
نزدیک خواهم شد - خواهم رسید
Pairijasai
vohu mananha بواسطه وهومن

Vohu mananhā (به او) ای وهومن
Ya که
Husheitish به شادی خوش
Rāmām-cha ونیزرامش
dāt رهنما گردد ، دهد
Azem-chit ما ، من
Ahyā mazdā اورا ای مزدا
از تو می‌پذیرم ، میاندیشم
Thwam menghi
Paourvim بهترین ، باستانی‌ترین
Vaødem یافت شده ، حاصل ، آفرینش

سرود ۲۹ بند ۱۱

Kudā چه وقت ، کی
Ashim اشا
Vohu cha mananha ونیز وهومن
Khshathrem cha ونیز خشتر
At ma بسوی من
Masha بشتاب بیایند
Yuzem شما
Mezda ای مزدا
Frakhshnenē برای آموزش (نو)
Mazōi magai تیره بزرگ مگا
A به
Paiti zānatā شناسائی - پذیرفتگی
Ahtra ای اهورا
NŪ کتون
Na بما
Avare باری (رسید)
Ehmā ما خواهیم بود
مشتاق به بندگی ، آماده به بندگی
Rātoish

سرود ۲۸ بند ۴

Ye	به راستی
Urvānem	روان را
men gairé	بهشت برین - مکان بلند
Vohu Mananha	وهومن
Dadē	راهنمایی خواهم کرد ، خواهم داد
Hathrā	پیوسته
Ashim-cha	نیز به اشا
Shyaothananam	کارها
Vidush	دانسته - آگاه شده
Mazda shurahya	مزدا اهورا
yavāt	تازمانیکه
Isāi	دارای اراده هستم
Tava - cha	نیز توانائی دارم
Avat	تا این زمان
Khsai	خواهم آموخت (به مردم)
Aeshē	سکوشند
Ashahyā	برای اشا - راه اشارا بگیرند

سرود ۲۸ بند ۵

Ashā	ای اشا
Kat	کی - چه زمان
Thwā	تورا
daresāni	خواهم یافت - خواهم دید
Manas cha vohū	و نیز وهومن
Vaedemnō	دانش رادانسته
Gatum cha	راه
Ahurai	اهورائی
Sevishtai	نیرومند - توانا - زن شیرده
Seraoshem	سروش

Maibyo	که (بمن)
Dāvōi	داده شود - بخشیده شود
Ahva	در هر دو جهان
Astvatas-cha	چه جهان تن
Hyat cha	و چه آنکه
Mananhō	از جهان روان است
Āyaptā	سعادت
Ashāt hachā	بواسطه اشا - از اشا
Yaish	تا که
Rapantō	گرویدگان را
Daidish	رهنمائی کنید - به نهید
	به جهان روشنائی - به مکان روشنائی
Khvāthre	

سرود ۲۸ بند ۳

Ye	من بر راستی
Va	به ، تو
Asha	ای اشا
Ufyani	می سزایم ، می یافم
Manasvohu-cha	و نیز به وهومن
Apaourvim	از زمان باستان - از پیش
	و نیز مزدا اهورارا
Mazdām - cha ahurem	
Yaeibyō	(که به مهر بانی) شما
Khshathrem cha	و نیز خشتش
	جاوید - نابودنشدنی
Aghzaonvamnem	
Varedaiti	افزون کند - ببالد
Armaitish	ارمایتی
Amoi	اینجا به ما - به من
Rafedhrai	سعادت کامل
Zaveng	به دعوت (ما) به خواندن
Jasata	بباید

سرود ۲۸ بند ۷

Daidi	بده
Asha	ای اشا
Tām	آن
Ashim	سمات ، جوی
Vanheush mananho	وهومن
Ayapta	پاداش
daidi	بده
Tu	تو
Armaite	ای ارمایتی
Vishtāspai	بهوشتاسپ (گشتاسپ)
Ishem	خواهش ، آرزو
Maibyā cha	دبیزبه (پهروان) من
das	فرمان ترا
Tu	تو
Mazda	ای مزدا
Khshaya cha	به خداوندی ، شاهی
yā	تا که
Ve	ما
Mathra	سخنان ، فرمان ترا
Srevimā	بشنویم ، اجرا کنیم
Rādā	بندگان گرویده

سرود ۲۸ بند ۸

Vahishtem	بهترین
Thwa	از تو
Vahishta	برترین ، بهترین
yem	از او ، از تو
	اشا برترین ، اشاوشت ، اردی بهشت
Ashā Vahishta	

Mazdai	مزدائی
Anā	این
Mathra	سخن مقدس - منتره
Mazishtem	برترین ، بهترین
Vauroimaidi	برگردانیم
Khrafstrā	زنده ، وحشی ، پادان
Hizva	به زبان

سرود ۲۸ بند ۹

{	Vohu-	
	Gaidi	بها
	Mananha	وهومن
daidi	بده	
Asha	اشا	
Dā	بخشش	
daregayū	جاوید ، طولانی ، بادوام	
Ereshuaish	مقدس ، راست	
Tu	تو ، به راستی	
Ukhdhaish	سخنان	
Mazda	ای مزدا	
zarathushtraī	به زرتشت	
	مواج ، زیست باطن ، روانی	
Aojonghvat		
Rafeno	شادی	
Ahmaibyā cha	نیز به ما	
Ahura	ای اهورا	
yā	تا که	
daibishvato	دشمنان	
dvaesha	بر مخالفت ، بر نفرت	
Taurvayāmā	و چیره گردیم	

yuzem	به شما که	خوش جوشش ، یگانه ، هم‌اندیشه
zevishtayanho	سزاوارترین هستید به ستایش	Hezaoshem
isho	نیرومند	Ahurem
Khshathrem - cha	خشتر نیز	yāsā
Sravanhām	در نماز - در شنیدن نماز	Vaunush
		Naroi
		Ferashaoshtrai
		maibye . Cha
		Yaeibyas cha
		Ranhanhoi
		Vispai
		yavē
		Venheush }
		Mananho }

سرود ۲۸ بند ۱۰

At	بزرگان سنسکرت Atha	و چون واو عطف
yeng(yam)	آنانکه	
Ashāt cha	اشائی ، نیک	
voistā	(آزریشه vaed به معنی دانستن) میدانم	
Vanheush cha	وهومن	
datheng	دانا ، دانشمند	
mananho	وهومن	
Erethweng	راست ، نیکوکار	
mazda Ahurā	ای مردا اهورا	
Aoibyō	برای آنها	
Perena	پس ، کامل	
Āpanaish	به کامیابی	
kāmem	آرزو ، کام ، خواهش	
at ve	برای اینکه یقینا	
Khshmaibyā	شما	
Asānā	بی پاسخ	
Vaedā	میدانم	
Khvarnaithyā	برای هدف نیک	
Vaintyā	با گرویدگی ، گرویده ، مشتاق ، نیازمندانه	
Srava	نماز ، شنیده	

سرود ۲۸ بند ۱۱

ye	پس ، چون
----	----------

Hezaoshem	از اهورا
Ahurem	دعا میکنم ، التماس میکنم
yāsā	به آرزو ، به اشتیاق
Vaunush	قهرمان ، جوانمرد
Naroi	فرشا و شتره
Ferashaoshtrai	و نیز به مردمن
maibye . Cha	و آنانکه
Yaeibyas cha	خواهی بشوید
Ranhanhoi	در همه
Vispai	زمان ابد
yavē	(سمادت) وهومنی را
Venheush }	
Mananho }	

سرود ۲۸ بند ۹

Ahaish	به اینها
Va	تورا
noit	هرگز ، نه
Ahura mazda	ای اهورا مزدا
Ashem chā	و نیز اشا
yanaish	نیایش
zaranaema	برانگیخته خواهیم کرد ، خشمناک خواهیم کرد
Manas cha	و نیز وهومن
hyat	اوکه
Vahishtem	بهترین است
yōi	ما (که)
vē	به شما

مشتاقانه ، آرزومندانه میکوشیم

yoithemā	که پیش کنیم ، تقدیم کنیم
daseme	سرود ستایش را
Stutām	

واژه‌نامه - سرود ۳۰/۳۹

humazdrā	طریق مزدیسنی - تعلیم نیک. آموزش نیک
Ashai cha	نیز اشائی
yā	تا کی
raochebish	جهان روشن - روز
	به بینید - بیاوید - برسید
daresātā	
Urvaza	بالیده - کامل شده

سرود ۳۰ بند ۲

Sraota	بشنوید
geushaish	باگوشهاتان
Vahishta	بهترین - برترین
Avaenāta	بسنجید (آنها را)
{ Sucha	باذهن ، بادلتان
{ Mananhō	روشن
ävarenā	میان دوراه
	پیش ابربرگزیدن - تصفیه نمودن

Vichithahyā	
narem narem	مرد به مرد با مرد وزن
Khvakhyai	{ برای خود
Tanuyē	{ شخص
Para	پیش (این)
	دوره بزرگ - اجتماع بزرگ
Maze yanho	
ahmai	این (پیام)
nē	یقینا
Sazdyai	انتشاردهید - پراکنده کنید
baodantō	بیدار شوید
Paiti	هریک (از شما)

aish	بوسيله (اینها)
ashem	اشا
Nipanhe	برای خود داشته باشم
Manas cha vohu	و نیز وهومن
yavaetaite	برای همیشه - جاوید
tvem	آیا تو
Mazda Ahura	ای مزدا اهورا
fro - sisha	بیاآموزی - خواهید آموخت
mā	بمن
Thwahnāt	خودت
Vachanhē	آشکارکنم. اعلام کنم بگویم
Manyeush	بوسيله ماینوی تو
Hacha	کوئی از
Thwā	خود تو
eeanhe	دهن (باشد)
Yaish	از کجا
ā anhush	آفرینش به وجود پدید
Pouruyō	از ازل
bavat	شد - آمد

سرود ۳۰ بند ۱

At ta	اکنون از دو
Vakhshyā	خواهم گفت
Ishento	به خواهش منند - به مشتاق
yā	که
Mazdātha	آفریده مزدا هستند
hyatchit	این همه (آموزش)
Vidushe	برای دانایان
	برای اهوراست ستایشهائیز
Staota cha Ahurāi	
	نیایش به وهومن ، از وهومن
Vanheush mananho	

Ajyaitimcha	تهز مرک
Yatha cha	چنون
Anhat	انجام خواهد شد ، خواهد بود
Apemem	اراده ، قصد
Anheush	آفرینش - زیست
Achishtō	بدترین
dregvatām	برای ناراستان
et ashaune	اما برای نیکان
Vahishtem	
mano	بهترین حالت ذهنی ، دھومن

سرود ۳۰ بند ۵

Ayā	از این دو
Mainivā	ماینیو
Varetā	در موگزیبند
ye dregvā	او که ناراست است
Achishtā	بدترین را
Verezyō	می‌ورزد (بدترین عمل)
Ashem	اشا . راستی
{mainyus	یا کترین نفس
{Spenishto	
ye	هر که
	تباہ نشدنی - مامردنی

khraozdishteng	
aseno	به روشنائی
Vaste	می‌پوشاند خود را
yae cha	وهر که
Khshnaoshen	حوشنود میکند
Ahurem	اهورا را
haithyaish	به راست - درست
Shyaothanaish	اعمال
Fraoret	پس برگزیند
mazdām	مزدا را

سرود ۳۰ بند ۳

At ta	این دو
Mainyu	کیفیت ، گوهر ، ماینیو
Pouruye	از ازل
yā	آن (دو)
yema	جفت توام
Khvafena (khva - apana)	فعال
asrvatem	خود را آشکار کردند
manahi-cha	چه به ذهن - اندیشه
Vacha hi chá	چه در سخن
Shyaothana-cha	چه در کار
hi	این دو
Vahyo	خوب ، به
akem	بد
as . cha	نیز از این دو
Hudanhō	دانا ، خوش‌دانش
	آنچه درست هست - راست را برگزینند
ereshvishyātā	
Noit tu	امانه
duzdānho	نادان - بددانش

سرود ۳۰ بند ۴

At cha	واکتون
Hyat	هر گاه
tā	این
Hem mainyu	دو ماینیو
jasetem	پدید شدند - آمدند
Paourvim	از ازل ، نخستین
dazdē	دادند ، آفریدند
Gaem-cha	نوز زیست

mananha vohu	و دهومن
Asha. cha	نیز اشا
at kehrpem	و کالبد - تن
utayuitish	بی دریغی - جاوید
dadāt	دهد
Armaitish	ارمایتی
ānmā	مهربان - فهاض، مهربان
aeshām	آنهارا
toi	به تو
a	یقینا
anhat	خواهد بود، هست
yatha	همچنان - گویا
ayanhā	آهن
ādānaish	آزمایش
	از ازل، از نخستین، کامیاب
Pouruyō	

سرود ۳۰ بند ۸

At cha	اما - ولی
yadā	زمانیکه هرگاه
aeshām	بر آنها
kaenā	سزا، کین
jamaiti	بیاید
aenanhām	برای گناهان
at mazda	آنکاه - پس ای مزدا
taeibyō	بر آنان
Khshathrem	خشتر - نیروی (تو)
Vohu mananha	از دهومن
Voividaité	

واضح - پدید خواهد شد

aeibyō	بر آنها - به آنها
Sasté	آموزش (داده خواهد شد)
Ahura	ای اهورا

سرود ۳۰ بند ۶

aya	از این دو
noit	نه
eresh	راست - نیک
Vishyātā	میگزیند
daeva-china	ناراست
hyat	زیرا
ish	به آنها
ā debaomā	فریبده نزدیک شد
Peresmaneng	شک، تردید - حال پرسش

upā	}	بپاهد
jasat		

hyat	به این ترتیب
verenātā	برگزیند
achishtem-manō	نفس بدرا
at	پس
aeshmem	(بسوی) خشم
hen dvarentā	با او درویند - ساختند
yā	چنین
banyen	آلوده کردند - پلید کردند
ahum	زندگی - جان
maretanō	مردم را

سرود ۳۰ بند ۷

Ahmai-cha	نوز به چنین (کس)
Khshathra	خشتر
jasat	خواهد آمد

سرود ۳۰ بند ۱۰

Ada	هرگاه
Zi	بقینا
avā	بر - بروی
drujo	ناراستان
avo	} فروآید - برافتد
bavaiti	
Skendō	تباهی - شکست
Spayathrahya	پهروزی شان
at	آنکاه
asishta	} آرزوی باطن را آنان خواهند یافت
yaojanté	
	اتصال - یوغ - پیوستگی
	راست به مکان برکت - راست به مکان سعادت
ahushitoish	
Vanheush mananhō	وهومن
mezda	مزدا
ashahyā-cha	نیز اشا
yōi	در حالیکه - در صورتیکه
Zazantē	پیوسته کوشان باشند
Vanhāu	(برای) نیک، به
Sravahi	شنیده شده - آوازه، نام

سرود ۳۱ بند ۱

ta	این - اینها
vē	از شما
urvata	آئین
	یاد داشته - از بر کرده - به خاطر سپرده
marento	
agushtā	ناشنیده - گوش نداده

yōi	تا که
Ashai	اشا
dadēn	داده شوند
Zastayō	بدست
Drujem	ناراستان

سرود ۳۰ بند ۹

At. cha	دهم چنهن - باین ترتیب
Tōi	از تو
Vaem	ما
khyāmā	بشویم ، باشیم
yōi	او که
im	این
Fērashem	(Fresh) ، تازه، نو
Kerenaun	میکند
ahum	جهان تن را ، جان را
{ mazdas cha	} خداوند آفریده شدگان
{ ahuranho	
a. branā	خداوند جان
mayastrā	زندگی بکنیم
asha. cha	به رفاقت، پراز عشق
hyat	بوسیله اشا
hathra	چنین
manā	یکسر
bavat	در ذهن (mind) در دل
yathra	(هریک از ما) بشور
chistish	هرگاه که
anhat	نبروی نمیز
maethā	هست
	در شک و تردید

Ahurō	(او که) اهورا	Vachā	پیام- سخن
mazda	مزدا	Senghāmahi	می‌آموزیم - اعلام میکنیم
vaedā	دانسته شده - برقرار شده	aeibyō	به آنها
aya	میان هر دو	yōi	که
āsyā	گروه	urvataish	به آئین - گفته - آموزش
yā	تا که	drujō	ناراستان
Ashāt	اشا	ashahyo	اشائی
hacha	از (طبق)	gaethā	گیتی
javāmahi	زندگی بکنیم		مومیرانند ، تپاه میکنند

سرود ۳۱ بند ۳

yām	آنچه
dā	میدهی
mainyu	} بوسيله روانی - مقدس } آتش
āthra. cha	
Asha. cha	اشا
coish	پیمان نموده‌ای
rānoi bya	به هر دو گروه
Khshutem	خورشندی، شادی، سعادت
hyat	آنچه
urvatem	آئین
chazdonhvadebyō	برای دانشمند کامل - امتیاز دهنده
tat	آن
ne	بما
mazdā	ای مزدا
vidvanoi	برای روشن کردن (فکر)
vaocha	بگو - اعلام کن
hizva	به سخن - به زبان
thwahya	خودت
anhō	و به دهن

Vimerenchaitē	
at chit	اما به ویژه
aeibyō	برای آنان
vahishtā	بهبتر از همه
yōi	او که
Zarazdā	دلش را
anhen	سپردم-دارد
mazdai	به مزدا

سرود ۳۱ بند ۴

yezi	از آنجا که
aish	بسیب این
noit	نه
urvāne	برای برگزیدن
adva	راه
aibi	واضح
dereshta	در نظر
vakhya	بهبتر
at va	بنابراین برای شما
vispeng	همه
ayōi	آمده‌ام
yathā	به (وظیفه)
Ratum	آموزگار (روانی)

Vaocha	برگو	yājvantō	تا که زندگان را
hyat	چه	vispeng	همه
mōi	برای من - به من	vāuraya	گرویده کنم - راهنمایی کنم
ashā	(بوسوله) اشا		
dāta	فرموده‌ای		
vahyo	بہتر، به		
viduyē	که بدانم		

سرود ۳۱ بند ۴

vohu	} ازوهومن	yadā	هرگاه
mananha		ashem	اشا
	نیز برتر احساس کنیم	Zevim	متوجه
men cha daidyai		anhen	هستند
yehyā	درهرچه	mazda cha	نیزمزدا
mā	برمن	ahuranho	اهورا
ereshish	نیک، راست، خوب	ashi - cha	یاک
ta-chit	اینها	armaiti	ارمایتی
mazda	} ای مزدا اهورا	vahishta	بهترین
ahura		ishasa	جست، خواهم خواست
yā	آنها	mananhā	وهومن
vā	خواه	maibyō	برای خودمان
anhat	برسند - بشوند	khshathrem	خشتر
	نرسند، خواه نشوند	aojonghvat	نیرومند
noit anhaiti va		yehya	از او که
		vereda	فزون، بالیده خواهد شد
		(Vin)	پیروز - چهره خواهیم گشت
		vanaēmā	
		drujem	بر ناراستان

سرود ۳۱ بند ۶

Ahmai	به او
anhat	هست - خواه بود
vahishtem	بهترین
yemōi	او که ازمن
vidva	دانشمند
vaochat	انتشار دهد، بگوید

سرود ۳۱ بند ۵

tat	آن
mōi	به من
	تسمیم بگیرم - تا انتخاب کنم - برگزینم
Vichidyai	

واژه‌نامه - سرود ۳۱/۲۴۵

mainyu	به نفس (پاک تو)
	(باطن مادا) بالیده کن ، روشن کن
ukhshyō	
ye	که
ā nūrem chit.	تا کنون
Ahura	ای اهورا
hāmō	همان است (که بود)

Haithim	(آموزش) راست (مرا)
mathrem	ماترا (سختن پاک)
yim	که (رهنما هستند)
Haurvatātō	به خرداد
Ashahyā	و به اشا
Ameretatas cha	نوزبه امرداد
mazdai	از مزدا - مزدائی
avat	چنین
khshathrem	خشتر - نیروی مزدائی
hyat	که
hōi	در او (باطن او)
	افزون خواهد شد - می‌بالد - افزون می‌گردد
Vakhshat	
mananha	بوسیله و هومن

سرود ۳۱ بند ۸

yat	تا که
thwā	ترا
menghi	بشناسم بدانم ، بیاندیشم
Pourvim	قدیم ، آغاز ، ازلی
mazda	ای مزدا
yezim	جوانترین
Stōi	همیشه ، جاوید
mananhā	اندیشه‌ام ، فکرم ، در ذهنم
Vanheush	و هومن را
mananho	
Patarem	پدر
hyat	تا که
thwa	ترا
hem	کاملاً ، با همه
Chashmaini	بینائی ، چشم
hen grabem	برگورم
haithim	حقیقی ، راست
Ashahya	اشارا
Dāmim	آفریننده
anheush	جانداران ، موجودات
	بسرترین دادور - دادور بزرگ
Ahurem	
shyaothanaeshu	کارها ، اعمال

سرود ۳۱ بند ۷

yas ta	او که ، از آن
manta	فکر کننده - اندیشه
Pouruyō	آغاز ، قدیم ، ازل
raochabish	روشنائی ، روز
roithwen	درآید - بجهد - روان شود
khvathrā	روشنائی (آسمانی)
Hvō	خود او
Khrathwā	خود او ، در دانش او
Damish	آفریننده
Ashem	نیکی ، آئین
yā	بوسیله آن
dārayat	جاوید میدارد
	و هومن ، بهترین نفس
vahishtem mano	
ta	از آن (روشنائی)
mazdā	ای مزدا

vāstrim	شبانى
aKhyai	برای خود
Fshayantem	که شبانى کند
Ahurem	خداوند - اهورائى
ashavanem	دارنده‌راستى، نيك
vanheush mananho	وهومن
Fshinghim	افزاینده
noit mazda	نه - هرگز، اى مزدا
	شبان دروغ، شبان خود ساخته، نا شبانى
avastryō	
davās	پرهیزگار
china	گرچه
humeretoish	پیام پاک - پیام ایزدى
	بخشد - آورد، بهره مند گردد
bakhshta	

سرود ۳۱ بند ۱۱

hyat nē	از آنجا بیکه برای ما
mazda	ای مزدا
paourvim	از آغاز - اول
gaethās. Cha	تنها، گیتی
tashō	آفریدی، ساختی
daenās. cha	روان، وجدان
thwa	تو
mananha-cha	نیز اندیشه - فکر
khratush	خرد، نیرو
hyat	از آنجا بیکه
astvantem	در قفس تن - گوشت
dadā	دادی - نهادی
ushtanem	روشنائی، شادی - زندگی
hyat	از آنجا بیکه
Shyaothnā-cha	نیز کارها را

سرود ۳۱ بند ۹

thwoi	از تو
as,	هست، بود
armaiti	ارمایتی
thwe	از تو
ā	نیز
geushtasha	گیتی، سازنده‌گاو
as	هست، بود
Khratush	خرد، دانش
manyeush	نفس
mazda	} مزدا اهورا
Ahura	
hyat	زیرا
akhyai	به او (گیتی)
dadā	داده‌ای
Pathām	آزادی برگزیدن - راه
Vastryāt	از شبان - از حامی
vā	یا
āitē	بیرون شدن - ترك کردن
ye va	یا او که
nōit	نه
anhat	بود
vāstryō	حامی - شبان

سرود ۳۱ بند ۱۰

At hi	پس او (گیتی)
aya	از این دو گروه
Fravaretā	برگزیند

سروود ۳۱ بند ۱۳

yā	هرگاه
Frasa	شك ، پرسش
Avishya	آشكار
yā	هرگاه
vā	یا
mazda	ای مزدا (ارمایتی) میپرسد بحث میکند
peresaite	
tāyā	نهان
ye	هرگاه
vā	یا
kaseush	کوچک
aènanho	گناه
à mazishtem	متحمل میشود - بزرگترین
yamaitē	کفاره ، ریاضت
ta	این
chashmeng	به چشم
thwisrā	درخشنده تر
Harō	مهیائی - مراقب هستی
aibi	به نزدیک ، به وقت
Asha	با اِشا
vaenahi	می بینی
vispa	همه

سروود ۳۱ بند ۱۴

Ta	اینها - این
Thwa	از تو

senghās-cha	سخنران آموزنده
yathra	بنا برین
vareneng	هردینی
vasā	که خواست
dāyēté	یکی میتواند برگردد - به پذیرد

سروود ۳۱ بند ۱۳

Athrā	بنا بر این
vāchem	سخنش ، آوازش
baraiti	بلند میکند ، میبرد
va	خواه
mithah	وهمی ، دروغ
vacha	گو - گوینده
Eresh	راست
vacha	گوینده
vidva	دانا
vā	خواه
evidvā	نادان
vā	خواه
ahyā	هریک
Zereda-cha	نیز دل
mananhā-cha	به اندیشه ، به خیال
Anush	نزدیک ، پهلو
hakhsh	ایستاده
Armaitish	ارمایتی
mainyū	روان
peresaite	بحث میکند ، میپرسد
yathrā	هرچائیکه
Maethā	شك دارد

Ahuro	ای اهورا
yé	اوکه
noit	نه
iyotūm	درزندگی
hanar	سود ، لایق ، سزادار
vinasti	می‌بیند ، می‌باید
vastryehyā	نگهدارنده ، رهنما ، شان
aenanho	مکر در جدائی
eush	چاممه } از بیشتر
vir	
at-cha	
adrujyantō	راست ، نادروغ ، دوست دارنده

سرود ۳۱ بند ۱۶

peresa	می‌پرسم
avat	این
yatha	اگر
hvō	مردی
ye	اوکه
hudanush	

خوش دانسانست - دانشمند است

demanahyā	درنمان
	برای خداوندی تو ، برای (نیروی) تو - شاهی تو

khshathrem	
viso	درشهر
shoithrahyā	دراستان
vā	و
dakhyeush	درکشور
	برای فزونی اشائی - نهکی

Ashā - Fradathai	
asperezata	صمیمانه میکوشد

Peresa	پرسم
Ahura	ای اهورا
yā Zi	چگونه - یقیناً
aiti	برآمد، شد
Jenghati-cha	
	آرزو نیز خواهد شد - خواهد آمد
yā	چه - کدام
ishudō	آرزوی باطنی - اندرونی
dadante	سنجیده میشوند
dathranām	درنامه‌های زندگی
hacha	از
ashaunō	نپکان
yas - cha	و نیز چه
mazda	ای مزدا
dregvōbedyō	ازنا راستان
yatha tā	چگونه اینها
anhēn	خواهند بود
Hen .Kereta	
	کامل شوند - کمال - به پایان برسند
Hyat	هرگاه

سرود ۳۱ بند ۱۵

peresa avat	این می‌پرسم
yā	چه
maenish	سزا
yē	به اوکه
dregvaitē	ناراست - دروغ
khshathrem	خشتر - نیرو
	پیش‌رفت می‌دهد ، حفظ میکند ، آماده می‌سازد

hunaiti	
	بدکار - کننده ناراستی
dush - shyaothana	

سرود ۳۱۵ بند ۱۸

mā-chish	} نباید یکی (از شما)
at ve	
dregvatō	به ناراست
athras. cha	به سخنانش
gushatā	گوش دهید
sāsnās. cha	و نیز به آموزش او
azi	زیرا او
demānem	نمان
visem vā	و جای سکونت دایمی - ده
shoithrem vā	و شهر
dakhyūm vā	و استان
ādāt	پر تاب میکند
dusnitā. cha	تباهی - آزار
markaé. cha	بلکه نیز به مرگ
ish	بنا بر این
atha	با اینها
Sāzdūm	مبارزه کنید
Snaithisha	با افزار در دانی،

سرود ۳۱۵ بند ۱۹

gushta	گوش دهد
ye	او که
manta	درک کند
ashem	اشارا
ahumbish	

thwavās	مستغرق در تو - جذب در تو
yadā	چگونه
hvō	چنین کس - او
anhat	خواهد شد
yā	چگونه

سرود ۳۱۵ بند ۱۷

katārem	کدم یک ازدو
ashavā	نیکان
va	یا - خواه
dregva	بدان
va	خواه
verenuitē	برمیگزیند
mazyō	برتر است ، که بهتر است
vidvā	دانا ، آگاه
vidushe	به دانایان
meraotū	توضیح میدهد - میگوید
mā	نخواهد شد
evidvā	نادان را
aipi-debāvayat	به گمراهی رهنما
zdi	باش تو - شو تو
nē	بما
mazda	} ای اهورامزاد
Ahura	
vanheush	} و هومن را
mēnanhō	
Fradakhshta	پدیدکننده

avaētās	} ناله ، درد	} زاری
vacho		
tem		به چنین
vā		یقیناً
ahūm		جان ، زندگی
dregvato		بد
Shyaothanaish		اعمال
khvaish		از خود ، خویش
daenā		دین ، وجدان
naeshat		رهنما خواهند شد

سرود ۳۱ بند ۲۱

Mazda Ahura	مزدا اهورا
dadāt	مهدد
Haurvato	تندرستی - کمال - عافیت
Ameretātā	نیز زندگی جاوید، نمیرندگی
buvoish	فراوانی - سعادت، پری
ā	از
Ashā	اشا
khshathra	خشتر
sarō	الهامی
vazdvarē	روزی دهندگی - ازروزی دادن
yē	اوکه
hōi	به او
mainyu	به اندیشه - به روان
shyaothnaish - cha	نیز به عمل
urvatho	ارادت مند - صمیمی - مطوع

vidvā	دانا
ahura	ای اهورا
Erezukhdai	
	سخن راست - آموزش راست
vachanhām	سخنان
khshayamnō	لایق ، توانا ، خداوند
khizva	زبان
vasō	روان - فصیح
thwa	ارتو
Athra	آتش
Sukhrā	تابناک - سرخ
mazdā	ای مزدا
	نصیب می‌دهید - قسمت می‌کنید

Vanhā vidātā	
ranayā	به دوگروه

سرود ۳۱ بند ۲۰

yē	اوکه
āyat	پیروزی میکند
ashavanem	آموزگار، نیک را
divanem	روشنائی
hōi	از او - او را
aparem	پس از این (زندگی)
khshayō	مسکن - مقام
daregem	دراز
ayō	عمر، زمان
temanhō	درتاریکی

بدخوردنی ، ناپدید به روشنائی، بدروشنائی

dushkhvarethem

hamōi manoi	به همان نیت.
AhuraHyā mazda	اهورمزدا
urvāzemā	برای یافتن برترین سعادت
Thwoi	از تو ، به تو
dŪtanhō	پیامبر
ānhāmā	کاش بشویم
Teng	تا آنرا
dārayo	پس دانیم
Yōi	که
Vā	به شما
daibishenti	نفرت کننده، نادوست، دشمن

سرود ۳۲ بند ۲

aeibyō	به آنان
mazda Ahura	مزدا اهورا
Saremnō	اتصال - الهام کرد
Vohu mananha	(بوسیله) وهومن
Khshathrāt	وخشتر
hachā	از
Paitimraot	پس گفت ، پاسخ داد
Asha	با اشا
hush - hakha	دوست خوب ، رفیق نیک
Khvenvatā	روشن ، بافر ، باجلال
Spentām - armaitim	سپنتا ارمایتی
Vē	برای شما
Veremaidi	برگزیدیم
ha	او (ارمایتی) را
ne	ازما
anhat	باشد ، بشود

سرود ۳۲ بند ۳

At	اما
Yush	شما

سرود ۳۱۵ بند ۲۲

chilhrā	آشکار - واضح
i	(آموزش) این - اینها
Hudānho	دانا - خداوند دانش
yathanā	وهم چنین
vaedemnāi	به او که درک کرده
mananhā	دزهن
vohu	وهومن را
hvo	چنین شخص
	به خشتراى ایزدی - به خشتراى خوب
khshathra	واشا
Ashau	بزیبان - به سخن
vachanha	نوز به عمل
shyaothna . cha	تجلیل میکند - بزرگ میسازد
hapti	واو، وچنین شخص
hvo	به تو
tōi	
mazda	} مزدا اهورا
Ahura	
vazishto	لایق - سزاوار - بسیار با کفایت
anhaiti	خواهد شد، هست
	رفیق - موافق - همراه - کارکن - یاور
astish	

سرود ۳۲ بند ۱

Ahya	و نیز به او
	او که بر خود اعتماد دارد، خویش، خود توانا
Khvaetush	نماز مهربان - میستاید
Yāsat	به او
Ahya	همکار ، ورزیده
Verezenem	با
mat	بهمی خواه ، دوست
airyamnā	به او
Ahya	دیویستی
daēvā	

Khrateush	خرد - اراده	Daeva	ای دیو (یسنها)
nasyantō	روگردان - گمراه	Vispanhō	همه
Ashāat - cha	از اشا	AKat mananho	روان ناپاک - اهریمن

سرود ۳۳ بند ۵

Ta	بدین سان	mash	بسهار - بزرگ
devenaota	فریب دادید	Yazaite	گرامی دارد
mashim	مردم را	drujas-cha	از ناراستی
hujyatoish	به زندگی خوش	Pairi-matoish-cha	واژ خود غرضی
ameretātas-cha	و نیز جاوید	Shyaomnām	کارها - اعمال
hyat	همچنان که	aipi	بلکه
vā	شما	daibitāna	فریب - دورویی
aka mananha	از اهریمن	Yaish	آنجا
yeng	شما	asrūdūm	معروف - پر آوازه
Daeveng	دیویسنها	bumiya	دربوم
Akas mainyush-cha	از اهریمن	hapaithe	هفت
aka	ناراست		

به این روش زندگی - به این کارها

shyaothnem	
Vachan ha	سخن
ya	هر گاه
fra-chinas	آموخت ، پیمان کرد
dregvantem	به ناراستان
khshyō	برتری ، خداوندی

سرود ۳۳ بند ۶

pouru-aenā	سخت گنه کار - پر گنه کار
fenakhshta	(ممکن است) کامیاب گردد
yaish	پر آوازه کند - (و خود را) شهرت دهد
srāvayeite	

سرود ۳۳ بند ۴

Yāt	بدین سان - چنین
Yush	شما
ta	اینها
framimatha	فاسد شدند
Yā	تا آنجا که
mashya	مردم را
achishta	بدترین (میکنند)
vakhshente	مخاطب میشوند - نامیده شدند
Daeva	دیو (یسنها)
Zushtā	دوست ، عزیز ، گرامی
vanheush mananho	از وهومن
Slzdyamnā	خود را جدا
mazda ahurahyā	مزدا اهورا

واژه‌نامه - سرود ۳۲ / ۲۵۳

mazda	ای مزدا
{ vaedishto	میدانی
{ ahi	بهر

yezi	گرچه
taish	به آن روش (زندگی)
atha	به آن اندازه - به اندازه‌ای
hātā-mar-anē	آگاه هستی - به یاد داری
Ahura	ای اهورا

سرود ۳۲ بند ۸

aesham	میان اینها
aenanhām	مادی - گنه کاران
Vivanhusho	وی ون وت
Sravi	شنیده شده ، گفته شده
yimas-chit	ونیز بیما
ye	اوکه
mashyeng	میرندگان - مردم
chikhshnusho	خوشنود ساخت
ahmaKeng	ما

vahishta	بهترین
voista	میدانی
mananha	ذهن - نفس
thwahmi	درتو - از تو
Vē	به راستی
mazda	ای مزدا
khshathroi	توانائی ، خداوندی ، شاهی
Ashae-cha	و نیز اشا
	دسغور ، فرمان روان خواهد شد
Senghō - vidām	

geush	جهان تن - گیتی
hagā	بخت ، بهبودی ، خوشنما
khvaremno	روشن
aesham chit	از اینها
{ ā	ممتاز ، جدا
{ ahmi	شمرده میشوم ، هستم
{ thwahmi	نزد تو - به تو
{ mazda	ای مزدا
{ vichthoi	ممتاز ، جدا
api	روز واپسین

سرود ۳۲ بند ۷

aeshām	میان آنان
aenanhām	گنه کاران
naē-chit	هیچ کس ، هیچ چیز
Vidvā	میدانند ، میدانند
aojō	بلندی ، پیش رفت
hādrōyā	به کوشش
yā	چنانکه
jōyā	از زندگی
Senghaite	آموخته شد
yaish	همچنان
Srāvi	میکوئید
{ khvaēna	به آنماهی آهن گداخته
{ ayanha	

سرود ۳۲ بند ۹

Dush-astish	آموزگار بد
Sravi	نوشته دینی - شنیده شده
morehdat	تباه میکند - میمیراند
hvō	او (یقیناً)
jyateush	زندگی

yaeshām	از چنین آنان
Tu	تو
Ahura	اهورا
iriktem	انجام

dsdāt	میدهد - برمیگرداند	sehghanaish	به آموزش خود
yas - cha	نیز او	Khratum	روش ، نقشه ، طرح
vashtra	توانائی روانی ، غذای روانی	apā	دور
vivāpat	پلید ، مسموم	mā	یقیناً
yas-cha	نیز او	ishtim	خداوندی ما ، ارب ما ، نیروی ما
vadarē	این افزار (رزم)	yanta	دور میسازد
voizdat	می‌افکند ، می‌پراند	berekhdhām	گران‌ها
ashaune	برنیکان	haithim	پی‌بردن ، دانستن
		vanheush mananho	دانش‌آزیدی و هومن

سرود ۳۲ بند ۱۱

taē - chit	مردمی مانند اینها	ukhdha	سخن
mā	یقیناً	manyeush	دل ، باطن
morenden	تباه میکند - فاسد میکند	mahyā	از من
iyotūm	(روش) زندگی‌ما	mazda	ای مزدا
yōi	آنان	Ashai-cha	نیز اشا
dregvato	ناراستان	yushmaibyā	هر دو شما
mazibish	بزرگی - شکوه	gereze	{ شکایت ، فریاد میکنم { التجا میکنم
chikoiteresh	تصور میکنند - می‌پندارند		

سرود ۳۲ بند ۱۰

anuhish - cha	چه در زنان بلندرتبه	Hvō	او - چنین
anhvas - cha	چه در مردان بلندرتبه	mā	یقیناً
apayeiti	ناز میدارند	nā	کس ، شخص
raēkhenanhō	صلییدن - ترک کردن	srava	نوشته الهامی ، نامه‌دینی ، شنیده شده
vaēdem	به رسیدن - هدف	morenodat	تباه میسازد
yoi	آنان	ye	هر گاه
vahishtāt	از برترین - بهترین	achistem	سخت‌گناه
ashaunō	نیکان را	vaenanhē	دیدن
mazda	ای مزدا	gām	گیتی - زمین
Rāreshyan	جدائی - آزار - پیوسته قانع میشوند	ashibyā	با چشم
mananhō	نفس را - ذهن را	hvare - chā	نیز خودشید - نیز خود

سرود ۳۲ بند ۱۲

yā	به چنین	dasheng	روان پاک - دارنده ذهن روشن
		dregvato	پیرو ناراستی - دروغ

yaē-cha	و آنان	ranhayen	آنان روگردان میشوند
mazda	ای مزدا	sravanhā	شنیده شده ، آموزش
jigerezat	فرباد خواهند کرد	vahishtat	از بهترین
kāme	و التجا خواهند نمود	shyaathanat	از کار
thwahya	از این (پیام‌دهنده) تو	maretanō	مردم - میرندگان
mathranō	سراینده سرود	aeibyō	از اینها
dutim	برام پیام	mazdā	مزدا
ye ish	او، از آنان	mraot	فرموده ، سخن‌گفته
pāt	خواهد پائید	aka	پاداش ، سزا ، مکافات
dareshāt	تهدید	yoi	آنان
Ashahyā	به‌اشا	Geush	آفرینش ، درگیتی
		morenden	فاسد میکنند ، تباہ میسازند
		urvakhsh	از دلکش

سرود ۳۲ بند ۱۴

ahya	اورا	ukhti	سخت‌ان
grehmō	گره‌مه	jyotum	زندگی
ā hōithōi	به‌دام افکند	yaish	تا که
ni dadat	متوجه کرده‌اند - داده‌اند	grehma	نام رهبر دیویستی ، گره‌مه
kavayas : chit	و نیز کوی	ashāt	بجای اشا
Khratush	خرد ، ذهن	varetā	برتری میدهد
varechāhi - cha	برز، و نیز کوشش آنان	karapa	تیره دیویستی را نیز، کرپه را
fraidivā	از زمان باستان	khshathrem - cha	نیز نیرو
hyat	زیرا که ، برای	ishanām	پی‌چیزی‌رفتن ، خواهش ، جنبش
visenti	نزدیک شده‌اند	drujem	آنانکه پی‌بندی هستند ، ناراستان
gaush	مادی ، جهان‌تنی ، گوشتی		
dregvantam	به ناراستان		
avō	برای یاری	Ya	هرچه
hyat	و نیز زیرا که	khshathra	نیرو
jaidyai	به‌مرگ	grehmō	رئیس دیویستی ، گره‌مه
mraoi	گفته‌شده ، اعلام‌شده ، محکوم‌شده	hishasat	امیدواراست که بپاید-میخواهد
yē	به‌امید که	Achishtahya mananho	اهریمن-نفس‌بد
	ناشکست - تباہ‌نشدنی ، یکی از القاب هوم	demane	احاطه ، نمان ، خانه
duraoshem		anheush	زیست
saochayat	بشتابند	marekhtārō	تباہ‌کننده
avō	برای یاری	ahyā	از او

سرود ۳۲ بند ۱۳

mazda }	مزدا اهورا
Ahura }	
Yehyā	هرکه
mā	بهمن
aithish }	نقشه‌ها
chit }	
dvaetha	دشمنی - نفرت
hyat	بنا برین
aenanhe	در آزار - درستم - در گناهکاری
dregvato	ناراستان
Eeanū	سوی
Ishyeng	ارادت‌مندان
anhaya	بازداشتن - زنجیر - پابندی

سرود ۳۲ بند ۱۵

Anaish	به این ترتیب ، چنین
ā	یقیناً
	کاملاً به ناکامی - کاملاً به نابودی
vinenāsā	این
yā	چه کوی
Karapōtās-cha	چه کوی
Kevitas-cha	توسط همین‌ها
avaish	که آنان مقرر داشتند
aibi-dainti	به آنان که
yeng	نه
nōit	بر زندگی
jayateush	شاهی - خداوندی
Khshayameng	کاملاً
Vaso	اینها
tōi	از توام - از جفت
ādyā	برنده - برده
bairyānte	و هومن
Vanheush }	مکان ، نماز
mananho }	
demane	

سرود ۳۳ بند ۱

yathaish	بنا بر این‌ها - به وجب اینها
Itha	اینجا (در گیتی)
Vareshaite	خواهد ورزید
yā	اینها
dātā	داد ، آئین
anheush	از زندگی
Paouruyehya	از ازل، از باستان، اساسی
Ratush	رهبر دینی
Shyaothnā	عمل خواهد کرد
razishta	به کمال راستی (داد)
	به دیویسنی ، به آنانکه ناراست هستند

سرود ۳۲ بند ۱۶

dregvatae - cha	و هم چنین
hyat cha	به مز دیسنی ، به نیکان
ashaune	هرکه
Yehya - cha	آمیخته شده‌اند
hem e myāsaiti	به ناشایستگی - اغلاط - اشتباه
mithahyā	و نیز هم چنان
ya cha	از آنان
hōi	

Hamem	یگانه ، هم رنگ ، هم مانند
tat	این (هست)
Vahishta-chit	بهترین مکان - بهشت
ye	بنا برین
ushuruye	به پیروی
Syas .chit	آموزش راست
dahmahyā	از دانشمندان
Khshayās	تو توانا هستی - خداوند هستی

واژه نامه - سرود ۳۳ / ۲۵۷

Verezenyo	ورزن
airyamna	یا اریمنه
Ahura	ای اهورا
Vidās	پرورش - مکیدن - تنذیه
Va	با - خواه
th wakhshanha	با جوشش - به صمیمیت
Gavoi	گاوگیشی - گیتی
at	یقیناً
hvō	او - چنین کس
ashahya	با اشا
anhat	میماند - هست
Vanheush . cha	و نیز در وهومن
mananho	
Vastre	جای ماندن ، پناهگاه ، چراگاه

سرود ۳۳ بند ۴

yē	بنا بر این
thwat	از (پرستنده) تو ، از تو
Mazda	ای مزدا
asrushtim	نشیدن ، بی ایمانی
{akam . cha	و نیز بدی
{manō	اندیشه
yazai	نماز میبرم - دعا میکنم
apā	دور شوند
Khvaetush-cha	و نیز از خویبتوش
	تکبر ، ناگرویدن ، افکار فاسد - گمراهی
taremaitim	
Verezenakhya	واز ورزنه
mazdishtam	نزدیکترین (خویش)
drujem	دروغ ، مخالفت
airyamnas-cha	واز اریمنه
{mantum	مسامحه ، بی اعتنائی (توجه - اعتنا
{achistem	بداعتنائی - بدپشتیبانی (بد
nadentō	تهمت ، دشنام

ārezvā امتیاز ، راستی ، شایستگی

سرود ۳۳ بند ۲

At	نیز - و
Ye	هر که
akem	خنثی کردن - مانع شدن - بدی
dregvaitē	پیروان ناراست - دیویستی
Vachanha	به سخن
Vā	خواه
at vā	خواه بلکه به
mananha	به اندیشه
Zastoibya	به دست ، یعنی به عمل
Vā	خواه
Vareshaiti	می ورزد - عملی میسازد
Vanhau	به (راه) خوبی به (راه) راست
vā	خواه
choithaite	به دستوردادن - آموختن
astim	رفیق ، دوست ، همکار را
tōi	آنان
Varai	مقصود - اراده (ترا)
rādenti	بجا می آورند - کامیاب میکنند
Ahurahya	برای اهورا
{Zaoshé	از روی ارادت - محبت
{mazda	مزدا

سرود ۳۳ بند ۳

Ye	هر که
ashaune	به نیکان
Vahishtō	بهترین (رفتار میکند)
Khvaetu	خواه خویبتوش (باشد)
vā	یا
at va	خواه کسی از

ahmāt	از او
avā mananha	از او بوسیله وهومن
ye	آن
verezyeidyai	به انجام برسانم ، به ورزم
	تصور شده ، اندیشه شده ، چنانچه نقشه کشیده
mantā	
Vāstryā	شبابی ، پاسبانی ، نگهداری
ta	بنا برین
toi	از تو
izyai	تنامایکنم ، خواستارم
Ahura Mazda	ای اهورمزدا
darshtoish cha	دیدار (تو)
	مکالمه ، هم‌پیوستگی ، وصال
hem – parshtoish	

سرود ۳۳ بند ۷

ā	به
mā	سوی من
aidum	بیا
Vahishta	ای بهترین
Khvaithyā-cha	در شخص خود
Mazda	ای مزدا
dareshat-cha	کاملاً آشکارا، دیده شده
Asha	نیز - ای اشا
Vohu mananha	و ای وهومن
yā	تا
Sruye	شنیده شوم
pare	آنسوی
magaunō	برادری مگا
avish	پدید
mā	بما
antare	اندر ؛ میان
hentu	و بشود

geush . cha	گاو، نیز از کیتی
Vastrāt	شبابی ، نگهداری ، چراگاه

سرود ۳۳ بند ۵

Yas	بنا برین
tē	از خودت
	توانا تر از همه - بزرگتر - بوسیله اشا ، برتر از همه
Vispe mazishtem	
Seraoshem	سروش
Zbayā	دعا خواهد کرد . خواهد خواست
	برای رسیدن به هدف ، برای کامیابی
avanhāne	
apāno	ناپل شده ، رسیده
darego-jyaitim	زیست دراز
ā	تا
Khshathrem	به کشور ، به مکان
Vanheush mananho	وهومن
Ashāt	به وسیله اشا
ā erezush	به راست
pathō	راه
yaeshū	آنجائیکه
Ahura Mazda	اهورمزدا
Shaeti	میماند ، شاعی میکند

سرود ۳۳ بند ۶

Ye	بنا بر این
Zaota	موبد، خواننده سرود
asha	دراشا
erezush	مستقیم - استوار ، راست
hvō	او (با کلمه توجه)
{ manyeush	اندیشه ، روان ، مینو
{ a - Kayā	دعا میکند
{ vahishtāt	بهترین

پاداش ستایش من - پاداش نماز من
 Zavō ada (adazavō)
 (Zava = hava (نماز، خواندن)
 Asha توسط اشا
 hazo توانائی، جنبش، فعالیت
 Emavat (توانائی، فعالیت)، کاملاً (بده)
 Vohu mananha وهومن
 Feseratūm یاری به همه، همدردی عمومی، مهر (به زندگان)

سرود ۳۳ بند ۱۳

Rafedhral رامش - خورسندی سعادت
 Vouruchashāne همه بین، دوربین
 doishi آشکارشو
 moi بمن
 yā از آنها
 Ve از تو
 abifra (بخشش؛ ارمغان) گران بها
 ta آنها
 Khshathrahyā ازخشتر
 ahurā ای اهورا
 yā آنکه
 Vanheush mananhō وهومن
 ashish سعادت، خوشبختی
 Fro واضح
 Spenta armaitē ارمایتی پاک
 Asha توسط اشا
 Fradakhshaya ما را به حقیقت آگاه کن (که به وجدان آگاه گردیم - معرفت باطنی به ادراک ما درآید)
 daenā وجدان

و نیز اشا
 Asha - cha به خورسندی، به روشنائی
 ushta به خودمان - به شخص ما
 tanūm

سرود ۳۳ بند ۱۱

ye تو (هستی)
 Sevishto توانا ترین
 Ahurō اهورا، خداوند وجود
 Mazdas نیرمزدا - خداوند دانش
 armaitish - cha نیز ارمایتی
 manas - cha vohu نیز وهومن
 khshathrem - cha نیز خشتر
 ashem - cha نیز اشا
 fradat-gaethemcha نیز برکت دهندۀ زندگی
 Sraōta } بفریاد من برسید؛ بشنوید
 moi }
 merez- dātā } بر من رحم کنید
 moi }
 ādāi چون قسمت کنید (پاداش)
 kahya chit هر يك
 paiti به هر يك

سرود ۳۳ بند ۱۲

در آ، طلوع کن، بر آ، دید شو
 us uzareshva دید شو
 moi بمن
 Ahura ای اهورا
 armaiti توسط ارمایتی
 tevishim نیروی روانی
 dasvā به بخش - بده
 Spenishta توسط سپنتا ماینتیو
 Mazda ای مزدا
 vonhuyā خوبی، بهی

tōi	از تو
ahura	اری اهورا
Ehmā	بمانیم
pourutemās	صمیمی‌ترین - فعال‌ترین
destē	به تقدیم

سرود ۳۳ بند ۱۴

at	بنا برین
rātām	(بصورت) نیاز
zarathushtrō	زرتشت (پیش‌میکشد)
tanvas - chit	همه تن
khvakhya	از خود - خود را
ushtanem	باطن - وجود - نیروی زندگی
dsdaiti	اهدا میکند
paurvatatem	برجسته‌ترین نتیجه عملش
mananhas - cha vanheush	بهترین اندیشه

سرود ۳۴ بند ۲

at cha	و نیز
i	فقط - تنها
tōi	در تو
Mananha	توجه، اندیشه
Mainyeush vanheush cha	نیز و هومن

vispā	همه
dātā	آئین - داده شده - آموزش
spentahya cha neresh	پاک مردان

Shyaothna	کارها - اعمال
yehyā	از آنکه، آنانکه
urvā	روان
ashā	با اشا
hachaite	یکسان، هم‌رنگ

pairi gaithē	راهنمایی کن به نزدیکی
khshnavatō	به شما
vahmē	در نماز در پرستش
Mazda	ای مزدا
garōbish	توسط خوانندگان -
stūtām	تتمه گو - آوازخوان (به هندی گائی دالی) - توسط خوانندگان - سرودها

سرود ۳۴ بند ۳

At	و
----	---

mazdai	به مزدا
Shyaothanahya	و (بهترین) کار
Ashai - cha	به اشا
ukhdakhya-cha	و (بهترین) سخن
Seraoshem	(وصمیمی‌ترین) ارادت
khshathrem	به خشت (اهورمزدی)

سرود ۳۴ بند ۱

ya shyaothanā	به اعمال - کار
ya vachanhā	به سخن‌ها
ya yasna	به پرستش، ستایشی
ameretātem	امرداد، زیست جاوید
ashem-cha	و نیز اشا
taeibyō	سوی (آدمیزاد)
danhā	می آورم
Mazda	ای مزدا
khshathrem - cha	و خشت
haurvatatō	کمال (توسط) کامل شدن خرداد

haurvatatō	(امشاسپندان) از آنها
aeshām	

daibish yante	در باره منکران-ناگرویدگان	toi	به تو
zasta - ishtaish	بر گرداندن دست - به اشاره دست	mizdem	سزاوار - پاداش - داده شود
dareshtā	می بیند	Ahura	ای اهورا
aenanhem	(به نگاه) ند - گنده کار	nemanha	به فروتنی و نیاز
		Ashai	به اشا
		dāmā	خواهیم پرداخت، خواهیم داد
		gaethā	زیست ها، گیتی
		vispa	همه
		ā	اندر

سرود ۳۴ بند ۵

kat	چه اندازه (بزرگ است)	khshathroi	زمین تو، کشور (تو)
vē	از شما	ya	آنکه
khshathrem	نیرو- توانائی	vohu mananshā	وهومن
ka	چه اندازه (عمیق است)	thraoshtā	به انجام می رسانند
ishtish	آرزو- خواستاری (من)	āroi	در فضای دور در کشور بریں - بهشت
shyaothnai	برای خدمت	zi	چونند، حقیقت، به دانشمند، به بیننده، با بصیرت
mazda	ای مزدا	vispaish	همواره، همه وقت
yatha	تا که	mazda	ای مزدا
va	باشما	khshnavasū	میان شما
hakhmī	یگانه بشوم - به پیوست باشم، درست باشم	savō	شادی، سعادت
asha	(نیز) به اشا		

سرود ۳۴ بند ۴

thrāyōidyāi	برای پاسبانی، حمایت	At	و
drigūm	درویش، ارادتمندان، نمازگزار	toi Atrem	برای آتش تو
yushmakem	از شما	ahurā	ای اهورا
parē	برتر	aoJonhvantem	نیرومند، بلندرتبه
vā	از شما	asha	توسط اشا، از اشا
vispaish	(دیگر) همه	usemahi	خواهش مندیم، آرزوداریم
pare	برتر- جدا	asishtem	که شایسته آرزوست
Vaokhemā	ما خواهیم گفت	emavantem	و تواناست
Daevaish-cha	چه از دیوها (دیویسنیها)	stoi	همواره
mashyaish-cha	و چه از مردم	rapantē	به گرویدگان - به مومن
khrafstraish	بدکار	chithrā avanhem	دهنده باری آشکار
		ət	اما
		mazda	ای مزدا

واژه‌نامه — سرود ۳۴ / ۲۶۳

mazda	ای مزدا	
yōi	آنانکه	
Vanheush mananhō	وهومن را	
Vaēdemnā	دانسته	
Senhush	به آموزش	
raekhenā	از میراث حقیقی ما	
aspen chit	در نبودن بخت — بدبختی	
Sadra-chit	و در پریشانی — سختی	
{	ساخته‌اند هوش از او	
		chakhrayō
		ushī
urū		
nae-chim	نه یکی	
tem	از آنان	
ānyēm	دیگر	
yushmāt	جز شما	
Vaēdā	میشناسم — میدانم	
Asha	توسط اشا	
atha	بنا بر این — همچنان	
nā thrazdūm	بما پناه می‌دهید	

سرود ۳۴ بند ۶

yezi	از آنجا نیکه
atha	چنین هستید
Stā	هستید
haithim	حقیقت، راست
mazda	ای مزدا
asha	ای اشا
vohu mananha	ای وهومن
at	بنا برین
tat	چنین
moi	بمن
dakhshtem	رهنمائی
dātā	دهید
ahya	از این
anheush	زندگی تن
vispa	همه
maethā	تحولات، تغییرات
yatha	چنانکه
vā	از شما
yazemanas - cha	پرستنده
urvaidya	بندهای روانی — زنجیرهای روانی
stavas	ستاینده
ayeni paite	بازگشت، من آزاد باشم

سرود ۳۴ بند ۸

Taish	از اینها
Zi	یقیناً
nā	از ما
shyaothnaish	کارها، فعالیت
byentē	آیا ترسیده‌اند
yaish	آنانکه
as	—
aoJa	بلند، توانا
naidyanhem	ستم دیده — بدآزاردیده
thwahyā	از تو
mazda	ای مزدا

سرود ۳۴ بند ۷

Kuthra	کجا
toi	هستند، اینها
aredrā	با احساس، گرویدگان، ارادت‌مندان

سرود ۳۴ بند ۱۰

Ahya	به چنین
vanheush mananho	وهومن
shyaothnā	کار (او)
vaochat	می آموزد، میگوید
gerebām	بگیرند
hukhratush	پارسای دانشمند
spentem - cha	} ارمایتی پاک
armaitim	
dāmim	آفریده شده، مخلوق، ریشه
vidvā	دانسته (اوراکه هست)
haithyām	همیشه موجود، حقیقت، راست
ashahya	از اشا
ta - cha	و آنان
vispā	همه
ahura	ای اهورا
thwahmī	از تو
Mazda	ای مزدا
Khshathroi	بخشتر، نیرو
ā vōyathrā	توسط (این) دانش - آگاهی

سرود ۳۴ بند ۱۱

at	و
Thoi	از تو
ube	هر دو
haurvas - cha	چه خرداد
Khvarethai	روبه روشنائی - سوی روشنائی

āstā	نفرت، سرتابی
urvātahyā	آئین
yoi	اوکه
noit	نه
ashem	اشا را
	به ذهن دارد، توجه میکند
mainyantā	
aeibyō	از آنان
duire	دور (مهماند)
vohu mano	وهومن

سرود ۳۴ بند ۹

yoi	اوکه
spentem armaitim	ارمایتی پاک را
Thwahya vidush	پارسای دانشمند تو
berekhdhām	گران بها، گرامی
dush - shyaothanā	(اوکه) به کاربرد
	مورود، سرتابی میکند، ملوث، کثیف میکند
avazazat	
vanheush mananho	به وهومن
evisti	از نادانی
aeibyō	از چنین کس
mash	(خود را) ...
ēsha	با اشا
syazdat	دور میشود - جدا میشود
yavat	چنانکه
ahmat	از ما
aurunā	وحشی، بی تربیت، بی فرهنگ
	حشرات، موذی، بدکاران
Khrafstra	

vidāyāt	بهره ما (بشود)	ḁmeretatās cha	چه امرداد
ashish	پاداش، سعادت	vanheush mananho	} وهومن
rashnām	فرمان تو - دستور تو	Khshathrā	
sissha	رهنمائی کن		توسط نیروی وهمنی وهومن
nā	ما را		بالیده خواهند نمود ، فزون خواهند کرد
asha - patho	به راه اشا	vakhshat	
Vanheush mananho	توسط وهومن	Asha	اشا
Khvaēteng	(راه) خود شناسی	mat	با

سرود ۳۴ بند ۱۳

Tem	آن	Mazda	ای مزدا
advānem	راه	vidvaesham	بردشمن تو - برضد تو
ahurā	ای اهورا	Thwoi	پیروز
yēm	آنکه	ahi	خواهی بود - هستی
moi	بمن		
mraos	نشان داده‌ای - گفته‌ای		
vanheush mananho	از وهومن		
daēna	آموزش ، دین		
Saoshyantām	نجات دهنده - سوشینت		
ya	یعنی آنکه		
hū - kareta	کار نیک		
ashā	(ملهم شده) از اشا		
urvakhshat	بالیده میشود - تا دور میرود		
hyat	آن ، آموزش ، آنکه		
chivishtá	طرح شده ، اندیشه شده، تهیه شده		
hudābyō	برای روشن بینان - دانایان		
mizdem Mazda	و به پاداشی رهنمایت ای مزدا		
tū dathrem	} که هدف آن توهستی } اساسی - بهره		

سرود ۳۴ بند ۱۲

Kat	چه
tōi	(هست) از تو
rāzare	هدف اساسی ، دستور، فرمان
Kat	چه (هست)
Vashi	خواهش ، اراده
Kat	چه (هست)
Vā	در باره
stutō	ستایش ، ستون
Kat va	چه (هست) در باره
Yasnahyā	پرستش ، نماز
sruidyai	برای شنیدن (و عمل کردن)
Nazda	ای مزدا
Frāvaochā	بفرما برگو
yā	برای بنگه ، تا

moi	بعن
vahishta	بهترین
sravas cha	وشنیده شده - سخن
Shyaothanā - cha	و عمل - کار
Vascha	سخن - پیاموز - فراگو
Ta	(هر دو) اینها
Tu	یقیناً
vohumananhā	(توسط) وهومن
Asha cha	واشا
ishudem	(پدید خواهند کرد) آرزو
stuto	نمازها - ستایشهای مرا
	بوسیله اراده - بوسیله نیروی تو
Khshmake	
ahura	ای اهورا
	انقلاب اخلاقی ، بهتری / تازه ، تجدید
Ferashem	

سرود ۴۳ بند ۱

	شاه یا خداوند با اراده - توانا
Vase Xsayas	
dayāt/ḍo	بخشیدن ، دادن
utayuiti	زندگی نو، همواره
tevishim	توانائی
gatoi یا gattoi/ḡam	
	(gatom) پیش رفت ، گام زدن ، ابر رفتن
vasemi/vas	خواستن
wish	به سنسکرت - vasm - به انگلیسی
daredyal/dar	برداشت ، نکه داشت
	به سنسکرت /dhr به یافتن

سرود ۳۴ بند ۱۴

Tat	آن
zi	یقیناً
Mazda	ای مزدا
Vairim	گران بها ، برگزیده
astvaité	تنی
ushtānai	زیست ، روان ، جان
dātā	داده خواهد شد
	برای کارملهم شده از وهومن - برای کار وهومنی
vanheush mananho } thyaothnā }	
yoi zi	برای آنکه
geush	مادرگیتی را
verezene	می‌ورزند - خدمت میکنند
azyā	با نتیجه - بابر
Khshmakam	وازشما
hu - chistim	نقشه پاک - نقشه خوب
ahura	ای اهورا
Khrateush	با اراده شما - باخرد (شما)
ashā - Fradō	فزون‌اشائی
Verezena	همکاری - با هم ورزی

سرود ۳۴ بند ۱۵

Mazda	ای مزدا
at	بنا برین

واژه‌نامه - سرود ۴۳/۴۶۷

savas = savahz = سنسکرت
 Patho به انگلیسی Path راه
 sishoit/sah = sk . sās
 نشان دادن ، آموختن
 هندی ست ، سچ - راستی ، درستی

Haithyeng . sk . satyau
 stish جهان ، وجود ، هستی
 āshaeiti/sī + a = sk/āksi
 اقامت کردن ، ماندن
 Aredrō وفادار ، بیبا ، ارادت مند
 ThWāwas ماندند تو

سرود ۴۳ بند ۴

شناسائی ، اندیشه ، خواهش

menghai /men = Sk . mansai
 taxmem تهم ، توانا ، تخم
 spentem پاک
 hyat آنکه
 zasta نیرو ، دست
 پیش رفت دادن ، بر آوردن
 hafsi /hap = sk . sep
 ava آرمان ، آرزو
 ashish پاداش - سعادت - آئین
 Eng. warm و sk . gharm = روشن ، گرم
 Garema

توانا بوسیله اشا ، برتر بوسیله اشا

Asha aojanhō
 hazē = SK . Sahas توانائی ، نیرو
 jimat /gam می آید

Rzyō و Ray شکوه ، اشعه ، پرتو ، ثروت
 به پهلوی ، ریومند ، به سنسکرت rai شکوه ،
 Rayō و Ray اشعه ، پرتو ، ثروت
 ashis بخشش ، سعادت
 gaem زیست

سرود ۴۳ بند ۲

At cha به همان ترتیب ، هم چنین
 Ahmai برای او ، به او
 Vahisstem بهترین
 xvathroyā کوشش ، یافتن روشنائی
 xvathrem فر ، سعادت ، روشنائی ، سعادت
 Daiditā /da = sk/dhā میرسد ، میباید
 chichi thwā /cit = sk/cit

دانا ، دانسته

تقدیر نموده ای - فرموده ای - داده ای

Dā /dā = sk/dhā
 سعادت ، مایه ، علم لدنی ، دانش ایزی
 māyā سعادت ، مایه ، علم لدنی ، دانش ایزدی
 Ayarē هنگام روز ، زمان
 Daregō Jyātoish دراز زندگی
 sk/vrdh بالیدگی ، بالیدگی ، مهر ، شادی
 urvādanhā

سرود ۴۳ بند ۳

vahyō خوبی ، بهی
 albijamyāt/gam + aidi =
 sk . abhi-gam رسید
 Erezūs راست
 Savanhō شادی ، سعادت

Dabayeti /dab =sk . dabh

سرود ۴۳ بند ۷

menghi	دانستن، اندیشیدن، شناختن
hyat . ma	چون، به من
Pairi jasat	آمد، درآمد
Peresat	پرسید
chis ahi	چه هستی
kāhya ahi	از که هستی
Katha	کدام
Daxshara	وسيله، علامت، نشان
√daxs	نشان دادن، دستوردادن
Ferasayāi	برش √Peres =
=sk /Prech-	آموختن، خبردادن، نشان دادن
Disha /dīsh	
Gaēthāhu	آبادی - گیتی
tenus	خوبستن، تن

سرود ۴۳ بند ۸

Hoi	آنچه از او هست
aoji	گفتم - پاسخ دادم √ugh
=sk/ūh	تصور کردن - اعلام کردن
Paourvim	از آغاز - ازال
Haithyo dvaesha	دشمن حقیقی
ishoyā/īssk/īss	تا بتوانیم، توانائی شاهي
dregvaiti	ناراستمان
Refanō aojonghvat	بانوانائی، شادی، باوری استوار، سرور باطنی

سرود ۴۳ بند ۵

Spentem	ایزدی، پاک پذیرفتن، درك کردن، اندیشیدن
menghi = sk. menesi	
Hyat	چون
zathōi	پدیدشد، ولادت یافت، زاد
√dares =sk . √drs	دیدم، یافتم، دیدم
Daresem	
paourvim	نخستین، قدیم، ازلی، باستانی
Mizdavan	پاداش، مزد
Akem akai	بدی را بدی
Ashim	(پاداش نیک)، نیکی، اشائی
Hunara	دانش، نیرو، هنر
urvaēse	نهایت، پایان، بازگشت، هدف واپسین
Apemē	دورترین

سرود ۴۳ بند ۶

urvaese-	رسیدن، بهد
jaso /gam	آمدن، رفتن
Gaetha	کجهان، جهان تن، گیتی
Frādante / Frād	فزونی، پیش رفت - رفت
Aeibyō	به اینها
Ratus	رهنمای روانی
senghaiti / saḥ =sk. sham	نشان دادن - آموختن
Xrateus	خرده، اراده
yem	اینکه
naechis	هیچ کس
	بهم فریب دادن، فریفتن

پیروی ، همسازی ، موافقت ، همراهی
 Hachimnō/√hac-sk . sac
 ārem پیوسته‌ام ، آمده‌ام
 ya برای اینکه
 Ehma/√ah sk asma ما بشویم
 Parsta آزموده شده ، پرسیده شده
 yathēnā گوئی بوده
 tat emavatām از توانا - آن از نیرومند
 Xshayās خداوند ، شاه
 برتر ، نیرومند ، دارنده اراده (دارنده خواهش
 aeshem داده شده ، ساخته شده ، شده

dyāt/√dā = sk/√dha
 Emavantem توانا

سرود ۴۳ بند ۱۱

xshma uxdaish آموزش شما، سخنان شما
 Pairi . jasat آمد
 نشان دادن ، درخشیدن ، آموختن
 Didainhe/√dāh =
 پریشانی ، دشواری ، سختی ، بدبختی
 sādrā
 رهنما شد ، سبب شد ، تأثیر کرد و گفت
 Zrazdaitish/√zraz -
 ایمان
 -da sk sraddha
 عمل
 Verezyeidyāi/√verez
 آموختن ، گفتن
 mraota/√mru sk/√brū

من میشوم
 xyem, hyem /√ah = sk syām
 چنین
 hyat
 یافتن ، رسیدن
 ādyā
 جاوید ، زمان آینده
 Bushtish
 نیروی بی پایان
 Vasase xshathrahya
 وقف کردن ، تقدیم کردن
 â stāumi
 سرودن ، سرائیدن ، بافیدن
 ufyā /√vař

سرود ۴۳ بند ۹

Ferasēm /√perese = Fras =
 جویاشدن ، پرسیدن
 sk praech
 به که
 Kahmai
 پرستیدن، گرامی داشتن ، تصفیه کردن، دانستن
 Vividuyē/√vid - vaed =
 خواستن
 Vashi/√vas = sk vas ' us
 خواهش
 sk iecha
 از آنگاه
 Atha
 آتش تو
 Thwahmai athre
 پیش کش ، نیاز ، بخشش پاک
 Rātām
 فروتنی ، نماز
 nemanhō
 توانستن
 ishai /√ish = sk-ish
 توجه تام ، گرامی داشتن ، اندیشیدن
 manyāi /√man

سرود ۴۳ بند ۱۰

نشان دادن
 Daish /√dish = sk-dis
 دعا نمودن، خواندن
 zaozaomi/√zu - zav = sk/√hū

سرود ۴۳ بند ۱۲

سرود ۴۳ بند ۱۳

aretha هدف ، آرمان ، منظور
 Voizdyai/vid تحقیق کردن ، دانستن
 yaos زیست
 dāresht مجبور کردن، جرأت
 /dāresh sk/dhrsh جرأت
 vairya سعادت ، برگزیده
 vachi/vach گفته شده ، گفتن، واژه

mraosh /mru sk/bru گفتن
 jaso/gam پیروی کردن ، رفتن
 Fraxshneneh/xsna +Fra =
 =sk Pra-jna شناختن دانستن، دانش
 tu moi تو مرا
 asrushta } نافرمان-ناشنیده
 pairy aoghza } فرمان
 از این دو لفظ مقصود اینست که چون فرمودی
 از ایشا فرمانبرم دیگر لازم نیست که فرمائی چه
 نکنم. زیرا هر که به فرمان ایشا پیروی کرد گوئی
 فرمان او را بر مزدا را به جا آورده .

سرود ۴۳ بند ۱۴

hyat آنچه
 hā مهربان جوانمرد ، بزرگ
 Fryai Fuend دوست به انگیسی
 vaedemno/ird دانا ، دانستن
 Isva خداوند ، توانا
 /ish = sk/ish توانائی ، شاهی
 daidit /dā دادن
 maibyō از مردم من ، از من
 Rafenō برکت ، سعادت
 Fraxshnenem دانش
 Frashtā گرد آمدن، فراهم شدن
 uz ireidyāi رفتار، فعالیت ، جنبش
 پشتو پانهای دلیر، دفاع کننده دلیر
 Saredanō
 azē دفاع ، همراهی ، یاری ، پشتو پانی
 Senghahyā آموزش
 mat vispais با همه
 tais آنانکه
 marento دردل دارند ، جدی، باتوجه

رفتار، فعالیت ، جنبش ، حرکت دادن
 uzireidyai-uz+iri
 para hyat پیش ازین
 ajimat/gam در آید ، بیاید
 seraosha سروش
 ashi sk Laxmi سعادت، فراوانی، برکت
 فرایزدی، روشنائی ایندی، باشکوه، بزرگ، پراز گنج
 maza rāyā دوستی ، همراهی
 hachimno/hac hax sk/sac
 ya چون ، هرگاه
 dāyāt بدهد
 ashish جزا ، پاداش
 rānoi byā حزب ، گروه
 Savōi سزا - کیفر

peresa	پرسم	mathra	فرمان، سخن مقدس
Vaocha	بگو	yōi tōi	آنکه از تو
Eresh	راست		
nemanho	نماز برم		
neme	نیاز، نماز		
Yatha	چگونه		
fryā	محبوب، دوست		نشان دادن، آموختن
Khshmvāvato	مانند شما	Dax Shat/√daxs	
Saxyat	بیاموزد	uxshyai/√vaxs. uxs	بالیدگی
thwāvas	مانند تو		(نام بانوئی پارسا) تفکر، تسلیم، سکوت، مراقبه
mavaitē	(به ارادت مندی) مانند من	tushna maitish	
nē ma dazdyai	بدهد	angreng	دشمن
hakurenā	کارخوش، یاری	ashaunō	نیکان
jimata	بیاورد	ādare	پنداشتن، گرفتن، یافتن
		pourūsh	پیشوا، رهنما، پر، کامل
		cixshrushō	رضامند ساختن، خوشنود کردن

سرود ۴۳ بند ۱۵

سرود ۴۴ بند ۲

Katha	چگونه
Kātē	روان آرزومند
Suidyāi/√su Sk/√shu . shva . Svi	به بالیدگی، به سعادت، به سود
Paiti shāt	جویندگی، تلاش، بکوشش
Ye i	او که یقیناً
	مرده ربیک، ارت، پیش رفت، پس گذاشتن
Irixtem/√ric . rik = Sk/√ric	
Vispoi byō	از همه (بشر)، همه
Hārū	نکهبان
	(Hārō mainyū)
mainyū	گوهر، نفس، به نفس
ahumbish	شفادهنده
urvathō	دوست (مهربان)

سرود ۴۳ بند ۱۶

Hvo	برای خود او
Verente/√var	برگزیدن
Yaste	که از تو
chis cha	که یقیناً
astavat	مجسم، پیکری، تنی ^۲
	زندگی و پراز توانائی
ushtānā aojenghvat	
xveng	خورشید
Daresoi	پدیدار، روشن، تابنده
Daidit	(اشاره به ارامیتی) بدهد
ashim	پاداش-برکت، بخت، سعادت

سرود ۴۴ بند ۱

tat	آن	thwa	از تو
-----	----	------	-------

vatāi – sk vāfa باد
 dvanmaibyas–cha–dun ابر
 sk dhvan– دماوند عرش
 damarand پوشیده، ابر
 جفت کردن، یوغ

Yaoget \sqrt{yug} –sk yuj
 آهونام جا نور معروف در اصل به همین معنی واز
 همین ریشه هست، سریع، تیز، تندرو
 Āsū–sk āsu داده، آفریده

Damis $\sqrt{dā}$, sk $\sqrt{dhā}$ =

سرود ۴۴ بند ۵

سازنده خوب، کاربردگر
 Hvapā= sk , svāpas
 درخشیدن، روز، روشنی
 raocas– \sqrt{ruc} sk \sqrt{ruc}
 ساختن، آفریدن، دادن
 dāt $\sqrt{dā}$ –sk \sqrt{dha}
 تاریکی
 temas sk tamas خواب، خفتن
 xvafnem= sk svapna
 بیدار، بیداری
 Zaēm \sqrt{zi} –sk \sqrt{hi}
 نیمه از شب تا برآمدن خورشید، بامداد، سحر،
 شیکیر
 ushā= sk ushas هنگام روز تخمیناً از ساعت ده پیش از ظهر تا ساعت
 ۳ بعد از ظهر
 arem–pithwa شب
 xhapā آگاه میکند، متنبه میسازد
 manotrhis– sk manotr امتیاز دادن – در ذهن نگهداشتن
 Cazdōnghvantem \sqrt{cis} –dē
 (Artha (قصد، اراده
 arethahya وظیفه

سرود ۴۴ بند ۳

Kasna کدام کس
 زاد، پدیدکننده، آفریننده
 Zathā (Zāthar skjonitar)
 پدر
 pātā _sk , pta (pa+ta)
 ستاره
 Starem=sk stār , tāra
 ساختن، دادن
 dāt $\sqrt{dā}$ sk \sqrt{dha}
 فلک، راه
 advanem
 از که، بوسیله که
 kē Yā
 ماه
 mao
 به تو
 thWāt
 خور، درخشنده

xveng . xvan , hvar sk svar
 اینها همه
 ta chit
 خواهش انگلیسی
 Vasemi \sqrt{vas} –sk \sqrt{vas} , us , Wish
 دیگر چیزها (رازها)
 anyā ehā
 داناشوم، دانستن
 Viduye \sqrt{vid}

سرود ۴۴ بند ۴

عمل کردن، نگاه داشتن، برگرفتن
 Derefā \sqrt{dar} –sk \sqrt{dhr}
 زمین
 Zam sk Ksm
 بلکه، زیر
 ade=sk adhah
 نیز آسمانها
 nabās cha
 افغادن
 avapastōis=ava+pat=
 sk ava+pat
 که
 Kē
 آب
 apo sk āp
 زمین شاداب
 urvārā
 گیاه
 urvaras

واژه‌نامه - سرود ۴۴ / ۲۷۳

avāmi / av sk / av
 vispanām همه sk vishvānam
 خداوند ، دادار
 dātārem sk dhatāram

سرود ۴۴ بند ۸

مراقبه . خورسندی باطنی ، مستی ، وجد
 mendaidyai sk mandadhyai
 آموزش ، فرمان
 adishta sk. smad dishti
 ux̄dha سخن
 Frashi / peres جویندگی - پرسش
 arēm / ara sk / ara درست
 برای آگاهی ، آگاهی ، دانش
 vaedyai / vid sk. vidya
 پیشرفت
 urvāxshat / vraj. sk / vraj
 خواهادرسید
 āgemat ta

سرود ۴۴ بند ۹

به چه ترتیب ، چگونه
 katha وقف نمودن ، یوغ کردن ، بستن
 yaosh / yu sk / yu
 دین ، قوه ممیزه ، وجدان ، پیشش
 Daēnam / dī sk / dhī
 این
 Yam مرتب‌ترین دانش
 Hūdā naosh sk. sudhi
 paitish sk. patih خداوند
 Saxyāt / sah sk. sasyat آوختن
 Ereshva sk. rshva. یقین ، بلند
 thwāvas. مانند تو

سرود ۴۴ بند ۶

Fravaxshyā / vach + Fra = sk pra-
 vakhshya
 Yezi (yedhi) sk yadi اگر ، یا
 ta-atha همه ، چنین
 haithya sk satya داستی
 بالیدن ، افزودن ، یاری
 Debazaiti / vāz - de - bāz
 آنها را
 taibyو
 chinas / chish آموزیدنیها - بیما آنها
 Kaibyō برای که
 azim بارور
 rānyo - sk eretim - دهنده شادی
 / ran + / kar kereti
 زمین ، گیتی ، گاو
 gam
 tasho / tash sk / taksh ساختن

سرود ۴۴ بند ۷

ارزش دادن - ارجمند کردن
 Berexdham / bareg - barez
 چنین
 taish آفریدن - ساختن
 tasht / tash برداشت ، ملاحظه ، فرمانبر
 uzemēm / uz sk / uh
 نفس‌زندگی ، دم
 Vyānayā sk vyāua
 پور
 puthrem پدر
 pithre تو
 thwa
 Fraxshni فراشناسی ، شناسائی
 لطف ، برتری ، ترجیح

دین، وجدان، الهام، وحی؛ آنچه از خداوند
 Daenā پدید می‌شود
 یافتن، دانستن
 Fravōvīvide / vid + Fra =
 sk / vid + pra
 vispeng همه
 anyeng sk . anya دیگران
 spasya / spas- بی‌بردن، دیدن
 dvāshanha دشمنی

سرود ۴۴ بند ۱۲

yaish با او که
 peresai / pere هم‌سخن شدن، پرسیدن
 کدام جانب، کدام سو
 Katārem sk. kataram
 بخشش، سعادت، جزا
 savā - sk, savas.
 paiti ereta / ar - ضد، مخالفت
 آیا هست آن
 Cyan hat = ci + anhat = sk kim =
 ayēm این
 mainyatē می‌پندارد، می‌اندیشد
 دارنده، نیکی، دارنده‌اشا
 ashava. sk, rtavo

سرود ۴۴ بند ۱۳

Katha چگونه
 Drujem بی‌ایمان، ناراست، دروغ
 گریزانند
 nish = nashāmā / nash + nish =

آرزو، تمنا، خواستن

asishtish / s̄āh + a = sk / ā + sas
 hademoi مکان، جا
 shyas / si = sk / ksi بودن، ماندن

سرود ۴۴ بند ۱۰

Fam از تو
 آنچه از خداوند پدید می‌شود، وجدان، دین
 daēnām موجودات، زندگان
 hātām بهترین، دهشت
 Vahishta
 Gaethā (Daena) جهان‌تنی یا (جهان‌روانی)
 انجام دادن، به تکمیل رساندن
 Frādoit = Fra + da = sk pra + dha
 hacemnā / hac رفاقت، همراهی -
 Daidyat راهنمایی کردن، نهادن، دادن
 maxya ازمن
 Cistōish ادراک، قوه‌تعمین، عقل
 thwā به تو
 ishtish = sk و icch = خواهش
 به انگلیسی wish
 usen / vas - بازگشت

سرود ۴۴ بند ۱۱

teng ā اندرون آنها
 رفتن، جدا شدن
 vijēmyat / gam + vi = sk vi - gam
 yaeibyō به او که
 thwōi از تو
 اعلام خواهد شد، آشکار خواهد شد
 vashyete / vac = sk. ueyate

dvafseng \sqrt{du} — درد ، آزار ، رنج
 mashe \sqrt{nash} آوردن ، کشیدن
 astās فغرت ، دشمنی

ahmat—ā=sk. asmat. ā ازما
 'fehگ آنها
 ava دور
 Yōi اوکه

ashrushtōish—سرکشی ، عصیان ، بددینی
 perenanhō \sqrt{pr} پرکردن
 فرستادن ، پرتاب کردن ، انداختن

adivyeinti $\sqrt{dyu}+a$
 بهم آوردن — پیوستگی

hacēnā \sqrt{hac} . hək , پرسش

Frasayā $\sqrt{Frasā}$ =Sk , precha
 { چشیدن ، خواهش کردن
 caxnarē \sqrt{kan} =sk \sqrt{kan} —
 (cākena) ارمان ، کام
 kam—sk. kam

سرود ۴۴ بند ۱۵

از آنجا نیکه ، گرچه ، اگر
 Yezi =sk yadi
 ahyā اینها
 Poi $\sqrt{pā}$ sk $\sqrt{pā}$ حمایت کردن ، پائیدن
 mat sk mat با
 Xshayehg \sqrt{Khshi} توانائی ، شاهی کردن
 hyat انگاره که
 بهم مورسند ، بهم میآیند
 hēm—jamāeti—sk , sam—gam
 spāda سپاه

سرود ستایش ، دعا ، مناجات
 anaocanhā $\sqrt{anu}+vach$

avaish بنا برین
 urvatāish قانون ، آئین
 برقرار شده ، نهاده شده

diderezō \sqrt{darez} =sk. druh
 kuthra کجا
 ayao از دو (گروه)
 Kahmai به کدام
 Win کامیابی ، پیروزی ، کامرانی ، به انگلیسی
 Vananām \sqrt{van}
 dadao میبخشی ، میدهی

سرود ۴۴ بند ۱۶

Rv. Vrtra—han دشمن کس ، پیروز با

سرود ۴۴ بند ۱۴

Katha چگونه
 dyām \sqrt{da} بدهم ، دادن
 Zastayō sk , hasta به دست
 محو کردن ، پاک کردن ، برانداختن

nihim merezdyaī $\sqrt{merez}+ni$
 از تو
 thwahyā سخن روانی ، واژه مقدس
 mathraish آموزش
 Senghahyā =sk Shamsa نیرومند ، توانا
 Emavaitim \sqrt{Emavat} = آنها را
 ish تباہی ، خفتی شدن ، برافتادن

Sinam \sqrt{si} =sk \sqrt{si}
 dāvōi \sqrt{da} آوردن ، دادن
 dregvasū از پیرو ناراستی

Yē	آنکه	Verethrem—jā	پیروز برودترا
rāthemō	بهترین رهنما	Pōi	حامی ، یاور ، نگهبان
		Sen ghā	آئین ، آموزش
		henti	هست ، موجود
		chithra—Rv. chitram	آشکار
			برقرار کردن ، نشان دادن
		dām √a ⁻ =sk √dha ⁻	استادیکه روانرا پاک میکند ، استاد جان بخش
mizdem	مزد	ahumbish—ratum	
	تحصیل اجر ، پاداش	chizdi √chish	پدید کردن
hanāni √han ⁻ =sk √san ⁻			احساس طاعت به خداوند ، ایمان ، نگهبان نیکان ،
dasa د aspa	مادریان	seraoshō—	سروش
arshnavaitish kr.vrshanvati	اسپنر	jantū	می آیند
apivaiti √api + vat	فهم ، ادراک	ahmāi—Yahmai	به یکی که او را
Yatha—hi	آنها ، هر دو	Vashi √vas ⁻ =sk √vas ⁻	دوستی
danha √da	گذاشتن ، نهادن	Kahmai—chit	برای همیشه
taeibyō	همه (همنوع) همه (بشر)		

سرود ۴۴ بند ۱۸

سرود ۴۴ بند ۱۹

Yastāt	اوکه مزد را
	سزاوار - مستحق
hanenti √han ⁻ =sk , √san ⁻	
daiti √da	دادن
Yeit—sk—id	هرگاه - یقیناً
ErezuKhdhā	سخن راست ، واژه راست
nō daite √uād	برمیروند
	افزار جنگ ، پرتاب کردنی ، سزا
maēnish—sk , nreni	
anhat	خواهد رسید ، خواهد شد ، خواهد آمد
avam	آن
apēmā	در پایان ، در انجام

سرود ۴۴ بند ۱۷

	کشش ، عشق ، خرسندی ، وجد
Zarem. sk haras √har , hr	
	جنبش ، چریدن ، رسیدن ، رفتن
charāni √car ⁻	
Xshmat	با شما
	پیوستگی ، وصل ، علاقه ، ارادت
as (kei) tim=sk √a ⁻ —sae	
Xshmākam	شما yashmākam
	سخن ، لفظ ، واژه ، آواز
vaxsaē so √vac	
Sarōi=sk √shra—snri	پیوستگی ، یاری
būzdyāi √bū=sk √bhū	شدن ، بودن
ava	بنا بر این
manthra	واژه مقدس

isa tha	اگر خواستند
durāt	دور
chithrē	آشکار ، پدیدشده
√maz=man-	دانش ، سنجیدن
mazdanho dum	سنجش ، آگاهی
Daibitim	بار دوم
dush-sastish	بدآموزگار ، بدآموزنده
Ahum	جان
sk √mrc.	تباهی ، مرگ
merā shyāt	تباه‌کند
Aka varena	بدعقیده ، بددین
hizvā	زبان
	راه غلط اختیار کرده ، پوشاننده ، برگزیده
averetō	

سرود ۴۵ بند ۲

Anheush	موجود یا وجود، گوهر
Paouruyē	ازپارین ، ازآغاز ، ازازل
Yayā	اوکه
spanya	پاک ، نیک
uti	sk. iti این ، چنین
mravat	sk. Bravat (bhavat) گفت
Yēm	آن
angrem	برغلط ، بد
mana	نفس ، ذهن
senghā	آموزش
xratavo	نیروی‌آمیز ، خرد
Varanā	عقیده ، اندیشه
uxdha	سخن (اخدا)
naeda	نه
shyaothanō	کار
sk dīn	dharmā یا
daena	دین ، وجدان
√nac	یکسان ، هم‌رنگ ، هم‌گام
hacaintē	موافق

سرود ۴۴ بند ۲۰

cithenā=cith+nā	چگونه
	شاهی نیک
hukhshathra=sk . sukshatra	
anharē √ah=	شدن ، بودن
	دیدن ، آرایش ، زینت
pishyeinti√pis=sk √pis	
aeibyō	برای آنها
Kam	تنها ، فقط
Yaish	به‌بهره او ، برای او
gām	گاوجهان ، گیتی ، گاو
Karpa=sk . kalp	سرودگوی دیویستی
	توره روحانیون دیویستی، آرزو، خواهش

usixsh, rv. usij=√vas	
aeshemai	نفرت ، خشم
urūdōyatā	زبونی ، ناله ، فریاد
	تلقیح ، فشاندن ، مه ، میخ
mizēn √miz=sk √mih	
vastrem	حمایت ، چوپانی
Fra dainhe √Fra+da-	فراوانی
him	(مؤنث) آن‌را

سرود ۴۵ بند ۱

Fravakhshya	فراگویم
nu	اکنون
√gūsh = sk √ghus	گوش‌دادن
gushodūm	گوش‌دهید
√sru=sk √sru	شنیدن
sraota	بشنوید
Yaeca asnāt	آنانکه نزدیک هستند

سرود ۴۵ بند ۵

Hyat	که
mraot	گفت
spento—temo	پاکترین
dam \sqrt{da}	خواهدداد
$\sqrt{cāy}=sk \sqrt{kāy}=$	برگزیدن ، چیدن
	شایسته ستایش ، محترم و برگزیده
chyaa—cha	
$\sqrt{gam}+upa$	نزدیک شدن
upajimen	رسیده ، دانسته شده
syao thanaish	به اعمال ، با کارها
sruidyai \sqrt{sru}	برای شنیدن ، شنیدن
seraoshem	بندگی، سرش
maretaeibyo	موجودات بشر - میرندگان

سرود ۴۵ بند ۳

Vidva	دانشمند ، علامه ، همه دانا
Vaochat	گفت
im	اوکه
Ve	میان شما
itha	چنین
mathrem	سخن مقدس ، واژه
vereshenti/ $\sqrt{varež}$ —	ورزید ، ورزیدن
$\sqrt{man}-sk \sqrt{man}$	فکر ، اندیشه
menai chā	می‌اندیشم
vaocha—cha	میگویم
avōi	ویل ، وای
anhat	خواهد بود
apemem	در پایان ، در انجام
aeibyo	به چنین

سرود ۴۵ بند ۶

Vispanam	همه را
mazishtem	م هست
stavas \sqrt{stu}	میستایم - ستودن
Hu dā	دانا ، پرازدانش ، خوش داده
Yōi	اوکه
henti	موجود است ؛ هست
sraotu \sqrt{sra} —	بشنود ، شنیدن
Yehya	برای اوکه
	جای روشن ، روشنائی ، مهر ، خوانندگی ، دعا
Vahme $\sqrt{vah}=sk \sqrt{vas}$ —	
$\sqrt{peres}=$	برسیدن
Frashi	دستور داده ، آموخته

سرود ۴۵ بند ۴

Anheush	از زندگی
vaēda i vid	دانستن
dāt \sqrt{da} —	آفرید ، داد
ptarem	چون پدر
	فعالیت ، ورزیدن ، ورزیکر
Varezayantō $\sqrt{varež}=$	
Hōi	او
dugedā—sk—duhitr	دختر
hūshyaohthana	نیکوکار ، کار نیک
$\sqrt{dah}-sk \sqrt{dabh}$	فریب دادن
Diwzaidyāi	بفریب
	بر همه محیط ، همه رهنما ، همه بهنده
Vispa hishas	

chashmaini به چشم
 $\sqrt{daresh} + vi = sk \sqrt{drsh} + vyā$
 vyādaresem می‌بیند
 vidush آشکار دیدم ، دانستم ، پی‌بردم
 Yēm او را
 Vahmēng نیاز، گرویدگی، دعا، خواستن
 بلندی‌کوه ، $sk \sqrt{sr}$ = نغمه ، آواز
 Garo demāna \sqrt{gar} ،
 این کلمه بمعنای مکان نغمه یا بهشت برین است.

سرود ۴۵ بند ۹

tem آن nē برای ما mat با
 chixshnushō- \sqrt{xshnu} خشنود کردن
 Yē (ne) برای ما او را
 usēn \sqrt{vas} - اراده به خواهش
 corēt+ \sqrt{kar} میکند، می‌سازد
 $\sqrt{spa} = sk \sqrt{sva}$ بر آمدن ، بالیدگی
 spen-cha خوش بختی ، وشادی
 aspen-cha کاهش ، بدبختی ، و درد
 Varezi چابکی ، ورزیدن
 dyāt برقرار می‌کند ، میدهد
 Erada thāi پیش رفت ، فزونی ، فراوانی
 دانائی ، دانش عمیق ، خوش‌دانش
 haozāthwāt-ā (Hu+Zathwa)
 sk. su+gnā

سرود ۴۵ بند ۱۰

Yē او nē او که
 Yasnaish به نیاز ، توسط یسنا
 $\sqrt{matg} = sk \overline{mah}$ پرستیدن عظمت دادن ،
 mimaghzō بزرگ کردن

سرود ۴۵ بند ۷

yehya از او که
 Savā نجات ، سود
 خواهند خواست
 ishanti $\sqrt{ish} + enti = sk. \sqrt{is. iech}$
 $\sqrt{rād} = sk \sqrt{radh}$ راد، بذل‌کننده، جوینده
 Rādanhō
 Yoi او که
 jva $ji + va$ زنده‌ست
 anhare cha می‌باشد - بود
 Bvainti-cha خواهد بود
 ameretaiti جاوید - نمی‌رندگی
 aēsho باسعادت ، پیروز ، خوش
 utayūta افزون ، همیشه
 sādra درد ، آزار
 nerash مرد
 Dregvatō بد
 tācha آن
 damish آفریننده

سرود ۴۵ بند ۸

tem آن
 staotaish با ستایشها
 nemanho نماز
 تعایل بازگشت
 $\sqrt{varez} + vi = sk \sqrt{vrj} + ā$
 بکوشد که بیاورد ، به‌ورزد که برسد
 vivarashō
 nu اکنون
 Zit زمی ، برای

Anmā $\sqrt{\text{nam}}+a=$ توجه ، خم شدن
توانای خسته نشدنی ، جاوید ، نیرو داشته

anmeni
srāvi دانسته شده ، شنیده شده
برقرار نمودن ، واگذاشتن ، پیمان کردن

coisht $\sqrt{\text{cis}}$ —
hōi او که
ahmai آنهارا
اخلاق ستوده ، همواره ، دنیا ، جا ، زمین

stōi
dān خواهد داد
tevishi توانائی ، نیرو
utayuiti نوبه نو ، ثبات ، استقامت

سرود ۴۶ بند ۱

kām کجا - به کدام
nemōi گام بردارم - خم شوم
Zam کشور - زمین
Kuthrā به کدام سو - به کجا
ayeni (nemoi) گام بردارم که بروم
(از خویبتوش) اعلی ترین طبقه از پیروان مزدیسنی
Khvaitush
pairi dadaiti جدا نکه داشته اند
ائیریم نه (طبقه دوم از مزدیسنی) دوست
airyamna

نیست خورسندی برای من

nōit ma khshnaush
ya که hachā از
verezenāt (سوم طبقه مزدیسنی) بوسیله ورزن
naedā dakhyeush نه کشوری
yōi که
sāstare فرماندهان
دیویستیان (هستند) ، پیروان ناراستان
dregvantō

سرود ۴۶ بند ۲

Vaedā دانم ، میدانم
Tat آن (علت)
Yā ahmi چرا من هستم
anaeshō ناتوان ، بیچاره
ma Kamna—Fshvā (بعلمت) کمی دارائی
من و نیز از کم بودن پیروان (مردان) هست
hyat cha kamna—nā ahmi

سرود ۴۵ بند ۱۱

daeveng پیروان دیویستی ، دیوان
yastā از اینرو
aparō sk. aparam پس از این ، مخالف
sk martyām—cha مردم

mashyas—cha
tarē—masta
sk $\sqrt{\text{tare}}+man$ مخالف در عقیده ، نفرت

anyeng دیگر

manyātā $\sqrt{\text{man}}$ = می اندیشد می بندارد

tare—mainyantā مخالف در فکر

arem mainyātā تسلیم شده

saoshyanto ناجی ، نجات دهنده

patoish—Deng $\sqrt{\text{dā}}(y)$ خداوند

dēng جا ، منزل

urva thō دوست

brāta پدر pta برادر vā یا

Kaeibyō به کدام - به که
maibyo برای (آموزش) من

سرود ۴۶ بند ۴

Yeng او که - آنانکه
Vazdrēng یاور ، پشتیبان
Pāt (این کلمه به دو معنی ترجمه میشود) حامی - مانع
ga موجودات - چارپایان
Frōre toish پیش رفت
Shoithrahya استان
استان بزرگ ، ده ، زمین ، کشور

Dakhyeush
duz azoba برای خواندن (به یاری)
has \sqrt{ah} = او هست ، بودن
ahēmusto نادوست ، مخالف
Yastēm هر که او را
بانیروی روان - بانیرو و جان

khshathrāt jyateush
moithat \sqrt{msth} = sk. mith
Teng آنهارا
پیشوا - پیش آهنگ

Frō gā = sk. purogah
Pathmēng راه
Hu chishtoish اراده پاک - دانش نیک ، آموزش خوب
 \sqrt{char} رفتن ، چریدن
charat میرو ، میچرد

سرود ۴۶ بند ۵

Khshayās شاهي ، توانائي ، نیرو
 \sqrt{khshi} = sk \sqrt{kshi}

hā پيروان ، مردان
gerozōi الشمس میکنم - فریادمیکنم
toi ā it به تو در این باره
āvaenā توجه کن ، به بین
Rafedhrem سعادت ، خوشبختی
chagvā چشیدن ، آرزو ، ارمان
آنکه ممشوق به عاشق می بخشد
hyat Fryō Fryai daidit
akhsō نشان ده (مرا) بیاموز
asha بوسیله اشا
ishtish توانائی ، نیرو
vanheush mananhō دھومنی

سرود ۴۶ بند ۳

Kada چون ، هرگاه
بر آمدن ، روشن شدن ، تابیدن - بالیدگی

ukhshanō
(azan = sk , ahas = روز
روزها
asnām موجودات ، آفریدگان

anheush برای برداشت ، برای تحمل ، برای تکه داشت
Dare thrai \sqrt{dar} = sk \sqrt{dhr} =
برمی آید ، بر آید ، خواهد تابید

Profarente \sqrt{ar} + Frā = sk \sqrt{ar} + pra
متأثر ، با تأثیر ، توانائی ، فزونی ، بالیدگی
verezdaish \sqrt{vared} ,

Khratavo دانش ، خرد
uthai به یاری ، یاری
jimat بهاید
به انجام رساندن ، برای دستور ، برای آموزش

Sas trai \sqrt{sand} , sah
verene = sk vrne برگزینیم
Senghaish (با) آموزش

payum	حامی ، پناه‌دهنده ، یاور	drita	پذیرفتن ، برداشتن ، برگرفتن
	تعیین کرده‌ای - داده‌ای	adās	پذیرفتن
dadā یا dadāt	$\sqrt{dā} = sk\ dha$		پناه‌نده‌شدن ، یاری‌خواستن ، آمدن
	درشتی نموده‌اند ، تهدید کرده‌اند	ayantem	
didareshata	$\sqrt{daresh} = sk\ \sqrt{dhra} -$	mithroibyō }	پیمان ، دوستی
aenanhe	ناختن ، ستم ، حمله	urvatōish }	بشر دوستی
thraoshta	\sqrt{thru} انجام‌دادن ، کامل نمودن	Rashna	درستی ، راستی
	آموزش ، آئین	jvas	$\sqrt{ji} = sk\ \sqrt{jiv}$ زیستن
dāstavām	$\sqrt{dah} = sk\ \sqrt{deus} -$	ashava dregvantem	راست و ناراست
daenayai	وجدانی ، روانی	vichiro }	سنجیدن ، چیدن ، برگزیدن
Fra vaochā	صریح برگو - آشکارا فرآگو	has }	قضاوت و سنجش
		Fro-mruyāt	آشکارا کند ، فراگوید
		uzūithyōi	حفظ ، نجات
		Khvaetavē	بر خود خدائی ، خود اعتمادی
		Khrunyāt	زخم‌زدن ، تباہی ، حمله

سرود ۴۶ بند ۸

gaetha	موجودات ، چارپایان ، گیتی
dazde	میخواهد ، میدهد
aenanhē	دشمنی ، آزار
athris (ha)	شعله ، آتش
Frosyāt	می‌یابد ، میرسد
paity yaoget	می‌پیچد
	$= sk\ gaechāt$ می‌آید ، میرود
jasōit	\sqrt{gam}
dvaeshanha	نفرت - دشمنی
tanvem	شخص ، خود ، خودی ، تن
Hujyatoish	زندگی کامل ، زندگی خوش
	حفظ ، بازداشتن از بد یا از خوب
payāt + $\sqrt{pā}$	
duzajyatoish	زندگی ناخوش ، زندگی بد

سرود ۴۶ بند ۶

Yas tem	اوکه - سوی او
isemnō	\sqrt{ish} توانائی
āyāt	رفتن - آمدن
dāmām	آفریدگان ، موجودات
haithahyā	فریبندگان
āgat	\sqrt{gam} خواهد آمد
daena	دین ، وجدان
pouruyā	از ازل - از آغاز
dā-sk	\sqrt{dha} آفرینش

سرود ۴۶ بند ۷

		Kem. na	که با کدام جوانمرد را
		na =	جوانمرد ، مرد
aredrō	پرازجوشی ، با بصیرت ، داد	mavaite	چون من - مانند من

سرود ۴۶ بند ۹

سرود ۴۶ بند ۱۱

Khshathraish	به نیرو
$\sqrt{yuj} = sk \sqrt{yuj} = yoke$	
Yujen	یوغ شده جفت گشته ،
	تیره ای از دیویسنها که با آموزش زرتشت سخت
Karpan	مخالف بودند
	تیره دیگر مخالف زرتشت ولسی مسیان آنها
Kavaya	گرویدگان به زرتشت نیز بودند ، کیان ، کهوا
ahum	زندگی ، جان
	تباه کردن ، میراندن ، مرگ

merengeidyai	$\sqrt{merək}$
mashim	مردم را
Kvē	خود
	sk \sqrt{kruhd} کدورت ، شکنجه ، آزار
Khraodat	$\sqrt{khrud} =$
urva-daena	روان - وجدان
hyat	چون ، هرگاه
Yavōi-vispai	برای همه زمان - جاوید
demānai-	مکان - نمان
	جان ماندن ، سکن ، جای ایست ، استان
$\sqrt{sta} = sk \sqrt{a. stha}$	
astayō	وجود ، هستی

سرود ۴۶ بند ۱۲

hyat	هرگاه
us	بر آیند ، پدید شوند
naptyaeshu	از نوها ، از فرزندانگان
nafshu	خویشان نزدیک ، هم نافع

Choithat	\sqrt{cith}	آموزد
$\sqrt{zu} - zba$		دعا ، خواندن
Zevish tim		ستوده شده ، خوانده شده
		داوری ، سنجیدن
uzemōhi	$\sqrt{uz} = sk \text{ uh} -$	
Ahurem		خداوند جان ، اهورا
		سازنده گیتی ، سازنده جهان تن
Geush-tasha		
		خواهش ، کوشش
ishenti	$\sqrt{ish} = sk$	د icchanti

سرود ۴۶ بند ۱۰

va moi		براستی میگویم
$\sqrt{zan} = sk \sqrt{jan} - ja$		زائیدن
Gena		زن
anheush		زندگی ، جان
ashim		سعادت ، پاداش
$\sqrt{vid} = sk \sqrt{vettha} -$		دانستن
voista		دانی ، پنداری ، فرض کنی
		همراهی ، راهنمایی
HaKhshai	$\sqrt{hae} , hak = sk \text{ Sac}$	
khsh māva tam,		چون شما ، شما
Vahmāi		پرستش
Fro		فرا ، آنسو
Taish vispaish-		با همه آنها
		پل برچیدن ، پل امتیاز ، پل برگزیده ، پل جنود
chinvatō peretum		
Frafrā	\sqrt{par}	درگذشتن ، فرارفتن

سرود ۴۶ بند ۱۴

Kaste ashava کیست پیرو نیکی
 اخوت مکای بزرگی که مؤسس آن زرتشت بود و
 ۱) اید نخستین نامی است که پیروان او اختیار
 mazoi magai کردند
 مشهور ، فراشیده شده ، پر آوازه
 Frasruidyai
 Yahi پذیرنده
 Hademoi درمکان تو، درجای تو
 جادادن ، نهادن ، برقرار کردن
 minas \sqrt{mi} =
 Zbayā خطاب کردن ، بر زبان آوردن ، گفتن
 ukhdaish پیام ، آموزش ، سخنان

سرود ۴۶ بند ۱۵

همه اینها که بهترین (سودمند ترین) هستند
 برای شنیدن
 (ابن سطر دراصل نیست)
 Vispa Fā Vē Sruidyai Vahishta :
 دارنده اسپ شسته شده (بهاری)
 Haechat-aspā
 hyat تاکه
 راست - ناراست - دانا - نادان
 dathēng-adāthās
 \sqrt{chi} -ki چیدن ، جدا کردن
 Vichayatha امتیاز دهید ، جدا کنید
 daduyē $\sqrt{dā}$ =sk \sqrt{dha} می یابید
 dataish داد ، آئین که

turahyā تند ؛ سریع Tur از تورانیها
 uz-jen خواهد آمد - پدید خواهد شد
 این نام شبیه است به پیران شاهنامه ، تیره ای از
 تورانی که به کیش زرتشت گرویدند
 Fryan توانا ترین ، سزاوار شهرت ، شایسته بلندی
 aojaeshū
 Frādō ترقی ، فزونی ، پیشرفت
 Thwakhshānha سرگرمی ، ذوق
 پیوستگی ، پیوستن ، بهم آمدن
 aibi moist \sqrt{mith} +aibi
 \sqrt{Rabh} - ارمان ، سعادت ، شادی ، دستگیری
 Rafedhrāi \sqrt{rap} یاری
 یاری ، آشکار شدن ، آموزش
 Sastē \sqrt{sah} -

سرود ۴۶ بند ۱۳

خوشنود ، رضایت ، به انجام رساندن
 Rādaha. \sqrt{radh} =sk \sqrt{radh}
 Khshnaush خوشنودی \sqrt{khshnu}
 فراشیده شده ، آوازه ، شهرت
 Frasruidyai \sqrt{sru} +fra-
 erethwō شایسته ، درست ، راست
 ahum زندگی ، جان
 Gaetha وسایل زندگی ، ماحول ، گیتی
 پیشرفت ؛ فزونی
 Frādat+ $\sqrt{dā}$ +Frā-sk \sqrt{pra} +dha
 mehmaidī \sqrt{man} - سنجیده ، سنجیدن
 دوست صمیمی ، دوست نزدیک
 Hush hakhaim

dangra دوراندیش
mantū مشاور ، نگهبان ، حامی

سرود ۴۶ بند ۱۶

سرود ۴۶ بند ۱۸

yaosh کاملاً
ishtoish سلطه، شاهی، خوش‌بختی، تملک
برگزیدن، پیمان، چیدن
choishem $\sqrt{chi}=ki=sk \sqrt{chi}$
āsteng دشمنی، نفرت، کینه
astai نفرت، مخالفت
خودرا دادن، تصمیم
Daidita $\sqrt{dā}=sk \sqrt{dha}$
 \sqrt{var} برگزیدن
Vārem اراده، خواهش
رضامندی، خوشنودکردن
Khshnaoshemno $\sqrt{khshnu}= $$$
Khrateush خرد
Vichithem برگزیدن، تصمیم
mananhas نفس

aredraish با - همراه
Idi برو
این‌نام همسر زرتشت نیز بوده - پدر جاماسب
و فرشا و شتره دارنده گاوان خوب -
Hvogvā $\sqrt{Hu}+gu$
بزبان‌پهلوی حیوب
usvohi $\sqrt{vas}=sk \sqrt{vas}$
می‌خواهیم، خواستن
ushta سکون‌باطنی، روشنائی، خورسندی
بمفهوم زیست جاوید، وجود، همیشه، جاوید
Stoi رفاقت، یکسانی، همراهی
hachaitē $\sqrt{hac}= $$$
 $\sqrt{ish}=sk \sqrt{ish}= $$$ تسلط، شاهی
ishti تصرف، تملک
فر، بزرگی، فزونی، بالیدگی
Varedemām $\sqrt{vared}=sk \sqrt{vrđh}= $$$
Shaēti میماند
Yathra آنجا که

سرود ۴۶ بند ۱۹

Ye moi (برای من) آشکار میکنم
Haithim به‌راستی
Hachā از
Vareshaiti به‌ورزد
به‌لهجه هخامنشی Vashna - اراده بنا بر اراده
Vasna = بموجب اراده - خواهش
تازه‌ترین - نو - جدیدترین
Farāshōtemem
hanentē $\sqrt{han}= $$$ سزاوار - شایسته

سرود ۴۶ بند ۱۷

این کلمه را دکتر ایرج ناراپور والا از خود
افزوده که سیلاب کم نشوند - من
(azem) کار و بیکاری، ناپیمانی، پیمان
afshmani-ana fshmani
دانه اسپ تربیت شده
jāmāspa -
dathem-adathem دانا - نادان
کننده کارهای فوق‌العاده، آموختن
 $\sqrt{dān}=sk \text{dams}-$

Chisti	دانش، اندیشه	زندگی اخروی - زندگی آینده
hvō	فقط، تنها	parāhūm (Para-ahum)
Pta (pata)	آفریننده، اصل، علت، پدر	manē vistaish
		ارمان، آرزوی دل
		اشاره به مادر گیتی - جفت گاو - آبستن شده
		Gava azi

سرود ۴۷ بند ۳

spento manyeush	نفس پاک
tvem ahi pta	تو هستی پدر (آفریننده)
ahmai	به او، به ما
	گیتی شادی آورنده
Gām rānyo skeretim	
hem-tshat	ساختن-ساخت + \sqrt{tash}
hem=sk	$\sqrt{sam} + taksh =$
vastrai	نکهبانی، شبانی
Rāma da	رامش دهنده
	$\sqrt{peres} + hem = sk / \sqrt{proh} + sam$ مصاحبه
hem Frashta	هم پرسش

سرود ۴۷ بند ۴

	خود را آزار دیده شمردن، رها کردن
rāreshyantē	$\sqrt{rah} = sk / \sqrt{raksh} -$
itha	چنین - یقیناً
ashaune	نهک
kaseush-chit	کم، کاسته، کم مایه
nā	مرد
	تمایل، خواستن
kathe-anhat	$\sqrt{kan} =$
ishvā chit	اما خداوند
hās	\sqrt{hah} باشد، هست
paraosh	نروتمند، پر مایه، پر
Akō dreg vaitē	بد میشود، به بدان میگرداید

	آموختن - آشکار کردن
Sās	$\sqrt{sah} = sk / \sqrt{sams} -$
Vaēdishtō	داناترین

سرود ۴۷ بند ۱

	نیک ترین اندیشه - بهترین اندیشه
mananha-vahishta	
shyaothanā	نیک ترین کار
vachanha	نیک ترین واژه یا نیک ترین سخن
	تندرستی، بی نقص، کامل، بی نقصی
Haurvātā	
Ameretātā	زندگی جاوید - نمیرندگی
khshathra	اراده ایزدی
armaiti	تسلیم، اطاعت

سرود ۴۷ بند ۲

Ahya	این
	پاکترین نفس
spenishtahyā manyeush	
aeānū	بنابر، به موجب، بر طبق
hizvā	زبان
ukhdhaish	سخنانی که
Zastoibya	دو دست
verezyat	\sqrt{verez} به انجام رساند، ورزد
ōyā	یگانه - یک

سرود ۴۸ بند ۱

adaish	پاداش
venghaiti $\sqrt{van}=sk \sqrt{vah}$	پیروزی
asushuta	نایل شدن ، یافتن
daibitānā	ریا ، فریب ، دورویی
	اعلام ، فراگفتن
Fraakhta $\sqrt{vach}+Fra-$	
ameretaiti	برای همه‌زمان ، جاوید
	دیویسنی و مردم آنها
Daevaish-mashyaish-	
Savaish	خوش‌بختی ، برکت ، سعادت
Vehmem	پرسش
Vakhshat	افزون خواهد شد

سرود ۴۸ بند ۲

vaocha moi	بگو بهمن
vidva	میدانی
para hyat	پیش از آنکه
meng $\sqrt{man}-$	در ذهن من ، ذهن
pertha	کشمکش
venghat $\sqrt{van}=$	پیروزی
Vista $\sqrt{vid}=$	نشان دهد ، دانستن
	مقصد ، تجدید کار ، صورت واپسین ، پیام
ākeretish	
jimaiti	آغاز خواهد شد ، خواهد آمد
vanuhi	بزرگ

سرود ۴۷ بند ۵

ashāunē	مزدیسنی ، نیک
choish $\sqrt{chi}-ki=sk \sqrt{ki}$	
	پیمان ، آموختن ، تربیت دادن
$\sqrt{kaish}=$	با همه اینها
chi-cha	کامیاب ، بهره‌مند ، پاداش
Hanar یا Hanare	
Zaoshāt	محبت ، مهر ، جوشش
Bakhshaiti	بهره‌مند شدن ، بخش ، بهره
$\sqrt{Bakhsh}=sk \sqrt{Bhakshi}$	
	نفس بد ، اهریمن ، بدعتش
akat mananho-	
ā shyas	سکونت ، ماندن
ahya	از (عمل) خود او

سرود ۴۷ بند ۶

ta da	این که خواهی داد
vanha	نصیب ، بخشش ، بهره
Ranvibyo	دو گروه مخالف
$\sqrt{vi} dae=sk vi+dha$	تعیین کردن
vidaitē	ممین میشود
	یاری ، فزونی ، بزرگی
pourush	بسیار ، پر
(de) bazan hā $\sqrt{vaz}=sk \sqrt{bamha}$	
ishento $\sqrt{ish}=sk \sqrt{iech}=$	خواهش
	در آمدن ، گزیدن ، برگزیدن ، بازگشت
vauraitē $\sqrt{var}=$	

سرود ۴۸ بند ۵

khshantem	شاهی \sqrt{khshi} -
mā ne	نه بما
dush - khshathra	شاهی به
Hu khshathra	شاهی خوب
Vanhuya	نیک ، خوب ، به
chistoish	آموزش ، فکر ، اندیشه
	به تکمیل رساندن - کامل کردن - وقف کردن
yaoz - dā	
mashyai	مرد ، بشر
Zathem	از ولادت ، در زندگی
Cavoi	گیتی ، گاو
	نکهداری ، شبانی ، در زندگی
verezyatham	فرهی ، بالیدگی ، پرورش
Fshuyô \sqrt{Fshu}	
khvarathai	روشنائی ، خوراک

سرود ۴۸ بند ۶

ne	برای ما ، ازما
	جای سکونت ، سایه بان ، پناهگاه ، کشت
Hushoithemā $\sqrt{shi} = sk \sqrt{kshī}$	
utayuitim	جاوید ، بی دریی
dāt	دادن $\sqrt{dā}$ داده
tevishim	توانائی ، نیرو
berekhdhe	گران بها ، گنج
urvara	سبزه - گیاه
vakhshat	پوشش ، بالیدگی
Zathoi	از زاد - از برآمدن
Pouruyehyā	از ازل - از آغاز

سرود ۴۸ بند ۳

vaēdemnāi	دانشمند
sāsnanām = sk shasna	آموزش
	بیاموزد ، آموختن
sāsti $\sqrt{sāh} = sk \sqrt{shas}$.	
gūzra sen	آموزگاران... (مرموز)...
$\sqrt{guz} = sk. guh$	پنهان کردن ، پوشاندن
	ارادت مند به مانند تو ، از تو ، گرویده به تو
thwāvās	
	توسط دانش و هومن - الهام ایزدی
khraithwā - mananho-	
Hudā	خداوند دانش (یکی از القاب و هومن)
yae-chit	هم آنانکه

سرود ۴۸ بند ۴

Dāt	ساختن ، دادن
manō	دل ، نفس
vahyō	بهتر ، به ، خوب
ashyas	بدتر ، بد ، نه خوب
daēnām	وجدان
vachanha	سخن ، واژه
Zaosheng	دوستی ، جوشش
ushtish	خواهش ، اراده
vareneng	خواستہ ، برگزیده
hachaiti	تابع ، یکسان
khrrata	دانش ، خرد
apemem	پایان ، انجام
	واضح ، آشکار ، ممتاز خواهد بود
nanā - anhat	

aredreng ishyā
javarō
سنجش، یاری کردن

anheush
جان، زندگی

سرود ۴۸۵ بند ۹

kada درجه زمان ... کجا
vaēdā به یقین خواهم دانست
yezi اگر
chahya بر همه
khshyatha شاهی میکند
aithish دسیسه، نقشه، اندیشه
dvaēthā تهدید
آشکار شدن
ucham \sqrt{vach} = سخن گفتن Erezucham
Eresh mōi به راستی به من
نمونه، نقشه اندیشه، طرح‌ریزی، یافتن
Vafush \sqrt{vat}
باید بداند، میداند، خواهد دانست
vidyāt
سعادت روان خواهد شد، خوش بختی، کامیابی
هست، برکت هست، سعادت هست (عملی میشود)
ushish anhat

سرود ۴۸۵ بند ۱۰

mānarōish پیام، برای انتشار
سوشینت، باوران، قهرمانان، جوانمردان
narō نزدیک شدن، یافتن، رسیدن، دانستن
visentē \sqrt{vid} = sk \sqrt{vish}

سرود ۴۸۵ بند ۷

paiti. remem بر روی ستم
سخت ایستادگی کنید ... پولادین باشید
paiti syōdum
ni aeshmō درخشم
ni dyatam تحت تسلط، در تسلط، دوری
استوار گرفتن، استوار داشتن -
Didraghzoduye $\sqrt{draghza}$ =
sk \sqrt{drth}
Vi+yām = پیوستگی، چسبندگی، فزونی
گستردن
vyām علاقه، بستن
hithaush = sk.setu = $\sqrt{hāy}$ =
nā آموزگار، جوانمرد
dāmām مردم، گروه
Thwahmi از تو
dām منزل، جا، مکان

سرود ۴۸۵ بند ۸

ka چه
vanheush خوب، به
ishtish اشتیاق، آرزو، خواهش
بهره، نصیب، پاداش، بخشش، سعادت
ashoish به نظر آوردن، شناسائی
aka $\sqrt{kās}$ = sk. kas
خوش به ارادت مندان - خوش به گرویدگان

khshnum	ادای وظیفه ، رضایت ، خوشنودی	از میان بردن ، تپاه نمودن ، زدن =	
hachante/hach -hak	پیروی ، هم رنگی ، یکسانی	ajen/zan+a =	
senghahyā	دستور ، فرمان ، آموزش	muthrem	ادرار ، کثافت
dāta /dā = sk/dha	تعمین نمودن ، نام زد کردن ، آفریدن ، دادن		حماقت ، مستی ، شیفتگی ، تحمیق
$\left\{ \begin{array}{l} \text{hamaeshtarō/maēd + ham} \\ \text{mith} \end{array} \right.$	نسلط ، پیروزی ، چیره گی	madahya	نیت بد
	استادگی در رزم = mith یا از	angraya	فریب دادن ، به خود کشیدن ، جلب کردن ، منظره ،
aeshemahya	برخشم - از خشم	urupayeinti/rupa	هیكل -
			نام تهمورت نیز از دو کلمه اروپا + هیكل -
			اندام و تهم یا تخم = توانا ترکیب شده و
			مفهوم آن دارای منظره یا اندام تواناست .
		khratū	خرد (بد) خرد
		dushekhshathra	ورمانده بد - خداوند بد
		dakhyunām	دهها ، کشورها

سرود ۴۹ بند ۱

Pafrē	مانع شدن ، گذر کردن ، مخالف
Dush - erethrish	گمراه - راه بد
chikhshnushā	آرام ، راضی ، خوشنود
vanuhi	به ، خوب
ādā	(لقب ایزدانی و نوهی) یاداش ، بخشش
	گام بردارید - بنائید
Gaidi /gam - sk - gahi	
arapa	بی آزاد ، مهربان ، یاری
aeshō	رخشنده ، شکست
vidā	یافتن ، رسیدن
yava - ahya	همواره - ازاد

سرود ۴۹ بند ۲

	نگرانی ، اندیشه ، فکر
mānayeiti /man = sk . man	
Tkaeshō	کیش ، آموزش ، آموزگار

سرود ۴۸ بند ۱۱

jimat /mi āyid /gam	جای خوش - جای امن
Husheitish	سایه بان - جزاگاه - پناهگاه
Vāstravaitē	
khruraish = sk krura	خونخوار
Rāmām	امن ، رامش
	برداشتن - گرفتن
dānte /dā = SK /dha	
kēng	به آنانکه
chistish	بصیرت - دانش

سرود ۴۸ بند ۱۲

anhen	خواهند بود
saoshyant	یاور راستی ، نجات دهنده

Hizubish	برزبانها	Dregvā	دیویستی، دروغ، ناراست
Fshyaru	یاوران، دوست چرندگان، شبانی	Daibita	دوتی، ریا، دورویی
	مانع، دشمن چرندگان، ناشیان	Rāreshō	\sqrt{rak} = دورشده، رها شده
Afshuyanto			نکه داشتن - برگرفتن
Hvarshtaish	ورزنده بد، بدکار	Doresht	$\sqrt{dar} = ak/\overline{dhr}$
Dān	مکان، جا \sqrt{dan} = باری کردن، برگرفتن	Ahmai	برای او (اشاره به اشا)
Daena	باطن، اندیشه باطن، وجدان	Stoi	همه‌زمان، هیچ‌گاه، همواره
Vās	خواهش، آرزو، اشتیاق		بیوستگی، پرستی و پاسخ، مصاحبه، مشورت
khvaish	از خود آنان	Frashta	
yōi	او که		

سرود ۴۹ بند ۳

سرود ۴۹ بند ۵

iza	کوشش، ذوق	Ahmai	اینها همه
	کوشش باطنی، بالهدگی، فراوانی، فریبی	varena1/√var	برچیدن، برگزیدن
azuitish		Nidatem/√dā	دادن، نهادن
daenām	وجدان، دین		بالهدگی، فزونی، سود
sarishta/√sar	اتصال، بیوستگی	Suidyai/√su = sk/√sdu	
Huzentush	دانا، تمیز دهنده خوب	Tkaēshāi	کیش، آموزش
Taish	آنها	Rāshayenhē	بالغ شدن، ریش، آزار
Vispaish	همه	Drukhsh	اهریمنی، ناراستی، باطل
	قدرت ایزدی، اراده ایزدی، خشتی تو =	Sarē/√sar	آرزو
ThWahmi khshathrōi		Antare mruyē	احتراز کردن
		Vispeng	همه
		Hakhmeng/√hak-hach	همراهی، دوستی

سرود ۴۹ بند ۶

سرود ۴۹ بند ۴

Fro fraeshyā	خواستارم، التماس میکنم		
Mruite	آشکار کنید، بگوئید		بدبینی، اراده بد، خرد بد
	به اراده شما، به علم شما، به خرد شما، در خرد شما	Dush. khrathWa	
khshmakahya khratesh		aeshmem	خشم
Eresh	صحیح، راست، درست	Rāmem	رشک

نیرو ، اراده ، خشترباک ، اراده ایزدی
 Vanhāu khshathrōi
 برای همه زمان
 yavōi vishāi
 بسیار گرامی ، الهام‌پذیر ، دوست داشتن
 Fraeshtānhō √pri - Fri
 باشیم
 Anhāmā

اندیشه، طرح، نقشه
 ā mananhō
 آموخته شود. اعلام گردد ؛ شنیده شود =
 sravāyaemā √sru = sk √sru
 امتیاز دادن . برگزیدن ، چیدن
 vichidyāe √ch + vi = sk vi - chi
 ارزشما
 khshmāvato

سرود ۴۹ بند ۹

بشنود ، گوش دهد
 Sraotā
 آموزش
 Sasna
 باور - فزونی‌دهنده
 Fsenghyō
 سود ، بالیدگی
 Sūy ē = √su -
 آفریده شده ، ساخته شده
 tashto / tash = sk / taks -
 نزدیکی . پیوستگی
 Saram
 توجه ، دید
 Didas / dā(y) -
 تا که
 hayt
 وجدان ، دین
 Daena
 به پیوند ، جفت گردد ، بوغ شود
 yujen
 پاداش ، مزد
 mizdē
 جفت به اشا ، پیوست به اشا
 asha - yukhta
 آغاز عصر زرتشتی رستاخیز ، آغاز زمان جدید ،
 آغاز ، برآمدن
 yāhi

سرود ۴۹ بند ۱۰

در اندرون مکان، تو
 Thwahmi ā dām
 روان
 uruna
 نیکان
 ashaunām
 خانه
 nemas
 آرزو ، ذوق باطنی
 ize
 اراده ایزدی ، خشتربزرگ ، نیروی ایزدی ،
 maibya

سرود ۴۹ بند ۷

بشنوید ، شنید
 Sraotū √sru -
 شنید ، گوش دادن
 Gūshvā / gush -
 طبقه دوم از جامعه مزدیسنی
 Airyama
 ورزنده، طبقه سوم جامعه مزدیسنی، کارگر
 Khvaetush
 طبقه اعلای جامعه مزدیسنی
 Verezenai
 بنا بر آئین زندگی میکنند، بنا بر آئین هستند
 Dataish anhat
 تا که
 ye
 نمونه ، بند ، رهنمائی، شهرت
 √sah + Fra
 Ferasastim

سرود ۴۹ بند ۸

نزدیعمین بسیار گرامی و برادر جاماسب بود
 Ferashaoshtra
 بزرگترین شادی ، برارنده ترین ، باسعادت ترین
 urvazishtām
 ده
 Dā
 پیوستگی
 Sarēm
 به بندی آسا - التماس ، آرزو
 yāsā
 به کسان من ، به مردم من
 maibya

واژه‌نامه - سرود ۵۰ / ۲۹۳

vahishtem	دهشت ، بهترین	maza khshathra	نیروی بزرگی
		vazdanhā	یاری ، همواره ، پیوسته
		Avemira	به‌بشاشت ، باخنده‌روئی ، دوستانه

سرود ۵۰ بند ۱

kat	که
mōi	ازمن
urva	روان
ise √is	نفوذ، تسلط ، شاهی
chahya	بریکی
Avanhō	یاری
paseush	پیرو ، رمه
Thratā/Thra = sk √Tra	حامی ، یاور
visto/vid	دانستن
anyo	جز ، دیگر
ThWat	خودتو
	به‌ایمان خوانده شود، به‌صدق دل خوانده‌شود ،
azda zuta	به‌راستی خوانده‌شود

سرود ۴۹ بند ۱۱

	فرمانروایان بد ، شاهان بد
Dush – khshathreng	
Dnsh – shyaothneng	بدکاران
Dvz – vachanhō	بدسخنان
Duz - daenēng	بددینان، بد وجدانان
{Akaish	بد
{khvarethaish	بینش، بصیرت، غذا
	کم بینش ، بی‌بصیرت
	روانها پس‌می‌آیند ، روانها بازگردند
paiti urvanō yeinti	
Haithya	یقیناً ، به‌راستی
astyō	ساکنان ، ماندگان

سرود ۵۰ بند ۲

	شادی آورنده‌گویی
Rānyō sKeretim gam	
	آرزو ، خواستن ، خواهش
ishasōit √ish = sh √is – tech –	
Vastrvaitim	جای امن ، چراگاه
stoi	جاوید ، همیشه
	خواست ، خواهش
usyāt √vas = sk vash	
Erezejish	راست دزدندگی
	روشن از خور ، به‌بنده‌خور

سرود ۴۹ بند ۱۲

	به‌زبان آوردن ، دعا کردن، خواندن
zbayente/zbay = sk hve	
avanho	یاری
kat	چه
	عزیز ، گرامی
Frinai/Fri = sk/pri –	
	پرسیدن ، التماس کردن ، خواستار شدن
yāsas √yas	
	خواست ، خواهش
ishtā تملك √ish = sh/ich	

Seraoshānē	گوش دهد. بشنود	Hvarē pishyasū	جای آشکار
		ākā steng	خواهی بخشید ، خواهی داد
		Nishyāsyā	دانشمند ، مردم با داد
		Dāthem	مکان
		Dāhvā	برای خود
		ahmai	

سرود ۵۰ بند ۵

Arōi	جهان اعلی ، جهان بلند ، آن جهان
khshumā	از شما
hyat	جون ، هرگاه
(yishmakai)	بسه خواننده سرود بسه شما
Māthrāne	الفاظ سرود - خواننده سرود
aibi dereshta	درست دیده میشود
avishyā	بدید ، آشکار
Zashta ishtā	خواهش نزدیک ، دم دست
Khvathre	روشنائی
	رهنما خواهد بود (به مکان)
dāyāt / dā = sk / dhā	
vaorazathā	شما شادی می آورید
avanha	یاری

سرود ۵۰ بند ۶

	خواننده یا سراینده سرود - آواز بر آورد
mathrā vachem varaiti	
urvatho	دوست شود
nemanha	نمار
Dātā khrataush	دهنده خرد
hizvō	زبان
raithim stoi	راه - همواره
mahya	بهمن
	اصول دین ، اصول رهنمائی ، روشن
Razeng / rāj = sk / rāj	
Sāhit	بیاموزد

سرود ۵۰ بند ۳

Anhaiti / ah	خواهد آمد
Choist	پیمان کرده ای
Ashoish	برکت ، نام ایزدبانوی سمادت
Aojanha	
Varedayaētā	پیش رفت ، بالیدگی
Nazdishtām	نزدیکترین (خویشان)
gaethām	نمین ، گیتی
	به تصرف در آور ، بده ، به بخش
Bakhshaiti	
dregva	دیویسنی ، ناراست

سرود ۵۰ بند ۴

stavas	ستودن ، ستاید ، $\sqrt{stu} = sk \sqrt{stu}$
	جویندگی ، خواهش
isho / ish = sk / icch	
ā Paithi	بر راه
stanhat / sta	توقف کند ، ایستد
	الهام شده ، آنچه بر ارادت مندید شده -
Ākā aredreng	
Demane Garō	بهشت ، مکان نغمه

nemanhā نماز
hunaretātā هنرمندانه ؛ دانش‌شکفت آور
izayā وجدانی ، اشتیاق باطن

سرود ۵۰ بند ۷

سرود ۵۰ بند ۹

taish vā این بشما
yasnāish سرودها
stavas ستایش
paiti ayeni بازگردم
yadā هرگاه ، چون
vase Khshye کاملاً رسیدم ، یافتم
Mahyā ازمن
پاداش ، هدف ، مرام ، سعادت ، بخت
ashoish درست ، دانش خوب
Hudanaosh – ادراك (y) $\sqrt{dā}$ ، برترین دانش ، بصیرت
ishyās/ish آرزو، خواهش
آرزو، التماس فریاد – \sqrt{geres} بدوستگی سخت
Gerezda $\sqrt{gered} = sk, grdh$
khyēm-Hyem/ah = sk/syam بشو

سرود ۵۰ بند ۱۰

Vareshā می‌ورزم ، ورزیدم
Pairi aish گذشته آینه ، پیش‌وپس
chashmām چشم
arejat ارزش‌مند ، ارجمند
Raocha اشعه (روز)
khveng خورشید
asnam ukhsha دربر آمدن روز

سزاوارترین که خواننده شوید

Zevishtyeng حافظ آزادی ، نگهدارنده آزادی تندروترین
urvato (aurvato) اسپها ، اسپهای فر به
به یافتن ، کامیابی ، پیروزی ، اشاره
Jyaish درآئید، بیائید ، پل ، درآمدن
peretush ستایش پرستش
vahmahye به‌شما
yushmā – Kahya (ای‌مزدای) توانا
ugreng تا که
yaish پیشوای (ما کرده)
azāthā شما بشوید
khyātā (hyātā) یاوران (ما)
avanhē یوغ ، جفت کردن ، \sqrt{yuj} ، می‌پیوندم ، جفت
yaojā میکنم

سرود ۵۰ بند ۸

mat به ، با
padaish قطعه از سرود ، پا ، شعر
vā بشما
Frasrutā شایسته شنیدن ، فرا شنیدن
pairi jasāi نزدیک میشویم
دستها را گسترده ، دست‌ها را بلند کرده ،
ustāna zastō به‌گریدگی ، به اذاعت‌مند ، به ایمان
aredrakhyā

iza chit	ذوق و شوق باطن	aerush	ملازم ، لطیف
antare-charaiti	فعالیت اندرونی	Vahmai	ستایش ، پرستش
vahishtem	بهترین	yacha	آنکه
nu chit	اکنون و همیشه	khashmakai	برای (فر) شما
خواهیم ورزید ، کوشیدن ، ورزیدن			
Vare shāne			

سرود ۵۰ بند ۱۱

سرود ۵۱ بند ۲

Paourvim	از ازل ، اولاً ، از آغاز
Taibya	بشما نمائید ، نمودن ، نشان دادن
Dōisha	$\sqrt{dīsh} = sk/\overline{dis}$
ishtoish Khshathrem	نیروی اراده
Khshmakem	شما
Vahmāi	پرستش ، پرستنده
Savanhō	نجات ، سعادت ، آزادی

سرود ۵۱ بند ۳

Geush	گاو ، گیتی متفق شوند، همراهی کنند ، بهم می‌آیند
Hemyantū	
yōi	آنانکه
shyao thnaish	در کار شما (همراه) هستند
Hizva	آموزش ، سخنان ، زبان
ukhdaish	سخنان
yaēshām	از اینها
Paouryo	از آغاز ، از ازل
ta	تو
	آموزنده بودی ، آموزنده هستی
Fradakhshta ahi	

staota	ستایش
anha	خواهد بود اعلام نمودن ، آشکار کردن =
aojai/uj – ug = sk/uh	
yāvat	تا زمانیکه
dāta anheush	دهنده زیست ، آئین زیست به انجام رساندن ، بجا آوردن ، عملی کردن
aredat/ared = sk/rdh	
	راست کردن ، کامل نمودن ، تکمیل
haithyā vareshtām	
	{ که مشیت ، که اراده که تجدید کامل، چنانکه اراده (ایزدی است) Feroshotemem توانایی دارم و اراده دارم =

Tavacha isai cha

سرود ۵۱ بند ۱

Vairim	گران‌ها ، برگزیده
Bagem	سعادت ، بخشش
	رساندن، آورده شدن، به بهترین صورت نقل میشود
aibi – bairishtem	خود را تقدیم کردن ، بجا آوردن
vidishemnāi	

واژه‌نامه، سرود ۵۱ / ۲۹۷

khshyās خواهی توانست
آشکارکنی ، پدید گردد ، نشان دهد
Chishta
ashivā سعادت بیاورد ، خوشبختی بیاورد

توحد مساعی ، همکاری ، همراهی
Sārentē

سرود ۵۱ بند ۴

سرود ۵۱ بند ۶

vahyō vanheush از به ، بهتر
dazdē میسازد ، میدهد
Hoi rādat او که ایفا میکند
= بخت ، هدف ، بهره ، برگزیدن
Varai √var
akāt ashyō بد ، بدتر
noit vidaiti نمی‌پرورداند
apemē درانجام
anheush زندگی
urvāesē آخر ، واپسین

kuthra کجا
aroiš/ari پسرستانه ، پارسا ، مهربان
Araika در کتیبه بهستون (دشمنی) نفرت ،
دشمنی = √ari
Fseratush پاداش ، محبت ، شبانی
merezdika مهربانی ، آموزش ، بخشش
توجه ، واقع شود ، یاری ، روان
Akhshtat
yaso hyen ashem اشارا خواهند یافت
Spenta پاک
Thwa از تو

سرود ۵۱ بند ۷

Gām tashe سازنده گیتی
apas cha آبها
urvaras cha گیاهها
Tevishi توانائی (روانی)
utayuiti جاوید
پاکترین گوهر ، پاکترین مایه‌نیو، سپنتا مایه‌نیو
Spenishta mainyu
Senghē قضاوت ، فرمان ، سخن ، آموزش
Daidi mōi عطاکن ، بمن بده

vispā همه
Peresas پرسیده
yatha چنانکه
چگونه زندگی اشائی به پرورد
gām vidat ashat
Vastryō یاری ، حمایت ، شبانی
ereshvō نیکان ، نیک ، راست
shyas thnaish کارها
Hās hukhratush دانش نیک یافته
Nemamhā از فروتنی ، از نماز
Dāthaeibyō به دانشمند
آموزنده راستی
Eresh ratum یا ratush

ashavanem راستان ، نیکان

سرود ۵۱۵ بند ۸

سرود ۵۱۵ بند ۱۰

nā مرد ، جوانمرد
میکوشد فاسد کند ، میکوشد بمیراند
merekhshaitē
anyāthā عکس ، دیگر
ahmāt به این
dāmōish دنیایی
hunu=sk sūnu به انگلیسی son فرزند (دروغ = drujō)
duzdā ضعیف‌العقل ، نادان
yōi henti همه این‌چنین
maibyō برای کسانی‌که
gatē /gam— که بیاید (آمدن، رفتن)
Vanhuyā ashi بامهر و سعادت
zbayā خواهد خواند

سرود ۵۱۵ بند ۱۱

urvatho دوست
nā جوانمرد ، مرد
مشورت میکند، هم‌سخن است، ارتباط دارد، پرسد
afrāshta / Peres + ā =
achista مصمم است ، می‌شمارد
magāi نام آن‌چنین زرتشتی
Ereshvō نیکان ، راستان

vakhshye خواهم گفت ، اعلام خواهم کرد
vidushē (mruyāt) به دانستنند
ناراست dregvaitē بدبختی ، بخت بد
akōyā اعتصام ، چسبندگی ، پیوستگی —
Dādrē /dar=sk /dhr
mathra واژه پاک
shyatō شاد خواهد بود
mruyāt خواهد گفت ، اعلام خواهد کرد
ushta روشنائی ، خوردند
mavaiti اعلام میکند ، میگوید

سرود ۵۱۵ بند ۹

yām این ، چه ، که
khshnutem پاداش ، خوشنودی
Rānoibya dā دو گروه مخالف
Thwa athra آتش تو
sukhrā برافروخته ، سرخ
آزمایش سخت ، فلز گداخته
ayenhā khshustā
aibi (نشان میدهد ، اشاره میکند) رهنماست
احساس وجدانی ، احساس روانی، حس باطن
ahvāhū نشان میدهی ، اشاره میکنی
dakhshtem dāvōi
ناراست را dregvantem تیار میکند ، ریش
Rashayenhē میکند
Savayō سعادت خواهند یافت

chinvato Pereta

جائیکه بد از خوب ممتاز میشود ، بل چنود

سرود ۵۱ بند ۱۲

سرود ۵۱ بند ۱۴

urvata-urvatha	احکام
Dātoibyas cha	نیز آئین (داد)
vāstrāt	شیانی - نکهیانی
Gavōi	زمین - جهان تن - مادر گیتی
arem	احترام گذاشتن - فرمان بردن
aroish	به پرستنده
senda(ā)	پوشاندن - فریبنده
senghaish	آموزش ، قضاوت sengho آموزش
apemem	در انجام
drujō demāne	مکان ناراست ، مکان دروغ
ādāt	گذاشتن ، نهادن

Khshnaush	رضایت ، خوشنودی
vaepayō	بمفهوم دشنام این کلمه را مترجم پهلوی غلام باره ، ترجمه کرده ، دورویی ، فریب خوردن
Peretō	درگذشت ، مرور
zemo	جهان ، زمین
urūraost	(کلمه دوم معنی است) کامیاب شدن ، بالیدن ، مانع شدن
ashtō	سایه ، نجات ، پناه
carata s-cha √char	فعالیت ، جنبش ، تحریک ، چربیدن
aoderesh-cha	اشتیاق ، ذوق
zoishenū	خوش
Vāzā	همت ، خلق ، نفس

سرود ۵۱ بند ۱۳

سرود ۵۱ بند ۱۵

choisht √cki-Ki	کنار گذاشتن ، پیمان
para	آنسو
jasat/gam	pouruyō رسیدن ، یافتن =
savaish	سعادت
choishi	قصد ، طرح کردن
mizdem	یاداش ، مزد
magavabyō	برادری مگا
Garō demānē	مکان نغمه ، بهشت

meredaitē	مهمیراند ، تباه میکند
√mered.	مرگ
daena	وجدان ، دین
haithim=sk. satyam	راستی ، راست
erazaosh	راه راست
	خشم - ملامت ، سرزنش =
khraodaiti √khrud=	
Ākā	پدیدگردد ، آشکارشود
hizvas	سخن ، زبان
shyaothanaish	کار ، عمل
	گمراهی ، کجروی ، راه کج ، ناراست
nāsvā √nas=sk. nash - patho	

سرود ۵۱ بند ۱۸

ishtoish	آرزو ، اشتیاق ، ثروت
khvarenō	روشنائی ، فرشاهی
varente \sqrt{var}	پرگزیده ، چیده -
vidō \sqrt{vid}	دانستن ، یافتن
hyat	تا که
	ارادت ، پناهندگی ، پیوستگی -
Rapen \sqrt{rap}	
chishtim	دانش
Daidi	بده ، به بخش

سرود ۵۱ بند ۱۶

Tām	آن ، این
khshathra	(نیروی ایزدی) نیرو
maga	اخوت زرتشتی
nāsat $\sqrt{nas} = sk nās$	یافتن ، رسیدن
padebish	سرود ، نغمه سرائی ، راه
	اندیشید ، طرح کردن ، اندیشیدن
manta \sqrt{man}	
sazdyāi	آموزش ، رهنمائی
ushta	روشنائی ، خورسندی

سرود ۵۱ بند ۱۹

Ahmai	آنان ، به آنان
	خواهید داد ، وقف میکنی خود را میدهی
Dazdē	
ahum	که به زندگی
	درباطن احساس کند ، وجدانا بداند
Daenaya vaedemnō	
ishasas	مینخواهد ، میکوشد
ai bi (ahum)	بسوی زندگی
Dātā	آئینها
mraot	خواهد آموخت ، خواهد گفت
gayehyā	به زندگان
shyaothnaish	به عمل
vahyō	بهر

سرود ۵۱ بند ۱۷

Berekhdhām	قیمتی ، گرانبها
Hvōgvō	نام خانواده جاماسب وفرشادشتره
Daedōisht	نشان دادن ، تسلیم ، اشتیاق
kehrpem	نفس ، تن ، کالبد
Daenāyāi	وجدان ، دین
vanhuyāi	به ، خوب ، پاک
yām hōi	این او را
	خواهش را بدهد ، آرزو بدهد
ishyām dātū	
	اعتصام بخشش ، پیوستن
Gerezdem $\sqrt{gered} - sk.grdh$	
azdyāi	رسیدن ، یافتن

واژه‌نامه - سرود ۵۱/۳۰۱

ashim سعادت
yāsā آرزومندم ، خواستارم ، دعایمیکتم

سرود ۵۱ بند ۲۰

سرود ۵۱ بند ۲۲

Paiti همه ، هر يك
anhare /ahr بودند
henti هستند ، وجود دارند
yazai محترم ، ستوده ، گرامی
بنام خودشان ، بنام خویش
khvaish nemenish
pairi به سوی
در هر نماز : مبدانند یا مایشناسد
yesne paiti Vaeda
jasai خواهام روت ، خواهام رسید
vantā به ارادت
yehyā به او که

Tat ne این‌بما
هم‌جوشر ، یکدل ، هم‌اراده
Hazaoshanhō
در بعضی نسخ vipanho بمعنی همه
vispanho
Daidyai /dā به‌دادن
savō سعادت ، خوش‌بختی
ukhdhā آموزش ، سخن
yaish بدان‌وسیله
آرزومندیم ، خواستن ، آرزو کردن—
chagedo/chag ستایش‌کنندگان ، پرستش—
yazem nanhō /yaz
nemanhā بانماز ، بانیاز
Rafedhrem برکت ، سعادت

سرود ۵۳ بند ۱

ishtish خواهش ، آرزو
sravi کامیاب‌گشت ، شهنیده‌شد
āyapta /āp+a بخشش ، یافته
hvan hevīm = huranhu زندگی‌خوب
yavōi vispāi ā برای همه‌زمان
مخالفت ؛ فریب =
Daben /dab = sk /dabh
sashken /sāk آموختند
Daenayā vanhuya به‌دین ، دین‌به

سرود ۵۱ بند ۲۱

nā ارادت‌مند
spento پاک
hvō او (یقیناً)
chisti اندیشه ، دانش
ukhdaish آموزش ، سخن
shyaothanā عمل‌کار
Daena دین ، وجدان
spinvat می‌گسترده ، می‌افزاید
ashem کاراشارائی ، راستی
dadāt به‌بخشد ، بدهد
Tem vanuhēm برای چنین‌ابزدی

سرود ۵۳ بند ۲

Zi.sk.hi	برای اینکه	جوئیدن، کوشیدن
speredā /spered = sk.Sprdh	غیرت، شوق، باسنجش، عمداً	Scantu /nac-hak = sk/sae
varāni /var	برگزیدم، برگزیدن	khshnum
Fedhroi	یدر	vahmai
	تمییز، تخصیص، سپردن =	Fraoret /ver
vidāt /da + vi = sk vi-dha		
paithyaē	خواجه‌نمان، خداوند، شوهر	
vastryaēibyō	شیابها	
khvaetaovē	خواجگان، بزرگان	
	رخشیدن، درخشیدن -	

khvēnvat /khvan /khvan	
ashavabyō	پیروان راستی
Hanhush	سود، میراث
vanhuyai	خوب، به
yavōi Vispai	جاوید، برای همه‌زمان
dadāt	به‌بخشد، بدهد

سرود ۵۳ بند ۵

sakhēni /sah = sk/saius	فرمان، آموزشی، سخن =
vazyābyo /vaz = sk /vah	به‌هندی بیاه vivaha عروسی
ainim	مطرب، خواننده، گوینده، خواستن،
vademno /vad =	سخن گفتن
/kam	عشق، محبت در فارسی کنونی کنیز
Kainibyō = kaini	

سرود ۵۳ بند ۳

povru-chista	دانش کامل، کهنترین دخت زرتشت
yezvi	کهنترین - وایسین
dudedrām	دخت
paity āstem	اعتماد کامل
taibyo	به آنان
dāt	میدهد
Sarem	اتصال، پیوستگی
atha	بنا برین
Hem Ferashvā	ارتباط، هم‌سخن
thwā	با خود تو
khratwā	فهروی باطن، خرد
spenishta	بهترین، برترین
Hudānū	آگاهی واضح، بینش واضح - الهام

$\left\{ \begin{array}{l} \text{دروغ‌پسند ، نفرت‌کننده از راستی} \\ \text{(dregvōdebyō)} \\ \text{jit aretaeibyō} \end{array} \right.$	nən-cha	ذهن ، سنجش ، تأمل ، تفکر
	mazdazdum	تأمل به نفس پی بردن ، دانستن =
anaish	چنین	Vaēdodūm / vid
manahim	روحانی ، روانی	abyastā / yat + aibi
ahum merengedyé	جان رانیاه میسازد	یا / vah = sk.as + aibi

سرو ۵۳ بند ۷

at.cha	بصورت دیگر	vivenhatv
mizdem	پاداش	$\sqrt{van} = sk \sqrt{van} - vivāsatu$
anhat	هست	Hushenem
magahya	ازمکا	پاداش نیک
yavat	نازمانیکه	hōi
azush	ذوق ، اشتهاق ، جوشش	
zerazdishto	با علاقه‌ترین	
bunoi	بنیان ، اساس ، به‌ویژه	
hakhtayā	جفت (زن‌وشوی)	
paracha	ممنوی ، خواه ، اعلی	
mraochās	عمل‌شود	
aora cha	مادی، جنسی ، ادنی	
(parā) ivizayathā	آیا ترک خواهد کرد	
magem	اخوت‌مکارا	
vayōi	وای	
anhaiti	خواهد بود	
apememvachō	سخن آخر	
yathra	هر کجا	
nāsat	روان است ، وجود دارد	

سرو ۵۳ بند ۶

ithā	در این
haithyā = sk.satya	حقیقت، راستی
narō jenayō	جوانان ، دوشیزگان
rāthemō	کشیش ، رهنما
	بیش ، تصور
spashuthā / spas = sk / spas	سود ، پیش‌رفت =
Fraidim / da + Fra = sk.para + dha	
āyase	خود را علاقه‌مند کردن ، رسیدن
tanvo para	دور از خود
	بار رنج دارند - آنانکه رنج‌متحمل میشوند =
vayū beredubyō / beret = sk.bhrt	
$\left\{ \begin{array}{l} \text{nasat} \cdot \sqrt{nas} \text{ رسیدن ، روان شدن} \\ \text{dush-khvarethem} \end{array} \right.$	روشنائی
	تیره ، ناپدید ، روشنائی ضعیف
khvathrem	روشنائی

سرود ۵۳ بند ۹

Dush-varenaish	با گمراهان، با بدکاران
vaeshō	نفرت
Rasti	رهنماست، میکشاند
Narepiśh	به محکوم نمودن
Arejish	ارجمندان
Aeshayā	بنده خواهشهان نفسانی
jit areta	تحقیر کننده راستی
	در کشمکش تنی، تن آزار دهندگان
Peshō-tanvō	
vyateush	با نیروی روانی او
ish	آنانرا
Himithyāt	مبارزه خواهد کرد
vase-itoish	با کمال آزادی، با همه آزادی
	فوک کرداران، نیکان، نیک زندگی کنندگان
Erezejyoi	
dāhi	میدهی
vahyo	برترین پاداش، بهترین پاداش
Drigasve	افتاده، فروتن

سرود ۵۴ بند ۱

ishyo	گرامی، بسیار مطلوب
Rafedhrai	خوشی، یاری
jantū	بیاید
	مردان، زنان، جوانان و دوشیزگان
nerebyas - nairibyas	
vairim	برگزیده، مطلوب
hanāt mizdem	پاداش میباید
yasa ashim	دعا میکنم برای خوشبختی
	آرزوی (همه) یا بسیار خواسته شده (از همه)
yām ish yam	
masatā	و میدهد یا خواهد داد

سرود ۵۳ بند ۸

anaish	به این ترتیب، چنین
	بدور زندگان - بدکاران
Duz-vareshnanhō	
	سزاوار فریب \sqrt{dab} فریب میخورند
Da fsh nyā	
Hentu	\sqrt{ah} خواهند بود
Zakhyā	sk.hasya استهزاء
	خود را سرزنش خواهند کرد
khraosentāmupā	
	نیک پیشوایان - راهنمایان نیک
Hukhshathraish	
jē-narām	دوشیزه - جوانان
Rāmām	آرام، امن
dadātū	بدهد
sheitibyō	\sqrt{shya} خوشی، شادی
vizibyō	\sqrt{vis} مردم، شهر -
	ناپدید شدن، رفتن
iratu ish	$\sqrt{ar-sk}$ \sqrt{ar}
Dvafshō	رنج، درد
	بستن - \sqrt{aarez} مسلط، پیروز، بندش، زنجیر
Dereza	
merethyaush	پیروز بر مرگ
mazishstō	برترین
moshū	sk mokshō زود، سریع
astu	باز گردد، بیاید

پایان نامه

به اهورمزدا نماز بر دم (ویاری خواستم)
اهورمزدا مرا یاری فرمود
هفده سرود ستایش - یا ۱۷ها.

این است ترجمه و تفسیر هفده یسنا که از میان هفتاد و دو یسنا انتخاب شده اند و در زمان مختلف الهام گشته اند. هم چنانکه بوسیله این سرودها زرتشت ملت آریانزاد را براه راست رهنمائی فرمود، اینها اکنون هر گاه میخوانیم نام زرتشت را در ذهن ما زنده میکنند. بنابراین لازم نیست بدانیم زرتشت کجائی بود چه، زمانی بود، پدرش که بود، مادرش کجائی بود. کافی است در نظر آوریم که این سرودها را یکی سرائیده و هدفی داشته و نام بالقب او زرتشت را به معنی روشنائی زرین خورشید بوده و چنانچه هفده سرود را موجود می بینیم و میخوانیم و می سنجمیم یقین داریم که گوینده آنها زرتشترا نیز وجود داشته.

ترجمه و تفسیر سرودهای گاتا از نگارنده منحصر به این نامه نیست بلکه در نامه های دیگر نیز انتشار یافته از جمله:-

- (۱) در ایران نامه - جلد اول - تاریخ ایران عصر هخامنشیان که در سال ۱۹۱۳ نوشته آن آغاز شد و در سال ۱۹۲۵ انتشار یافت - اکنون کم یاب است.
- (۲) در ایران نامه، عصر اشکانیان. در سال ۱۹۲۱ ش - ه از جانب وزارت فرهنگ ایران انتشار یافت.

(۳) کیش زرتشتی - عصر ساسانیان در سال ۱۲۵۰ به چاپ رسید.

(۴) عصر اوستایی . در سال ۱۹۵۰ ش - ه. به طبع رسید

(۵) در تألیفم بنام out lines of islamic Culture

(۶) در نونوشت ایران نامه - جلد اول - به افزودن برخی مطالب و تصحیح بعضی

دیگر - این نامه هنوز به چاپ نرسیده و در سرود ۴۳ بنداول میفرماید: -

(آفریدگار همه موجودات) روشنائی به او می بخشد که او نیز به دیگران برساند
و ذهن آنها را روشن سازد و اینک امانتی که یافتیم خوانندگان گرامی کردم امیدوارم
که آنچه میخوانند از بنده ندانند بلکه از اوستا که نزد آنها گرامی است
سپاس گزارم از آقایانی که در طبع این نامه بنده را یاری و همراهی فرمودند به
ویژه آقای دکتر فریدون ورجاوند که اگر ایشان همراهی نمی کردند و دوست عزیز
خود آقای رستم سروری را به دادن مصرف طبع تشویق نمی نمودند این نامه وجود
نداشت.

و آقای هوشنگ خرمی که جوانی است پاك سیرت که تصحیح و تنظیم چاپ
کتاب به ایشان واگذار شده بود.

به سپاس و ستایش اهورامزداى مهربان عرض خود را پایان میدهم

ع. شوشتری مهرین

شهریور ۱۳۵۴

(۷) سَعِ . فَاغِ . وَبَطْنِ سَعِ . عَدَدِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ .
 سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . فَاغِ سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ .
 سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ .
 سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ

ترجمه: و یقیناً جفت خواهم کرد شما (ای) حافظ آزادی و سزاوارترین که خوانده شوید و به ستایش شما ای مزدای توانا و اشا و وهومن تا که پیشوای ما شده یاوران ما گردید.

توضیح: ترجمه علامه بارتلومه چنین است . برای شما جفت خواهم تندرتین اسبهای فربه و نیرومند را بوسیله ستایش شما و گویا مقصود از آن به دلکشترین عبارت شمارا ثنا خواهم گفت تا که شما ای مزدای توانا و اشا و وهومن مارا راهنمایی بکنید و یاور ما گردید.

(۸) سَعِ . فَاغِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ .
 سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ .
 سَعِ . فَاغِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ .
 سَعِ . فَاغِ . فَاغِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ . سَعِ سَعِ سَعِ سَعِ

ترجمه: ای مزدا! با سرائیدن سرود پر ذوق (وجدانی) شایسته شنیدن، هر دو دست را بلند کرده بانماز ارادت مندانه بوسیله اشا و دانش شگفت آور وهومن به شما نزدیک میشوم.

خلاصه سرود ۵

در برخی از سرودهای گاتا پیمبر آرزوی خود را بیان میکنند و در بعضی پرسشی میکنند و خود پاسخ میدهد یا پاسخ را به شنونده آن واگذار مینماید. از جمله در آغاز این سرود از اهورا مزدا میپرسد که کدام کس یاور او و پیروان او خواهد شد و در پاسخ میگوید که اشایعی راستی و نظم و وهومن یا بهترین بینش بشرطیکه آنها به نیت خالص خوانده شوند و در قطعه دوم میپرسد چگونه جای امن و جامعه ایرانی محیط راستی و درستی خواهد شد و پاسخ را به خواننده واگذار می‌کند و جایی میخواند که بر آن خور بتابد و افراد جامعه آسوده زندگی کنند و به امن خاطر به وظایف زندگی برسند. جهان تن که در دیگر ادیان جای دردورنج است برای زرتشت آورنده شادی است و پیمبر امیدوار است که ارمایی با اشا و خشترو وهومن بسوی او خواهند آمد و از یاری ایزد بانسوی خوش بختی پیش خواهند رفت. میفرماید ای مزدا! تنها ترا میستایم و میپرستم و آرزو مندم که جوینده تو به راه راست گام بردارد و به آنچه بر من ارادت مند تو پدید شده گوش دهد ای مزدا! تو از جهان بلند برای ما شادی می‌آوری و یاری تو آشکار و اشاره‌های تو ما را بسوی روشنائی رهنماست. نظر پیمبر ایران همواره بر الهام ایزدی است و تمنا میکند که آنچه او میگوید به الهام ایزدی باشد. میگوید ای مزدا! تو انا! ترا به دلکش‌ترین عبارت ستایش میکنم تا با اشا و وهومن ما را راهنمایی کنی و یاور ما گردی و هر دو

دست را به نیاز و نماز بلند کرده امیدوارم که بوسیله اشا و دانش شگفت و هومن
بشما نزدیک شوم و به سرود ستایش بسوی شما بازگشته هرگاه کاملاً به مرام خود
رسیدم آرزومندم که دارای دانش عالی گردم آنچه در گذشته گفته‌ام و در آینده خواهم
گفت امید که به الهام و هومن باشد در بر آمدن روز و تجلی اشعه لطیف خور هم
عظمت و فر شما را ستایش میکنند و در پایان عرض میکنند که همواره اهور مزدا
را خواهد ستود و تا زمانیکه اشا و خشر ایزدی اراده مرا نیرو میدهند در تبلیغ
دین بهی که از الهام ایزدی یافتم خواهم کوشید و کامیابی وابسته به مشیت ایزدی
است .

سرود ۵۱ بنام وهو خشترا

منحصر به یک سرود است در ۲۲ قطعه و هر قطعه در ۶ پادا که مجموعاً ۱۳۲ پادا میشوند و هر پادا در هفت سیلاب گفته شده.

(۵۱ سرود است. سرود است. ۵۱)

سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است.

سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است.

سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است.

سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است.

سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است.

سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است.

سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است. سرود است.

ترجمه : نیروی ایزدی گران بهاست. و بخششی است آسمانی فرو آورده شده ای مزدا. او که در کارها ذوق کامل دارد و باطن او اشاست بوسیله عمل (به بلند ترین مقام میرسد) (و برای) چنین زندگی اکنون و همیشه خواهم کوشید. (یا خواهم ورزید) .

توضیح: خشترا یعنی نیروی ایزدی به هر که رسید او نعمت گران بها یافت و باطن او توانا شد. اگر خوش بخت باشد به نوع خود خدمت میکند و تنها از عمل

اهورا شما از ازل آموزنده هستی .

توضیح: برای آبادی گیتی بشر باید به فرمان اهورمزدا (که بوسیله طبیعت پیوسته) آشکار میشود همراهی کند. اشا یعنی راستی و نظم گوئی زبان اهور است که سخنان یا آموزش دین را بوسیله وهومن یعنی دانش ایزدی برمیگوید و از ازل آموزنده اصل اهورمزداست .

(۴) ورتا ائس . سدا چا دوند . سدا دند ائس دوند .

ورتا ائس . ائس ائس و دوس . سدا دند ائس .

ورتا ائس . و سدا چا . سدا دند . سدا دند .

وچ . دند ائس . سدا دند ائس دوند .

ورتا ائس . سدا چا . سدا دند ائس دوند .

ورتا ائس . سدا دند . سدا دند ائس . سدا دند .

ترجمه : کجاست محبت صمیمی به پرستنده تو و کجا مهربانی روان است و کجا اشا را خواهند یافت و کجا ارمایتی پاک را و (بهترین منش) وهومن را وای مزدا! (خشتر) اراده توانای تو را .

توضیح: به مهر و مودت و پاکی و نظم و بهترین منش و اراده توانا کارها نیک و منظم میگردند. پیمبر این صفات را از اهورمزدا برای جامعه آرزو میکند .

(۵) سدا دند ائس . سدا . سدا دند ائس . سدا دند ائس .

سدا دند ائس . سدا دند ائس . سدا دند ائس .

سدا دند ائس . سدا دند ائس . سدا دند ائس .

سدا دند ائس . سدا دند ائس . سدا دند ائس .

سدا دند ائس . سدا دند ائس . سدا دند ائس .

سدا دند ائس . سدا دند ائس . سدا دند ائس .

ترجمه : همه اینها را پرسیده (میخواهم بدانم) چگونه زندگی اشائی را

به پروردشسانی که کارهایش بر راستی باشند به فروتنی دانش نیک را یافته .
تنها (اوست) که خواهد توانست به دانشمندان آموزنده راستی شده خویش
را آشکار کند و سعادت بیاورد .

توضیح: در این قطعه گویا سطر اول پرسش و سطرهای بعد پاسخ آن هستند
پرسش این است که چگونه میتوان در جامعه زندگی اشائی پدید کرد و نگه داشت در
پاسخ میفرماید تنها اوست که به نماز و فروتنی دانش یافته میتواند خود را آشکار
کند و آموزنده راستی و درستی به دانشمندان گردد و برای جامعه سعادت و خوش بختی
بیاورد. بگفته مولانای بلخی تا آموزنده نیک نباشد نمیتواند نیکی بیاموزد پس به هر
دستی نمیشود دست اطاعت داد و او را به رهبری پذیرفت .

(۶) ۴۳۰ . ۴۳۱ . ۴۳۲ . ۴۳۳ . ۴۳۴ . ۴۳۵
۴۳۶ . ۴۳۷ . ۴۳۸ . ۴۳۹ . ۴۴۰ . ۴۴۱
۴۴۲ . ۴۴۳ . ۴۴۴ . ۴۴۵ . ۴۴۶ . ۴۴۷
۴۴۸ . ۴۴۹ . ۴۵۰ . ۴۵۱ . ۴۵۲ . ۴۵۳
۴۵۴ . ۴۵۵ . ۴۵۶ . ۴۵۷ . ۴۵۸ . ۴۵۹ . ۴۶۰ . ۴۶۱ . ۴۶۲ . ۴۶۳ . ۴۶۴ . ۴۶۵ . ۴۶۶ . ۴۶۷ . ۴۶۸ . ۴۶۹ . ۴۷۰ . ۴۷۱ . ۴۷۲ . ۴۷۳ . ۴۷۴ . ۴۷۵ . ۴۷۶ . ۴۷۷ . ۴۷۸ . ۴۷۹ . ۴۸۰ . ۴۸۱ . ۴۸۲ . ۴۸۳ . ۴۸۴ . ۴۸۵ . ۴۸۶ . ۴۸۷ . ۴۸۸ . ۴۸۹ . ۴۹۰ . ۴۹۱ . ۴۹۲ . ۴۹۳ . ۴۹۴ . ۴۹۵ . ۴۹۶ . ۴۹۷ . ۴۹۸ . ۴۹۹ . ۵۰۰

ترجمه : او که خود را بهتر از به میکند و او که هدف و نیت (تنی) را ایفا
مینماید او از اهورمزدا توانائی (خواهد یافت) ولی او نمی پروراند زیست (گیتی تنی)
را آخر در پایان زندگی بدتراز بدخواهد شد .

توضیح: وظیفه بشر در این است که زندگی و صورت جامعه را از به بهتر
سازد و به این ترتیب هدف زندگی تنی را ایفا نماید تا اهورمزدا او را خشنود یعنی
نیرو عطا فرماید و او را بر نفس خود خداوند سازد ولی او که بد را بدتر میکند و
وظیفه زندگی تنی را بجا نمی آورد و مادر گیتی را به آبادی و شادابی یاری نمی نماید
و در آن حال که از جان میگذرد به پاداش کار بد خواهد رسید .

(۷) وندوب. هچار. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.

ترجمه : ای مزدا ! تو که سازنده گیتی و آب و گیاه هستی هروتات و امرتات را بمن وسیله سپنتا ماینیو عطا کن و نیز بوسیله وهومن جاوید نیروی روانی و زندگی نو چنانچه در آموزش تو آشکار شد .
 توضیح: هروتات و امرتات یعنی تندرستی و زیست جاوید را آرزو میکند که اهورمزد بوسیله سپنتا ماینیو به او عطا کند و بوسیله وهومن یعنی دانش ایزدی جاوید توانائی روانی و از کیش مزدیسنی که زندگی نو نامیده چنانچه به الهام ایزدی بهشت زرتشت رسیده آگاه سازد .

(۸) ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.
 ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس. ساس.

ترجمه : اکنون از جانب توای مزدا ! بر میگویم (آنچه) یکی به دانشمند باید بگوید که ناراست را بخت بدتهدید میکند و به او که با اشاست و راست است خورسندی (روشنائی) می آورد و تنها او از واژه (ماترای) پاک شاد خواهد بود که

به دانشمند برگوید .

توضیح: پیمبر میفرماید که از جانب اهورمزدا اعلام میکنم که :

- ۱- ناراست رابخت بدتهدید و بهراست روشنائی (وجدانی) میبخشد .
- ۲- تنها مردیکه واژه پاک را به مردم دانا برمیگوید دانا وشاد خواهد بود .

(۹) سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .
 سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ . سسپو۶ .

ترجمه : پاداشیکه ای مزدابوسيله آتش سرخ (برافروخته) به دو گروه (مخالف) بوسيله آزمایش (سخت) فلز گداخته میدهی رهنماست به زندگی وجدانی (ما) که ناراست را تباه میکند و بهراست سعادت میبخشد .

توضیح: آتش برافروخته یا فلز گداخته را باید بمفهوم آزمایش سخت و رنج آور گرفت که به دو گروه مخالف در کشمکش میرسد و هر کدام که در آن شکیبائی ورزید و تحمل کرد کامران و سعادت مند و هر که نتوانست تحمل گردد تباه خواهد شد.

(۱۰) سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .
 سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس . سس .

ترجمه : مردیکه میکوشد (جامعه را) بمیراند (فاسد کند) بر ضد این

(۱۲) ز حَیْ طِبِّ مَرْوَمٍ . نَبِطٍ عَمَّ نَبِطِ . وَاذْ عَمَّ نَبِطِ .
وَأَعْمَ نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .
نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .
نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .
نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .
نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .

ترجمه : خوشنود نباشد زرتشت اسپتاما از (روش) فریبانه کوی درمروراز
این جهان زیرا که او (به اندیشه اش) نجات را (تنها در اعمال) دنیوی میداند
(در صورتیکه) آن به فعالیت ذوق روانی پرجوش میسر میشود .
توضیح: سرودگویان کوی عقیده داشتند که ثروت و خوش گذرانی بهترین
راه زندگی است و زرتشت اسپتاما این طریق رانمی پسندید بعقیده او اعمالی باید
وجدانی و به ذوق و جوشش روانی بجا آورده شوند در صورتیکه کوی یکپارچه مادی
بودند زرتشت جنبه معنوی را می پسندید .

(۱۳) نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .
وَأَعْمَ نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .
نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .
نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .
نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .
نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ . نَبِطِ .

ترجمه : به این ترتیب ناراست تباه میکند وجدان خود را به (نیافتن)
حقیقت راه راست که چون بر او پل چنود پدید گردد روان او سرزنش خواهد کرد
(واو) به عمل و به زبان (سخن) خویش از راه اشا منحرف شود (و گمراه

(۱۹) نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.
نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.
نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.
نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.
نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.

ترجمه : بنابراین ای میدیه ای ماه شخص خود را اسپتاما به اوتسلیم خواهد کرد که وجداناً احساس کند هر که بسوی زندگی (راست) میکوشد آئین مزد را به زندگان بهتر به عمل خود (تا به سخن) می آموزد .
توضیح: اینکه رهبر باید به عمل آموزشی خود را به ثبوت برساند و آنچه از خوبی به دیگران میگوید خود او نیز عمل کند. میدیه ای ماه (ماه بدر) فرزند ارستی و عموزاده زرتشت نخستین شخصی بود که به کیش بهی گروید نام پسر او اشاستوبود .

(۲۰) نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.
نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.
نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.
نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.
نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ. نه دژ.

ترجمه : (شما) هم اراده باشید به ما همه به دادن خوش بختی (و به دادن) اشا (راستی و درستی) و آموزش و هومنی که از آن ارمانی (تسلیم و اطاعت) می بالد (ما) پرستش کنندگان بانیا از آرزو مندیم که چنین سعادت از ما (بیایم).
توضیح: خطاب به امشاسپندان هست که هم اراده شده به پیروان زرتشت

خوش بختی ، راستی و دانش و هومنی به بخشند و چنین سعادت را از مزدا آرزو داریم .

(۲۱) سدا نسه سدا چا دن بد . سدا . ددو سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .

ترجمه : ارادتمند ارمایتی پاک است - او به دانش (اندیشه) و سخن و عمل و وجدان اشا (راستی) را می افزاید و (اورا) اهورا به وسیله و هومن خستر (نیرو) می بخشد و برای چنین سعادت دعا میکنم (خواستارم) .
 توضیح : ارادت مند ارمایتی (تسلیم و رضا) باید پاک باشد چه در اندیشه و چه در سخن و چه در کار و وجدان و راستی را (در جامعه) بیافزاید و (نیکو منش را) اهورا دانش و نیروی ایزدی می بخشد و من چنین سعادت را (از او) خواستارم .

(۲۲) سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .
 سدا چا دن بد . سدا چا دن بد . سدا چا دن بد .

ترجمه : من اورا که بوسیله اشا و هشت همه ستایش مزدا اهورا رامیدانند در هر نماز چه آنها که بودند و چه آنان که وجود دارند به نامهای خودشان ستوده گرامی خواهم داشت و به ارادت به آنان خواهم رسید .
 توضیح : در این قطعه برخی از واژه های دعای ینه هاتام yenne hatam گفته شده اند گوئی متمم دعای نامبرده است (رجوع شود به دعای ینه هاتام) .

(۱۵) ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.
 ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.
 ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.
 ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.
 ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !
 از آنجا یگه بوسیله اشا تو توانا هستی که اینها (ناراستان) را از من دورسازی
 چون سپاه نیک و بد بهم میرسند و هر دو تورا به یاری میخواهند بنابراین آئینها که از
 تو هستند ای مزدا کجا و به کدام یک از این دو گروه پیروزی خواهی داد .
 توضیح : عبارت این قطعه مناجات است، زرتشت از اهور مزدا میخواهد
 که مزدیسنان را بردیویستان پیروزی عطا فرماید .

(۱۶) ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.
 ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.
 ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.
 ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.
 ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲. ۳۴۲.

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !
 که پیروز خواهد شد در نگهداشتن آئین تو ای استاد دانا و شفا دهنده روان

(۱۳) مسمی. ککس. نءءءء. ءءءء. ءءءء. ءءءء. مسمی. مسمی.
 وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء.
 وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء.
 وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء.
 وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء.

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !
 چگونه از ناراستان دوری کنیم آنانکه ایمان ندارند و نه همرنگی اشارا
 میجویند و نه به نزدیکی ازوهومن خوشنود گردند.
 توضیح: از مخالفین دین بهی که ناراستان یادبو یسنی نامیده شده بودند
 به اندازهای باید دور شد که آنها را اشای یعنی راستی و درستی و نظم و ازوهومن عقل
 و دانش دور شده اند و ارتباط ندارند.

(۱۴) مسمی. ککس. نءءءء. ءءءء. ءءءء. ءءءء. مسمی. مسمی.
 وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء.
 وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء.
 وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء.
 وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء. وءءء.

ترجمه: آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا !
 ای مزدا! چگونه ناراستان را بدست اشا سپارم تا بوسیله واژه مقدس (ماترا)
 پاک شوند و (آمال باطل آنها) کاملا خنثی گردد و آزار و دشمنی دور شود .
 توضیح : اشای یعنی راستی و درستی و زیست واقعی بوسیله واژه مقدس
 که آموزش مزدیسنی است دور گردد و آمال بدناراستان نسبت به مزدیسنیان خنثی شود.

توضیح : چون یکی را خداوند به وظیفه بزرگ رهبری روانی برمیگزیند در او توسط ارمایته استعداد پیدا میکند که آن وظیفه را درست بجا آورد و ضمناً مخالفین نیز پدید میشوند و البته آنچه آنها میگویند و تصور میکنند الهام ایزدی نیست بلکه اغوای اهریمنی است و قصدشان اصلاح نیست بلکه خرابکاری است .

(۱۲) س... س... س... س... س... س... س... س... س... س...
 و... و... و... و... و... و... و... و... و... و...
 و... و... و... و... و... و... و... و... و... و...
 و... و... و... و... و... و... و... و... و... و...
 و... و... و... و... و... و... و... و... و... و...

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!

میخواهم بدانم که پیرو راستی است و که پیرو ناراست است که با او هم سخن شوم (دلبازم) کدام جانب را بگیرم آیا او که قربانی بدی است یا او که خود بدکار است. پیرو ناراستی که خود را بر ضد بخشش سعادت قرار داده است؟ آیا چنان کس (چنانکه) این می پندارد (مانند) بدکار است .

توضیح : چون دو تن بلند می شوند و ادعای رهبری میکنند امتیاز دادن میان آنان تنها به عقل سلیم ممکن است. یکی هست که بد نیست ولی به اغوای بدان از راستی منحرف و از سعادت ایزدی محروم میشود، آیا او نیز از بدکاران شمرده میشود؟

(۱۰) مَسْجِدٌ مَكْرَمٌ رَافِعٌ دَنَسٌ اَئِوَيْدٌ هَجْرٌ جَانِبٌ نَسِدٌ نَسْرٌ اَسِدٌ
 مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ
 مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ
 مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ
 مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!
 آن چه دینی است که از همه دینها برای همه موجودات بهترین است و آنکه
 به الهام ارمایتی اعمال ما را رهنما خواهد شد به حقیقت (راست) این است تمنای عقلم ای
 مزدا (نشان دهی آنرا) که بسوی توباز میگردد.
 توضیح : دین راست و عمل راست آن است که به سوی راستی و حقیقت
 که مزدا باشد باز گردد .

(۱۱) مَسْجِدٌ مَكْرَمٌ رَافِعٌ دَنَسٌ اَئِوَيْدٌ هَجْرٌ جَانِبٌ نَسِدٌ نَسْرٌ اَسِدٌ
 مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ
 مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ
 مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ
 مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ مَسْجِدٌ

ترجمه : آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا!
 چگونه ای مزدا به آنانکه دین توبه دلشان الهام شده ارمایتی درمی آید و برای
 این وظیفه از آغاز آشکارا از تو من شناخته شده ام ولی دیگران هستند که به نظرم از
 روح مخالفت بمن (ملهم شده اند).

توضیح : در این قطعه میفرماید که سکون باطنی که بزبان عرفا وجد و مستی باشد چگونه بیابد و آموزش درست که بر طبق اراده و هومن و اشا و هدف زندگی است و نیز بلندترین مقام روانی که سوی آن باید پیش رود .

(۱) نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد .
 و نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد .
 نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد .
 نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد .
 نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد . نرسد .

ترجمه : آن از تومی برسم راست بمن بفرما ای اهورا .
 چگونه همه وجدان خود را به پاکی وقف کنم . وجدانی که خداوند برترین
 دانائی خشنور را مینماید (بنابراین) ارادت مند تو تمنادارد ای مزدا که با خشنور بلندو
 با اشا و با و هومن در مکان تو که بهشت برین است جایابد .
 توضیح : این قطعه نیز مفهوم عرفانی دارد . میفرماید برای اینکه به اعلا ترین
 مقام روانی جایابد ، باید وجدان خود را به پاکی و نا آلودگی تسلیم نماید و تنها با وجدان
 پاک میتوان به مکان ایزدی رسید .

متوجه میسازد که در آنها تأمل و تفکر نماید و به آن دانا گردد و به دانستن آن بعظمت
پروردگار پی برد.

(۴) ...
...
...
...
...
...

ترجمه: آن ز تو پرسم - که زمین را از آسمان جدا نگه داشته و که آبها را
و گیاهها را و که به باد و به ابر پر از بخار (تیره) تندروی بخشید و که ای مزدا!
آفریننده و هومن است.

توضیح: تسلسل افکار قطعه گذشته میباشد. نکته مهم این است که امشاسپندان
را اگر صفات ایزدی تصور بکنیم بنا بر قطعه سوم و این قطعه اشاو و هومن یعنی
نفس کل و عقل کل هر دو آفرینش ایزدی و از ذات ایزدی جدا و حقیقت ذات کاملاً
دور از ادراک بشر است.

(۵) ...
...
...
...
...

ترجمه: آن از تو میپرسم راست بمن بفرما ای اهورا

(۲) کونسه. ن (ا) دسه. ا (ا) نده. ا (ا) نده. کونسه. ن (ا) دسه. کونسه. ن (ا) دسه.
 و (ا) نده. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه.
 و (ا) نده. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه.
 ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه.
 ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه.

ترجمه : آن پرسم از تو راست به من بفرما، ای اهورا چگونه برای برترین انجام زندگی پاك يکي بکوشد، او که یقیناً يك روان پرتمنای دیگر را رهنماست که کامیاب گردد زیرا او یقیناً بواسطه اشا گل همه (بشریت) پاك است و نگهبان به نفس و روان شفا دهنده و دوست است ای مزدا.
 توضیح : مفسرین در ترجمه این اختلاف کرده اند زیرا به عبارتی بیان شده که به معانی مختلف میتوان ترجمه کرد.

(۳) کونسه. ن (ا) دسه. ا (ا) نده. ا (ا) نده. کونسه. ن (ا) دسه. کونسه. ن (ا) دسه.
 و (ا) نده. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه.
 و (ا) نده. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه.
 و (ا) نده. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه.
 و (ا) نده. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه. ن (ا) دسه.

ترجمه : کدام کس آفریننده و نخستین پدر معنوی اشا است و کدام کس راه (فلک) خور و ستارگان را ساخت و که به نوبه هلال (و بدر را هلال) میسازد اینها و نیز دیگر چیزها ازهای طبیعت را ای مزدا! میخواهم بدانم از تو.
 توضیح : از این پرسشها خواننده (یا شنونده) را بسوی مظاهر طبیعت

از خشتری یعنی نیروی ایزدی به مام برسد. باید با کلمه مقدس (ماترا) دلیرانه با آنچه بد است مبارزه کنیم. خطاب به اهورمزدا عرض میکند که تنها تو را به پاکی میشناسم و عقل با وجدان و سکوت و سنجش روان مرا توانا میکند. رهبر دین نباید که از ناراستی که باراستی دشمن است بترسد، و در قطعه شانزدهم به اهورمزدا عرض میکند که اکنون ترا پروردگار خود برگزیده‌ام اشای پاک ما را زنده (جاوید) میسازد و توانائی می‌بخشد و ارمایتی (تسلیم و رضا) و خشتر (اراده ثابت) چون روشنائی خورشید بر وجدان مامی تابند و اعمال ما را برکت میدهند.

در این سرود یک دنیا افکار عرفانی گنجانیده شده‌اند که در این خلاصه تفصیل آن دشوار است.

وراستی و از وهومن عقل با وجدان می‌بایم. در قطعه پنجم اشاره میکند که اهورمزد خیر محض است آغاز و انجام ندارد و دهنده سزا و جزاست و هر که سوی اورهسپار است نیروئی نیست که مانع گردد در آن مقام که روان بشر به حضور ایزدی پذیرفته میشود مکان روشنائی و توانایی و دانش است و ارامیتی ما را رهنماست. قطعه هفتم کاملاً عرفانی است میفرماید چون وجدان پاک باشد گوئی آئینه‌ایست که وهومن یعنی عقل کل و روان تجلی نموده پرسشهای ما را می‌شنود و پاسخ میدهد در رفتار نسبت به خویشان و نزدیکان و افراد جامعه همواره به وجدان باید رجوع کنیم و فرمان از او بگیریم. در قطعه نهم زرتشت عرض میکند بشری هستم بنام زرتشت و از ازل زمانیکه هنوز تن مستعار دنیوی را نداشتم پیمان نهادم که نیکی را دوست دارم و با آنچه بد است مبارزه کنم و در آن کار از نیروی ایزدی یعنی خشر یاری جویم، گوهر راستی و نظم در باطن من تجلی کند و به اشاره‌های او اعمال خود را بسنجم پس به سخن در آیم و در پایان عملی سازم من آتش پاک ایزدی را که در هر روان وجود دارد نماز می‌برم و آئین ایزدی را گواهی دارم. در قطعه دهم از اهورمزدا خواستار است که او را بسوی راه راستی و درستی رهنما گردد و اعمال او را به تسلیم و رضا هم آهنگ سازد و ما را در کشش و کوشش اعمال تنی بیازماید و ما نیز بکوشیم که در آزمایش کامیاب گردیم و در آخر میفرماید راست بانا راست هم رنگ نمیشود و در نتیجه بدی و زشتی بانیکی همیشه در جنگ و ستیز است. در قطعه دوازدهم همین افکار ادامه دارد میفرماید باید اشاره‌های اشارات عملی کرد گرچه درك کردن اشاره‌های او آسان نیست و باید دانست چه اشاره هست که باید عملی بشود و چه اشاره هست که باید عملی ترك گردد و در این کار سرش ما را رهبر میشود در صورتیکه رهبانهای مسیحی و مرتاضین هند از زندگی تنی فرار میکنند و آنرا مصیبتی و دردی تصور مینمایند زرتشت در قطعه سیزدهم زندگی دراز را طالب است و می‌خواهد که نیروی ایزدی یعنی اراده توانا اهورمزد به او بخشد تا در زندگی طولانی مظهر مشیت ایزدی شود. در قطعه چهاردهم میفرماید برترین سعادت یافتن دانش است که بوسیله اعمال نیک

خلاصه سرود ۴۳

این سرود به مناجات آغاز میشود و در دو قطعه آخر به اصول زرتشتی اشاره شده یعنی:

- ۱- بگانه پروردگار اهورمزداست.
- ۲- اشایعی نظم و راستی است که وسیله تندرستی و سکون ذهن میشود.
- ۳- وهومن عقل یا وجدان است که ذهن ما را روشن میسازد و روان را از آلودگی پاک میگذارد.
- ۴- ارمایتی تسلیم و رضا است که وسیله سکون و آرام باطن است.
- ۵- خشتر، تقویت اراده هست، بشر هر چند آرزو مند باشد که نیک گردد تا اراده قوی داشته باشد مر او را در نمی یابد. در قطعه اول میفرماید: اگر میخواهید از خداوند روشنی بیابید بهمنوع خود روشنی بدهید. حضرت مسیح بعد افرموده خداوند بخطاها ما را به بخش اگر مانیز از خطای هم نوع خود در گذریم دیگر در این قطعه میفرماید پیش رفت در امور تنی و پاکی روانی درنگه داشتن آئین اشایعی راستی و نظم و درستی است از ارمایتی مقصود تسلیم و رضا است که ما را توفیق یافتن سعادت می بخشد و آتش ایزدی پاکی باطن است و میفرماید هر جوینده یا بنده است اگر ما برای رسیدن به حقیقت و برای دانش به رمز زندگی تنی صمیمانه بکوشیم و اعمال راست را وسیله سازیم روزی خواهد رسید که به هدف برسیم اعمال ما باید بامشیت ایزدی و اشاره های طبیعت هم ساز و هم آهنگ باشند و این افکار در سه قطعه به عبارت شاعرانه بیان شده اند. در قطعه چهارم می فرماید دهند آرزوهای نیک ما اهورمزداست و بوسیله آتش یعنی ذهن روشن و پاک و اشا روح نظم

سرود چهل و سه / ۱۳۳

میباشد و هرگز نباید رهنمای (دین) ناراستان را خوشنود سازد زیرا که آنان نیکان (مزدیسنان) را دشمن خود می‌پندارند.

توضیح: دو سطر اول و دوم این قطعه تکرار قطعه هفت است باقی آنچه فرموده و واضح است جنبه عرفانی دارد. دو نکته مهم فرموده یکی سکوت و مراقبه که بهترین وسیله پاکی و رشد روانی است دوم نباید بامنکران حق ساخت و آنان را به سخنان دوستانه خود خوشنود نمود زیرا که آنان هرگز حقیقت را دوست ندارند و نیکان (مزدیسنان) را دشمن خود می‌پندارند.

(۱۶) سبب سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید
سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید
سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید
سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید
سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید سبب در آید

ترجمه: پس ای اهورا! زرتشت روحی را برگزیده که از تو هست و آن پاکترین است. آیا اشای مجسم پراز زندگی تو و پر از توانائی برای ما بشود و ارمایتی و خشنتر چون خورشید تا بنده (در باطن ما جا می‌گیرند) و ارمایتی از وهومن ملهم شده به اعمال ما برکت دهد.
توضیح: عبارت قطعه واضح است.

(۱۴) نردنمغ. س. لارند. واسووعو. رنددند. وندوب. س.
 سدرر. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس.
 نردنمغ. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس.
 سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس.
 سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس.

ترجمه: آنچه جوانمرد و خداوند به دوستش میدهد ای مزدا برکت دانش تو هست که از خشتر و تو بوسیله اش فراهم میگردد و همت میبخشد به صف بندی و دفاع دلیرانه به پشتیبانی از آموزش تو به یاری آنانکه به ما ترا یعنی فرمان تو توجه میدهند.

توضیح: جوانمرد اوست که سعادت دانش ایزدی که از خشتر بوسیله اش به مردم میرساند تا در دفاع از آموزش صف صف بندند و دلیرانه دفاع کنند با همراهی آنانکه به ما ترا یعنی فرمان ایزدی تسلیم شده اند.

(۱۵) نردنمغ. س. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس.
 نردنمغ. س. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس.
 وندوب. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس.
 سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس.
 سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس. سسوس.

ترجمه: ای مزدا اهورا! تو را به پاکی میشناسم چون وهومن مرا فرا گرفت (درآمد).

من آموزد که برای بالیدگی (روانی) بهترین (وسیله) مراقبه و سکوت

(۱۲) نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم
 نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم
 نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم
 نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم
 نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم

ترجمه: چون فرمودی که برای دانش از اشا پیروی کنم نغمه فرمودی که چه نشنوم و نکنم و چگونه رفتار کنم تا سروش همراه روشنائی بابرکت ایزدی در من درآید و پاداش یا کیفر به دو گروه بدهد.

توضیح: از دو گروه مقصود گروه مزدیسنی و دیوبستی است.

(۱۳) نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم
 نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم
 نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم
 نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم
 نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم نوردنم

ترجمه: ای مزدا اهورا تورا به پاکی میشناسم - چون و هو من مرا فرا گرفت (آمد) (من گفتم) از ارمان من (این ارمان) به بخش زیست دراز (زیستی) که هر کس جرأت ندارد آرزو کند یعنی زیست برگزیده وجودیکه در آن خشن تر تو گفته شده.

توضیح: در این قطعه نیز دو سطر اول و دوم قطعه هفت تکرار شده اند.

در سرودهای ویدا و گانها زندگانی طولانی از اهورا مزدا خواسته شده و مقصود این است که بیشتر توفیق خدمت ایزدی را بیابد زیستی که در آن نیروی ایزدی باشد.

(۸) سرور زرتشت سپاسگزارم که به من زرتشت داد: من زرتشت هستم و از ازل (سوگند یاد کرده‌ام) که نیکی را دوست دارم و تا آنجا که بتوانم با مردمی که از ناراستی پیروی میکنند مخالف باشم ولی به نیکان خورسندی اندرونی آنان گردم تا همه وقت از نیروی بی نهایت تو بهره مند شوم، من خود را به خدمت تو وقف کرده‌ام و تنها برای تو سرود ستایش میسرایم.

ترجمه: پس به آن زرتشت پاسخ داد: من زرتشت هستم و از ازل (سوگند یاد کرده‌ام) که نیکی را دوست دارم و تا آنجا که بتوانم با مردمی که از ناراستی پیروی میکنند مخالف باشم ولی به نیکان خورسندی اندرونی آنان گردم تا همه وقت از نیروی بی نهایت تو بهره مند شوم، من خود را به خدمت تو وقف کرده‌ام و تنها برای تو سرود ستایش میسرایم.

توضیح: در پاسخ چه هستی و از کجای هستی میفرماید که من دشمن ناراستان و بهی خواه و یاور نیکان هستم و زندگی را در بر انداختن بدان- و نگاه داری از نیکان وقف کرده‌ام و به این ترتیب و نیت امیدوارم که همواره از نیروی بی نهایت ایزدی برخوردار گردم و تنها برای اهور مزدا سرود ستایش گویم.

وهومن میباشند و عمل آنها در جهان تن زندگی اشائی را افزون میکند و ارمایتی رهنماست به اراده که هیچ وجودی نتواند بهم زند .
توضیح: گویا اهورمزدا بر هدفی می آید که پرستنده خود را به پذیرد و آنجا سینتاماینو و خشترا و وهومن نیز هستند ارمایتی رهنماست به آن هدف و هیچ نیروئی نتواند خلاف مشیت ایزدی باشد پرستنده به وسیله ارمایتی یعنی بندگی و تسلیم به آنجا میرسد که اهورمزدا را با دانش و روح ایزدی می باید و عمل آنهاست که در جهان تن کار اشائی یعنی نظم و درستی و راستی افزون میکند .

(۷) دنه پورهه . . . ککس . . . و . . . پورهه . . .
پورهه . . . و . . . و . . .
پورهه . . . و . . . و . . .
و . . . و . . . و . . .
پورهه . . . و . . . و . . .

ترجمه : ایزدی تو ای مزدای پاک، ای اهورا ترا می شناسیم چون وهومن نیک در باطن من آمد و از من پرسید که هستی ! و از که هستی چه راهی برای شکوک همه روز در نظر میان خویشتن و اطرافیان (نزدیکان) برمیگیری .
توضیح: رفتار ما میان خود و نزدیکان باید بر اساس داد باشد و همه وقت به وجدان و عقل خود رجوع کرده تصفیه نمائیم که چه باید بکنیم و چه نکنیم تا پاسخ وهومن را به آنچه می اندیشیم و میکنیم بتوانیم بدهیم پاکی و بزرگی تنها اهورمزدا را سزاوار است .

(۵) من این آرزو دارم که ...
بزرگوارم که ...
بزرگوارم که ...
...
...

ترجمه : ای مزدا اهورا ! ترا ایزد پاك درك كردم و چون زندگى آغاز شد
ترا ازلى يافتم در همه كار و همه سخن بدى را (سزای) بدى و نيکى را (پاداش)
نيك ميدهى و به دانش تو چنين خواهند بود تا روز واپسين (رستاخيز) .
توضيح : در اين قطعه دو نکته مهم بيان شده اند :

- ۱ - اينکه اهورمزدا را بايد پاك (خير محض) و ازلى (ابدى) دانسته
پديد شدن حيات را از او بدانيم .
- ۲ - مشيت ايزدى تا پايان زندگى تنى بر اين است که بدى را سزای بداست و
نيك جزای نيکى خواهد يافت .

(۶) ...
...
...
...
...

ترجمه : به کدام هدف تو با سپنتا ماينومي آئى، آنجا که ای مزدا- خسترا و

اهوراهست ای مزدا ! ارادتمند تو که دانا و پارساست با تو یگانه هست.
توضیح : این قطعه عرفانی است بمفهوم پیوستگی و هم آهنگی کامل باراده
ایزدی که باید مرام و هدف همه بشر باشد بشر باید بوسیله وهومن (دانش کل) و
اشا (نفس کل) در همه اعمال با مشیت ایزدی هم رنگ و هم آهنگ گردد تا عمل او
به معنی عمل ایزدی باشد .

(۴) یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع .
یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع .
یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع .
یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع .
یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع . یسوع .

ترجمه : چنین ترا میشناسم ای پاک و نیرومند مزدا ! از دست تو آرمانهای
ما بر آورده شوند و تو سعادت می دهی چه به پیروان نا راستی (دیویسنی) و چه به
نیکان (راست - مزدیسنی) و به وسیله روشنائی آتش تو که از اشان نیرومند است توانائی
وهومنی به من میرسد .

توضیح : تو را چنین می اندیشم که از تو آرمانهای ما بر آورده میشوند و تو
هستی که به بدان و نیکان پاداش کار آنانرا میدهی و از آتش پاک تو که از اشا توانائی
مییابد بما نیروی وهومنی میرسد .

وهومن یعنی دانش ایزدی است که ذهن بشر ملهم میشود و روشن میگردد
و روشنائی آتش مظهر زیست است که اشا نا امیده میشود .

(۲) سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ
 سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ
 سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ
 سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ
 سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ

ترجمه: هم چنین برای او باشد همه بهترین سعادت و چنانکه آدمیزاد روشنائی را مییابد بوسیله سپنتا ماینوی دانای تو ای مزدا! و چون دانش و هومنی را بوسیله اشا خواهی داد جاوید بالیده خواهد شد در سراسر زندگی دراز.
 توضیح: آدمیزاد آنچه میخواهد و برای آن میکوشد هم چنان روشنائی و سعادت مییابد و البته بوسیله سپنتا ماینوی (یعنی اعمال پاک) خواهد یافت و هرگاه از دانش و هومنی و نظم اشائی بهره مند گشته در همه روزهای زندگی دراز نیکی در او افزون خواهد شد.

(۳) سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ
 سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ
 سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ
 سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ
 سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ سَعِيدٌ


ترجمه: یقیناً به برترین خوبی میرسد مردی که نشان داده بماراه راست سوی سعادت - چه در این جهان تن و چه در جهان روان به جهانهای راستی آنجا که

سرود چهل و سه

دندمده نندمده نندمده نندمده نندمده

(وندمده نندمده نندمده نندمده نندمده)


ندمده نندمده نندمده نندمده نندمده

(۱)  دندمده نندمده نندمده نندمده نندمده وندمده نندمده نندمده نندمده نندمده
 وندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده
 وندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده
 وندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده
 وندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده نندمده

ترجمه : اهورمزدا خداوند با اراده، روشنائی می بخشد باو که روشنائی می دهد
 به دیگری (از خود) برای پیشرفت در زندگی نو و توانائی روانی و نگهداشتن آئین اشا
 ای آرمایتی ! میخواهم سعادت پرتو ایزدی وزیست وهومنی - بخشش کن.
 توضیح : این سرود گاتای دوم اشتو وایتی (Ushtavaiti) نامیده شده چون
 که واژه نخستین آن اشتا هست در بحر تریش تب Trish Tup گفته شده پنج مصرع
 یا سطر در هر قطعه هست با استثنای قطعه پانزدهم در سرود چهل و ششم و هر مصرع
 یازده سیلاب دارد. در یکی دو قطعه در دوازده سیلاب نیز میتوان خواند.

یکی توجه به پروردگار دوم پی بردن به دانشی که وهومنی است، سوم پیروی از کارهای نیکان.

و در بند سوم میفرماید نماز و ارادت باید به اهورمزد باشد و اشاکه صفت بارز او هست و زندگی بر اساس دانش و در بند چهارم ستایش از آتش معنوی است که مظهر زیست و دانش است و در بند پنجم به درگاه ایزدی مناجات می کند و آرزو می نماید به پیوستن به اشا و وهومن و یاری به آنانکه نیازمند یاری هستند و آزادی از آنچه مانع پاکی روان است. در بند هشتم شکایت از پریشان گردیدگان است و در بند هشتم می فرماید که آموزش زرتشتی بر اساس پیروی به اشاست و هر که از آن رو بر تافت از دانش وهومن محروم است و ارمایتی (اطاعت و بندگی به نیکی) نزد او گرامی نباشد و از تقرب به حضور اهورمزد محروم است. در بند دهم اشاره می کند که دیویسنی از دانش وهومنی و تسلیم ارمایتی بهره ندارد و از آموزش زرتشتی رو گردان، ولی سر انجام همه آریائی چه دیویسنی و چه مزدیسنی بسوی اهورمزد راه خواهند یافت و در بند دوازدهم به درگاه ایزدی مناجات می کند و از اهورمزد خواستار است باو الهام فرماید که چگونه او را ستایش کند و سعادت معنوی یابد و او را براه راست اشا بوسیله وهومن رهنا گردد که انجام پیوستگی بدرگاه ایزدی باشد و البته این نعمت گران بها به آنان داده خواهد شد که در اعمالشان از وهومن الهام مییابند و مادرگیتی (یعنی ارمایتی) را خدمت می کنند و راستی و درستی اشائی را در جهان تن انتشار میدهند و در بند آخر بدرگاه اهورمزد عرض می کند که به هومت و هوخت و هورشت رهنا شود.

(۱۵)  $\text{سیدوسد} \cdot \text{سغ} \cdot \text{سچر} \cdot \text{سندوسدوسد} \cdot$
 $\text{داسدوسدوسد} \cdot \text{وسردسگاسدوسد} \cdot \text{سگاسدوسد} \cdot$
 $\text{سوسد} \cdot \text{سچ} \cdot \text{سچسچ} \cdot \text{سگاسدوسد} \cdot$
 $\text{سوسدوسدوسد} \cdot \text{دوسدوسد} \cdot \text{دوسدوسد} \cdot$
 $\text{سوسدوسدوسد} \cdot \text{سوسدوسدوسد} \cdot \text{سوسدوسد} \cdot$
 $\text{سوسدوسدوسد} \cdot \text{سوسدوسدوسد} \cdot \text{وسد} \cdot \text{سوسدوسد} \cdot$

ترجمه : بنابراین ای مزدا ! بهترین شنیدن و گفتن و کردن را بیاموز تا اینها
 توسط وهومن و اشا و ارمان ستایش مرا پدید سازند و بوسیله خشر تو مرا زیست
 نو به بخش و جان تازه مرا چنانچه اراده تو هست راست و پاک نما.
 توضیح: سه اصل معروف کیش زرتشتی یعنی هومت (اندیشه نیک) هوخت
 (سخن نیک) و هورشت (کار نیک) در سرود ۴۵ ورنه و اخدا و شیواتنه گفته شده
 و در این بندسروش و شیواتنه و وجه میباشد ولی مترجمین این فرد را چنین ترجمه
 کرده اند: - سخنان و کارها بیاموز و هردو از آنها توسط وهومن و اشا پدید کننده
 آرزوی نمازهای من خواهند بود.

خلاصه سرود سی و چهار

در آغاز این سرود - شت زرتشت میفرماید که به عمل نیک و سخن نیک و سرود
 ستایش به اهورمزده رهنما خواهد شد - پیروانش را به زیست جاوید و راستی و
 نیروی اراده و در بند دوم میفرماید: وسیله نزدیک شدن به پروردگار در سه بخشش
 ایزدی است.

(۱۴) $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$ $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^3} = -\frac{3}{x^4}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^4} = -\frac{4}{x^5}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^5} = -\frac{5}{x^6}$
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^6} = -\frac{6}{x^7}$

ترجمه : آن پاداش گران بها ای مزدا ! یقیناً به تن و جان آنان داده خواهد شد که کارشان (الهام شده) از وهومن است و آنها هستند که مادر گیتی بارور را خدمت میکنند و نیز اراده (اندیشه) شما را و توسط همکاری با اراده شما اشارا افزون میکنند .

توضیح: به آنانکه کارشان از روی دانش و الهام شده از وهومن است به تن و جان شان پاداش گران بها داده خواهد شد و چنین نیکان به مادر گیتی که بر دهنده هست و نیز به اراده ایزدی بندگی و خدمت میکنند و توسط همکاری و همرنگی به مشیت ایزدی مقصود اشارا که راستی و درستی است در جهان افزون می نمایند .

در پاداش خواهیم داشت و ما را به راه اشا توسط وهومن به راهیکه از خودشناسی است راهنمایی کن .

توضیح: فکر این بند واضح است از اهورمزدا خواستار است که درباره ستایش و پرستش الهام فرماید که به چه نوع نیز الهام کند آنچه در پاداش سعادت می یابیم و به راه راست اشائی توسط وهومن که دانش و مهر ایزدی است رهنا گردد.

(۱۳) ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰۴۴۴۰۴۴۴۰
 ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰
 ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰
 ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰
 ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰ ۰۴۴۴۰

ترجمه : آن راهیکه ای اهورا ! بمن نشان داده ای (راهی) از وهومن و دین نجات دهندگان است و کارنیک است (الهام شده) و طرح شده از اشا و برای روشن بینان به پاداشیکه هدف آن به پیوستگی مزدا میباشد رهناست .
توضیح: عبارت و فکر این بند واضح و محتاج به توضیح نیست.

(۱۱) . نـمـع . هـمـجـا . دـوـمـ . نـمـسـدـا . نـمـسـدـنـمـسـد .
 نـمـسـدـا . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد .
 نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد .
 نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد .
 نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد .
 نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد . نـمـسـد .

ترجمه : و این هر دو چه خرداد و چه امرداد که از تو هستند سوی روشنایی
 رهنما میشوند و از خشتر و وهومن و ارمایتی با اشا فزونی زیست نو و توانایی
 روان است و با اینها ای مزدا بردشمنان پیروز هستی .

توضیح: در این بند همه صفات ایزدی ذکر شده اند یعنی خرداد و امرداد و
 خشتر و وهومن و ارمایتی و اشا- میفرماید از اینها فزونی و بالیدگی زیست تازه و
 توانایی روان است و هر که به اینها رو می آورد ای مزدا همواره بر دشمنان پیروز
 است. مقصود هر صفت اهورمزدی یک گونه و اکنش برزندگی بشر دارد.

(۱۲) . و نـمـسـد . هـمـجـا . ا نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد .
 و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد .
 و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد .
 و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد .
 و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد .
 و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد . و نـمـسـد .

ترجمه : دستور توجیست و اراده تو درباره ستایش و پرستش چه هست تا
 شنیده ای مزدا عمل کنیم. بما برگو برای اینکه برنامه ما بشود که چه بهره سعادت

از چنین نادان ارمایتی نیز با اشا دوری میجوید چنانکه بدان بی فرهنگ از ما دور میشوند .

توضیح: ارمایتی پاک که نزد پارسای دانشمند گرامی است نزد شخص بدکار نیست زیرا که او از وهومن آگاه نباشد و دانشی ندارد که اندازه پاکی و خوبی را بکند و از چنین نادان البته ارمایتی یعنی صفت گرویدگی و اطاعت و نیز اشا که راستی و درستی و نظم است دور میشوند و هم چنین است برخی از افراد جامعه که بسبب بدی و بی فرهنگی از ما یعنی زرتشت و نیکان زرتشتی دوری میجویند (اشاره به بعضی از دیویسنیهاست).

(۱۰) سدره دسده . وایس دسده دسده . سدره دسده دسده .

وسر دسده دسده . وایس دسده دسده . سدره دسده دسده .

دسده دسده دسده . سدره دسده دسده .

وایس دسده . وایس دسده . سدره دسده دسده .

سدره دسده . وایس دسده . سدره دسده .

سدره دسده . وایس دسده . سدره دسده دسده .

ترجمه : پارسای دانا به چنین (مخالفین) عمل وهومن (که مهر است) می آموزد که برگرفته شود و نیز (می آموزد) که سپنتا ارمایتی جاوید موجود و ریشه اشاست و آنان (مخالفین) همه در زیر نیروی تو ای مزدا این حقیقت را دانسته خواهند آمد .

توضیح: میفرماید به آنانکه اکنون مخالفت می ورزند پارسای دانا (شاید اشاره به خود زرتشت باشد) عمل وهومن را که دانش و مهر است می آموزد و میگوید که آنان برگیرند و بدانند که سپنتا ارمایتی با اطاعت و گرویدگی جاوید موجود و ریشه یا اصل راستی و درستی است و همه آنانکه اکنون مخالفت می ورزند در انجام این حقیقت را دانسته بسوی اهور مزدا بازگشت خواهند کرد.

شما از بند زنجیری روان آزاد گردم .

توضیح: کلمه Ayeni Paiti که بمعنی آزاد گردم ترجمه شده بمعنوم بازگشت بسوی پروردگار و آزادی از تحولات زیست تنی است .

(۷) ورتا اید . سرتا اید . سرتا اید . سرتا اید .
 ورتا اید . سرتا اید . سرتا اید . سرتا اید .
 ورتا اید . سرتا اید . سرتا اید . سرتا اید .
 ورتا اید . سرتا اید . سرتا اید . سرتا اید .
 ورتا اید . سرتا اید . سرتا اید . سرتا اید .
 ورتا اید . سرتا اید . سرتا اید . سرتا اید .

ترجمه : ای مزدا ! کجا هستند گرویدگانیکه وهومن را دانسته به این آموزش
 که میراث حقیقی ما هست در نبودن بخت و پریشانی هوش را آزاد ساخته اند از
 آنان جز شما توسط اشا دیگری را نمی شناسم بنابراین ما را پناه دهید .
 توضیح: در این بند شکایت از پریشانی گرویدگان نیک مزدیسنی میکند و
 به اهورمزد پناهنده میشود .

(۵) وسف . واغ . نال ییغ سد اعه . وسه . نیند سد .
 وسر دسد ااسد . هسی وسه . ناسد سد . واسع . نوسسد .
 سد ییغ سد . واط نوج . سد زب زسد .
 ااسد زب زسد . واد زب . سد ییغ سد وهه .
 نوس اغه-واسع . وایب دسد سد . (نوس اغه) . وایب نال هه .
 وین هه دسد نیند سد . نال ااسد ااسد سد . هه نیند سد نیند سد

ترجمه : چه اندازه بزرگ است نیروی شما چه اندازه عمیق است آرزوی
 من برای خدمت بشما ای مزدا تا که با شما یگانه شوم وهم چنین با اشا و باوهومن
 و از ارادت مندان شما نگهبانی کنم و بگویم که برتر و جدا هستید چه از دیوها
 و چه از مردم بدکار .

توضیح: کلمه Drigu در دعای مقدس اهنوور نیز گفته شده میفرماید :

Yim Drigubyo Dadet Vafarem

او که شبان (نگهبان) درگو (یعنی ارادات مندان) میشود .

(۶) و نیند سد . سد سد . سد سد . نوسسد .
 هسی وسه . سد ییغ سد . واط نوج . سد زب زسد .
 سد . هسی . هه . واد . و نیند سد . سد سد .
 سد نیند سد . سد زب زسد . وایب دسد . هه .
 و نیند سد . واسع . و نیند سد . سد سد .
 (ااسد زب زسد . سد سد . سد سد . سد سد .

ترجمه : از آنجائیکه شما ای مزدا و اشا و وهومن راست (حقیقت) هستید
 بمن راهنمایی کنید در همه تحولات این زیست تنی چنانکه این پرستنده و ستاینده

(۴) سَعِ سَیَّارِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ
سَیَّارِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ
سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ
سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ
سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ
سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ سَمَوَاتِ

ترجمه : و برای آتش تو ای اهورا که توسط اشا بلند مقام است ما آرزو داریم آنچه باید شایسته آرزوست که دارنده نیرو باشد و همواره به گرویدگان تو یاری آشکار دهد و اما برای ناگرویدگان ای مزدا ! او به اشاره دست به نامهری می بیند .

توضیح : آتش مظهر مادی اشاست و در جهان تن به چندین صورت تجلی میکند و آتشی هم هست که مظهر معنوی میباشد و اینجا اشاره به آتش معنوی یا روانی است که آرزو دارد همواره بلند مقام باشد و به گرویدگان اهورا یاری دهد ولی به ناگرویدگان نامهربان باشد. توصیف آتش مقدس در سرود ۴۶ بندشش و در دیگر سرودهای گاتا شده است .

(۳) نَمَعِ هَاجِرٍ وَرَدَّوَعِ نَمَعِ نَسَمِ
 { نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ }
 نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ
 نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ
 نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ
 نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ نَمَعِ

ترجمه : و آنچه لازم پرداخت هست ای اهورا به تو و به اشا با کمال فروتنی و نماز خواهیم پرداخت. همه زندگان (مردم گیتی) در زمین تو که بوسیله وهومن (وظایف خود را) به انجام میرسانند زیرا ای مزدا به جوینده حقیقت در بهشت برین میان شما همه جاوید سعادت (و خوش بختی) میرسند .

توضیح : در این بند اولاً وظیفه هر فرد بشر را میفرماید که باید :

۱- حق نیاز و نماز را به اهورمزد و صفت بارز او اشا به پردازد یعنی بدرستی و راستی زندگی کند...

۲- زندگانی او باید بر اساس وهومن یعنی دانش باشد و در نتیجه او در بهشت برین اهورمزد و صفات شش گانه او سعادت و خوش بختی ابدی خواهد یافت.

(۲) سبب است. به سبب آنکه سبب است.
 سبب است در سبب است. سبب است. سبب است. و سبب است.
 سبب است سبب است سبب است. سبب است. سبب است.
 سبب است سبب است. سبب است. سبب است.
 سبب است سبب است. سبب است سبب است.
 سبب است سبب است. سبب است سبب است. •

ترجمه : و نیز تنها در تو و در همه آئین وهومن و اعمال مردان نیک که روان آنها با اشا همساز و هم رنگ است رهنماست ما را که در نماز به خواندن سرود ستایش به شما ای مزدا نزدیک شویم .
 توضیح: در این بند به سه نکات مهم اشاره شده که وسیله به نزدیک شدن به پروردگار می شوند .

- اول - تأمل و تفکر در امور مزدا .
- دوم - تأمل و مطالعه در آئین وهومن که براساس و دانش است .
- سوم - تقلید از کارهای مردان نیک که اعمالشان با راستی و درستی همساز بوده و هست و با داشتن این سه خصوصیت می فرماید سرودهای ستایش را با آهنگ دلکش می خوانیم تا وسیله آرام روان و اصلاح اخلاق شوند .

سرود سی و چهار

(سومین بند است بر سردهم . ۳۴)

(۱) و پس و سرور در طاعت و پس و جا و پس و پس .
 و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس .
 و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس .
 و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس .
 و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس .
 و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس و پس .

ترجمه : ای مزدا ! توسط اعمال و سخنان و سرود ستایش که امرداد و اشا را سوی آدمیزاد می آورم و نیز خستر را و ای اهورا توسط خرداد از آنان و از تو به تقدیم نیاز امید که با کمال صمیمیت بمانیم .
 توضیح: زرتشت به اهور مزدا عرض میکند که به عمل و سخن نیک و ستایش خواهد کیوشید که امرداد یا زیست جاوید و اشا و نیز خستر را سوی آدمیزاد بیاورد و امیدوار است که او و پیروان او همواره به تقدیم نیاز به صمیمیت در امشاسپندان و اهورا بمانند .

گیرد و در بند سیزده نام خشتر را نیز می‌افزاید و از اهورمزدا التجا میکند که بخشش‌گران بهای نیکوئی و پاکی و راستی و دانش به ما عطا کند تا باطن ما مانند ظاهر از آلودگیها پاک و آراسته گردد و در بند چهارده همه فعالیت و اعمال خود را چه ذهنی و فکری و عملی و چه آنچه از زبان صادر میشود به حضور اهورمزدا تقدیم میکنند و فکر و ذکر و عمل خود را همه نیاز اهورمزدا میسازد.

و این است بسیار مختصر از سرود سی و سه گاتا که میتوان آنرا بصورت نامه‌ای مفصل کرد و از روی آن برنامه زندگی را تعیین نمود، خداوند چنین توفیق دهد .

به دشمن و چه نسبت به دوست آنچه محاکمه میکند و حکم میکند نظر او بر داد باشد کارهای شایسته و ناشایسته هر دو تن شاکی را نیک بسنجد و هر چه ترازوی داد حکم میکند بگوید و در بند دوم هر که از خوش بختی راه راست را یافته باید دیگران را رهنما گردد به اندیشه و به کار و به سخن برای دیگران نمونه شود و اراده اهورمزدی که راستی و نظم و درستی است در افراد جامعه بیفزاید در بند سوم بند میدهد که از یکسو باید با فساد مبارزه کرد و از سوی دیگر به آنان که نیک هستند همراهی نماید و در پرورش جانداران بکوشد و در بند چهارم از اهورمزد میخواهد که از پیروان او صفات ناپسندیده خود پسندی و مخالفت به خویشان و بدگوئی از افراد جامعه و بد رفتاری و بی اعتنائی به عموم مردم دور شوند و در بند پنجم زندگی دراز را آرزو می نماید نه برای هوس رانی و جاه طلبی و سودمادی بلکه وقت بیا بد تا کارهای نیک را بیشتر بجا آورد و از دانشی که از اهورمزد بوسیله و هومن یافته کاملاً استفاده نماید تا به خوش بختی معنوی و روانی بهره مند گردد و در بند ششم آرزوی دیدار ایزدی و پیوستگی یعنی معرفت به آفریدگار را آرزو دارد و در بند هفتم آرزو دارد نه تنها اهورمزد بلکه به اشا یعنی نفس کل و حیات ایزدی و هومن یعنی عقل کل معرفت یابد و در بند هفتم زیست جاوید معنوی را طالب است و در بند نهم با زیست جاوید سعادت و تندرستی را نیز توأم میکند و در بند دهم نیکان چه آنانکه در گذشته اند و چه آنانکه وجود خواهند یافت همه یکسان هستند و از اعمال و افکار همه آنها باید استفاده کرد و آرزو میکند که پروردگار بوسیله نیروی ایزدی یعنی خشنود و اشا ما را روشنائی و خورسندی روانی عطا فرماید و در بند یازدهم گذشته بر اهورمزد به امشا سپندان خطاب نموده از آنان التجا میکند که هنگام سنجش اعمال در روز واپسین بر او بخشایش کنند و در بند دوازدهم میخواهد که بوسیله ارامیتی حس گر ویدگی و اطاعت به اهورمزد و بوسیله سپنتا ماینو با روان پاک پاداش نیاز و نماز و بوسیله اشا نیروی روانی و توسط و هومن همه روی و مهر عمومی یعنی مهری که همه زندگان را فرا

(۱۴) سبغ . (سده سده) . سبغ (سده سده) .
سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) .
سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) .
سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) .
سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) .
سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) . سبغ (سده سده) .

ترجمه: بنابراین زرتشت همه زیست تن و روان و برجسته ترین عمل خود را به حضور مزدا و وهمنه بصورت نیاز پیش کش میکند و بهترین کار و سخن را به اشاو صمیمی ترین ارادت بندگی را به خشتر اهدا مینماید .
توضیح: در این بند زرتشت زندگی ظاهر و باطن و همه اعمال نیک و اندیشه و سخن خود را به حضور اهور مزدا و سه صفات برجسته او یعنی وهمن و اشاو خشتر تقدیم میکند و غیر مستقیم به همه پیروانش اشاره مینماید که زندگی آنان چه تنها و چه ذهنی باید هدیه و نیاز باشند که به حضور اهور مزدا تقدیم میکنند و البته هدیه ای که آفریده شده به آفریدگار خود پیش کش میکنند باید در بهترین صورت باشد .


خلاصه سرود سی و سه

از افکار این سرود که اخلاقی و عرفانی میباشد عارف کامل یا ادیب فاضل می تواند یک مثنوی مفصل بگوید ولی متأسفانه در ایران کسی پیدا نشد و این گنج گران بها هم چنانکه در این سرود زندانی بود تا کنون زندانی مانده .
در بند نخستین سخن از داوری است میفرماید دادور باید بیطرف باشد چه

توضیح: این بند و دوبند دیگر یعنی بند سیزده و چهارده در آغاز آتش نیایش خوانده میشوند و به صورت مناجات پر معنی ترین دعا محسوب میگردند میتوان گفت که در این بندها جنبه عرفانی آموزش زرتشتی است .

(۱۳) ائدئدئد ائدئد . وائدئد ائدئد ائدئد .
 وائدئد ائدئد . وائدئد ائدئد . وائدئد ائدئد .
 وائدئد ائدئد ائدئد ائدئد ائدئد ائدئد ائدئد .
 وائدئد ائدئد ائدئد ائدئد ائدئد ائدئد .
 وائدئد ائدئد ائدئد ائدئد ائدئد ائدئد .
 وائدئد ائدئد ائدئد ائدئد ائدئد ائدئد .

ترجمه : ای اهورای همه بین ! مرا سعادت مند کن به آشکار شدن بخششهای گرانبهای تو (یعنی) از خشتر که در آن سعادت و هومنی باشد و ای ارمایتی پاك ، واضح توسط اشاما را به درك باطن ما (وجدان) موفق ساز .
 توضیح: از اهورمزد همه بین خواستار است که بخششهای گرانبهای او یعنی نیکوئی و پاکی و راستی و دانش عطا فرماید و در عملی ساختن آنها نیروی خشتر بهبخشد که در آن دانش و هومن باشد و ارمایتی توسط اشا ادراك آگاهی به باطن عطا کند تا اشاره های وجدان را بسنجیم و باطن خود را دریا بیم .
 ارمایتی بمفهوم ارادت و گرویدگی و پذیرندگی و تسلیم گفته شده .

(۱۱)  و س م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .

ترجمه : ای اهورمزدا تو بر همه تواناترین هستی و ای ارمایتی و نیز اشا که به زندگی گیتی سعادت و برکت میدهد و ای وهومن و خستر به فریاد من برسید و بر من بخشایش کنید هنگامیکه پاداش را از هر یک به هر یک می بخشید .
 توضیح: این نیز در مناجات هست و خطاب نه تنها به اهورمزدا بلکه به امشاسپندان نیز نموده و از آنان التجا میکند که بر او بخشایش کنند هنگامیکه پاداش اعمال را به مردم خواهند داد .

(۱۲) م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .
 م د ن و ن ب د م ج ا ج . م د ن و ن ب د م ج ا ج .

ترجمه : بر آری در من ای اهورا و بوسیله ارمایتی مرا توانائی (روانی به بخش) و بوسیله سپنتاماینو ای مزدا پاداش نیاز نماز و بوسیله اشانیروی کامل روانی و بوسیله وهومن مهر به همه زندگان (مهریکه همه را فراگیرد) .

توضیح: در این بند آنچه در بند دوم سرود ۴۵ درباره سپنتا ماینیو وانگرا فرموده عکس آن میفرماید یعنی سپنتا هیچ گاه در عمل و روح مانند انگرا نیست و این دو همواره برضد هم کار میکنند ولی امرداد و خرداد در کاریکسان هستند، و روان یعنی حقیقت آنان در عمل به یک نتیجه میرسد که آن سعادت جاوید است و عبارت این بند البته تسلسل عبارت بند گذشته است.

(۱۰) وایددوسه . ندهچا . نونپه نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه .

و نونپه نونپه . نونپه نونپه نونپه . نونپه نونپه نونپه . نونپه نونپه نونپه .

و نونپه نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه نونپه . نونپه نونپه نونپه .

نکده نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه .

چا نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه .

نونپه نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه . نونپه نونپه .

ترجمه : ای مزدا ! همه نیکان از تو هستند چه (از آنها) که در زمان پیشین بوده اند و چه آنانکه وجود دارند و چه آنانکه بوجود خواهند آمد از اینها همه به عنایت خود اجازه بده که بهره مند (شریک) شویم و بوسیله وهومن و خستر و اشا تن ما را به روشنایی و خورسندی ایزدی بلند کن.

توضیح: این بند در مناجات است از اهورمزد میخواهد که ما را از نیکانی بکند و توسط وهومن و خستر و اشا شخص ما را به روشنایی و خورسندی ایزدی بلند نماید . هر جا که اشاست آنجا اشنا یعنی روشنایی و خورسندی حقیقی نیز وجود دارد (رجوع شود به دعای اشم و هو و هشتم استی اشناستی) .

(۸) اِشَا مَلْهَمٌ مِشْوَمٌ شَمَا امْرَدَادٌ بَعْنُ زَيْسْتِ جَاوِيْدٌ دَهِيْدٌ وَايْ خِرْدَادِ سَعَادَتِ كَامِلِ شَدْنِ .
 مَلْهَمٌ شَدَّهٖ بَجَا مِيْ آوَرْدِ سِرُوْدِ وَسْتَايِشِيْ كِهٖ اَزْ اِشَا اِلْهَامِ يَافْتَهٗ مِيْسْرَايِدِ دَاوْرِ مِيْ كَنْدِ
 وَازْ امْرَدَادِ زَيْسْتِ جَاوِيْدِ وَازْ خِرْدَادِ سَعَادَتِ كَامِلِ شَدْنِ رَا اَرْزُو مِيْ كَنْدِ .

ترجمه : به توجه ای مزدا ! در همه کارم که از وهومن ملهم شده پیروی میکنم، داوری کن نیز پرستش چون تویی ای مزدا و نیز سخنانی که در ستایش تو از اشا ملهم میشوم شما امرداد بمن زیست جاوید دهید وای خرداد سعادت کامل شدن. توضیح: مقصود از امور مزد التجا میکند به وقت در کارهاییکه از وهومن ملهم شده بجا می آورد سرود وستایشی که از اشا الهام یافته میسراید داور می کند و از امرداد زیست جاوید و از خرداد سعادت کامل شدن را آرزو میکند.

(۹) يِبَابِمُ بُوَسِيْلَهٗ نُوْرِ اِيْزْدِيْ دَانَشِ وَهَوْمَنِيْ وَ اِيْنِ دَوَامْرَدَادِ وَ خِرْدَادِ اَزْ بَلَنْدِيْهَائِيْ جِهَانِ
 تَجْرَدِ خَوْشِ بَخْتِيْ بِيَاوَرَنْدِ اِيْنِهَا كِهٖ رَوَانِ شَانِ بَهْ يَكْ صَوْرَتِ كَارِ مِيْ كَنْدِ .

ترجمه : یقیناً از تو هستند ای مزدا این دونیرو (صفات) فزاینده اشا (راستی) بیابم بوسیله نور ایزدی دانش وهومنی و این دوامرداد و خرداد از بلندیهای جهان تجرد خوش بختی بیاورند اینها که روان شان به يك صورت کار میکند .

توضیح: آرزوی دیدار و پیوستگی یعنی گفت و شنید به پروردگار منحصر به زرتشت نبود، بلکه چنین آرزو را دیگر رهبران بزرگ مانند موسی و ارجن (دربهگوت گیتا) و دانشمندان روانی مانند پلوتینوس کرده‌اند یا گفته‌اند که به فیض دیدار که معرفت باشد رسیده‌اند گویا شناسائی از آفریدگار و به ذات خود، آرزوی هم‌نیکان جهان بود و هست .

(۷) . . . () . . .

ترجمه : ای بهترین بسوی من بیائید به ذات خود که دیده شوید ای مرزا و ای اشا و ای وهومن تا که من از برادری مگاشنیده شوم و میان ما پدید شود واضح آنچه از وظایف ما میباشد و نسبت به شما نماز باید تقدیم گردند.
توضیح: در این بند زرتشت آرزو میکند که نه تنها اهورمزدا بلکه (دو از صفات مهم او) که اشا و وهومن باشند دیده شوند تا سخن او میان برادری مگا که تیره و پیروان او باشند شنیده شود و هرکس وظیفه‌ای که نسبت به آفریدگار دارد به ارادت بجا آورد و بداند و تقدیم کند .

درستی و راستی است دعا خواهد کرد و آنان از آلودگیها پاک شده به مکان سعادت که جای خود اهورمزداست خواهند رسید .

داریوش بزرگ در سنگ نوشت او از اهورمزدا میخواهد که خشکسالی نشود و دشمن خارجه بر ایران ننازد و مردم همواره راست و درست باشند. شت زرتشت نیز از اهورمزدا خواستار است که در طبقه‌های زرتشتی که آنان را خویوش و ورزنه و اریمنه نامیده است خود پسندی و مخالفت با خویوشان بسیار نزدیک و اتهام بر مردم پدید نشود و شبان یعنی فرمانده داد دهنده و خوش اندیشه باشد و با مردم خوش- رفتاری کند تا سروش از اهورمزدا بخواهد که به حضور آفریدگار برسند یا اینکه زرتشت دعا میکند و از سروش زیست دراز میخواهد تا بتواند در این زندگی کارهای نیک بجا آورد و امیدوار است اولاً به مقام و هومن و اشا و در انجام به مکان اهور- مزدا که مقام خوش بختی و سعادت است برسد.

(۶) 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎
 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎
 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎
 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎
 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎 𐬀𐬎𐬎𐬎

ترجمه : بنابراین به حیث سرودگو (زاوتر) استوار در پیروی به اشا با همه توجه از بهترین روان بوسیله و هومن من التجا (دعا) خواهم کرد که بتوانم وظیفه پاسبانی (رهبری) را چنانچه اندیشیده شده است به انجام برسانم.
 پس تمنا میکنم (خواهشمندم) از تو ای اهورمزدا ! که دیدار خود بمن بنمائی و به تو هم پیوست شده (مکالمه کنم) .

(۲) سَمِعَ سَمِعًا سَمْعًا سَمْعًا سَمْعًا
 سَمِعَ سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا
 سَمِعَ سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا
 سَمِعَ سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا
 سَمِعَ سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا
 سَمِعَ سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا سَمِعًا

ترجمه : و هر که بدی میکند (یعنی مبارزه مینماید و خنثی میسازد) کارهای دیویسنیهار خواه به سخن یا به اندیشه یا به دست (یعنی عمل) یا دوست همکار خود را (راه خوبی می آموزد او مشیت اهورمزدا را از روی ارادت عملی میکند (بجا می آورد) .
 توضیح: در این بند مفهوم جمله آخر دعای اهنوور گویا بیان شده یعنی میفرماید که:-

اولا- او که راه حقیقت و راستی را یافته باید بکوشد خواه به اندیشه یا سخن یا عمل دیگران را راهنما گردد .
 دوم- دوست و همکار خود را از آنچه از خوبی دانسته بیاموزد و به این ترتیب او از ارادتی که به اهورمزدا دارد و مشیت اهورمزدا را میان افراد جامعه عملی میسازد.

سرود سی و سه

(و سه صد است . بر سه صد . ۳۳)

(۱) و سه صد است . دل است . و سه صد است . و سه صد است .
 و سه صد است . و سه صد است . و سه صد است . و سه صد است .
 و سه صد است . و سه صد است . و سه صد است . و سه صد است .
 و سه صد است . و سه صد است . و سه صد است . و سه صد است .
 و سه صد است . و سه صد است . و سه صد است . و سه صد است .

ترجمه : بنابراین (اصول) در (گیتی) خواهددورزید و اینها آئین اساسی
 زندگی هستند (از زمان باستان) و او که ر تو (یعنی رهبر روانی است) به کمال داد
 و راستی عمل خواهد کرد چه به پیروان ناراست (دیویسنی) و چه به پیروان راستی
 (مزدیسنی) و هم چنان به هر که خوبی و بدی او آمیخته است (با هر که نواقص
 او آمیخته به استعداد و شایستگی است) .
 توضیح : در این بند اندرز بسیار سودمند و عادلانه گفته شده میفرماید که
 داور در قضاوت باید کاملاً بیطرف باشد و چه مزدیسنی و چه مخالف او که دیویسنی
 است چون محاکمه بکند به راستی و درستی و بیطرفی بکند در همه کارهای آنان
 چه شایسته و چه ناشایسته .

از آن دربندهای دیگر شکایت از گرهمه و دیگر مخالفین است و اینها :-

اول کرپه ، دوم کوی ، سوم اوسگک بودند. در بند آخر خطاب به اهورمزد عرض میکنند که زرتشت را یاری دهد که ستم و آزار دیویسنیها را از افراد جامعه دور کند و مزدیسنیها را امیدوار می‌سازد که در انجام از پیروی به آموزش راست و آموزگاران نیک به بهشت برین که مقام دانش و هومنی است رسیده سعادت‌مند خواهند گشت .

کوی بمفهوم دانا و سرودگونام گروه یا تیره ایست که افراد آن با زرتشت مخالفت میکردند تا اینکه گشتاسپ که از تیره کوی بود با خانواده‌اش به آموزش زرتشت گروید و پس از آن آریای ایران دوباره شدند بهره‌ای مخالف بنام دیویسنی و بهره‌ای پیرو زرتشت بنام مزدیسنی. مخالفین کوی را مزدیسنی‌ها کور لقب دادند. دوم کرپه نیز تیره یا گروهی بودند که از مزدیسنی‌ها لقب کر یافتند یعنی سخنان زرتشت را می‌شنیدند ولی اطاعت نمیکردند که سهل است مخالفت مینمودند. سوم اوسگک که در رگ‌ویدا نیز این نام ذکر شده .

چهارم شخصی بنام گرهمه که رئیس دیویسنی و خود را هم رتبه زرتشت می‌دانست. از آموزش او اطلاعی در دست نیست در سرودهای گاتاگرچه از او شکایت شده ولی اختلاف او چگونه بوده اشاره نشده زرتشت اهمیت زیاد به امشاسپندان بویژه اشاو و هومن می‌داد و ممکن است که در آموزش گرهمه اینها مهم نبودند یا به شکل دیگر معرفی می‌شدند. بیشتر از ایران شناسان گفته‌اند که عقیده و رسم عبادت دیویسنیها به آریای هند هم مانند بود بنابراین اختلاف دینی را میان هند و ایرانی دانسته‌اند ، ولی اختلاف میان دو گروه ایرانی بود و عقیده گروهی با عقیده آریای هند نزدیک بوده و اگر عقیده میان ایرانی و هندی بود، در گاتا از آن اشاره می‌شد و هم چنانکه مقابل زرتشت یکی مانند گرهمه سر بلند کرد و رقابت و حسادت نمود و ادعائی داشت مقابل بودا و موسی و حضرت محمد نیز اشخاصی بودند که رقابت می‌کردند و ادعائی می‌نمودند مانند عمر ابن هشام معروف به ابوجهل و ولید بن مغیره و در آخر مسیلمه .

(۱۶) یزدی زرتشتی به دیویسنی به آموزش زرتشتی بیان شده. سرود آغاز
میشود به اینکه چه زرتشتی و چه دیویسنی هر دو اهورامزدا را می ستایند و او را
بزرگ میکنند و البته اراده ایزدی بر این است که در جامعه فساد نباشد پس چه اندازه
بجاست که زرتشتی و دیویسنی بهم ساخته اراده اهورامزدی را در جامعه انتشار
دهند و مفسدان را پس رانند و نگذارند که علت فساد و ناراحتی مردم شوند و پس

ترجمه: یقیناً هم رنگ با بهشت (و هومن) است او که از آموزش راست آموزگار
دانا را پیروی میکند.
ای مزدا اهورا! تو توانا هستی بر آنانکه نقشهها برای آزار من میکشند و
بتوانم باز دارم پیروان ناراستی را از ستم بر دوستان (ارادتمندان) تو.
توضیح: او که به آموزشی راست پیروی میکند گوئی در جایی هم مانند
به بهشت است.
مزدا اهورا تواناست که نقشههای دشمنان را که برای آزار من می کشند
باطل کند.
بتوانم پیروان ناراستی را از ستم بر ارادت مند تو بازدارم.

خلاصه سرود سی و دوم

در این سرود مخالفت دیویسنی به آموزش زرتشتی بیان شده. سرود آغاز
میشود به اینکه چه زرتشتی و چه دیویسنی هر دو اهورامزدا را می ستایند و او را
بزرگ میکنند و البته اراده ایزدی بر این است که در جامعه فساد نباشد پس چه اندازه
بجاست که زرتشتی و دیویسنی بهم ساخته اراده اهورامزدی را در جامعه انتشار
دهند و مفسدان را پس رانند و نگذارند که علت فساد و ناراحتی مردم شوند و پس

(۱۴) سبب درسد. لعل (سبب) سبب سبب درسد کون کون
 سبب و سبب درسد درسد سبب سبب سبب (سبب) و سبب
 سبب (سبب) سبب سبب سبب سبب سبب
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

ترجمه : برای اینکه او (زرتشت) را به دام بیندازند گرهه و کوی از زمان باستان کوشیده‌اند و ذهن را متوجه کرده‌اند (و به همین اراده) و برای یاری و زندگی تنی به آنان نزدیک شده‌اند برای اینکه زندگی آنها محکوم به مرگ شده است و امیدوارند که یاری تباه نشدنی بسوی آنها بشتابد .

توضیح : از مخالفین زرتشت یکی گرهه نام داشت که میان دیویسینها با نفوذ بود- و دوم کوی که معنی آن دانا و خردمند است برخی از تیره کوی مانند گشتاسپ از مؤمنین و پیروان زرتشت شدند و برخی سخت مخالف بودند بنا بر این مزدیسینها آنان را لقب نابینا دادند و سوم کرپه که لقب کر یافتند و اتفاقاً هم چنین القاب در قرآن نسبت به مخالفین اسلام داده شده و چهارم اوسگک یا اوسخ (Usig) از ریشه Vas اراده کردن ، این نام در رگ ویدا نیز ذکر شده بنا بر دستور زادسپرم (Zadsparam) اینها چند برادر بودند که به زرتشت سخت مخالفت میورزیدند و گرهه ادعای هم رتبه بودن می نمود و ممکن است که دیویسینها تابع کیش باستانی آریائی نبودند بلکه به آموزش گرهه گرویده و متقابل مزدیسنی که کیش راست شمرده میشد کیش آنانرا مزدیسینها دروغ یا ناراست نامیدند.

(۱۳) ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

ترجمه : هر نیروئی که گرهه امیدوار است که بیابد آن در احاطه اهریمن خواهد بود (و این نیرو) تباه کننده زندگی (روانی) او خواهد شد و آنگاه ای مزدا! هر يك از (پیروانش) به التجا و فریاد خواهند خواست این پیام را که از سراینده سرود و برای تو گفته میشود و اینکه تهدید آنانرا بر خلاف اشا (راستی) باز میدارد. توضیح : گرهه امیدوار است که نیرو بیابد و مردم را به خود متوجه سازد ولی نیروئی که او خواهد یافت اهریمنی خواهد بود و او را به مرگ روانی و اخلاقی خواهد برد، ای مزدا در انجام آنانکه به او مایل هستند روزی میرسد که از تو به التجا فریاد خواهند کرد و خواهند خواست پیامی که توسط سراینده سرود برای تو گفته میشود به آنان برسد و تهدیدی که دیویسنیها بر خلاف روش اشائی (راستی) میکنند مز دیسنیهارا از آن بیابد و حفظ کند.

دارائی آنان بزرگ میسازند و نمیگذارند که نیکان به هدفی که اصلاح جامعه باشد برسند و اندیشه آنان را مشوش میسازند و به این ترتیب و هسومن یعنی دانش را از آنان دور میکنند

(۱۲) $\text{S}_1 \text{S}_2$ $(\text{S}_1 \text{S}_2 \text{S}_3 \text{S}_4)$ S_5 S_6 $\text{S}_7 \text{S}_8 \text{S}_9 \text{S}_{10}$
 $\text{S}_{11} \text{S}_{12} \text{S}_{13} \text{S}_{14}$ $\text{S}_{15} \text{S}_{16} \text{S}_{17} \text{S}_{18}$ $\text{S}_{19} \text{S}_{20} \text{S}_{21} \text{S}_{22}$
 $\text{S}_{23} \text{S}_{24}$ $\text{S}_{25} \text{S}_{26}$ $\text{S}_{27} \text{S}_{28}$ $\text{S}_{29} \text{S}_{30}$
 $\text{S}_{31} \text{S}_{32}$ $\text{S}_{33} \text{S}_{34}$ $\text{S}_{35} \text{S}_{36}$ $\text{S}_{37} \text{S}_{38}$ $\text{S}_{39} \text{S}_{40}$
 $\text{S}_{41} \text{S}_{42}$ $\text{S}_{43} \text{S}_{44}$ $\text{S}_{45} \text{S}_{46}$ $\text{S}_{47} \text{S}_{48}$ $\text{S}_{49} \text{S}_{50}$
 $\text{S}_{51} \text{S}_{52}$ $\text{S}_{53} \text{S}_{54}$ $\text{S}_{55} \text{S}_{56}$ $\text{S}_{57} \text{S}_{58}$ $\text{S}_{59} \text{S}_{60}$

ترجمه : از اینگونه آموزش مردم از بهترین (روش) عمل روگردان میشوند و البته برای آنان مرزا مکافات فرموده است اینها زندگی مردم گیتی را بسخنان دلکش و بلند فاسد میکنند تا اینکه مردم به جای (روش) اشا به (یکی مانند) گرهه و کرپه و پیروان آنان که در پی بدی هستند برتری دهند.

توضیح : تفسیر و ترجمه این بند را هر مفسری به نوعی بیان کرده است و از سلسله افکار دربندهای گذشته آنچه میتوانیم توضیح بدهیم این است که میفرماید دیوبسنیه با سخنان دلکش و گیرنده میکوشند که مزدبسنیه را از راه راست اشائی برگردانیده به عقیده خود متوجه سازند و رؤسای این گروه کرپه و گرهه میباشند این فکر در سرود ۴۵ در بند نخستین تکرار شده آنجا که میفرماید:

مبادا بار دیگر آموزگاران بد (گرهه و کرپه) جان شما را تباه سازند.

اینها که بدگیش هستند (بدگیرنده یا برگزیننده) ناراست و به زبان پریشان

یا از حقیقت روگردان (برتری دهنده؟)

ناراست رهنمائی می کند و باین ترتیب غذای روانی (آنانرا) پلید (مسموم) میسازد و این افزار رزم که گمراه کردن است سوی نیکان پرتاب میکند.

توضیح : در این بند اشاره به اختلافی است که میان دیویسنها و مزدیسنها صورت گرفت. تفصیل آن معلوم نیست گویا دیویسنها عبادت مخصوص هنگام شب بجا می آوردند که مزدیسنها هنگام روز میکردند و این اختلاف را دیویسنها وسیله تبلیغ ساخته بر مزدیسنها انتقاد میکردند و می کوشیدند که برخی از آنان را گمراه سازند و به کیش خود برگردانند و ضمناً اشاره شده که شب سببول تاریکی و نادانی و روز روشنائی و راستی است اینکه بسیاری از دانشمندان مغرب زمین اختلاف کیش زرتشت را با عقیده آریای هند دانسته اند درست به نظر نمیرسد بلکه اختلاف میان دو گروه ایرانی بود . و عقیده گروه مخالف زرتشت که دیویسنی نامیده میشوند با عقیده آریای هند ممکن است که هم مانند و نزدیک باشد .

(۱۱) سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو
 سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو سوسو

ترجمه : مردمی مانند اینها روش زندگی (ما) را فاسد میکنند زیرا که آنان شکوه و بزرگی را در زنان و مردان ناراستان تصور میکنند و نیکان را از بهترین (راستی و درستی) باز میدارند و ما را از رسیدن به هدف مانع میشوند ای مرزا ! اینها پیوسته ذهن (ما را) پریشان میسازند.

توضیح : این بند در اندیشه تسلسل بند گذشته میباشد و شکایت از فساد اخلاق و مخالفت از دیویسنهاست که زنان و مردان طبقه بالا را محض نفوذ و

(۹) ورنه بدست نماند. بداند (س) و (ا) بیرون است.
 بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است.
 بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است.
 بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است.
 بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است.

ترجمه : آموزگار بد نامه دینی را تباه میسازد و یقیناً به آموزش (نادرست خود) روش زندگی را فاسد میکند و از ما نیروی روانی را که دانش گران بها به وهومن (دانش ایزدی است) دور میسازد و با این سخن (که تمنای) دل من است ای مزدا وای اشابه شما فریاد می کنم (ملتی می شوم).
 توضیح : میفرماید آموزش دیویسها روش زندگی افراد جامعه را فاسد میکند و از پی بردن به دانش ایزدی که بخشش گران بها است دور میسازد و بنا براین ای مزدا وای اشابه شما هر دو التجا می کنم که چنین آموزش و آموزگاران بد کامیاب نگردند.

(۱۰) بیرون است. بداند (س) و (ا) بیرون است.
 بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است.
 بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است.
 بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است.
 بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است. بیرون است.

ترجمه : چنین کس یقیناً نوشته دین را تباه میسازد هرگاه نکوهش میکند که دیدن زمین و خورشید گناه بزرگ است بلکه آنرا که نفس روانی دارند بیروان

کنند - ولی ای مزدا (کوشش من برای بلندی روان است و بنا بر این امیدوارم) در روز واپسین از آنان ممتاز شمرده شوم.

توضیح : مقصود از گنه کار در این بند شخص دنیوی است. زرتشت میفرماید که پیش از او قهرمانانی چون وی ون وت و پوراو جمشید در گذشته اند که به آبادی جهان کوشیدند ولی هدف آنها دنیوی و مادی بود و من برای پاکسی روان و خوبی اخلاقی و نظم جامعه میکوشم بنا بر این روز واپسین از آنان ممتاز و جدا نموده خواهم شد.

(Yima) یما بزبان سنسکریت یما (yama) پور وی ون وت که بزبان سنسکریت وی وس وت تلفظ میشود از قهرمانان بسیار باستانی آریای هند و ایران بودند بلکه یما ایزدی است که به جامعه بشر در آورده اند توصیف او در اوستا شده میفرماید که اهورا مزدا از او خواست که پیغام روانی ایزدی به بشر برساند و او خود را در آن وظیفه کم زور یافته التماس نمود که او را به عمران و آبادی جهان مأمور کند و خواهش او پذیرفته شد و برای وظیفه اخلاقی و بیغامبری ایزدی زرتشت مأمور گشت از این رو در این بند میفرماید که هم یما و هم من به اصلاح جامعه از جانب اهور مزدا مأمور شده ایم ولی یما جنبه مادی و من جنبه معنوی را دارم و بنا بر این روز واپسین حساب من از او جدا و ممتاز شمرده خواهد شد.

در رگ ویدا یما یکی از القاب آتش است وی ون وت را به مفهوم آسمان و یما را بمعنی خورشید گرفته اند و البته روشنائی خورشید گیاهها و جانداران را بالیده و شاداب و همه اشیاء زمین را خوش نما میسازد و گویا به همین علت در شاهنامه عصر جمشید (یما) زمان ترقی و آبادی است.

(۷) $\frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{4} \frac{1}{5} \frac{1}{6} \frac{1}{7} \frac{1}{8} \frac{1}{9} \frac{1}{10} \frac{1}{11} \frac{1}{12} \frac{1}{13} \frac{1}{14} \frac{1}{15} \frac{1}{16} \frac{1}{17} \frac{1}{18} \frac{1}{19} \frac{1}{20} \frac{1}{21} \frac{1}{22} \frac{1}{23} \frac{1}{24} \frac{1}{25} \frac{1}{26} \frac{1}{27} \frac{1}{28} \frac{1}{29} \frac{1}{30} \frac{1}{31} \frac{1}{32} \frac{1}{33} \frac{1}{34} \frac{1}{35} \frac{1}{36} \frac{1}{37} \frac{1}{38} \frac{1}{39} \frac{1}{40} \frac{1}{41} \frac{1}{42} \frac{1}{43} \frac{1}{44} \frac{1}{45} \frac{1}{46} \frac{1}{47} \frac{1}{48} \frac{1}{49} \frac{1}{50} \frac{1}{51} \frac{1}{52} \frac{1}{53} \frac{1}{54} \frac{1}{55} \frac{1}{56} \frac{1}{57} \frac{1}{58} \frac{1}{59} \frac{1}{60} \frac{1}{61} \frac{1}{62} \frac{1}{63} \frac{1}{64} \frac{1}{65} \frac{1}{66} \frac{1}{67} \frac{1}{68} \frac{1}{69} \frac{1}{70} \frac{1}{71} \frac{1}{72} \frac{1}{73} \frac{1}{74} \frac{1}{75} \frac{1}{76} \frac{1}{77} \frac{1}{78} \frac{1}{79} \frac{1}{80} \frac{1}{81} \frac{1}{82} \frac{1}{83} \frac{1}{84} \frac{1}{85} \frac{1}{86} \frac{1}{87} \frac{1}{88} \frac{1}{89} \frac{1}{90} \frac{1}{91} \frac{1}{92} \frac{1}{93} \frac{1}{94} \frac{1}{95} \frac{1}{96} \frac{1}{97} \frac{1}{98} \frac{1}{99} \frac{1}{100}$

ترجمه : میان این گنه کاران هیچ يك پيشرفتی كه به كوشش در این زندگی آموخته (و آزموده شد) نمیدانند بنا بر این گویند كه آزمایش آهن گذاخته باید بشود. ای اهورا ! انجام چنین آزمایش را بهتر میدانی.

توضیح : مقصود خوبی را به اینکه در زندگی آسایش و رامش و سکون پیدا میکند باید فراگرفت و به خوبی هر عمل در ایام زندگی به تجربه پی میبریم در اینصورت برای ثبوت خوبی و حقانیت آموزشی معجزه خواستن و آهن گذاخته را ثبوت خوبی دانستن بیهوده است و در آخر میفرماید ای اهورا چنین آزمایش را (که در نتیجه شك و نادانی) تقاضا میکنند تو خود بهتر میدانی.

(۸) $\frac{1}{2} \frac{1}{3} \frac{1}{4} \frac{1}{5} \frac{1}{6} \frac{1}{7} \frac{1}{8} \frac{1}{9} \frac{1}{10} \frac{1}{11} \frac{1}{12} \frac{1}{13} \frac{1}{14} \frac{1}{15} \frac{1}{16} \frac{1}{17} \frac{1}{18} \frac{1}{19} \frac{1}{20} \frac{1}{21} \frac{1}{22} \frac{1}{23} \frac{1}{24} \frac{1}{25} \frac{1}{26} \frac{1}{27} \frac{1}{28} \frac{1}{29} \frac{1}{30} \frac{1}{31} \frac{1}{32} \frac{1}{33} \frac{1}{34} \frac{1}{35} \frac{1}{36} \frac{1}{37} \frac{1}{38} \frac{1}{39} \frac{1}{40} \frac{1}{41} \frac{1}{42} \frac{1}{43} \frac{1}{44} \frac{1}{45} \frac{1}{46} \frac{1}{47} \frac{1}{48} \frac{1}{49} \frac{1}{50} \frac{1}{51} \frac{1}{52} \frac{1}{53} \frac{1}{54} \frac{1}{55} \frac{1}{56} \frac{1}{57} \frac{1}{58} \frac{1}{59} \frac{1}{60} \frac{1}{61} \frac{1}{62} \frac{1}{63} \frac{1}{64} \frac{1}{65} \frac{1}{66} \frac{1}{67} \frac{1}{68} \frac{1}{69} \frac{1}{70} \frac{1}{71} \frac{1}{72} \frac{1}{73} \frac{1}{74} \frac{1}{75} \frac{1}{76} \frac{1}{77} \frac{1}{78} \frac{1}{79} \frac{1}{80} \frac{1}{81} \frac{1}{82} \frac{1}{83} \frac{1}{84} \frac{1}{85} \frac{1}{86} \frac{1}{87} \frac{1}{88} \frac{1}{89} \frac{1}{90} \frac{1}{91} \frac{1}{92} \frac{1}{93} \frac{1}{94} \frac{1}{95} \frac{1}{96} \frac{1}{97} \frac{1}{98} \frac{1}{99} \frac{1}{100}$

ترجمه : میان اینها گنه کاران وی ون وت (و بوراو) یمه نیز گفته شده که میخواست در نظر مامیرندگان به چیزهای جهان تن را روشن و خوشنما ساخته خوشنود

توضیح : از این بند معلوم میشود که کشمکش میان زرتشتی و دیویسنی بسیار سخت بود و رهبر دیویسنها به پیروانش وعده میداد که در انجام برتری از آنها خواهد شد (چنانکه در رزم گشتاسب و ارجاشپ و شاهنامه ذکر شده است) رهبر دیویسنها پیروانش را امیدوار میکرد که شاهی و برتری خواهند یافت و به يك زندگي خوش و جاوید همت آنان را می افزود.

(۶) $\text{سختترین گنه کار گر چه به اندازه ای با چنین (روش زندگي که رهبر او نشان داده) کامیاب گردد ولی ای اهورا از همه (کارهای ما) آگاه هستی (و ارزش حقیقی آنها را) در برترین نفس (که نفس ایزدی است) میدانی زیرا ای مزدا! در شاهی تو و (خداوندی) اشا فرمان تو روان خواهد شد.$
 توضیح : ممکن است که سختترین گنه کار در کارهایش موقتاً کامیاب گردد ولی اهورامزدا که بر همه کارهای ما ناظر است و بیاد دارد و چیزی از علم او پوشیده نیست و نمیشود در انجام حقیقت را نمایان خواهد کرد و فرمان ایزدی و خداوندی اشائی یعنی درستی و راستی جهان را فرا خواهد گرفت .

(۴) و ساسه . و ساسه ساسه . و ساسه ساسه .
 و ساسه . و ساسه ساسه . و ساسه ساسه .
 و ساسه ساسه ساسه . و ساسه ساسه ساسه .
 و ساسه ساسه ساسه . و ساسه ساسه ساسه .
 و ساسه ساسه ساسه . و ساسه ساسه ساسه .
 و ساسه ساسه ساسه . و ساسه ساسه ساسه .

ترجمه : بدین سان شما (اعمالتان را) فاسد کردید تا آنجا که مردم بدترین (کار) عزیز دیو (یسنها) نامیده شدند. اینان که خود را از وهومن و نیز از اهورامزدا جدا و از (آئین) اشاگمراه گشتند .
 توضیح : در نکوهش دیویسنها میفرماید که مردم بدترین عمل در نظر آنان گرامی و دوست هستند و اینها مردم را از وهومن و از اهور مزدا جدا و از راه اشاگمراه و روگردان کرده اند.

(۵) و ساسه . و ساسه ساسه . و ساسه ساسه .
 و ساسه ساسه ساسه . و ساسه ساسه ساسه .
 و ساسه ساسه ساسه . و ساسه ساسه ساسه .
 و ساسه ساسه ساسه . و ساسه ساسه ساسه .
 و ساسه ساسه ساسه . و ساسه ساسه ساسه .
 و ساسه ساسه ساسه . و ساسه ساسه ساسه .

ترجمه : بدین سان مردم را فریب دادید به یک زندگی خوش و جاوید هم چنانکه ای دیویسنها از اهریمن در اندیشه شما فریب خوردید (و راه ناراست را در پیش گرفتید) و اهریمن به سخنان ناراست به این روش زندگی شما را گمراه نمود، هرگاه اوبشما پیمان کرد که ناراستان برتری خواهند یافت .

پیامبر بشویم - در پاسخ اهورمزد بوسیله وهومن و خستراالهام میکنند که آرمایتی.
(ارادت) و اشا (نیکی و تندرستی) را برای شما برگزیدم و زرتشت در سپاسگزاری
عرض میکند امیدوارم که آرمایتی از ما باشد.

در این دو بند صفات ایزدی بصورت مظاهر ذکر شده‌اند حین پرستش و
ستایش ناچار هستیم آنرا که مورد پرستش قرار داده‌ایم به چشم بصیرت یا به چشم
تن درک کنیم. در آموزش اسلام و زرتشت گر چه بت پرستی ممنوع است ولی حقیقتی
که کاملاً مجرد و فوق ادراک ماضت ناچار هستیم به تصور و تجسم او رادرك کنیم
و به خود نزدیک نمائیم و برای آن صفاتی قرار میدهم یا مظاهری در نظر می آوریم
که در ذهن مجسم گردد و برخی که استعداد روانی آنان ضعیف است ناچار میشوند
که او را بصورت بت در آورند .

(۳) سپ. و سچوید. و سچوید. و سچوید. و سچوید. و سچوید.
سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ.
سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ.
سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ.
سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ.
سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ. سوسچ.

ترجمه : اما شما ای دیویسنها) همه از نژاد روان ناپاک هستید و نیز او که
شمارا بسیار گرامی دارد از ناراستی و از خود غرضی اعمال شما (صورت میگیرند) و
به دو روئی شمادر هفت (کشور) بوم معرفی شده‌اید.

توضیح : در این مخاطب دیویسنها بویژه رئیس شان مردی بنام گرهمه یا
گرهم بود که با حضرت زرتشت سخت مخالفت و رقابت میکرد .

دارد بعداً صورت گرفته باشد، هم چنین در هند پیروان بودا به دو گروه منقسم شده بودند گروهی بنام گرته یا خانه دار که به امور معیشت میپرداختند و دیگر علم دین بودائی را آموخته به عبادت و ریاضت و رهنمائی به دیگران میگذراندند.

در ایران مقابل سه گروه دینی زرتشتی گروهی بنام دیویسنی بود که با آموزش زرتشت مخالفت میکردند ولی همه اینها اهور مزدارا خدای بزرگ میدانستند، در بند بالا میفرماید چه سه گروه موافق با زرتشت و چه يك دسته مخالف چونکه همه اهورا مزدا را می ستایند و از او سعادت و توفیق میجویند باید اتحاد بکنند و بدان و مفسدان را از جامعه براندازند و تصور بکنند که همه پیامبر و مأمور هستند از جانب اهور مزدا که مشیت اهور مزدی را که نیکی و نظم و درستی اخلاق است در جامعه انتشار دهند و بدی را دور کنند.

برخی از ایران شناسان سه بهره بالا را چنین نوشته اند:

- ۱ - خوبتوش - نسر = جنگجو - سرباز ۲ - اریمنه - هخامن -
روحانی ۳ - وستریاخشوینت یا ورزنه یا ورزینته = کشاورز.

(۲) سوسرورجی. سوسوسع. سوسوراجی.
دسدا (سج) واطنوم. سوسوسوسوس.
سوسوسوس (سج). سوسوسوس. سوسوسوس (سج).
سوسوسوس. سوسوسوسوسوس. سوسوسوسوسوس.
دوسوسوسوسوس. واط. سوسوسوسوسوس.
واطوسوسوسوسوس. واطوسوسوسوسوس. سوسوسوسوسوس.

ترجمه : بانان بوسیله وهومن و خستر بما (چنین) الهام کرد و پاسخ داد با اشای با فر رفیق پیوسته اوسپنتا ارمایتی پاکرا برای شما برگزیدم، امید که ارمایتی از ما باشد .

توضیح : عبارت این بند در افکار تسلسل بند گذشته است آنجا که میگوید

سرودسی و دوم

(۳۳)

(۱) ...
...
...
...
...
...
...
...

ترجمه : به او (اهور مزدا) خوبتوش نماز میبرد و همچنین ورزش نم با ایریمنه (بلکه) او رادیویسنی نیز به همان نیت (می ستاید). برای اینکه برترین سعادت رایابند پس ما همه باید پیامبر تو بشویم تا هر که با تو دشمن است او را پس برانیم.
توضیح : مزدیسنی بنا بر ایمان و علاقه ای که به کیش داشتند به سه بهره تقسیم میشدند به این ترتیب:

- ۱ - خوبتوش - مؤمن در عقیده و پاک در عمل.
 - ۲ - ورزش نم - ورزشنده یا همکار که ایمان و صمیمیت خوبتوش را نداشتند ولی همکاری می نمودند.
 - ۳ - ایریمنه یا دوست اینها همکاری هم نمیکردند ولی آموزش زرتشتی را به نظر دوستی میدیدند.
- و این تقسیم بندی غیر از تقسیم چهارگانه اصناف جامعه میباشد که احتمال

افزون گردد و در بند نوزده میفرماید که قضاوت این دو کشمکش یعنی گروه دیویسنی و مزدیسنی در انجام وابسته به فرمان ایزدیت و اوتعین خواهد کرد و در بند هشتم میفرماید او که به آموزگار نیک پیروی میسکند نیک میگردد و پس از پایان این زندگی به جهان روشنائی راه می یابد و او که پیرو بد است انجام در تاریکی است. گویا این اشاره را بعداً مفسرین مجسم کرده گفته اند که پس از مرگ عمل یا به صورت دوشیزه زیبا یا بصورت ناخوش و زشت پدید میگردد. در بند ۲۱ میفرماید کسی که در اندیشه و عمل به اهور مزدمؤمن باشد از همه امشاسپندان بخشش می یابد از جمله : ۱ - از خسرداد تندرستی ۲ - از مسرداد زیست جاوید ۳ - از اشا خداوندی بر خود یا تسلط بر نفس ۴ - از خشر پیروزی در اراده ۵ - از وهومن دانش. و در بند ۲۲ میفرماید ذهن او که به یاری وهومن روشن است آموزش را واضح خواهد یافت و خواهد کوشید که اراده خشر (که مشیت ایزدی است) و اشا را عملی سازد و مرد با اراده و راست و درست گردد .

گرفت و در بند دهم میفرماید اگر یکی خود را پرهیزگار بنماید ولی اندیشه او درست نباشد او نمیتواند بر فکر باطل عمل صحیح را بجا آورد و نمیتواند حامل پیام ایزدی گردد و در بند دوازده میگوید که فیض ایزدی به همه کس میرسد چه خوب و چه بد اگر امتیازی باشد در این است که یکی از آن فیض استفاده میکند و دیگری نمیکند و همین حقیقت در نامه مقدس بهگوت گیتا نیز گفته شده میفرماید :

برای من همه موجودات یکسان هستند نه دوست کسی هستم و نه دشمن ولی او که به صمیمیت و ارادتمندی می آید او در من است و در او هستم.

پس سخن در این نیست که چه از پروردگار میرسد بلکه در این است که از آنچه میرسد چگونه می پذیریم. ارمایتی که صفت بندگی و عفت است همواره در جنب ماست و به پرسش ما پاسخ میدهد در توبه و بازگشت بسوی پروردگار همواره باز و هرگاه ما آماده شویم که از نقصی در آمده بی نقص گردیم مانعی در پیش نیست و اگر باشد صمیمیت و عشق ما او را دور میکند و اشا همواره یار ماست. در بند چهاردهم اشاره میکند که پیش از بجا آوردن عمل بیاندیشیم و از وجدان خود بپرسیم که انجام آن نیک است یا بد و زمان درگذشتن از آن عمل بهره مند میشویم یا زیان می بینیم. و در بند پانزدهم از دو تن دشمنان و مخالفان سر سخت اشاره شده یکی از آنان بنام بندوه و دیگر گروهی و هر دو از رؤسای فرقه دیویسنی بودند و ادعائی داشتند. و در بند شانزدهم خطاب به اهورمزد عرض میکند که انتشار دهنده فزونی اشائی یعنی راستی در عمل باید چگونه باشد و البته پاسخ آن این است که اولاً خود او نیک گردد، تا دیگران را به نیکی رهنما شود و در بند هفدهم به عموم خطاب کرده میفرماید دو طریق زندگی به شما معرفی شده اند یکی مزدیسنی و دیگر دیویسنی، اکنون برای شماست که یکی از آنان را برگزینید و خطاب به اهورا مزدا عرض میکند که و هومن را بر مردم آشکار کند تا حقیقت بر مردم روشن گردد و در بند هجدهم پیروان خود را اندرز می نماید که بسخنان گمراه کننده آموزگاران دیویسنی گوش ندهند و با آنان مبارزه اخلاقی کنند و راهی برگزینند که در جامعه نظم و نیکی

خلاصه سرود سی و یک

در سرود ۲۹ اعلام پیامبری شت زرتشت شده و در سرود ۲۸ از آن مأموریت شت زرتشت بدرگاه ایزدی سپاس گزار است و در سرود سی سخن از دو حالت یا نیرو هست که در جهان تن علت تنوع در اندیشه‌ها و قیافه و اعمال میشوند و در این سرود مختصر معرفی از کیش زرتشتی و تشویق به تبلیغ و انتشار آن است. در بند نخستین میفرماید که من آنچه آشکار میکنم از آن است که بمن الهام میشود و با دیویسناها که جهان اشا را که جهان راستی و درستی است تباہ میسازند مبارزه میکنم. و در بند پنجم از اهورمزدا خواستار است که آئین اشا با الهام شود و هومن را نیک بداند تا به خود اعتماد پیدا کند و پس از آن آنچه برای افراد جامعه نیکو هست بر آنان برگوید و در این اندیشه که شنیدند یا نشنیدند در بند هفتم دو نکته مهم بیان شده‌اند: یکی اینکه اندیشه و عمل بشر باید بر اساس دانش باشد (و دانش نیز بر دو نوع است یکی اینکه نیازمندیهای تن را دور میکند یا فراهم مینماید و دیگری دانشی که روان را از آلودگیها پاک و منزه میسازد و پیروان مزدیسنی باید دانش معنوی و روانی بیابند)،

دوم - تا باطن پاک و روشن نباشد ظاهر پاک و روشن نمیشود.

در بند هشتم خطاب به اهورمزدا عرض میکنند که تو آغاز و انجام و پدر نوی و هومن و آفریننده اشا هستی و تو برترین دادور هستی و تنها ترا باید در نظر

یاری وهومن درك کرده است و چنین دانشمند (به یاری) خشتر ایزدی (نیروی نیک) و نیز اشا بزرگی میدهد بسخن و به عمل (این آموزش را) واو ای مزدا اهورا به تو یاور (خادم) بسیار با کفایت میشود .

توضیح : میفرماید به دانشمندی که ذهن او به یاری وهومن (عقل کل) روشن است این آموزش زرتشتی واضح است و چنین دانشمند هر گاه از آموزش پی برد میکوشد که در سخن و عمل مرام خشتر و اشا را عملی سازد یعنی مرد با اراده و درست کار گردد و البته چنین کس در جامعه در انتشار نیکی بهره بزرگ می یابد.

(۲۱) اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

ترجمه : مزدا اهورا خواهد داد خرداد (یعنی کمال) و امرداد (زندگی جاوید) و از خداوندی خود اشا و به نیروی الهامی خشر و به دادن روزی وهومن به او که در اندیشه و عمل مؤمن است.
 توضیح : کسی که در اندیشه و عمل به اهورمزدا ارادت مند و مؤمن باشد از همه امشاسپندان بخشش خواهد یافت. از خرداد تندرستی از امرداد نمیرندگی یا درازی عمر از اشا خداوندی بر خود و نظم و از خشر نیرو و الهام ایزدی و از وهومن دانش که در نتیجه روزی نیز می یابد .

(۲۲) اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

ترجمه : (این آموزش) واضح است به دانشمند و نیز به او که در ذهن به

داتا» چونکه مفهوم آن در جمع است، گویا باهورمزدامشاسپندان نیز اشاره شده‌اند.

(۲۰) ۴۴۱. ۴۴۲. ۴۴۳. ۴۴۴. ۴۴۵. ۴۴۶. ۴۴۷. ۴۴۸. ۴۴۹. ۴۵۰. ۴۵۱. ۴۵۲. ۴۵۳. ۴۵۴. ۴۵۵. ۴۵۶. ۴۵۷. ۴۵۸. ۴۵۹. ۴۶۰. ۴۶۱. ۴۶۲. ۴۶۳. ۴۶۴. ۴۶۵. ۴۶۶. ۴۶۷. ۴۶۸. ۴۶۹. ۴۷۰. ۴۷۱. ۴۷۲. ۴۷۳. ۴۷۴. ۴۷۵. ۴۷۶. ۴۷۷. ۴۷۸. ۴۷۹. ۴۸۰. ۴۸۱. ۴۸۲. ۴۸۳. ۴۸۴. ۴۸۵. ۴۸۶. ۴۸۷. ۴۸۸. ۴۸۹. ۴۹۰. ۴۹۱. ۴۹۲. ۴۹۳. ۴۹۴. ۴۹۵. ۴۹۶. ۴۹۷. ۴۹۸. ۴۹۹. ۵۰۰.

ترجمه : او که از (آموزگار) نیک پیروی میکنند پس از این (زندگی) مقام او روشنائی خواهد بود واما (او که پیرو بد و بدی است) زمان دراز در تاریکی و دور از روشنائی به سخنان پردرد (زاری) و به چنان زیست مبتلا خواهد شد و اعمال او بر طبق وجدان (دین) او رهنما خواهند گشت.

توضیح : گویا از روی این بند میان زرتشتیها بعداً عقیده‌ای صورت گرفت که پس از مرگ اگر متوفی در این زندگی نیک بوده اعمال او بصورت دوشیزه زیبا از او پذیرائی خواهند کرد و اگر بد بوده زن زشت صورت را خواهد دید مقصود منظره‌ایکه روان پس از جدا شدن از تن می‌بیند مطابق اعمال او خواهد بود. در کیش زرتشتی پس از مرگ سزای گناهان جاوید نخواهد بود ولی باندازه بدی در عمل زمان رنج‌روانی بیش یا کم میشود و در انجام نجات است چنین زمان دراز را در قرآن احقاب فرموده.

زیرا که او خانه و شهر و استان و کشور را بازار بلکه مرگ می افکند و باید با افزار رزم (اخلاقی و روانی) با او مبارزه نمائید .

توضیح : عبارت این بند به بند گذشته ارتباط دارد میفرماید مزدیسنی نباید بسخنان و آموزش آموزگاران دیویسنی گوش دهد زیرا که آموزش آنها در انجام جامعه را چه در خانواده و چه درده و چه در شهر و چه در استان به هرج و مرج و آشفتگی بلکه تباهی خواهد آورد و باید با آنها مبارزه اخلاقی کند این فکر دو گوهر که ضدهم هستند در یسنای ۲۵ و دیگر یسناها تکرار شده .

مزدیسنی باید راهی برگزیند که در جامعه نظم و راستی و درستی اشائی و دانش و هومنی پدید گردد.

(۱۹) 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 . 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 .
 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 . 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 .
 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 . 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 .
 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 . 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 .
 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 . 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬵𐬀𐬯𐬀𐬀𐬀 .

ترجمه : ای اهورا او که گوش میدهد به (سخن راست) و اشا (راستی را) درک میکند - پزشک روان و خداوند دانش میشود. درباره سخنان از آموزش درست او (خواهد شد) بوسیله آتش تابناک تو ای مزدا ! خداوند (دارای) زبان روان (بعنی فصیح) .

مقام (نصیب) هر دو گروه را (در انجام) شما تعیین میکنید (کلمه شما تعیین میکند اشاره به اهور مزدا و امشاسپندان است)

توضیح : تعیین انجام کشمکش میان دو گروه مخالف میفرماید وابسته به مشیت ایزدی است و او تعیین خواهد کرد چنانچه بالا اشاره شد در کلمه «ونهه وی

(۱۷) و س د س د ا ف . س ی ی س د س د . و ا س .
 و ا ع ی س . و ا س . و ا ع ا ی س د س د س د . س ی ی ی ی ی .
 و ا ی و ی س . و ا ی و ی ی ی ی . و ا س د س د .
 س . و ا ی و ی س . س د س د . و ا ی و ی س د س د .
 و ا ی . و ا ی . س ی ی ی ی . س ی ی ی ی ی .
 و ا ی و ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی .

ترجمه : کدام يك از (دو راه) نيكان خواه بدان بهتر دانسته خواهند بر
 گزید، باید او که آگاه هست به دانايان توضیح دهد (و آشکار کند) و او که آگاه (و
 دانا است البته) مردم نادان را گمراه نخواهد کرد.
 ای مزدا اهورا ! برای ما پدیدکننده وهومن شو .

توضیح : دو راه یعنی دو مسلك یکی باستانی دیویسنی و دیگر
 زرتشتی و مزدیسنی. میفرماید به مردم گفته شده و آشکار گشته و آنها یکی از دو
 راه را باید برگزینند و بآنان دانشمندان باید هر دو راه را توضیح دهند و خوب و
 بد هر دو را بگویند و راهنمایی بکنند. پس خطاب به اهورمزدمیگوید که بر مردم
 وهومن را که عقل کل و تمیز دهنده میان خوب و بد است آشکار کن تا حقیقت بر
 مردم روشن گردد.

(۱۸) و س د س د س د س د . و ا ف . و ا ع ی س د س د .
 و ا ی و ی ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی ی .
 س ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی .
 و ا ی و ی ی ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی ی .
 و ا ی و ی ی ی ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی ی ی . و ا ی و ی ی ی ی ی ی ی .

ترجمه : پس هیچ يك از شما به سخنان و آموزش مرد ناراست گوش ندهید

سود نمی‌بیند مگر در جدا کردن شبان (رهنما) و دوست از رمه بشر (جامعه).
 توضیح: در ترجمه بندبالارمه بمفهوم جامعه و نادروغ بمعنی دوست ترجمه شده و ازدروغ و بدکار گویا اشاره به دوتن از مخالفین سرسخت زرتشت باشد یکی از آنها بنام بندوا (Bendva) و دیگر گرهه (Greamha) و هر دو از رؤسای کیش دیویسنی بودند.

(۱۶) ۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲. ۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰. ۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸. ۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳. ۹۴. ۹۵. ۹۶. ۹۷. ۹۸. ۹۹. ۱۰۰.

ترجمه : من این میپرسم - اگر (مردی) که دانشمند است و شاهی تراچه در نمان (خانه) و چه در شهر و چه در استان در کشور صمیمانه انتشار میدهد و برای فزونی اشایعنی راستی میکوشد ای مزداهورا، او در (خدمت بتو) جذب (و مستغرق) شده چنین (شخصی) چگونه خواهد شد و چگونه عمل خواهد کرد؟
 توضیح : مقصود او که صمیمانه اهور مزدائی هست و در انتشار نیکی اشائی میکوشد چه در خانه و چه در شهر و چه در استان و چه در کشور چنین کس چگونه میشود در رفتار و کار؟ البته پاسخ را برای شنونده و خواننده میگذارد، یعنی چنین کس باید اولاً خود او نیک و صمیمی باشد تا نیکی را بتواند ترویج دهد و مردم را رهنما شود.

(۱۴) ناسد. کاسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.

ترجمه : این حقایق را از تومی پرسم ای اهورا: در گذشته چگونه شده است
 و پس از این در آینده چگونه خواهد شد و ای مزدا چه آرزوهای خاموش (باطنی)
 سنجیده میشوند در نامه زندگی درباره نیکان و چه درباره ناراستان و چگونه اینها
 خواهند شد (و به کیش خواهند درآمد) زمانیکه کارها به انجام برسند (و دردهای
 زندگی به پایان برسند

توضیح: گرچه پرسش از اهوراست ولی همه شخصی میتواند به وجدان خود
 رجوع کرده چنین پرسش نماید که انجام کارهایی که در این زندگی عملی شده اند
 چه نیک و چه بد خواهد بود، آیا بهره برداشتم یا بی بهره از جهان درگذشتیم.

(۱۵) ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.
 ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد. ناسد.

ترجمه : ای اهورا ! من این میپرسم چه سزا هست (برای او) که نیروی
 ناراست و کننده ناراستی را حفظ میکند (و فزونی میدهد) و او در زندگی هیچ

توضیح: فیض و بخشش طبیعت به همه میرسد و نیک و بد و دانا و نادان هر دو هر گاه به ارمایتی توجه دهند اورا بهلوی خود خواهند یافت و هرشکی که دارند واز او بپرسند و هر بار دو پاسخ خواهند شنید - مقصود جوینده یا بنده است یا اینکه: دو گروه مخالف به آواز رسا فکرشان را به مردم میگویند، راست و دروغ - دانا و نادان، و روان ارمایتی با وجدان نزدیک است که شکوک خود را از او بپرسند و حقیقت را بدانند.

(۱۳) ورسد. لاندسد. سدرد و بدوردسد.
 ورسد. ولسد. ولسد ولسد. رسد (اندسد و رسد). رسد و رسد.
 رسد. ولسد. ولسد و رسد. رسد و رسد و رسد و رسد.
 رسد. رسد و رسد و رسد و رسد. رسد و رسد و رسد و رسد.
 رسد. رسد و رسد و رسد و رسد. رسد و رسد و رسد و رسد.

ترجمه: هر گاه در پرسش (شکوک) آشکار یا نهان ای مراد او میپرسد (بحث میکند) یا برای گناه کوچک کفاره بزرگ را تحمل میکند، اینها را با چشم درخشنده تومی پائی و به دقت همه را با اشا مراقبت میکنی (می بینی).
 توضیح: نام ارمایتی بمفهوم وجدان باید گرفت. گفته اند در توبه همیشه باز است بنابراین هر گاه که یکی آماده شد که نقص خود را دور کند شکوک او چه آشکار چه نهان هر گاه به وجدان رجوع کرد پاسخ میشوند و از رحمت ایزد متعال همواره بر اراده و اندیشه او ناظر است و با اشا (راستی و درستی) اورا یاری میکند.

(۱۱) نوردنسع . { . نسدوسسد . نسددا (نسد) .
 نسدوسسد نسدوسسد . نسدوسسد . نسدوسسد نسدوسسد .
 نسدوسسد . نسدوسسد نسدوسسد . نسدوسسد نسدوسسد .
 نوردنسع . نسدوسسد نسدوسسد . نسدوسسد . نسدوسسد { .
 نوردنسع . نسدوسسد نسدوسسد . نسدوسسد نسدوسسد نسدوسسد .
 نسدوسسد نسدوسسد . نسدوسسد { . نسدوسسد . نسدوسسد نسدوسسد .

ترجمه : از آنجائیکه از ازل ای مزدا توتنها و روانها را آفریدی و نیز نیروی (ذهنی) از اندیشه خودت عطا کردی و از آنجائیکه جان را میان گوشت (تن) نهادی از آنجائیکه نیروی عمل و سخنان آموزنده (نوداده‌ای) بنا بر این میتوانی یکی هر کیشی که پسندیده برگزینی .

توضیح: در این بند به آزادی عقیده و اراده اشاره شده . مقصود خداوند تن و روان را آفریده و خود نیز بخشیده و جان را در قفس تن نهاده و کارها را بر طبق سخنان آموزنده قرارداد . بنا بر این یکی میتواند هر کیشی که پسندید و اراده او بر آن قرار گرفت برگزیند .

(۱۲) نسدوسسد . نسدوسسد . نسدوسسد .
 نسدوسسد نسدوسسد . نسدوسسد . نسدوسسد نسدوسسد .
 نسدوسسد . نسدوسسد . نسدوسسد .
 نسدوسسد . نسدوسسد . نسدوسسد .
 نسدوسسد نسدوسسد . نسدوسسد نسدوسسد .
 نسدوسسد نسدوسسد . نسدوسسد نسدوسسد .

ترجمه : بنا بر این (هریک) آوازش را بلند میکند خواه دروغ گو خواه راست گو، خواه دانا خواه نادان (با وجود آن) به دل و به اندیشه هر یک (از آنان) به روان ارمایتی که در پهلو وجود دارد و در آنچه شک دارد (از او) میبرد .

(۷) و یزید روید و یزید روید
 یزید روید و یزید روید
 یزید روید و یزید روید
 یزید روید و یزید روید
 یزید روید و یزید روید
 یزید روید و یزید روید

ترجمه: او که از آن (سخن پاک) که درازل اندیشید که روشنائی از روشنائی آسمانی روان خواهد شد، خود او در خرد او و آفریننده آئین ابدی است که بواسطه آن او بهترین نفس (و هومن) را دارد وای مرزا! (درخواست میکنم) که از آن روشنائی بوسیله نفس (پاک خودت) باطن ما را روشن کن (آن روشنائی) که ای اهورا! تا کنون همان است که بود.

توضیح: در این بند نکات زیر اشاره شده اند:

- ۱- روشنائی یعنی دانش بشر همان باید باشد که ایزدی و آسمانی است
- ۲- و هم چنین آئین
- ۳- باید باطن پاک و روشن باشد تا ظاهر نیز پاک و روشن گردد بنابراین از خداوند درخواست میکنند که به آئین ایزدی رهنما شود و باطن را از نوری روشن سازد که از خود او هست و جاوید بدون کاهش و تغییر و تبدیل پاینده است.

و خود را (در آنچه) از خوبی روی میدهد بر ترا حساس بکنم و همت یابم - همه اینها (از چیزهای خوب) ای مزدا اهورا خواه بمن برسند یا نرسند.

توضیح: میفرماید ای مزدا اهورا آیینی که از اشا به من برگو تا برگزینم راهیکه به آن مردم را رهنما شوم و از وهومن بدانم تا در خود برتری یعنی اعتماد احساس کنم - در هر چه برای من (و پیروانم) نیک است خواه آنها (از من) بشوند یا نشوند - یعنی خواه بتوانم به انجام رسانم یا نتوانم .

(۶) ...

...
 ...
 ...
 ...

ترجمه: بهترین (سعادت) برای آن دانشمند خواهد بود که (سخنان) راست مرا انتشار دهد سخنان (پاك ماترا) که (رهنماست) به اشا و خرداد یا (کمال روحانی) و امرداد (زندگی جاوید) و هم چنین خواهد بود خشتر یا نیروی مزدائی که بوسیله وهومن در باطن او افزون گردد.

توضیح: اشاره به انتشار و تبلیغ کیش زرتشتی است. اشا وهشت و خرداد و امرداد برای دانشمندی هستند که ماترا با سخنان پاك ایزدی را میان مردم انتشار میدهد تا نیروی مزدائی بوسیله وهومن در آنها افزون گردد .

پاك و اشا میدهی و از آن پیمان که مارا به الهام آگاه فرمودی که بتوانیم آئین ایزدی مزدائی را درست بدانیم و میان اندیشه دیگران و خود امتیاز دهیم به سخن و زبان خود آشکار کن تا من (زرتشت) مردم را به آن دین رهنمائی کنم. از این بند معلوم میشود که تبلیغ در کیش زرتشتی امر لازمی بود که اکنون نیست.

(۴) اسپندوسد . سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد .
سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد .
سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد .
سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد .

یهیا - وردا - ون اما - دروچم

ترجمه : هرگاه به درخواست (نماز) ما متوجه هستند اشا و نیز مزدا اهورا با ارمایتی پاک، پس بوسیله وهومن خواهم خواست خشنیرومند را برای خودمان که به بالیدگی (توانائی) او درما برناراستان چیره گردیم.
توضیح: در این بند نام اشا و ارمایتی و وهومن و خشنرا با نام اهورمزد ذکر شده و شباهت دارد به دعای داریوش که در کتیبه‌هایش میگوید اهورمزد و دیگر ایزدان شاهی مرا به پایند.

سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد .
سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد .
سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد .
سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد . سپسوسد .

ترجمه : آنرا به من برگزینم که بوسیله چه (بما) فرموده ای و (آن چیست) بهتر برای من که پیروی کنم. آنرا به من آشکار کن بوسیله وهومن تا بدانم

(۲) $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$

ترجمه : از آنجائیکه بسبب این (گفته‌های گمراه کننده) برای برگزیدن راهی بهتر واضح در نظر نیست - بنابراین بسوی شما همه (به وظیفه) آموزگار آمده‌ام که اهورا تعین کرده و او را که میان این دو گروه مزدا فرستاده تا که ما (همه) بتوانیم همرنگ با اشا زندگی بکنیم.
 توضیح: در این بند صریحاً زرتشت پیغامبری خود را اعلام میفرماید و نیز اشاره می‌کند که میان دو گروه دادور - شده و جانب اشا را ترجیح داده است.

(۳) $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$
 $\text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز} \cdot \text{سزورسز}$

ترجمه : آنچه بوسیله آتش روانی می‌دهی و سعادتیکه بوسیله اشا به هر دو گروه وعده نموده‌ای و آئینی که برای دانشمند کامل هست ای مزدا برای آگاهی ما اعلام کن از سخنانی که بزبان خودت باشند تا که من همه زندگانی را به آن رهنمائی (تبلیغ) کنم
 توضیح: ای مزدا آن خورسندی روانی (باطنی) که بوسیله آتش مجرد و

سرود سی و یکم

(ویراسته شد - بر سرود شماره ۳۱)

(۱) همسایگان ما را در این راه یاری کنید
 و در این راه ما را یاری کنید و در این راه ما را یاری کنید
 و در این راه ما را یاری کنید و در این راه ما را یاری کنید
 و در این راه ما را یاری کنید و در این راه ما را یاری کنید
 و در این راه ما را یاری کنید و در این راه ما را یاری کنید
 و در این راه ما را یاری کنید و در این راه ما را یاری کنید

ترجمه : این آئین شمارا در خاطر داشته - ما پیام (اهور مزدی را) اعلام میکنیم
 و گوش به سخن آنانکه (پیروی از) آموزش ما را استان میکنند و جهان اشائی را
 تباه میسازند نمیدهیم .

بویژه (شنیدن و دانستن این آئین) بهتر است به آنانکه دلشان را به مزدا داده اند.
 توضیح: زرتشت میفرماید آئینیکه بمن الهام شده و در ذهنم هست آشکار
 میکنم و گوش به سخنان آنانکه دیویسنی میباشند و جهان اشائی را تباه میسازند
 نمیدهیم. آنهائیکه دلشان را به مزدا سپرده اند و صمیمی میباشند این آئین را از همه
 آئینها بهتر خواهند یافت.

متوجه گردد و متوسل شود و در خود بیافزاید. در بند نخستین این سرود اشاره شده به آنانکه جوینده حقیقت هستند که این دو نیرو در طبیعت و اخلاق و قیافه و شکل هر بشری نمایان هستند و آنانرا از هم ممتاز میسازند. من مزدا را می ستایم و سخن از هومن و اشا میگویم تا شما آنانرا دانسته به جهان روشن در آید و این پیام مرا بسنجید و بعد پذیرفته در میان مردم انتشار دهید. در ما بد و خوب چه در اندیشه و چه در کار وجود دارند، آنانکه دانا هستند خوب را بر میگزینند و او که نادان است بد را اختیار میکند. یکی زنده سوی مرگ اخلاقی میرود و دیگر از مرگ اخلاقی در آمده روان زنده می یابد و در تاریکی تن و ذهن خود را به جامه روشنائی روشن میکند و مزدا را بر میگزیند. ناراستان یعنی دیویسنها راستی را نمی جویند و در شك و تردید به پاره موهومات چسبیده اند. در بند هفتم اشاره به آزمایشی است که بعداً آنرا آزمایش آهن گداخته گفته اند و مقصود گویا از آزمایش بسیار سخت است که آنرا به آهن تاخته یا گداخته تشبیه کرده اند و در بند هشتم پیشگوئی میکند که در انجام راستی بر ناراستی پیروز خواهند شد و ناراستی شکست خواهد خورد و طنزاً میفرماید که شکست آنها به يك مفهوم پیروزی آنهاست و در بند یازدهم خطاب به پیروان خود میفرماید این آئین که اهور مزدی است و بشما بیان میکنم شما را به سعادت رهنماست و به پیروی به آن روشنائی روانی خواهید یافت و به کمال روانی خواهید رسید.

و سزائی است برای همه (روزهای) عمر (و آن) از ناراستان است.
 پیش رفت رویه بلندی (روانی) از نیکان است و آنگاه بوسیله آئین
 (مردیسنی) روشنائی (روانی) بشما نزدیک خواهد شد.
 توضیح: میفرماید - خطاب به مردم - که دو آئین بشما تقدیم میشوند
 یکی از دیویسنی که برای همه عمر درد ورنج آورنده است و دیگر آئینی که مزدا
 فرمود و آن شما را به بلندی و کمال روانی رهنماست و در انجام روشنائی و
 خورسندی روانی را خواهید یافت.

خلاصه سرود سی

در این سرود از دنیرو یا کیفیتی که در جهان تن علت تنوع فکر و قیافه و
 شکل و عمل میشوند اشاره شده و بعداً مفسرین آنرا بصورت دیگر در آورده اند
 بویژه مانی و مانند او. در اصل از زمان بسیار باستان در میان همه ملل از جمله آریای
 هند و ایران افسانه‌ها و حکایتها ازداد و پدیداد و از خوبی و بدی و روشنائی و تاریکی
 گفته میشدند. قهرمانان نیز در دو طبقه یکی مروج عدل و دیگر عامل ستم معرفی
 میگشتند مانند رام و راون در هند و فریدون و ضحاک در ایران. حضرت زرتشت در
 سرود سی این فکر را با اختلافی که در آموزش او و رهبران دیویسنی بسود تطبیق
 فرموده و در سرود ۴۵ صریحاً گفته که اندیشه و سخنان و عمل و آموزش و وجدان
 و غیره من و شما یکسان نیستند آنچه شما می آموزید مادی است و آنچه من میگویم
 معنوی و روانی میباشد. در عبادت شما هزاران گاو و گوسفند کشته میشوند و بانی آن
 رسم یا عبادت مبلغ هنگفت به صورت انعام به سرود گویان بخشش میکند و چند ماه
 به سازو آواز و حیوان کشی مشغول میشوید و من این رسم عبادت را بیهوده می شمارم
 و پیروان خود را از ظاهر به باطن متوجه می سازم. پروردگار من اهور مزدا صفات یا
 مظاهر او امشاسپندان هستند که در هر یک از آنان حقیقتی معرفی شده که بشر باید به آن

(۹) سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس.
 سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس.
 سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس.
 سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس.
 سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس. سزومس.

ترجمه : (و امیدواریم) که ما از تو بشویم (هم چنانکه) می شوند مردمیکه این جهان را نو میکنند. ای مزدا وای اهورا (خداوند آفریده شدگان و خداوند جان) و زندگی به کنیم بوسیله اشا به مهر و عشق (باتو) به این ترتیب (امید) بشویم یکسو در دل. هرگاه که نیروی تمیز ما در شك بشود و تردید توضیح : از مزدا (خداوند آفرینش) و اهورا (خداوند جان) سه آرزو می کند :

- ۱ - از تو بشوم و جامعه را از سر نو اصلاح کنم.
- ۲ - بوسیله اشا یعنی راستی و درستی به تو عشق ورزیم و با مشیت تو هم رنگ و همساز گردیم.
- ۳ - هرگاه نیروی تمیز ما به شك و تردید گردد، بکشیم تا در ذهن یکسوئی پیدا شود.

کامیاب شده.

توضیح: بند هفت سلسله بند پنج و هشت از تسلسل فکر بند شش میباشد آهن گداخته بعداً به معنی لغوی آن گرفته شده ولی در گاتاها باید مفهوم آزمایش سخت باشد و آهن برای آن بمفهوم استعاره میباشد.

(۸) سوسوس سوسوس سوسوس
 وسوسوس وسوسوس وسوسوس
 سوسوس سوسوس سوسوس
 سوسوس سوسوس سوسوس
 سوسوس سوسوس سوسوس
 سوسوس سوسوس سوسوس

ترجمه: ولی زمانیکه کین (سزای) گناها نشان بر آنها فرو خواهد آمد - پس ای مزدا نیروی (آئین) تو آشکار از وهومن پدید خواهد شد و آنگاه ای اهورا آموزش داده خواهد شد تا که بدست اشا آنان ناراستان را تسلیم بکنند (بدهند)

توضیح: این بند سلسله فکر بند شش میباشد که دیویسنی یا ناراستان از اهریمن فریب خورده و در شك و تردید مانده بدی را بر گزیدند و به سوی خشم و نفرت رفتند و دنیائی را به اعمال ناشایسته پلید ساختند و هر گاه به سزای گناها نشان رسیدند خستر یعنی نیروی ایزدی از وهومن یعنی دانش ایزدی پدید شد و آموزش درست داده ناراستان را بدست اشا یعنی درستی و راستی تسلیم کرد.

تباه شدنی می‌پوشاند و او که اهورا را (از خود) خوشنود میسازد به کردن کارهای راست (و درست) او مزدا را باید برگزیند .
توضیح : تسلسل فکر بندهای گذشته می‌باشد .

(۶) سدرسه . چای دغ . (ایند) . کای پیچ درسه سدرسه .
و پیچ درسه سدرسه . پیچ درسه . پیچ درسه . سوچ پیچ درسه .
دغ پیچ درسه . دغ پیچ درسه .
پیچ درسه . چای (ایند) . پیچ درسه . پیچ درسه . سوچ پیچ درسه .
پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه .
پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه .

ترجمه : از این دو ناراستان راستی را بر نمیگزینند زیرا که فریبنده در زمانیکه به شك و تردید متوقف شده بودند نزدیک شد، از اینرو آنان اندیشه بد را برگزیدند و با او (فریبنده) او به خشم تاختند و به این ترتیب زندگی و مردم را آلوده (و پلید کردند)

توضیح : همه بندهای گذشته در نکوهش دیویسنی‌ها گفته شده‌اند .

(۷) سدرسه سدرسه . پیچ درسه سدرسه . پیچ درسه .
پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه .
پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه .
پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه .
پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه . پیچ درسه .

ترجمه : و به چنین کس خواهد آمد خشر (نیرو) ایزدی و نیز هومن با اشا- و پیش‌رفت تن جاوید را ارمایتی مهربان خواهد داد . برای آنها خواهد بود (هم چنان که برای) تو هست، زیرا او در آزمایش سخت (گویا) آهن (گداخته)

توضیح : تسلسل فکر دو بند گذشته است.

(۴) $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$ $\frac{1}{6} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{24}$ $\frac{1}{24} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{120}$ $\frac{1}{120} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{720}$
 $\frac{1}{720} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{5040}$ $\frac{1}{5040} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{40320}$ $\frac{1}{40320} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{362880}$
 $\frac{1}{362880} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{3628800}$ $\frac{1}{3628800} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{39916800}$
 $\frac{1}{39916800} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{479001600}$ $\frac{1}{479001600} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{6227020800}$
 $\frac{1}{6227020800} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{87178291200}$ $\frac{1}{87178291200} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{1307674368000}$

ترجمه : و اکنون هرگاه این دو ماینیو بهم آمدند و پدید شدند از نخستین زیست و مرگ را آفریدند (علت شدند) و به این ترتیب مقصود آفرینش به انجام خواهد رسید بدترین (در بهره) ناراستان ولی بهترین حالت ذهنی برای پیروان راستی خواهد شد (یا وهومن- دانش، برای پیروان راستی خواهد شد)
 توضیح : زیست و نازیست یا مرگ، هم به مفهوم تنی است و هم بمعنی زیست و مرگ اخلاقی - هم چنانکه دو ماینیو علت خوبی یا بدی و نظم یا بی نظمی میشوند، دوروش مختلف نیز یکی وسیله اصلاح و خوبی جامعه و دیگر علت خرابی و فساد میگردد و احتمال کلی دارد که گوینده حقیقت نخستین را برای دومی مثال آورده است.

(۵) $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$ $\frac{1}{6} \times \frac{1}{4} = \frac{1}{24}$ $\frac{1}{24} \times \frac{1}{5} = \frac{1}{120}$ $\frac{1}{120} \times \frac{1}{6} = \frac{1}{720}$
 $\frac{1}{720} \times \frac{1}{7} = \frac{1}{5040}$ $\frac{1}{5040} \times \frac{1}{8} = \frac{1}{40320}$ $\frac{1}{40320} \times \frac{1}{9} = \frac{1}{362880}$
 $\frac{1}{362880} \times \frac{1}{10} = \frac{1}{3628800}$ $\frac{1}{3628800} \times \frac{1}{11} = \frac{1}{39916800}$ $\frac{1}{39916800} \times \frac{1}{12} = \frac{1}{479001600}$
 $\frac{1}{479001600} \times \frac{1}{13} = \frac{1}{6227020800}$ $\frac{1}{6227020800} \times \frac{1}{14} = \frac{1}{87178291200}$ $\frac{1}{87178291200} \times \frac{1}{15} = \frac{1}{1307674368000}$

ترجمه : از این دو ماینیو بر میگزیند او که ناراست است و بدترین (کار) میکند، اما (او که) پاکترین نفس است راستی را - او که خود را به جامعه روشنائی نا

سرود ۳۰

(ویراسته از سرود ۳۰)

(۱) بیع . ناسد . واندی بیع ناسد . دی بیع بیع بیع بیع .
 ویراسته . ویراسته . ویراسته . ویراسته . ویراسته .
 ویراسته بیع بیع بیع . ویراسته بیع بیع بیع .
 ویراسته بیع بیع بیع . ویراسته بیع بیع بیع .
 ویراسته بیع بیع بیع . ویراسته بیع بیع بیع .
 ویراسته بیع بیع بیع . ویراسته بیع بیع بیع .

ترجمه: اکنون به آنانکه خواهشمندمی باشند خواهم گفت از دو طریق که آفریده شده هستند از - مزدا و این همه (آموزش) برای دانایان است و خواهم (برخواند) سرودها به اهورا و ستایشها به وهومن (و هم چنین توضیح خواهم داد) آموزش نیک اشا را تا شما کامل گردید و به جهان روشن در آئید .

توضیح: در این سرود از طریق مزدیسنی و دیویسنی یا کیفیاتی که در جهان تن علت تنوع میشوند اشاره شده و مختصری از آموزش خود میفرماید که :
 ۱ - ستایش به اهورا ۲ - نیایش به وهومن ۳ - آموزش اشائی شما را به روشنائی رهنما شده کامل خواهد کرد .

یعنی فرشاوشره و دیگر پیروان نیک از اهورمزد و اشا خواستار است. و در بند نهم به اهورمزدا عرض میکند که هرگز بد هیچ اندیشه و هیچ عمل نکند که سبب برانگیخته شدن او و اشا و وهومن و خستر گردد و همیشه ارادت خود را به سرود ستایش تقدیم بارگاه اهورمزدائی خواهد کرد و در دو بند آخر که دهم و یازدهم باشند عرایض خود را که در حقیقت سپاس نامه اوست به دو تمنا به پایان میرساند: یکی اینکه اهورمزد آنان را که دل پر مهر و ارادت دارند و نیک و دانا هستند در آرزوی آنان که راستی و درستی است موفق کند و دوم هرگز اشاره‌های اشا و وهومن را از یاد نبرد و آنچه به او از اهورمزد الهام میشود به دنیا اعلام کند و به مردم نشان دهد که آنها از کجا آمده‌اند و آفرینش چگونه آغاز شده و چگونه موجودات وجود یافته‌اند.

این است مختصر سپاس نامه و برنامه زرتشتی که گرچه بزبان زرتشت است ولی در حقیقت برای همه پیروان او بلکه نوع بشر است.

خلاصه سرود ۲۸

در سرود گذشته شت زرتشت به پیامبری برگزیده میشود. در این سرود لازم بود که برای عنایت سپاس گذارد و بنا بر این میتوان گفت که سرود بیست و هشتم اولاً ستایش و بعد به اختصار برنامه‌ایست که به آن می‌خواهد مشیت ایزدی را اجرا بکند. در بنداول پس از تشکر و ستایش از اهورمزد و امشاسپندان در وظیفه‌ای که به آن تعیین شده و پذیرفته از آنان یاری میخواهد و در بند دوم میگوید که تنها به اندیشه نیک و پاک‌ی دل و به پیروی از آئین‌اشا که آیین راستی و درستی است آدمیزاد به برترین مقام معنوی رسیده به حضور اهورمزد نزدیک میشود - و در بند سوم امیدوار است که به ارادت و ستایش از اهورمزد و سه صفات برجسته ایزدی یعنی وهومن یا عقل کل و اشا یا نفس کل و آرمائی یعنی گرویدگی و عفت جوینده حقیقت برای عمل موافق مشیت ایزدی سعادت‌مند میگردد - و در بند چهارم میفرماید با اندیشه نیک میتواند در بهشت‌ترین که برترین مقام معنوی و روانی است به وهومن و اشا نزدیک شده و از آنان الهام یافته با ضمیر روشن در میان افراد جامعه آنچه پسندیده اهورمزد است بجا آورد و در تربیت آنان بکوشد و در بند پنجم تمنا میکند که به وهومن و اشا در بارگاه ایزدی نزدیک شده آنها را ببیند، یعنی نسبت به آنان معرفت بیابد و گمراهان و بدکیشان را رهنمائی کند و رهنمائی او باید به سخنان پاک و خوش عملی گردند - و در بند ششم از اهورمزد خواستار است که زندگی دراز و توانائی روان برای خود و پیروان نیک بیابد تا بیشتر فرصت و وقت داشته بتواند فساد را از جامعه دور سازد و بر معنویات و اعمال مفسدان پیروز گردد - و در بند هفتم از اهورمزد التماس میکند که شاه گشتاسب را در کار انتشار کیش بهی یاری کند و آرزو دارد که بالهام‌های ایزدی پی ببرد - و در بند هشتم بهترین بخشش اهورمزد که دانش صحیح باشد برای قهرمان کیش مزدیسنی

(۱۰) نفع و نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .

ترجمه: ای اهورمزدا! چون میدانی (برخی) به سبب اشائی (نیک) بودن و به سبب دل پر مهر دانشمند و راست هستند پس آرزوی آنانرا به کامیابی در کارشان بر آور- زیرا میدانم از تو نماز نیازمندان برای اینکه انجام نیک بشود بی پاسخ نمی ماند.

توضیح: آرزو می کند که اهورمزدا آنانرا که دل پر مهر و ارادت دارند نیک و دانشمند هستند و برای آرزوهای نیک و هدف راست میکوشند کامیاب کند و

(۱۱) نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .
 نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون . نفع بیرون .

ترجمه: پس بوسیله این (ستایشها) جاوید خواهم داشت اشا و وهومن را با خود نگه دارم و ای اهورمزدا آیا بمن بوسیله مساینیو (نفس) و نیز از دهن خودخواهی آموخت تا من به دنیا اعلام کنم که از کجا (و چگونه) آغاز آفرینش شد و موجودات به وجود آمدند.

توضیح : بهترین بخشش و هومن (که دانش راست باشد) برای قهرمان
فرشا و شتره و نیز برای پیروان خود و مردمیکه در علم ایزدی از سعادت بخشش
و هومنی در همه زمان برخوردار خواهند شد از اهورمزدا و اشا خواستار است .

(۹) ساسدند . واسع . چای دبع . سسرد (س) .
 سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس .
 سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس .
 سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس .
 سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس .
 سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس . سسوس .

ترجمه : هر گزای اهورامزدا شمارا به این نیایشها برانگیخته نخواهیم
کرد و نه اشا و نه هومن را (که بهترین است) اما که مشتاقانه میکوشیم که سرود ستایش
را بشما تقدیم کنیم زیرا شما سزاوارترین هستید کسه شتوده شوید در نماز با
خشترای نیرومند .

توضیح : هر گزای اهورمزدا سوء استفاده از بخششهای شما نخواهیم کرد
و شما و اشا و هومن را برانگیخته نخواهیم نمود بلکه آرزومندانه میکوشیم که
سرود ستایش ما را بشما تقدیم کنیم، شما و خستر نیرومند را که سزاوارترین هستید
به ستایش .

(۷) و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب

ترجمه : ای اشا ! سعادتت که وهومن به پاداش میدهد عطا فرما
 و ای ارمایتی ! آرزوی (خواستش) وشتاسپ و نیز مردم (پیروان) مرا برآور.
 ای مزدا ! به خداوندی خود بده (هوش) بما تا ما بندگان گرویده فرمان
 ترا اجرا کنیم (به ورزیم)

توضیح: از اشا بخشش زندگی جاوید و از وهومن دانش و راستی و از
 ارمایتی آرزوی شاه گشتاسپ و گرویدن مردم به کیش مزدیسنی و از اهورمزد
 نیروی شنیدن و پی بردن به سخنان الهام ایزدی خواستار است

(۸) و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب
 و سزویب سزویب سزویب سزویب سزویب

ترجمه : ای برترین از تو بهترین بخشش (مقام) که یگانه هست با برترین
 اشا (از تو میخواهم) و از اهورا به آرزو التجا میکنم برای جوانمرد (قهرمان)
 فرشا و شتره و نیز برای مردم من و برای همه آنانکه خواهی بخشید سعادت وهومنی
 در همه زمان (جاوید)

وسروش را (یا بوسيله سروش)
 وبا داشتن این منتره یعنی سخن مقدس به برترین (راه)
 ما بتوانیم به زبان (سخن) مردم نادان و گمراه را (به راه راست) برگردانیم
 توضیح: تمنا میکند که اشا و وهومن را دربار گاه اهورمزدی به بیند، بدکیشان
 را رهنمائی کند و رهنمائی را به منتره و هروا یعنی سخن پاک و زبان خوش عملی
 سازد.

(۶) وا ط ی ر ج . ق ن س د و ی . ه س ا ی س د و ی س .
 و س د و ی . ن س ی س س و ی س . و س ا ی ق س د و ی ر ج .
 ا ی ی ی ی س د و ی س د . م ج . د ن ی س د و ی س . ه س ی و س .
 و س ا ی س د و ی س ا ی س د . س ط ی ج ی و ی ی ی ی ی س . س ا ی ه ی ج .
 س س و ی س د ا ی ر س س د و ی س . س ی ر ج ا ی س .
 و س د . ا ی ر ی ی ی ی ی س . و ی ی ی ی ی س . م س ا ی ر س س د و ی س د ه

ترجمه: با وهومن بسوی ما بیا و بخشش جاوید را بیا بده
 ای مرزا! براستی بنابر سخنان راست تو به زرتشت شادی زیست باطن را
 عطا فرما و نیز به (همه) ما ای اهورا! تا (بتوانیم) بر نفرت دشمنان چیره گردیم
 توضیح: بخشش جاوید اشا (یا زندگی طولانی) و توانائی روان که به
 دانستن سخنان راست (پاک) میسر میشود از اهورمزد برای خود و پیروانش خواستار
 است و میگوید با این بخشش بر نفرت گروه مخالف چیره خواهد گشت.

(۴) ۴۳۶۰ (۴۳۶۰) ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰

ترجمه : به راستی در بهشت برین روانم یا روانیکه به وهومن پیوسته
 رهنمائی خواهم کرد و از آنجائیکه از سعادتى که (از بجا آوردن) کارهای نیک (بنام)
 اهورمزد می‌بایم آگاه شده تا زمانیکه اراده و توانائى دارم به (مردم) خواهم
 آموخت که برای (کارائشائی) بکوشند.

توضیح: آرزومند است که فکر اودر بهشت برین (حالات سکون وطبیعی)
 به وهومن یعنی دانش ایزدی نزدیک شده و از آن سعادت یافته و ضمیر او روشن
 گشته ومشیت اهورمزدی و آئین ایشا را نیک درک کرده آنچه پسندیده اهورمزد است
 بجا آورد و در تربیت افراد جامعه بکوشد.

(۵) ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰
 ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰ ۴۳۶۰

ترجمه : ای ایشاکی تورا خواهم دید (یافت)
 و نیز به دانش پی برده وهومن (را بیایم)
 و نیز (چه زمان خواهم یافت) راه اهورمزد توانا

روشنائی .

توضیح: بنا بر نوشته آقای دکتر تارا پور و الا مقصود گوینده در قطعه بالا این است که به پاکی دل حضور اهورمزد را دریابد و چون یافت سعادت تنی و معنوی از پیروی به آئین اشا نیز خواهد یافت و به برترین مقام روانی که بهشت برین است عروج خواهد نمود

(۳) و سز-واسع . سبب سب . دل در سب .
 سبب سب سب . واسع سب . سبب سب (ا) سب .
 سبب سب سب . سبب سب .
 و سبب سب سب . سبب سب سب . سبب سب سب سب .
 واسع سب سب . سبب سب سب سب .
 سب . سب . سبب سب سب . سبب سب سب سب .

ترجمه : من به تو ای اشا (سرود) می سرایم
 به وهومن چنانکه پیش از این (کسی نسرائیده)
 و به مزدا اهورا که به (مهربانی) شما و خشترم که (نمیرنده) جاوید است و نیز
 ارمایتی را در خود بیافزایم . بیائید اینجا (اکنون) و بمانید سعادت کامل بخشید .

توضیح: به سرودن یسنا و ستودن اهورمزد و اشا و وهومن امیدوار است که
 در او خشترم یعنی نیروی ایزدی و پاکی ارمایتی پدید شوند و استعداد پذیرفتن و
 عمل کردن به مشیت ایزدی بیابد .

زرتشت عرض میکند که هر گاه اشا (نیروی زندگی) و وهومن (جوهر دانش) بشتاب
به من برسند و یاری کنند من این آموزش نورا که اهورمزد به فردی از تیره مگای
بزرگ عطا فرموده انتشار خواهم داد و برای بندگی و بجا آوردن این وظیفه آماده
هستم .

سرود ۲۸

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

(سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . ۲۸)

(۱) سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

سپاسگزارانم . سپاسگزارانم . سپاسگزارانم .

ترجمه : اورا اکنون میستایم و نماز می برم

با دستها برداشته برای سعادت کامل

در اجتماع کشاورزان بود بایستی بگوید کاشتند گمراهی را بجای تخم دایت و هم چنین در قرآن اشاره از حیوان بسیار سودمند شده میفرماید:

آیا نمی‌نگرند به شتر چگونه آفریده شده. ولی در اوستا و ویدا بجای شتر حیوان سودمند گاو بود. از اینرو مکررانه گاو توصیف کرده‌اند و ستوده‌اند و زمین را به گاو تشبیه نموده‌اند و هم چنین نظم و امنیت دهنده جامعه را شبان و نگهبان گفته‌اند و ایران شناسان اروپا چنین الفاظ را بمعنی لغوی گرفته و در آن تأمل زیاد نکرده به این نتیجه رسیدند که نهضت زرتشتی نهضت کشاورزی بود و او میخواست که قوش پیشه کشاورزی را اختیار کنند و شبان بشوند در صورتیکه طرز زندگی به نهضت دینی نمیشود بلکه به موقع جغرافیائی و علل دیگر است. در سرود ۲۹ که به سبک نمایش سروده شده ولی نمایش نیست زیرا که به قصد نمایش گفته نشده و در حسن بیان بی نظیر است تصور کنید که در دربار اهورمزدی گاو زمین حضور می‌یابد و ناله می‌کند که زور و ستم مردم فاسد، آبادی را به ویرانی مبدل نموده و تقاضا میکند که اهورمزدا یکی را برگزیند که جامعه فاسد را اصلاح نماید. در دربار صفات ایزدی که امشاسپندان باشند حضور دارند، اهورمزدا اولاً به اشا که یار زیست و نظم میباشد رومی‌کند و می‌پرسد که در نظر او کدام کس برای چنین وظیفه موزون است؟ اشا پاسخ میدهد که کسی را در نظر ندارد ولی هر که باشد باید توانا باشد و چنین کسی را اهورمزدا بهتر میدانند. پس اهورمزده و هومن که مایه دانش و عقل کل میباشد متوجه شده از او می‌پرسد که در نظر او که میباشد که التماس گاو زمین را عملی سازد و او اشاره به زرتشت مینماید و زرتشت عرض میکند اگر اشا و هومن و خشترا ایزدی مرا یاری کنند این وظیفه را به انجام میرسانم. آنگاه گاو زمین باز ناله میکند و میگوید که زرتشت شخص پارسا و سرود گوست و برای اینکار مرد دلیر و مقتدر موزون تر است. ولی چون دانست که اشا و هومن و خشترا زرتشت را یاری خواهند کرد تسلی می‌یابد و خوشنود می‌شود و میگوید در اینصورت او را که اهورمزدا برگزیده ما (یعنی گاو زمین و میرندگان یا مردم جامعه) می‌پذیرند و

(۱۱) ووسد سبب سبب واطب سبب
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

ترجمه : کی اشاو وهومن وخشتر بشتاب سوی من خواهند رسید. شما ای مزدابرای این آموزش (نو) به مگای بزرگ شناسائی (خود، به بخشید) وای اهورا اکنون که بما یاری رسید ما برای بندگی به مانند شما صمیمانه آماده هستیم . توضیح: این بند بزبان گاوگیتی گفته شده که از اهورمزدا التجا میکند که اشا و وهومن وخشتر (اهورمزدی) شتابانه به یاری او بیایند و آموزش نو از زرتشت که از تیره مگای بزرگ است مورد شناسائی و پذیرفتگی اهورمزد گردد و در آخر عرض میکند اکنون که یاری بما رسید ما برای بندگی و خدمت مشتاقانه آماده هستیم.

خلاصه سرود ۲۹

گویندگان نوشته مقدس دینی بنا بر اقتضای محیط و صورت جامعه که در آن زندگی میکردند الفاظی از روی استعاره استعمال کرده اند که به محیط مناسب و موزون بوده از جمله در قرآن مکرر از بازرگانی و خرید و فروش و سود و زیان اشاره شده مثلاً میفرماید:

تخیم خریدند گمراهی را به هدایت دل. گوینده بشت یا یسنای اوستا چونکه

توضیح: مادر گیتی ناله میکند و میگوید که من برای انتشار افکارم مرد زبردست، سردار توانا را لازم دارم و اینک از دربار اهورمزدي برای یاری من مردی پارسا و سخنگو تعیین شده و این یاری برای ترویج مقصودم بسیار ضعیف است آیا وقتی خواهد رسید که مردی نیرومند یعنی پادشاهی یاور من گردد.

(۱۰) سزوم اهورا مزدا سزوم اهورا مزدا
 سزوم اهورا مزدا سزوم اهورا مزدا
 سزوم اهورا مزدا سزوم اهورا مزدا
 سزوم اهورا مزدا سزوم اهورا مزدا
 سزوم اهورا مزدا سزوم اهورا مزدا
 سزوم اهورا مزدا سزوم اهورا مزدا
 سزوم اهورا مزدا سزوم اهورا مزدا

ترجمه: مادر گیتی گفت ای اهورا! به اینها نیروی زندگی به بخش-وای اشا! توانائی وای وهومن! به او دانش عطا کن تا او ما را بسوی رامش و شادی رهنما گردد. ای مزدا! ما همه او را بصورت بهترین آفرینش تو می پذیریم.

توضیح: مادر گیتی برگزیده ایزدی را می پذیرد و عرض میکند که اهورمزدا به او نیروی حیات و اشا توانائی و وهومن دانش به بخشند و میگوید این بهترین تحصیل شده از دربار اهورمزداست و امید دارد که او به نوع بشر رامش و شادی بیاورد و بهترین رهنما گردد و اینکه بجای او را- اینها را گفته شاید مقصودش زرتشت و آنها هستند که به او پیروی خواهند کرد.

(۸) سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .

ترجمه : یکی در اینجاست که اورا می شناسم (آشناست بمن) و اوتنها کسی است که فرمان مارا (به توجه) شنیده.
 (واو) اسپیتاما زرتشتر است
 درباره مزدا و اشا اوتنها آماده هست (مایل است)
 که بواسطه سرود ستایش (فرمان ایزی را) اعلام بکند
 بنابراین به او باید شیرینی سخن بخشیده شود (داده شود)
 توضیح: این پاسخ که زرتشت تنها کسی است بر زمین که میتواند فرمان ایزدی را به هم نوعش برساند از وهومن (عقل کل) هست و البته عقل باید چنین رأی بدهد

(۹) سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .
 سَوَعِ . عَجْر . دَوَس . جَارِدَسَجِي .

ترجمه : اما آنگاه روان گاو (گیتی) ناله کرد (و گفت) پس من باید این یاور کمزور را به پذیرم (یعنی) سخنان مردی بدون همت در صورتیکه من پیشوای نیرومند می خواستم. هر گاه یکی چنین پدیدخواهد شد که هست که به من یاور زیر دست خواهد آورد.

(۶) نبع . ف . واندان سنج . سندن را چا .
 سوس . واور سنج . واندان چا . واور سندن .
 چا نبع . سندن سنج . سندن چا .
 سوس . سندن سنج . سندن چا . سندن سندن .
 نبع . چا . سندن سنج . سندن چا . سندن سندن .
 واور سندن سندن سندن . سندن چا . سندن سندن .

ترجمه : پس اهورمزدا فرمود حقایق را از دانش باطنی دانسته (آیا نیست)
 (حتی) يك اهو (خداوندجان) و نه يك رتو (خداوند روان) از اشا دانسته شده !
 (که قابل بر آوردن آرزوی شما بشود) برای این چه برای شبانی و چه یاوری آفریننده تورا
 تعیین کرده .

توضیح : اهور مزدا به اشا میفرماید: تو را که شبان و یاور آفریده شدگان
 تعیین کرده ام آیا يك اهو یا رتو برای گاو (گیتی) در نظر نداری

(۷) سندن چا نبع . سندن را چا .
 سندن چا . سندن سنج . سندن چا . سندن سندن .
 سوس . سندن چا . سندن سنج . سندن چا . سندن سندن .
 سندن چا . سندن سندن سندن . سندن چا . سندن سندن .
 سندن چا . سندن سنج . سندن چا . سندن سندن .
 سندن چا . سندن سنج . سندن چا . سندن سندن .

ترجمه : این سخن مقدس نیاز اهورا هم اراده با اشا فرموده شد و مزدا
 (پیمان کرد) که از شیرینی مادر گیتی (همه نیکان را بهره مند خواهد نمود)
 (پس به وهومن متوجه شده فرمود) آیا تو کسی را در نظر داری که به
 میرندگان (آدمیزاد) یاری نماید .

(۱۴) $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$

ترجمه : مزدا (همه) نماز (التجا) را بهتر می سنجد که به راستی از زمان بسیار باستانی به او گفته شده چه از دیوان و چه از میرندگان (آدمیزاد)
 و نیز (همه نماز - درخواست) که به او گفته خواهد شد در زمان آینده تنها
 اهورا یگانه دادوراست ،
 پس باید هم چنان که او می خواهد بخواهیم و بشود .

(۱۵) $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$
 $\frac{1}{2} \left(\frac{1}{2} + \frac{1}{2} \right) = \frac{1}{2}$

ترجمه : اکنون با دست بلند کرده ما (هر دو) مهربانی اهورمزدا را
 خواستاریم - روان من و نیز روان گیتی بارور که اهورمزدا (درخواست) ما را بدهد
 و نگذارد که به جانداران نیک آزار برسد و نه هم به شبان که میان ناراستان هستند .

خورشید- شماره ۹ خواننده - ماه - خانه و غیره و غیره نامهای زیاد از آن ترکیب شده اند در فارسی گاومیش - گوسپند - گورنگ - گودرز - گاو و غیره و در زبان سنسکرت - گوپال - گووند و غیره. از گیوش اروا باروان گاو در این یسنا مقصود روان جهان تن است. در جهان پدید خواه جمادات یا نباتات یا حیوان باکرات آسمانی و ستارگان چیزی نیست که در تحت شعاع روان گاو یعنی روان جهان نباشد.

(۳) ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।
 ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ।

ترجمه : به او (یعنی اهورا) اشا پاسخ داد که نیست یاوری که آزار را (از گاومین) باز دارد. از آنان (که اکنون وجود دارند) یکی هم دانسته نشده که نیکان به همراهی او مقابل بدکیشان صف آرا شوند. از میرندگان (یعنی آدمیزاد) یکی که بسیار تواناست باید بیایم که بر دعوت او ما بشتاب (پاسخ دهیم و برویم).

توضیح: بنابر نوشته شادروان دکتر تارا پور والا پاسخ دهنده به پرسش اهورامزدا اشاست که میگوید کسی که بتواند ستم را از مادرگیتی دور کند باید مرد بسیار توانا باشد که دعوت او را همه پاسخ دهند.

برمن از همه سوخشم و تباہی و ستم، و آزار و کینه (ناخته زندگی را دشوار کرده اند)
و جز شما کسی دیگر برای من کیست که مرا نگهبانی کنید پس (برای من) پاسدار
خوب برگزینید.

توضیح: اوستاشناسان اروپا و دانشمندان زرتشتی (پارسی هند) بجای اینکه
سرودهای گاتا را از سرود ۲۸ آغاز کنند از سرود ۲۹ شروع کرده اند زیرا که در این
سرود (که به سبک نمایش گفته شده) اعلام پیغمبری حضرت زرتشت است و مطالب
۲۸ و ۳۰ آن چنانکه آقای دکتر ایرج تاراپور والا نوشته اند نزدیکتر و پیوسته تر
بهم دیگر میباشند و به این ترتیب سلسله افکار در سرود ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ بهتر
پیوسته می شود.

(۲) سوسد. ماسدس. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.
 سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد. سوسد.

ترجمه : ایدون سازنده گاو (گیتی) از اشا پرسید که تو بر گاو رتو
(یعنی پیشوا) بر میگزینی او که او را خداوند دادور و نگهبان و با دهش و پوینده
(جفاکش) که او را خداوند روشن باشد و بتواند بدکیشان و خشم کنندگان را از او
بازدارد

توضیح: کلمه گاو در زبان سنسکریت معانی زیر را دارد:
نام حیوان معروف و آنچه به آن تعلق دارد چون شیر و گوشت و چرم و غیره-
ستارگان-تازیانه برق- شعاع الماس- سخن- واژه- مادر- آب چشم- موی بدن-

آغاز سرودهای گاتا

پیش از خواندن سرود گاتائی این دعا که به نثر موزون گفته شده میخوانند:
 اندیشه وسخن و کار زرتشت پاک و پر از سعادت است
 (امیدواریم) این گاتاها را امشاسپندان به پذیرند
 و نماز میبریم بشما ای گاتاهاى پاک.
 توضیح : این دعا را دانشمندیکه سرود های گاتا را مرتب نموده از خود
 افزوده است و احتمال دارد از عصر ساسانیان باشد.

سرود ۲۹ بند نخستین

(و سسندد)س. نرسدند. ۲۹)

(۱) سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند.
 و سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند.
 سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند.
 سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند.
 سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند.
 سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند. سسنددند. نرسدند.

ترجمه : بشما روان گاو (زمین) مینالدم برای چه مرا آفریدید که مراسم ساخت

گذشته بر این هر فردی همزاد دارد و پس از مرگ همزاد او که جنبه ذهنی دارد پایدار میماندگر چه آن نیز بوقت معین نابود می‌گردد .

بنا بر اوستا روان پیش از جهان تن آفریده شده ولی قرآن تن را بر روان مقدم داشته میفرماید : چون تن بشر صورت یافت خسداوند در آن روح را دمید . درگاتا یسنای ۳۴ بند ۱۵ اشاره شده میفرماید :

ای مزدا بنا بر این به من بهترین اندیشه و سخن و کار بیاموز و اینها یقیناً به وسیله وهومن و اشا(اشتیاق) مرا به ستایش از تو نشان خواهند داد و به نیروی تو ای اهورا در زیست آینده (تو) مرا چنانکه میخواهی راست نما .

شده ولی به فرموده گاتا سرود ۴۵ بند دوم در عین آمیزش استقلال خود را از دست نمیدهند و به اندازه کاهش یا افزایش اینها دارنده بصورت مخصوص در می آید اینها منحصر به بشر نیستند بلکه در حیوان و نباتات نیز تأثیر دارند . حیوان درنده به تربیت اهلی میشود و موقتاً درندگی را فراموش میکنند یا در او تعدیل پیدا میشود ولی باطن او اصل را از دست نداده ، اگر یکی در اخلاق صدی پنجاه ست و بیست رجس و سی نمس باشد مرد نیک و فعال ولی نیکی او محدود است گونا گذشته بر سیرت صورت را نیز تغییر میدهند و اختلاف در صورت و سیرت و رفتار و کردار از آمیزش آنهاست و هر که چنین آمیزش را پذیرفت در عقیده جبری میشود مگر اینکه بگوید به تربیت و اراده قوی گونا ضعیف بلکه موقتاً نابود می گردند .

ساخت بشر

بنا بر آموزش اوستا ساخت بشر را اگر از ترکیب به مجرد بگیریم چنین می شود .

- ۱ - تنو یا تن - پیوستن عناصر مختلف که ممکن است هر آن از هم گسیخته و متلاشی و پراکنده شوند
- ۲ - گیتا یا گیتی - اعضای حیاتی
- ۳ - اروا - اعصاب
- ۴ - کرپا یا کالبد - تن لطیف
- ۵ - اشتانه نیرو یا نگهدارنده ی زندگی
- ۶ - ته وشی Teuishi نیروی اندیشه
- ۷ - روان عنصری که مظهر آن جنبش است و تن را روشن و متحرک میسازد
- ۸ - بود Baodh شعور یا اور روان
- ۹ - دای نه daena وجدان یا اور شعور یا عقل
- ۱۰ - فروشی یا فروهر - حقیقت که بسیط و مجرد است

گدمن و کامک و وخششن vaKhshisnn و کامک سوو برهفت کشورشاهی خواهند کرد و گرچه از هم دور خواهند بود ولی به نیروی روانی از هم آگاه خواهند شد سوشیوس در خوانیرس (ایران) میماند و چنانکه در جای دیگر این نامه اشاره شد ستاره دنباله دار بر زمین افتاده ، زمین را با آنچه در آن هست، نابود خواهد کرد این افسانه البته ربطی به سرودهای گاتا ندارد و من در آوردی عصر ساسانی است ولی در گاتا نام سوشینت مکرر ذکر شده از جمله در سرود ۴۸ بند ۱۲ سطر اول میفرماید :

یقیناً چنین خواهد بود نجات‌دهنده زمین‌ها و نیز در بند ۹ میفرماید:

نجات‌دهنده باید بداند چگونه برکت او جریان خواهد یافت و نیز در

سرود ۳۴ بند ۱۳ سطر سوم

آموزش نجات‌دهندگان

سوشینت نخستین خود زرتشت است و عصر زرین هم عصری است که او

آموزش خود را اعلام کرد.

گونای سه‌گانه یا کیفیات یا نفس ذهنی

بزبان سنسکرت گونا به فارسی باستان ماین‌یو بمفهوم احساس یا نفس به

عقیده حکمای هند گونا سه نوع میشوند باین ترتیب

۱- گونای «ست» راست و درست و نظم و پاکی

۲- گونای «رجس» فعال و چون به یکی از دو نفس دیگر پیوست آنرا

تقویت میکند

۳- گونای تمس (Tamas) تیرگی ، تن‌پروری ، بی‌نظمی و جهل

مقابل گونای هند قرآن مجید سه نفس دارد یکی نفس مطمئنه دوم نفس لوامه

و سوم نفس اماره و در ایران به دو محدود شده‌اند یکی نفس سپنتا یا سپنیا و دیگری

انگرا یا اهریمن . اینهاگر چه بهم می‌آمیزند و از آمیزش اینها جهان تن تشکیل

که حادثه بزرگ در پیش است، تا اینکه هوشوار فرمانروای جهان میشود و جهان پراز فراوانی و پرهیزگاری میگردد۔ از سه بهر دو بهر مردم پاکدامن میشوند و به جانوران تندبار کمتر آزار می‌رسانند .

دوم فرزند بنام هوشدار ماه ، به زبان اوستایی اخشیت نمنگهه (Ukh - shyat Namangh) او نیز در سی سال از اورمزد الهام می‌یابد و به نشان ظهور او خورشید بیست روز ساکن میماند و در زمان او مردم ستوده‌تر میشوند و زندیار شیر بیشتر میدهند. خوراک مردم کمتر و تندرستی بهتر میشود سوم فرزند بنام سوشیوس و او در سن سی سال ظهور میکند و به نشان ظهور او خورشید یکماه برجای میماند . تن سوشیوس چون خورشید روشن و چشم او بینائی شش چشم (شش جفت) را دارد. در زمان او دنیا پراز شادی و آسایش است او را چندین تن یاری خواهند کرد از جمله :

۱- اگرای رتا یا اغریرت برادر نیک افراسیاب (فرن رسین)

۲- برسدگاو

۳- ار و تدنرا Ur vatad Nara

۴- نرسی، توس، گیو، پشوتن باچترا مهر و یکصد تن دیگر.

در برخی از نوشته‌های پهلوی نام ابای رز ibai raz و اشاورزه نیز می‌یابیم که با هوارنن در خدمت کیخسرو به یاری سوشیوس میرسند برخی نوشته‌اند که یاران او پانزده تن زن و پانزده تن مرد خواهند بود. در آنوقت از دهک از بنددما و ندرها شده جهان را فاسد خواهد کرد و به فرمان اورمزد سرش و نریسوسنگ گرشاسب را از خواب طولانی بیدار خواهند کرد و او از دهک را خواهد کشت. سوشیوس و هفت تن از یاوران بنام روشن چشم - خورچشم، فروت گدمن (Fraut cadman) و وروت

بسیار درست بود ولی به نظر موبدان نادرست و ناپسندیده درآمد.
با وجود تعصب موبدان و کوشش برخی از بزرگان به دعوت کیش زرتشتی
روی هم رفته، موبدان در آن کار مسامحه میکردند و سست بودند- کیش زرتشتی در
مغرب پیشرفت کرد ولی در مشرق تا مغولستان پیش رفت.

سوشی.ینت یا نجات دهندگان

دوره‌های انتشار کیش زرتشتی در چهار دور تقسیم میشود به این ترتیب:-
۱- دوره زرین و این نخستین دوره عصر شاه ویشتاسپ است که ایرانیها تازه آموزش
مزدیسنی را پذیرفته و در کیش زرتشتی نشاط بی اندازه داشتند، و میکوشیدند که
رهبران ایرانی، در ایران و کشورهای همسایه آموزش اشائی را معرفی کنند آنچه
فردوسی توصیف از تبلیغ اسفندیار کرده از این دوره هست
۲- دوره سیمین - پس از زرتشت کم کم فساد پدید میشود و در عصر ساسانی
ایران زرتشتی هست ولی نشاط و صداقت عصر ویشتاسپی را ندارد
۳- دوره پولادین - روبه انحطاط میروند
۴- دوره آهنین - فرهنگ آریائی در انقراض دوره‌های ساسانی به نهایت
پستی رسید که هنوز ادامه دارد و زرتشتیها منتظر هستند که مانند پیش‌گویی یهود
به ظهور مسیح و مسیحیان به ظهور پدرو مسلمانان به ظهور مهدی و هندوان به ظهور
اوتار دهم دنیاها از نوبه راستی و نظم درستی تبدیل گردد و برای اینکار سه تن از
فرزندان زرتشت را در نظر دارند البته اینها فرزندان معنوی او هستند به این ترتیب:
۱- هوشوار - بزبان اوستایی اخشیتارتا (Ukshyat ereta) و اودرسن
سی سال از او رمزد الهام خواهد یافت و به نشان پدید شدن او خورشید تا ده روز
بریک جا ساکن میماند و از این تغییر بزرگ مردم نگران میشوند و منتظر میگردند

از مبلغین زرتشتی مهرنرسی وزیر بزرگ یزدگرد دوم بود فرمانی بنام پادشاه خطاب به رعایای ارمنی صادر کرد و آنها را به کیش زرتشتی دعوت نمود و هم چنین در گرجستانی و البانی (قفقاز) و دیگر ممالک کیش زرتشتی تبلیغ میشد که جواب تبلیغات کشیهای مسیحی بود و مردم مسیحی را به دین زرتشت دعوت مینمود.

بنابر نوشته آقای بدرالدین حی چینی، شاه بانوی لن تای خو (Lin - tai khou) زرتشتی شد و به پیروی او بسیاری از بزرگان چین زرتشتی شدند و آتشکدهها بنا کردند تا اینکه در سال چهارم و ته (Wu teu) که مطابق با سنه ۶۲۱ میلادی میشود، یعنی هفت سال پیش از برافتادن و کشته شدن خسرو پرویز در کشور چین به اندازه ای کثرت زرتشتیها بود که دولت چین اداره ای تشکیل داد که امور آتشکدهها را بررسی کند. بنابر تاریخ چین در آنوقت در پایتخت آن کشور که شهر (سی آن) نامیده میشد، چندین آتشکده بنا شدند یکی از آنها در جانب مغرب و جنوب «پوچن فانگ» (Puchin fang) و دومی در سمت غرب شمال در محله لی جوان فانگ (Lichuan fang) و سومی در محله بوئن فانگ (Bunin fang) و چهارمی در محله جن کوفانگ (Gan Kuo fang) و یکی در استان هونان (hunan) و نیز در شهر لیانگ چاو (Liang chau) بنابر کثرت آتشکدهها باید چندین موبدان زرتشتی به آنجا رفته باشند و بعید نیست به این مناسبت یزدگرد سوم واپسین شاه ساسانی با همراهان بجای هند به چین رفته باشد. اگر از شاهان ساسانی یکی آزاد منس و بی تعصب بود، موبدان متعصب، با او مخالفت میکردند و گاهی نوبت به خلع و زندانی شدن او میرسید - هر مزد چهارم پسر انوشیروان دو خصلت بسیار ستوده داشت و مورد وسبب تباہی اوشدند. یکی یاری و حمایت از بینوایان و زبردستان که نمی گذاشت بزرگان بر آنهاستم کنند و دیگر آزادمنشی او که با پیروان هم کیش یکسان رفتار میکرد و این برعکس سیاست پدرش بود، زیرا انوشیروان ظاهراً سخت حامی موبدان بود. هرگاه موبدان بر هر فرد ایراد گرفته گفت تخت من بر چهار پا استوار است و می باید با همه رعایا یکسان رفتار کنم و البته این اندیشه او

اواخر عصرهخامنشیان میزیست (برای تفصیل رجوع شود به تألیف نگارنده بنام ایران‌نامه، عصر اشکانیان) کلمه ابن‌الوقت یادگار عصر زروانی است. باستان‌ترین نوشته پهلوی که اکنون در دست داریم از عصر شاهپور دوم و نوشیروان است. نوشته‌های پیش از آن پراکنده در دیگر نوشته‌های اواخر عصر ساسانی و اوایل اسلام پیدا میشوند. ترجمه سرودهای به ویژه گاتا به پهلوی اکنون برای دانستن آموزش زرتشتی کمک‌بزرگی است.

انتشار و تبلیغ کیش زرتشتی

بزبان پهلوی کلمه فرورانه (EraVarana) بمفهوم تبلیغ است. وظیفه هر زرتشتی، تبلیغ دین و انتشار دادن به آموزش زرتشت است. درینسای ۴۶ در بند ۳ میفرماید:

ای مزدا! چه وقت خواهد بود که برای نگهداری از آفرینش، اشاپدید شود
چه وقت آموزش نجات دهنده خواهد درخشید
و به یآوری دانش خواهد رسید

ای اهورا! برای آموزش کیش تنها ترا برگزیده‌ام

دراین قطعه که اشاره به تبلیغ دین است، از خود زرتشت آغاز گشت. از شاهان ساسانی اردشیر بابکان و شاهپور اول و دوم تبلیغ کیش را وظیفه میدانستند. دستور آذربد وزیر شاهپور در کار تبلیغ معین پادشاه بود و مردم را به وعده و وعید به دین یهی دعوت میکرد و اگر بنده‌ی غیر زرتشتی کیش زرتشتی را می‌پذیرفت، از بندگی آزاد میشد، بگفته‌الیسوس (ELisaus) یزدگرد دوم و شاه بانوی او به نیروی شاهی ارمنیهای مسیحی را میخواستند زرتشتی بکنند آنانرا به دادن رتبه و مقام، بخشیدن مالیات و بخشش القاب تشویق میکردند الیسوس کشیش مسیحی بود و ممکن است در آنچه نوشته مبالغه کرده باشد

موبدان

رهبردینی که تدریجاً بمفهوم دانشمند در آمد. موبدانی که روحانی بودند و به امور آتشکده خدمت میکردند وظایفی داشتند، از جمله:

- ۱- نگهداشت آتش مقدس که نبایستی هرگز خاموش بشود
- ۲- تهیه هوم و نیاز نان و زمزمه و نیایش
- ۳- پاک کردن پلیدیها - بنابه دستوری که دروندیداد داده شده به اقتضای وقت و محیط گاهی

- ۴- اجرای حدود شرعی
- ۵- اجرای رسومی که در ولادت و کستی بندان بجا آورده میشوند
- ۶- رسم ازدواج
- ۷- خواندن سرود حین نماز
- ۸- تجهیز و بردن میت به دخمه و رسوم دخمه
- ۹- شرکت در رسوم سوگ و سوز
- ۱۰- ستاره شناسی و پزشکی نیز میدانستند

ترجمه و تفسیر اوستا

احتمال دارد از عصر هخامنشی و اشکانی بسبب قدامت زبان اوستائیکه در آن عصر درست بود موبدان به ترجمه و تفسیر بزبان وقت نیازمند شدند . تفاسیر گوناگون نوشته شدند بلکه نوعی از علوم کلام نیز وجود یافت و در نتیجه اختلاف در ترجمه و تفسیر، مذاهب تازه ظهور کردند . قدیمترین آنها باید عقیده زروانی باشد که بنا بر نوشته برخی از مورخین مؤسس آن دانشمندی بنام ارشاک بود که در

۱۹۶۱- از طرف دانشگاه میسور. دکترای افتخاری به استاد اهدا شد و سمت پروفیسوری در ادبیات یافت. به سال ۱۳۵۰ در اردیبهشت ماه از طرف وزارت آموزش و پرورش، يك قطعه نشان سپاس درجه يك طی تشریفاتى به استاد اهداء شد:

بلند طبعی و مناعت و صفات و سجایای استاد، برای همه آنهایی که از دور و نزدیک ایشان را می‌شناسد، قابل تقدیر است. استاد مهربان تقریباً همه آثار خود را با هزینه شخصی چاپ و منتشر کرده‌اند و برای اکثر آثار دیگری که به وسیله مؤسسات چاپ و انتشار چاپ شده حق التالیفی دریافت نکرده‌اند. اما متأسفانه ضعف فوق‌العاده در بینایی و جسم سبب شده که آثار ایشان چنانکه بایستی خوب و بی‌غلط به چاپ نرسد. استاد می‌گوید با کمال تأسف در ایران تالیف و نوشتن بسیار سهل‌تر است تا به چاپ رساندن.

تنها کتابی که برای استاد درآمدی داشته. کتابی است به انگلیسی به نام «خلاصه تعالیم اسلام»، که به دستور مهاراجه میسور به چاپ رسید و مبلغی در حدود هشت هزار روپیه به ایشان پرداخت شد. استاد با کمال بزرگواری و بلند طبعی، با آنکه خود از این وجه بی‌نیاز نبودند، آن را تماماً در اختیار دانشگاه میسور قرار دادند تا برای کمک به محصلان بی‌بضاعت مصرف شود.

- ۱۸- تاریخ ادبیات ایران در عصر سامانیان و غزنویان.
- ۱۹- تاریخ ادبیات ایران در عصر سلجوقی «زیر چاپ»
- ۲۰- تاریخ ادبیات ایران در عصر چنگیزیان.
- ۲۱- تاریخ ادبیات ایران در عصر تیمور تا نادر.
- ۲۲- تاریخ ادبیات ایران از عصر کریم خان زند تا احمدشاه.
- ۲۳- تاریخ ادبیات ایران در دوره معاصر.
- ۲۴- نغمه ایزدی - ترجمه بهگوت گیتا- همان داستان کریشناست که از متن سانسکریت مجدداً ترجمه شده.
- ۲۵- تصوف چه بود و چه باید بشود.
- ۲۶- قهرمانان ایران باستان.
- ۲۷- فرهنگ اوستا.
- ۲۸- ترجمه ریک ودا، دو کتاب مذکور با کمال تأسف مفقود شده است.
- ۲۹- ترجمه کاتها.
- ۳۰- انتخاب از مثنوی مولانا بلخی با توضیحات و یادداشت.
- ۳۱- فرهنگ لغات قرآن.
- ۳۲- خاتم النبیین- جلد اول
- ۳۳- خاتم النبیین - جلد دوم
- ۳۴- زبان و ادبیات ایران خارج از ایران.
- ۳۵- مجموعه مقالات- به انگلیسی و فارسی در مجله «ایران لیگ» و نشریه دانشگاه پنجاب و نشریه سفارت هند در تهران.

36- Out lines of islamic culture

کتاب فوق دوبار تاکنون به چاپ رسیده است.

History of persian Literature

استاد برای کتاب ارزنده «قهرمانان ایران باستان» که از شاه نامه الهام گرفته شده بود، به سال ۱۳۴۴- از طرف یونسکو به اخذ بهترین جایزه نایل آمد. به سال

چهارده

از استاد به چاپ رسیده و به همان نسبتی که چاپ شده، تقریباً آماده چاپ می‌باشد.
در این جا فهرستی از آثار چاپ شده و چاپ نشده استاد آورده می‌شود که عبارتند از:

- ۱- خود را بشناس. به سال ۱۹۱۲ در کرمانشاه چاپ شده است.
- ۲- نورآسیا «زندگی بودا» ترجمه از انگلیسی که در ایران نامه، جلد دوم مجدداً به چاپ رسیده است.
- ۳- ایران نامه ، عصر ماد و هخامنشی. در سال ۱۹۲۵ در هند به تعداد ۲۵۰ نسخه چاپ شده و هزینه آنرا مهاراجه میسور پرداخت.
- ۴- داستان گرشنا ، ترجمه بهگوت گیتاکه به وسیله آقای وحید دستگردی به چاپ رسید.
- ۵، ۶- ایران نامه «کارنامه اشکانیان» در دو جلد که توسط وزارت فرهنگ در زمان آقای اسماعیل مرآت طبق دستور نخست وزیر وقت جناب آقای علی منصور به چاپ رسید.
- ۷- چه دیدم و شنیدم - زندگی نامه استاد به قلم خودشان که هنوز به چاپ نرسیده.

۸- قصه پیروز و پروین.

- ۹- ایران نامه - جلد سوم «تاریخ ساسانیان»
- ۱۰- جامعه ایران در عصر ساسانیان.
- ۱۱- کشور داری در عصر ساسانیان.
- ۱۲- همسایگان ایران در عصر ساسانیان
- ۱۳- کیشهای ایران در عصر ساسانیان.
- ۱۴- تاریخ ادبیات ایران در عصر ساسانی.
- ۱۵- تاریخ ادبیات در عصر اوستایی.
- ۱۶- تاریخ ادبیات در عصر هخامنشی.
- ۱۷- تاریخ ادبیات ایران در عصر خلافت عرب.

کتابهایی نوشته بودند و می‌گویند هرگاه عشق و علاقه به زبان پارسی و پارسی‌نویسی نبود، ترجیح می‌دادم به اردو چیز بنویسم.

فرانسه و آلمانی را در حدی که احتیاجاً:شان در امور ترجمه و تحقیق بر طرف شود می‌دانند. از زبانهای باستان، زبان اوستایی و سنسکریت و پهلوی و فرس باستان را نیک میدانند. اغلب کتیبه‌های هخامنشی و اوستا را از حفظ هستند، ترجمه گاتاها از متن اوستایی و ترجمه کتاب «بهگوت گیتا Bhagvat Gita» از متن سنسکریت نشان تبحر ایشان در این زبانهاست.

کتاب «تاریخ ادبیات عصر هخامنشی» و نیز کتاب «تاریخ ادبیات عصر ساسانی» که همراه با مختصر گرامر این دوزبان و ترجمه‌هایی مستقیم از متون پهلوی و فرس باستان است نیز نشان کارآیی و تجربت‌شان در دوزبان است. هم‌چنین مقالات و دو کتابی که به انگلیسی نوشته‌اند، نشان‌گر آن است که در این زبان چون فارسی، چه ساده و روان می‌نویسند. زبان ژاپنی را نیز در هنگام اقامت در ژاپن فرا گرفته بودند که اکنون چندان به یاد ندارند.

برنامه منظم زندگی روزمره، در خور و خواب و کار و مطالعه و تفریح را آنقدر دقیق به مورد اجرا می‌گذارند که گاه به سرحد وسواس می‌رسد. هر کار و عملی، زمان معین و دقیقی دارد، که به هیچ وجه ترك نمی‌شود. در این مورد، آدمی امانوئل کانت را به یاد می‌آورد. بالفرض هرگاه استاد عصرها از خانه برای قدم زدن خارج شود، اطرافیان می‌فهمند که درست رأس ساعت چهار است و سایر امور نیز از همین دست می‌باشد.

در بسیاری اوقات، با علاقه، اوستا و قرآن را با آواز مخصوص و قرائت ویژه تلاوت می‌کنند و لذت می‌برند. در برنامه غذایی، کم خوراکی را پیشه ساخته و بسیار کم خوراک می‌باشند. از دارو و پزشک‌گریزان بوده و تاکنون به ندرت اتفاق افتاده که درگیر دارو و درمان واقع شوند.

از هر فرصتی برای تحقیق و تألیف بهره‌بری می‌کنند و تاکنون آثار فراوانی

است، به ویژه که کسانی چون دکتر تارا پور والا و دکتر انکلسر یا کاملاً در کار آن نظارت داشته‌اند.

هم‌چنین در همین ایام بود که ترجمه فرهنگ اوستایی بارتولومه را نیز با راهنمایی و همکاری استادان مذکور به فارسی برگرداند. دو گنجینه‌ی که جایشان در زبان فارسی بسیار خالی است؛ و در همین دوران بود که یادداشت‌هایی فراوان در باره تاریخ و فرهنگ ایران باستان تهیه می‌کردند و جلد اول مجموعه ایران‌نامه که راجع به تاریخ ایران باستان است در همین دوران به چاپ رسید.

در سال ۱۹۴۰- استاد از دانشگاه میسور، درخواست استعفا کرد. خواست‌شان آن بود که بازنشسته‌شونده‌خستگی از سویی و گرفتاریهای خانوادگی از دیگر سو، انگیزه این کناره‌گیری بود. دانشگاه موافقت کرد. استاد به ایران آمد و مدت چهار سال یعنی تا ۱۹۴۴ در ایران ماند.

در سال ۱۹۴۵- دانشگاه پنجاب در لاهور از ایشان درخواست کرد که به سمت استاد در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پنجاب بکار پردازد. این کار تا سال ۱۹۵۰ به طول انجامید. اما ضعف فوق‌العاده در بینایی و آب مروارید، کهولت سن که وجود ایشان را ناتوان ساخته بود، موجب شد که از کار کناره‌گیرند.

از سال ۱۹۵۰- استاد دیگر تدریس نکرده و تاکنون به کار تحقیق و تألیف پرداخته. دامنه معلومات ایشان بسیار وسیع و عمیق است. اما دویار و دومعشوق جدا نشدنی دارند که اوستا و قرآن است. اغلب عمر استاد صرف تحقیق و ترجمه و واژه‌شناسی و لغت‌نویسی و تفسیر این دو کتاب دینی شد. بهترین گفت‌وگو و بحث برای استاد هنگامی است که از این دو اثر بزرگ سخن به میان باشد، و قسمت اعظم این هر دو کتاب را از حفظ هستند و کتابهایی که در این دوزمینه نوشته‌اند حاکی از شور و شوقی شگرف می‌باشد.

پروفسور شوشتی در زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، اردو بسیار مسلط و ورزیده هستند. آن‌چنان در اردو چیره می‌باشند که آرزو می‌کنند کاش به این زبان

لندن رهسپار شد. این سفر وی را خسته و کسل کرد. اندوهمند و گمگشته بود. دیری در لندن نپایید، به پاریس رفت. سال ۱۹۰۶ بود. چند ماهی در فرانسه برای بازرگانان هندی کار کرد و معاش خود را تأمین نمود. اما آشفته بود و بی‌قرار. با یکی از دوستانش به نام «همبانو» به سویس و از آنجا به رم رفت و مدتی در این شهر و ناپل به سر برد. اوقات استاد در ایتالیا اغلب به گردش و مشاهده آثار تاریخی مصروف می‌شد. در رم نسبت به آثار «ماتسینی» میهن پرست مشهور ایتالیایی کشش فوق العاده‌یی پیدا کرده و به مطالعه آنها پرداخت.

دیگر خسته شده بود. دلش هوای مشرق زمین و دیدار عزیزان داشت. به کشتی نشست و راهی بغداد شد. مدتی در کاظمین میهمان خویشان بود. سپس به سال ۱۹۰۸ راهی ایران شد و در کرمانشاه اقامت گزید. خویشان و اقوام تشویقش کردند تا همسری بگزیند. به همین جهت با دختر عمویش «مریم» ازدواج کرد و به عراق برگشت و در کاظمین در مدرسه اخوت به سمت معلم مشغول کار شد.

پس از ده سال که استاد در عراق و ایران به سر برد، به سال ۱۹۱۹ به هندوستان مراجعت کرد. در این هنگام دانشگاه میسور به استاد نیازمند بود و آقای شوشتری به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی استخدام شده و شروع به کار کرد. مدت بیست و پنج سال سرگرم تدریس بود. در اثر علاقه شدیدی که به فرهنگ ایران باستان داشت در ایام تعطیلات تابستانی دانشگاه به بهیئتی مسافرت می‌کرد و در محضر استادانی بزرگ و مسلم چون: بهرام‌گور انکلسریا، دکتر ایرج تاراپوروالا، آقاسای پونیگر، رستم دابر، جمشید - جی، مدی شمس‌العلما، حمشید بلسارا و پروفیسور وادیابا به تکمیل معلومات خود در زبان و فرهنگ اوستایی می‌پرداخت. از این میان با پروفیسور وادیابا دوستی محکم و استواری داشت و برای این دانشمند به نام ارزش ویژه‌یی قایل بود.

بارهنمایی و همفکری چنین استادانی بود که ترجمه‌یی بسیار منقح و خوب از گاتها، سرودهای زرتشت به فارسی فراهم آورد. ترجمه و تحقیقی که بسیار عالمانه

رگسن دلبستگی عمیقی به فلسفه و آیین هندوی به ویژه ودانتیزم و آیین بودایی داشت، طبع انزواکناره‌گزینی از اجتماع و فراهم کردن خلوتی برای دوربودن از گیرودار و هیاهوی زندگی، وی را وادار کرده بود که قطعه زمین وسیعی به مساحت ۵۰۰ جریب خریده و چون «روبنسن کروزو» زندگی کند.

رگسن و همسرش تنها بودند و فرزندى نداشتند. چون نجابت و علوطبع و پاکیزه‌خویی آقای شوشتري در وی مؤثری واقع شده بود، از وی دعوت کرد که در صورت تمایل می‌تواند به آنها پیوسته و در آن زمین زندگی کند.

استاد پیشنهادش را پذیرفت. اما تنهایی و خلوت و تهی بودن زندگی در چنان زمین وسیعی، موجب شد که بیش از يك ماه دوام نیاورده به همین جهت از دوستش خداحافظی کرد و قصد سانفرانسیسکو را کرد.

بایستی برای تأمین معاش کاری پیدا می‌کرد. پس در کارخانه‌یی برایش کاری پیدا شد و مشغول شد. چند ماهی در این شهر بزرگ زندگی بی دغدغه و آرامی را سپری ساخت. اما وقوع يك زلزله شدید روزی وی را که خواب بود هراسان بیدار کرد. این زلزله که فقط پنج دقیقه دوام داشت، يك سوم سانفرانسیسکو را ویران ساخت.

پس از این شهر نیز دل بریده و به شیکاگورفت. در شیکاگو نیز آرامشی پیدا نکرد و دلبستگی برایش فراهم نشد. از این روی دوباره به نیویورک برگشت. در نیویورک با عده‌یی از کسانی که بعدها جزو مشاهیر و رجال امریکا شدند آشنایی پیدا کرد. در همین دوران بود که با پروفیسور ویلیام جکسون و دستوردالا آشنایی یافت. جکسون که اطلاعات و معلومات وی را درباره ایران سنجیده بود، پیشنهاد کرد که رساله‌یی درباره ایران بنویسد. گویا در این زمان بود که شرار پنهان در وجودش يك باره زبانه کشید و در پرتو آن مصمم شد تا راهی را ادامه دهد. دریافت که این بی-قراری و عدم دلبستگی به کار درینگه دنیا چیست. وی به مشرق زمین تعلق داشت و بایستی رخت بدانسوی می‌کشید.

اما با این حال، سیاحت و جهانگردی پایان نیافته بود. بار سفر بست و به

دکتر ویتی کمب از صراحت کلام و سادگی بی‌پیرایه آقای شوشتری که نشانی از اعتماد به نفس و بزرگ منشی داشت خوشش آمده و وی را به عنوان دانش‌جو می‌پذیرد که در ایام فراغت به کار و اموردانشکده سرگرم باشد. پس در این دانشکده آقای شوشتری برای گرفتن درجه «B.A» به تحصیل می‌پردازد. برای تحصیل دروس: شیمی، گیاه‌شناسی، باکترولوژی، رسم، زبان آلمانی و تاریخ را انتخاب می‌کند. از ساعت پنج صبح تا ده شب، بی‌وقفه و با پشتکار به فعالیت می‌پرداخت. کوشش می‌کرد که هم به کار برسد و هم از تحصیل غافل نماند. در ضمن درس، متوجه شد که در شیمی استعداد چندانی نداشته و در عوض به باکترولوژی بسیار علاقه مند است. به همین جهت نیروی خود را بر آموختن این علم هرچه بیشتر متمرکز ساخت.

در باکترولوژی به کسب نمرات قابل توجهی نایل آمد. همین امر موجب شد که خود را برای تحصیل در دانش پزشکی آماده نماید. این مسئله را با استاد خود آقای «پروفسور پرنو» در میان نهاد. اما این استاد که از ذوق شاگرد خود آگاهی داشت، وی را منصرف ساخت و اندرز داد بهتر این است که دنبال رشته‌ی بروی که قلباً بدان علاقه واقعی داری.

این راهنمایی و اندرز بسیار در آقای شوشتری مؤثر واقع شد. با خود خلوت کرد تا دریابد به چه رشته و چه دانشی دلبستگی دارد. آنگاه دریافت که علاقه‌نهایی‌اش به ادبیات و تاریخ و فرهنگ ایران است؛ و از همین هنگام بود که بسا پشت‌کار و علاقه همت‌گماشت و عمر خود را وقف تحصیل در تاریخ و فرهنگ و ادب ایران کرد. اینک از آن ایام درست هفتاد سال می‌گذرد و استاد همچنان با همت و علاقه کار خود را دنبال می‌کند.

باری، چند سال در آن دانشکده به تحصیل سرگرم بود و کار می‌کرد اما در نهادش شور و بی‌قراری وجود داشت. هنوز به آنچه که می‌خواست دست نیافته بود. در همین دوران عازم نیویورک شد و با مردی به نام «رگسن» آشنایی یافت.

چنانکه اشاره شد، روزگار رقم زده بود که آقای شوشتری مدتی هم چنان در سیر و سفر باشد. عده‌یی از دوستانش در ژاپن مصمم بودند که به امریکا عزیمت کنند. ایشان نیز بر این عزم شدند که راهی امریکا گردند و به تحصیل پردازند. اما مشکل بزرگ آن بود که پولی در بساط نبود و خرج و هزینه سفر نداشتند. مناعت طبع و بزرگ منشی به ایشان اجازه نمی‌داد که از عمو و یا کسی دیگر چیزی دریافت کنند. از همین روی مدت شش ماه کار کرده و صرفه‌جویی و پس‌انداز نمود تا سرانجام هزینه سفر را فراهم کرد.

بنگه دنیا را در پیش داشت با دلی پر شور و پر امید و آرزو. به کشتی نشست و سفر دریایی مجدداً آغاز شد، اما این بار آن سختی‌ها و نارسا‌حتی‌ها وجود نداشت. عاقبت در بندر «پورت‌لند» پیاده شد. اندوخته‌یی بسیار ناچیز برایش باقیمانده بود. مجبور بود باکمال قناعت و صرفه‌جویی زندگی کند تا شاید موفق شود کاری بیابد. در این ایام که فوق‌العاده از لحاظ معیشت نگران بود و کار نیز نمی‌یافت یکی از دوستان وی خبر کرد که در یک دانشکده کشاورزی که در یکی از شهرهای کوچک «اوربگون» واقع است دانشجو می‌پذیرند، دانشجویی که در ضمن تحصیل کار هم می‌تواند انجام دهد.

آقای شوشتری که رو به امید یافته بود، بدون اتلاف وقت عازم آن شهر شد. رئیس دانشکده مزبور، مردی بود به نام «دکترویتی کمب». هنگامی که موفق شد دانشکده را بیابد، در حالی که نگران بود و حالت بیم و امید داشت، زنگ دانشکده را به صدا درآورد. پس از مدتی در باز شد و مردی در حالی که چارویی دسته بلند به دست داشت با فروتنی و مهربانی پرسید: «چه خدمتی می‌توانم برای شما انجام دهم؟» این مرد در حقیقت رئیس دانشکده بود. آقای شوشتری در پاسخ، با نهایت صراحت و روشنی گفت: «من از ایران آمده‌ام و می‌خواهم تحصیل کنم، اما نه پولی دارم و نه کسی هست که هزینه تحصیل مرا به‌پردازد. به‌همین جهت می‌خواهم در این جا هم تحصیل کنم و هم کار تا مخارجم تأمین شود.»

رقم زده بود که مدتی به سیروسیاحت به‌پردازد و تجربه و دانش بیندوزد. عمویش در ژاپن تجارت می‌کرد و آقای علیرضا شوشتری نام داشت. طی نامه‌یی به برادر زاده خود اطلاع داد که هرگاه مایل باشد، وسایل سفروی را به ژاپن فراهم کند تا در تجارتخانه وی به کار مشغول گردد.

این دعوت و فراخوانی مورد قبول آقای شوشتری واقع شد و درحقیقت از آن استقبال نیز کرد، چون هم فال بود و هم تماشا. هم کاری برایش فراهم بود و هم به سیر و سفر می‌پرداخت.

به سال ۱۹۰۳ میلادی، از راه دریا عازم ژاپن شد. سالهای ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ را در ژاپن بود. کار می‌کرد و سیاحت و از کار دانش اندوزی غفلت نمی‌ورزید. هر چند سفر دریایی طولانی و درازمدت بود و به وی سخت‌گذشت، اما در عوض، مدت اقامت دو ساله در ژاپن، دوران بسیار خوشی بود. استاد از این دوران با خوشی و شادمانی یاد می‌کند. مردم ژاپن را بسیار فعال و پرکار و میهن‌پرست و دلیر و رزم‌آور و دانش‌پرور توصیف می‌نماید. مدت دو سال چنان از محبت و پذیرائی و صفات نیک مردم این سرزمین برخوردار شد که اینک پس از هفتاد سال، به روشنی آن دوران خوش را به یاد می‌آورد.

در ژاپن، با مرحوم میرزا علی‌اصغر خان اتابک (امین‌السلطان) و مرحوم مخبرالسلطنه آشنا شد. مرحوم اتابک ایشان را تشویق کرد تا به امریکا رفته و به تحصیل ادامه دهد و پس از آن به ایران برگردد تا مصدرکاری سزاوار شود. در آن هنگام میان روسیه و ژاپن جنگ درگرفته بود و درباره این جنگ، روزنامه‌ها گزارش‌ها و مقالاتی مصور به چاپ می‌رساندند. آقای شوشتری از موقعیت بهره گرفت و اندیشید چه بهتر که به عنوان يك خبرنگار جنگی شروع به کار کند. به همین جهت سلسله مقالاتی به فارسی نوشت و به تدریج به کلکته فرستاد تا در روزنامه «جبل‌المثین» به چاپ رسد. در واقع وی نخستین خبرنگار جنگی ایرانی بود که گزارش‌های جنگ را برای چاپ به کلکته ارسال می‌داشت.

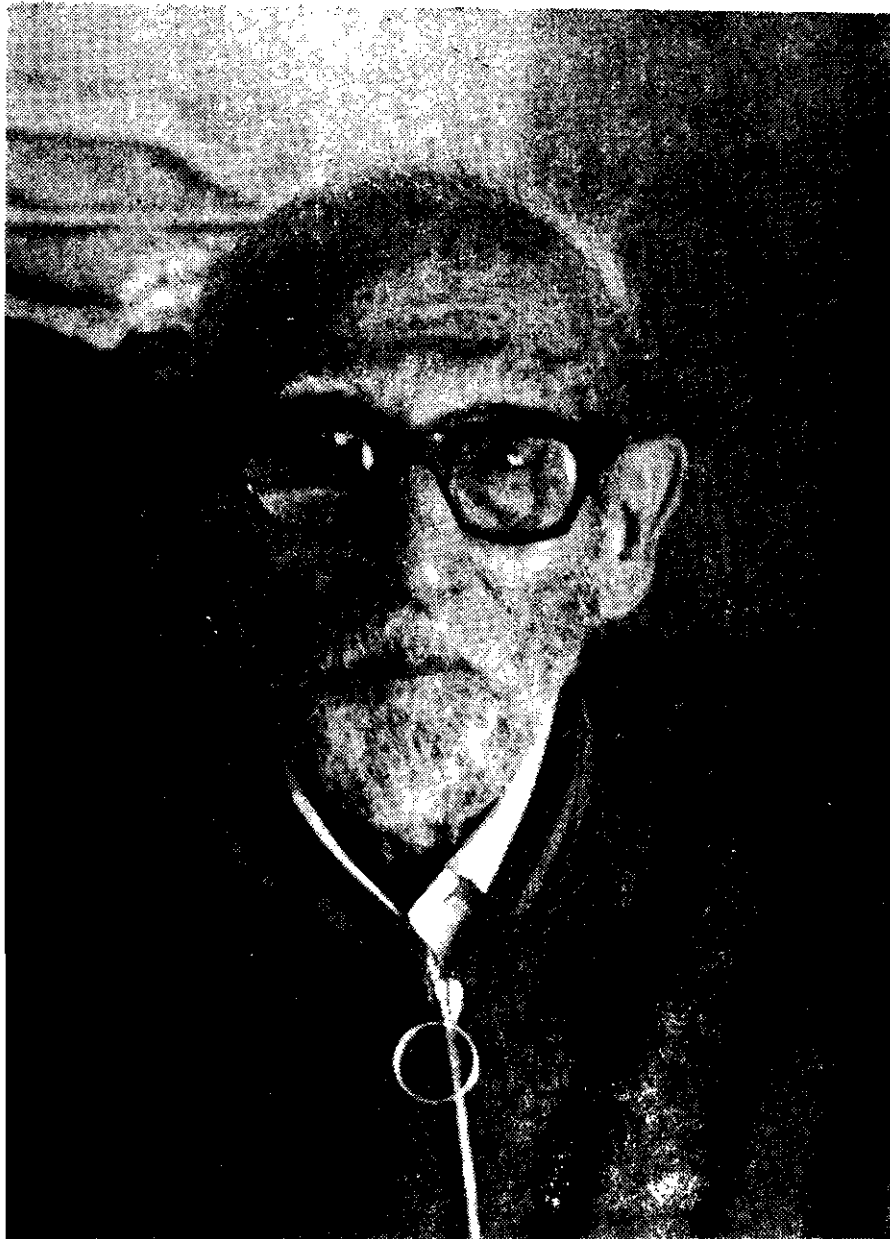
زندگی نامه استاد

محمد عباس شوشتری «مهرین» روزجمعه هشتم ذی‌الحجه سال ۱۲۹۸ قمری در حیدرآباد (دکن) از پدر و مادری ایرانی متولد شد. پدرش محمدعلی و شاعر بود که تخلص «حزین» را برای خود برگزیده بود. محمدعلی حزین مردی فاضل و دانشمند و شاعری خوش ذوق بود. مجموعه‌یی از اشعار وی تحت عنوان «ناله حزین» در هندوستان به چاپ رسیده است.

به سال ۱۳۱۱، یعنی در سیزده سالگی، آقای شوشتری به اتفاق پدر به شهر «پونه» که نزدیک بمبئی بود رفت و در يك دبستان به تحصیل پرداخت. اما حادثه‌یی پیش آمد و دو سال در تحصیل وقفه حاصل شد. لیکن پس از این دو سال، در شهر بنگلور، به مدرسه «سن پاتریک» رفته و به ادامه درس مشغول شد.

تند ذهن بود. بسیار زود در می‌یافت. امین و مورد اعتماد بود. به همین جهت یکی از بازرگانان ایرانی به نام آقای محمد علی شیرازی از وی درخواست کرد تا به «مدراس» رفته و در تجارتخانه ایشان به کار پردازد.

در تجارتخانه مذکور مدت چندماه به کار پرداخت و بیش از حد مورد توجه از لحاظ امانت و درستی و صداقت قرار گرفت. اما حادثه‌یی روی داد. دست روزگار



پروفیسور عباس شوشتری «مہرین»



سروری) بانو همایون رشید



رستم برزوی سروری

اهورا مزدا را سپاس و ستایش که آرزوی دیرینم برآورده شد و برگردان پارسی گاتها از دانشمند بلند پایه پروفیسور عباس شوشتری (مهرین) به زیور چاپ آراسته گشت. دیرزمانی در این اندیشه بودم که بشود این گوهر تابناک نیز در کنار دیگر برگردان های پارسی گاتها جای گیرد و نور افشانی کند. این سخن را با آقای رستم برزو سروری در میان نهادم و ایشان با گشاده روئی هزینه چاپ آنرا پذیرفتند. رستم برزو سروری که این کار نیک و جاودانی را بادهش خود از آرزو به کار برآوردند، به سال ۱۲۷۴ در یزد دنیا آمده در دبیرستان کیخسروی یزد نزد شادروان ماسترخدا بخش و دیگر آموزگاران آموزش دیده و از آن پس در یزد و کرمان به پیشه بازرگانی پرداختند و به سال ۱۳۰۰ با دختری خود همایون رشید پیمان همسری بستند. رستم سروری با آنکه از توانگران نیستند خوی بی نیازی دارند و در نیکوکاری و داد و دهش و دستگیری مستمندان پیش گام بوده به اندازه توانائی چیزی فرو گزار نکرده اند. تندرستی و دیر زیوی ایشان و همسر گرامی شان را از خداوند خواستارم

زبان سپاس من و همکیشان و دوستانان فرهنگ ایران از پایمردی و مهربانی و گذشت استاد بزرگوار پروفیسور عباس شوشتری (مهرین) دوست چهل ساله که همیشه از خوان دانش گسترده ایشان بهره ها برده ایم کوتاه است از درگاه خدای بزرگ آرمان دارم تندرست و شاد کام باشند.

تهران شهریور ۱۳۵۴

دکتر فریدون ورجاوند

گاتاها

سرودهای زرتشت

ترجمه متن اوستایی گاتاها با تفسیر و واژه‌نامه

پروفیسور عباس شوشتری
مهرین

از بودجه سرمایه جاویدان
بنامگانه روانشاد فریدون
اشتری (خسروی) نوبت دوم
توسط سازمان انتشارات
فروهر به چاپ رسیده است.

اوستا. یسنا. گاهان. فارسی گاتها: سرودهای زرتشت ترجمه متن اوستایی گاتها با تفسیر و واژه‌نامه / عباس شوشتری مهرین. - [تهران]: فروهر، ۱۳۷۸. پانزده [۳۰۶] ص: عکس.	فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا. چاپ دوم.
ISBN 964-6320-08-2	۱- اوستا. یسنا. گاهان. فارسی. ۲. شعر اوستایی - ترجمه شده به فارسی. الف، مهرین، عباس، ۱۳۵۹ - ب. عنوان. ج. عنوان: سرودهای زرتشت: ترجمه متن اوستایی گاتها با تفسیر و واژه‌نامه.
۲۹۵/۸۲	PIR۴۳۳
۱۳۷۸ الف	کتابخانه ملی ایران
۱۲۵۷۹ - ۷۸ م	



موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر

گاتها (سرودهای) زرتشت

موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

خیابان انقلاب - فلسطین جنوبی - شماره ۶

کدپستی ۱۳۱۵۷ - تلفن ۶۴۶۲۷۰۴

برگردان به فارسی: پروفسور عباس شوشتری (مهرین)

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: شرکت چاپ خواجه

چاپ دوم: ۱۳۷۹

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

I.S.B.N: 964 - 6320 - 08 - 2 شابک ۹۶۴-۶۳۲۰-۰۸-۲